



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی و تخصصی

ارزیابی تأثیرات اجتماعی

شماره اول، بهار ۱۳۹۹

صاحب امتیاز:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

غلامرضا اسکندریان
عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

حسین ایمانی جاجرمی
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیات علمی دانشگاه تهران

هادی برغمندی
دکترای جامعه‌شناسی؛ مدیر مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی
جهاد دانشگاهی

سلیمان پاک سرشت
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

محمدجواد چیت‌ساز
عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

فردین علیخواه
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیات علمی دانشگاه گیلان

محمد فاضلی
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

ایرج فیضی
دکترای جامعه‌شناسی؛ عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

ایرج قاسمی
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری؛ عضو هیات علمی جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول
سردبیر
ویراستار ادبی
مترجم
مدیر اجرایی
طراح و حروف‌چین

ایرج فیضی
هادی برغمندی
وحید تقی‌نژاد
فرید ناهید
مریم پایه
منصور ندیری

این نشریه به استناد مجوز ۱۹۰۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۴/۳ امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارای درجه علمی تخصصی است.

این فصلنامه در پایگاه

اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (www.sid.ir)،
بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.com)،
بانک اطلاعات نشریات سیویلیکا (www.civilica.com)،
پایگاه مجلات تخصصی نور (www.noormags.com)
و برخی پایگاه‌های دیگر نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ابوریحان،
خیابان شهید وحید نظری، شماره ۴۷

صندوق پستی: ۱۳۱۶-۱۳۱۴۵

کد پستی: ۱۳۱۵۶۸۶۱۵۱

تلفن: ۶۶۴۹۷۵۶۱-۲

نمابر: ۶۶۴۹۲۱۲۹

نشانی اینترنتی: sia.ihss.acecr@gmail.com

پایگاه اینترنتی: sia.ihss.ac.ir

فرایند چاپ: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
جهاد دانشگاهی

قیمت: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

فصلنامه علمی و تخصصی ارزیابی تاثیرات اجتماعی به عنوان تنها نشریه فعال حال حاضر در حوزه مطالعات ارزیابی تاثیرات اجتماعی در کشور وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی (مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تاثیرات اجتماعی) با هدف کمک به ارتقاء سطح علمی فعالان این حوزه، انتقال دانش موجود و حرکت در راستای مدیریت دانش در حوزه ارزیابی تاثیرات اجتماعی، ایجاد ارتباط علمی میان پژوهشگران و متخصصان حوزه ارزیابی تاثیرات اجتماعی، ایجاد تعامل بین رشته ای به عنوان یکی از ضرورت های مطالعات ارزیابی تاثیرات، ایجاد تعامل بین فعالیت های علمی و فعالیت های کاربری (پیوند علم و صنعت)، ایجاد شبکه اجتماعی میان پژوهشگران، متخصصان و علاقه مندان به حوزه ارزیابی تاثیرات اجتماعی، آمادگی خود را جهت دریافت و چاپ مقالات در حوزه ارزیابی تاثیرات اجتماعی سیاست ها، برنامه ها، طرح ها و پروژه ها اعلام نموده و از پژوهشگران، متخصصان، کارشناسان و علاقمندان به این حوزه دعوت می نماید مقالات خود را در قالب شرایط بیان شده تدوین و برای این فصلنامه به نشانی اینترنتی sia.ihss.acecr@gmail.com ارسال نمایند.

راهنمای تدوین مقالات فصلنامه علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی

مطالب مورد پذیرش در فصلنامه را می توان به چند دسته تقسیم نمود.

۱. مقالات علمی حاصل از پژوهش

این دست از مقالات می تواند حاصل یک طرح پژوهشی در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی باشد که به ارزیابی تأثیرات اجتماعی یک سیاست، برنامه، طرح یا پروژه اقدام نموده است. در این نوع از مقالات ساختار کلی شباهت فراوانی به مقالات علمی (پژوهشی و یا ترویجی) داشته و بنابراین بر اساس شرایط زیر باید تدوین گردد:

شرایط ارسال مقاله:

- * مقاله به زبان فارسی بوده و قبلاً در نشریه دیگری پذیرش یا چاپ نشده باشد.
- * مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارد، نویسنده مسئول مشخص و ترتیب همکاری نویسندگان تعیین شود.
- * مسئولیت صحت مندرجات مقاله به عهده نویسنده یا نویسندگان به طور عموم و نویسنده مسئول به طور خاص است.
- * مرکز نشریات پژوهشگاه در ویرایش مقالات آزاد است.

نحوه ارائه مقاله:

- * مقاله علمی - تخصصی شامل عنوان، چکیده مقاله، واژگان کلیدی، مقدمه، ادبیات نظری، روش پژوهش، تجزیه و تحلیل، نتیجه گیری، منابع و چکیده انگلیسی است.
- * چکیده مقاله شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله شامل بیان مسئله، هدف، ماهیت و چگونگی پژوهش، نکته های مهم نتیجه و بحث است. تعداد کلمات چکیده بین ۲۵۰-۱۵۰ کلمه و واژگان کلیدی (۵ واژه) از کلی به جزئی مرتب شوند.
- * مقدمه مقاله بیانگر مسئله پژوهش، اهمیت و ضرورت و هدف های پژوهش است.
- * ادبیات نظری می تواند شامل پیشینه پژوهش، بسط مفاهیم مرتبط و بیان نظریه های مرتبط و به کار رفته در مقاله باشد.
- * روش پژوهش بیانگر چگونگی و فرایند انجام پژوهش است. رویکرد پژوهش، روش های گردآوری اطلاعات، جامعه آماری و روش های نمونه گیری ...
- * داده ها و نتیجه های به دست آمده به گونه ای منطقی و مفید ارائه شود و به این منظور می توان از دیگر راه های ارائه مانند جدول، نمودار و تصویر به صورت سیاه و سفید و در ابعاد مناسب نشریه استفاده نمود.
- * فهرست منابع به ترتیب الفبایی نام افراد تنظیم شود. ابتدا منابع فارسی و سپس منابع انگلیسی درج گردد.
- * فایل های مقاله با دو فرمت Word و PDF تهیه و ارسال شود.
- * فونت مطالب مقالات B Nazanin و سایز آن ۱۳ باشد.

نحوه تنظیم فایل های ارسالی مقاله:

- * مقالات ارسالی بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ واژه باشد.
- * در ترکیبات، فعل‌ها یا کلمات چندجزئی فاصله بین حروف با نیم فاصله باشد.
- * قبل از علائم نگارشی مانند نقطه، ویرگول و... از فاصله استفاده نشود. پس از علائم مذکور یک فاصله مورد نیاز است.
- * در متن مقالات تنها معادل انگلیسی اصطلاحات در باورقی درج شود و نکات توضیحی دیگر در پی نوشت انتهای مقاله آورده شود.
- * منحنی‌ها، شکل‌ها و جدول‌ها همراه با عناوین آن در وسط صفحه قرار گرفته و به ترتیب شماره گذاری شود.
- * عنوان منحنی‌ها، شکل‌ها و جدول‌ها در بالای آن و مآخذ آن‌ها در پایین آن‌ها ذکر شود.
- * ارجاعات متن مقاله داخل کمان و به این شیوه تهیه شود: (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۳۵). شیوه ارجاع به منابعی که بیش از دو نفر نویسنده دارند نیز به این صورت خواهد بود: (اسمیت و همکاران، ۱۹۷۴: ۲۲). البته در نخستین ارجاع نام خانوادگی همکاران بیان گردد.
- * در فهرست منابع پایان مقاله به شیوه زیر عمل شود:
- مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). نام مقاله. نام مترجم. نام نشریه، دوره یا سال، شماره، صفحه شروع و پایان مقاله در نشریه.
- کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان کتاب. نام مترجم. شماره مجلد. محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.
- ارجاع اینترنتی: نام خانوادگی، نام (ماه و سال برداشت از اینترنت). عنوان سند. نام پایگاه اینترنتی. تاریخ سند. نشانی اینترنتی.

۲. ملاحظات نظری و روشی

این نوع از مقالات می‌تواند حاصل مطالعات اسنادی، تحلیل و یا کشف روش‌ها، فنون و ابتکاراتی باشد که یک پژوهشگر در فرآیند انجام مطالعات مربوط به حوزه ارزیابی تأثیرات به آن‌ها رسیده است و به اشتراک گذاری آن با سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه می‌تواند بر دانش آن‌ها در این حوزه بیفزاید و یا در موارد مشابه به آن‌ها کمک نماید. در این نوع مقالات محدودیت تعداد صفحه وجود نداشته و تنها رعایت نکات صوری (فونت و سایز و...) کفایت خواهد نمود.

۳. ترجمه

با توجه به آنکه یکی از هدف‌های اصلی فصلنامه ترویج مفاهیم مرتبط با حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و آشنایی با آخرین روش‌ها و ملاحظات نظری این حوزه از علوم اجتماعی است، نشریه آمادگی دارد تا ترجمه‌های صورت گرفته از مقالات مرتبط با حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی را نیز در فصلنامه به چاپ برساند. مترجمان گرامی علاوه بر ارسال ترجمه، اصل مقاله را نیز باید برای فصلنامه ارسال نمایند.

صفحه || عنوان

۶ سخن سردبیر

مقالات

- ۱۱ طراحی مدل ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری
اسماعیل جهانی دولت‌آباد، رحمان جهانی دولت‌آباد
- ۴۱ تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی احداث پارکینگ
طبقاتی میدان شهید باقری
عادل عبدلهی
- ۶۳ ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث مراکز ورزشی
(مطالعه موردی: احداث مجموعه ورزشی نارمک)
معصومه محقق منتظری

ترجمه‌ها

- ۸۹ چارچوبی برای ترکیب ارزیابی تأثیر اجتماعی و ارزیابی ریسک
مترجم: فرید ناهید
- ۱۱۳ تحول دستورالعمل‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی در بستر
سیاستی موجود
مترجم: شهربانو ناصر

گفتگو

- ۱۳۹ سیستم‌ها در ایران یادگیری ندارند
پویا علاءالدینی / گفت‌وگو: شیده لالمی

گزارش نشست

- ۱۵۳ کندوکاوی در ماهیت خیابان لاله‌زار و پیامدهای اجتماعی احیای آن
وحید خاکدان

از زمانی که برای نخستین بار و به واسطه تصویب قانون سیاست‌های ملی محیط‌زیستی (۱۹۶۹) آمریکا، ارزیابی تأثیرات اجتماعی به منزله حوزه‌ای مشخص مطرح شد بیش از نیم قرن می‌گذرد. در این دوره این مفهوم فراز و نشیب‌های فراوانی داشته و علاوه بر پیشرفت‌های نظری و روشی، در برخی موارد توانسته است به الزامی قانونی تبدیل شده و در بسیاری از کشورها بدون انجام آن هیچ سیاست، برنامه، طرح یا پروژه‌ای مجوز اجرا نخواهد داشت.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) که در برخی متون داخلی به برآورد پیامدهای اجتماعی نیز ترجمه شده است دارای تعریف‌های متعددی است. هر یک از تعریف‌های موجود با توجه به نگاه نظری و تجربیات نویسنده بر یک یا چند بعد ارزیابی تأثیرات اجتماعی تأکید کرده است. اما آنچه می‌توان از مجموع این تعاریف به دست آورد آن است که اتا مطالعه‌ای است بین رشته‌ای با محوریت علوم اجتماعی که در تلاش است به شناسایی، تحلیل و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته؛ مثبت و منفی؛ و آشکار و پنهان اجرای یک سیاست، برنامه، طرح و یا پروژه پرداخته و از این مسیر تلاش کند تا با ارائه پیشنهادهایی کاربردی در قالب نظامی تحت عنوان کاربست به کاهش پیامدهای منفی و افزایش پیامدهای مثبت اجتماعی این اقدام کمک نماید.

در مطالعات اتا آنچه محوریت داشته و دارد تمرکز و توجه به تغییراتی است به نسبت پایدار که ممکن است یک اقدام توسعه‌ای (خواه یک سیاست، برنامه، طرح یا پروژه) بر کیفیت زندگی شهروندان ایجاد نماید. بنابراین آنچه در این مطالعات دارای اهمیت است محوریت انسان و تمرکز بر بهروزی او در اقدامات انجام شده است. هرچند برخی از اندیشمندان با تمرکز بر مفهومی تحت عنوان «صداهای خاموش» معتقدند اتا به طور خاص باید به شنیده شدن این صداها کمک نماید. زنان، کودکان، معلولان و سالمندانی که کمتر از سایر گروه‌های انسانی توان اعلام نظرات و تاثیرگذاری بر روند اجرای یک اقدام توسعه‌ای را دارند.

از دیگر نکات قابل اشاره در اتا، آینده نگری آن است. آنچه در این مطالعات بر آن تاکید می‌شود آن است که پیش از اجرای هر اقدام توسعه‌ای مناسب‌ترین زمان برای اجرای اتا است، تا از این مسیر بتواند با ارائه پیشنهادهایی اجتنابی، تعدیلی و یا جبرانی پس از ترسیم آینده جامعه تحت تاثیر به واسطه اجرای اقدام، به مجریان کمک نماید تا کمترین پیامدهای اجتماعی را برای جامعه ایجاد نمایند.

بین رشته‌ای بودن اتا با محوریت علوم اجتماعی از دیگر مواردی است که در این مطالعات مورد تاکید است. در اتا قرار است پیامدهای اجتماعی یک سیاست، برنامه، طرح و یا پروژه سنجیده شود و نه پیامدهای اقتصادی، سیاسی و... (البته پیوستگی، در هم تنیدگی و چندوجهی بودن پدیده‌های اجتماعی را نیز نباید فراموش کرد). بنابراین محوریت علوم اجتماعی امری است اجتناب ناپذیر. هر چند به دلیل درهم تنیدگی مسایل اجتماعی با مسایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، در سطحی پایین تر ترافیکی، عمرانی و... پژوهشگر اتا لازم است از همکاران سایر حوزه‌ها (بسته به موضوع مورد بررسی) نیز استفاده نموده، و تا عمق معینی در خصوص سایر پیامدهایی که در نگاه نخست اجتماعی به نظر نمی‌رسند نیز واکاوی انجام دهد. توان پژوهشگر برای نمایش ارتباط و همبستگی این متغیرهای به ظاهر غیر اجتماعی با متغیرهای اجتماعی از جمله مواردی است که می‌تواند به تحقق جایگاه متخصصان حوزه علوم اجتماعی به طور عام و پژوهشگران اتا به طور خاص در بدنه‌ی اجرایی و سیاست‌گذاری کشور کمک نماید.

اتا در فرایند یک تصمیم از مرحله تصمیم‌سازی تا مرحله تصمیم‌گیری و اجرا حضور دارد. به همین دلیل است که اتا را می‌توان در سه شکل پیش‌از اجرا، حین اجرا و پس از اجرا انجام داد. هرچند بهینه‌ترین شکل آن است که پژوهشگر اتا در تمام فرایند یک اقدام توسعه‌ای حضور داشته باشد. به این معنا که پیش از تصمیم‌گیری در خصوص یک سیاست، برنامه، طرح یا پروژه اتا پیامدهای اجرای آن اقدام را بررسی و به تصمیم‌گیران اعلام نماید و در مرحله بعد در حین اجرای اقدام به بررسی پیامدهایی که ممکن است پیش‌تر از آن غفلت شده، پرداخته و با ارائه راه‌کارهایی به کاهش پیامدهای منفی، و در مواردی به افزایش پیامدهای مثبت کمک نماید. در انتها نیز (پس از اجرای اقدام) پیامدها را شناسایی و راه‌کارهایی عملیاتی به مجریان اقدام ارائه نماید.

حضور این مفهوم در ادبیات علمی و پژوهشی کشور به پیش از انقلاب و محدود طرح‌های ارزیابی تاثیرات اجتماعی در حوزه نفت و انرژی و سدسازی باز می‌گردد. اما در ادبیات حاکمیتی و پس از انقلاب می‌توان به دیدار رهبری و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه سال ۱۳۸۶ اشاره نمود که در این دیدار رهبری لزوم اجرای پیوست فرهنگی برای طرح‌های گوناگون و به ویژه طرح‌های پولی و مالی و عمرانی را بیان نمودند. هر چند از نظر بنیان‌های نظری و روشی میان پیوست فرهنگی و پیوست اجتماعی و مقدم بر آن میان مفهوم «پیوست» و «ارزیابی» نیز تفاوت‌هایی وجود دارد، با این وجود از منظر تاریخی و سیاست‌گذاری می‌توان آن را نخستین توجه و تمرکز به این حوزه قلمداد نمود.

پس از آن نیز در نخستین بند سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰ - ۱۳۹۴) و به طور خاص ماده دو قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف به اجرای پیوست‌های فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید بوده است.

از دیگر اشارات موجود به این مفهوم در اسناد فرادستی می‌توان به بند دوم ماده ۸۰ برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶ - ۱۴۰۰) نیز اشاره نمود که در آن دولت مکلف به تهیه و تدوین پیوست‌هایی در طراحی کلیه برنامه‌های کلان توسعه، ملی و بومی با توجه به آثار محیطی آن‌ها و به منظور کنترل

آثار یادشده و پیشگیری از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی شده است که مقرر شده است آیین‌نامه‌ای اجرایی نیز توسط سازمان امور اجتماعی وزارت کشور و شورای اجتماعی کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران برسد. در این راستا نیز جلساتی در این سازمان تشکیل و پیش‌نویس آیین‌نامه تهیه اما تا کنون به تصویب و ابلاغ نرسیده است.

از جمله سازمان‌هایی که بر این مفهوم متمرکز و در راستای اجرای آن اقداماتی را انجام داده است می‌توان از شهرداری تهران نام برد که در سال ۱۳۸۶ از سوی شورای شهر تهران موظف شد تا برای تمامی طرح‌ها و پروژه‌های شهری مطالعاتی اجتماعی در کنار سایر مطالعات فنی، زیست‌محیطی، اقتصادی و... انجام دهد. براین مبنا نیز اداره‌ای با عنوان پیوست اجتماعی در نخستین سال‌ها و اداره ارزیابی تأثیرات اجتماعی در سال‌های بعد تشکیل و اقدام به برگزاری همایش‌ها، دوره‌های آموزشی، تالیف کتاب و ترجمه متون مرتبط کرده و حاصل آن نیز بیش از ۸۰۰ طرح ارزیابی تأثیرات اجتماعی مربوط به طرح‌ها و پروژه‌های شهری در این مدت بوده است.

انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز از جمله نهادهایی بوده است که در این خصوص اقدام به تشکیل گروه علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی نموده و در سال‌های گذشته توانسته است با بهره‌گیری از توان علمی و اجرایی اعضای خود نشست‌های تخصصی فراوانی را در مسائل مرتبط با این حوزه اجرا نماید.

در نهایت نیز مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی وابسته به پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی تشکیل تا با توجه به اهمیت و ضرورت پرداختن به مفهوم ارزیابی تأثیرات اجتماعی و عملیاتی کردن آن در لایه‌های اجرایی و مدیریتی کشور، با همکاری سایر نهادهای و سازمان‌های مرتبط به این حوزه به برگزاری کارگاه‌های آموزشی (در تهران، همدان، کرج و...)، برگزاری نشست‌های تخصصی در خصوص پروژه‌ها و طرح‌های شهری، برگزاری حلقه کتابخوانی با محوریت ارزیابی تأثیرات اجتماعی، راه‌اندازی سایت اینترنتی به منظور ایجاد شبکه اجتماعی فعالان حوزه اتا و تولید و گسترش دانش در گستره علمی و

اجرایی کشور و در نهایت تولید فصلنامه‌ای تخصصی در این حوزه اقدام نموده است و امیدوار است تا از این مسیر بتوان بر اهمیت این حوزه مطالعاتی در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور تاکید، و توان علمی و اجرایی فعالان این حوزه را ارتقاء داده و لزوم انجام مطالعات ارزیابی تاثیرات اجتماعی در سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها را به مدیران ارشد و میانی اجرایی کشور گوشزد نموده و به عنوان همکار در اجرای این برنامه‌ها یاری‌رسان نهادهای برنامه‌ریزی و اجرایی کشور باشد. از سوی دیگر نیز این مرکز در تلاش است تا با برگزاری برنامه‌هایی عمومی و تولید محتواهایی به زبان ساده برای عموم شهروندان، این مطالعات را به مطالبه‌ای عمومی تبدیل نموده تا از این طریق شهروندان، کانون توجه تمامی اقدامات توسعه‌ای قرار گیرند.

همان‌طور که اشاره شد، فصلنامه علمی و تخصصی ارزیابی تاثیرات اجتماعی در تلاش است تا با بهره‌مندی از توان فعالان این حوزه (اساتید دانشگاهی، پژوهشگران، مدیران و کارشناسان مرتبط با این حوزه) مرجعی را بنیان نهد تا در آینده بتواند به تعمیق و گسترش این مفهوم در فضای علمی و عمومی کشور کمک نماید. در پایان از تمامی علاقمندان خواهشمند است با تدوین مقاله، ترجمه مطالب مرتبط، معرفی و نقد کتاب، تدوین گزارش نشست‌ها و برنامه‌های مربوط به این حوزه و... به همکاران این نشریه در ادامه این مسیر کمک نموده تا از این طریق بتوان بر محوریت انسان در اقدام‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای بیش از پیش تاکید نمود.

هادی برغم‌دی

فروردین ۱۳۹۹

مقالات

* طراحی مدل ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری

اسماعیل جهانی دولت‌آباد، رحمان جهانی دولت‌آباد

* تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری

عادل عبدالهی

* ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث مراکز ورزشی (مطالعه موردی: احداث مجموعه ورزشی نارمک)

معصومه محقق منتظری

طراحی مدل ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری

اسماعیل جهانی دولت‌آباد^۱، رحمان جهانی دولت‌آباد^۲

۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران؛ sml.jahani@gmail.com

۲. دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

نوشتار حاضر با ایجاد تمایز بین پروژه‌ها و طرح‌های شهری، بر این نکته تأکید دارد که طرح‌های شهری به دلیل فقدان مدل‌های ارزیابی عملکرد تعریف شده و نیز دشواری ارزیابی عملکرد آنها در مقایسه با پروژه‌های شهری، کمتر و به سختی در معرض ارزیابی عملکرد واقعی قرار می‌گیرند. این در حالی است که بسیاری از این طرح‌ها به شدت نیازمند بررسی، مطالعه و ارزیابی دقیق‌اند. بر همین اساس در مطالعه حاضر سعی کرده‌ایم تا با الهام از رویکردهای نظری موجود و نیز بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه، الگویی نظری - روشی برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری ارائه دهیم. مدل پیشنهادی ما در بعد نظری، عملکرد طرح‌های شهری را با سنجش سه شاخص اصلی شامل اثربخشی، توجه‌پذیری و پایداری نتایج قابل ارزیابی می‌داند که هر کدام از این شاخص‌ها از روند سنجش و ارزیابی متفاوتی پیروی می‌کنند. مدل یادشده، ریشه‌ها و علل موفقیت یا عدم موفقیت طرح‌ها را در سه حوزه سیاست‌گذاری، اجرا و مشارکت جست‌وجو می‌کند و نظام کاربردی برآمده از آن مبتنی بر دو مکانیسم اصلی رویکردی و ساختاری است. مدل پیشنهادی این مطالعه در بعد روشی نیز فرایندی شش مرحله‌ای را برای اجرای مدل نظری یادشده در میدان پژوهش طراحی و ارائه می‌کند که پژوهشگران این حوزه را قادر می‌سازد تا با گذر از این مراحل به برآیندی از عملکرد طرح‌های شهری مورد مطالعه‌شان دست یابند و با شناخت ریشه‌های موفقیت/عدم موفقیت این طرح‌ها، پیشنهادها عینی و عملی برای بهبود عملکرد این طرح‌ها ارائه نمایند. امید است مدل پیشنهادی این مطالعه دست‌کم با ارائه خطوط کلی پژوهش در زمینه ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری، کمکی هرچند اندک برای پژوهشگران این حوزه فراهم نماید.

واژگان کلیدی: طرح‌های شهری، ارزیابی عملکرد، اثربخشی و بهبود عملکرد.

شهرهای امروزی سالیانه میزبان اقدامات مداخله‌ای گسترده‌ای هستند که در قالب طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون از سوی سازمان‌های مختلف به مرحله اجرا درمی‌آید. تجربه نشان می‌دهد که در بیشتر این اقدامات، در کنار تمام آثار مثبت، همواره وجود برخی از مشکلات به‌ویژه مشکلاتی که در برقراری ارتباط با مردم و جلب مشارکت ایشان به وجود می‌آید، موجبات نارضایتی بخشی از جمعیت را فراهم می‌آورد و موفقیت طرح‌های یادشده را با چالش‌هایی اساسی مواجه می‌سازد. بنابراین آنچه ارزیابی چنین اقداماتی را ضروری می‌سازد این است که نحوه اجرای اقدامات یادشده، خود ممکن است در شرایطی در قالب یک مسئله متبلور شده، پیامدهای مثبت پیش‌بینی شده را به همراه نداشته و حتی به برخی پیامدهای نامطلوب نیز منجر گردد.

البته اینجا لازم است به این نکته اشاره کنیم که هرچند تمام اقدامات مداخله‌ای که در سطح شهرها به انجام می‌رسد، عامل تغییر محسوب می‌شوند، همه آنها از ماهیت یکسانی برخوردار نیستند و در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دو دسته از این اقدامات را از هم متمایز نمود. دسته اول اقداماتی هستند که خروجی آنها یک «محصول» مشخص است. به عبارت بهتر، با اجرای این دسته از اقدامات، چیزی ساخته و به شهر اضافه می‌شود. برای مثال، اقداماتی مانند احداث بیمارستان، پل، تونل، بزرگراه و... که در نتیجه آن محصولی جدید تولید می‌شود، جزء این دسته از اقدامات مداخله‌ای در شهرها محسوب می‌شود که معمولاً با عنوان «پروژه شهری» از آنها یاد می‌شود.

اما دسته دوم به اقداماتی اشاره دارد که محصولی تولید نمی‌کنند، بلکه قرار است اجرای آن، «نتیجه»‌ای در برداشته باشد. اقداماتی مانند جمع‌آوری زباله‌ها، مبارزه با جانوران مضر شهری، حمایت از مدارس، سامان‌دهی مشاغل و... که انتظار می‌رود با اجرای آن، نتیجه‌ای برای بخشی از شهروندان یا تمامی آنها حاصل شود. این اقدامات در دسته دوم جای می‌گیرند که معمولاً از اصطلاح «طرح شهری» برای اشاره به آنها استفاده می‌شود (خرمی‌راد، ۱۳۹۳: ۱).

در این معنی، مثلاً ساخت یک بزرگراه بسیار عظیم، هرچند مستلزم سرمایه‌گذاری بسیار هنگفتی است، پروژه شهری محسوب می‌شود، ولی اقدامات مربوط به تزئین و نورپردازی شهر برای مناسبتی خاص، حتی اگر مستلزم سرمایه‌گذاری بسیار کمتر از احداث بزرگراه باشد، طرحی شهری قلمداد می‌گردد. بنابراین تفاوت اصلی پروژه و طرح را در این جمله می‌توان خلاصه نمود که: پروژه محصول به وجود می‌آورد و طرح، نتیجه.

البته همین تفاوت، مجموعه‌ای از تفاوت‌های دیگر را نیز بین این دو نوع اقدام مداخله‌ای پدید می‌آورد. برای مثال، محصول نهایی پروژه‌ها معمولاً به صورت کامل از قبل مشخص و تعیین شده است، در حالی که نتیجه طرح‌ها از تعیین شدگی و وضوح کمتری برخوردار است. مهم‌تر از آن اینکه اندازه‌گیری و سنجش میزان موفقیت پروژه‌ها به مراتب آسان‌تر از سنجش میزان کامیابی طرح‌ها در دستیابی به اهداف تعیین شده‌شان است. به عبارت ساده‌تر، ارزیابی نتیجه بسیار دشوارتر از ارزیابی محصول است. بدیهی است که اندازه‌گیری میزان موفقیت مجریان احداث یک پل یا یک تونل در نقطه‌ای از شهر، آسان‌تر و دقیق‌تر از اندازه‌گیری میزان موفقیت مجریان یک طرح آموزشی در کل مدارس شهر است.

بر همین اساس در بحث ارزیابی عملکرد اقدامات مداخله‌ای در شهرها همواره شاهد این هستیم که پروژه‌های شهری، ابزار و مدل‌های ارزیابی عینی و دقیق‌تری در مقایسه با طرح‌های شهری دارند. به عبارت بهتر، هرچند در اغلب موارد سازمان‌های مجری طرح‌های شهری از برخی مکانیسم‌های ارزیابی عملکرد بهره می‌برند و گزارش‌های ارزیابی عملکرد این طرح‌ها معمولاً در آرشیو اسناد این سازمان‌ها قابل دسترسی‌اند، نگاهی اجمالی به این گزارش‌ها حاکی از آن است که بخش اعظم آنها در واقع گزارش‌های باب میل مدیران و کاملاً معطوف به اهداف سازمانی است. همچنان که حتی اقداماتی که عدم موفقیت آنها در دستیابی به اهداف تعیین شده برای عموم مردم محرز شده است، نیز دارای گزارش‌های عملکرد موفق در سازمان‌های مربوط هستند.

برای مثال، جهانی دولت‌آباد و جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۵) در ارزیابی طرح کنترل و مبارزه با جانوران مضر شهری، که سازمان شهرداری تهران انجام می‌دهد، به این نتیجه رسیده‌اند که این طرح به‌رغم هزینه‌های هنگفتی که سالیانه صرف آن می‌شود، نه تنها به نتایج مورد انتظار دست نیافته است، بلکه برخی پیامدهای منفی پنهان را نیز پدید آورده است. با این حال گزارش‌های عملکردی که در سازمان مربوط تهیه شده است، تصویر کاملاً متفاوتی از عملکرد طرح را به نمایش می‌گذارد. بخشی از علل این تناقضات، همان‌طور که اشاره شد، به فقدان مدل‌های ارزیابی عملکرد مطلوب در زمینه طرح‌های شهری مربوط است، اما بخش دیگر به دشواری ارزیابی طرح‌ها بازمی‌گردد. فرایند اجرا و نیز پیامدهای طرح‌های شهری از نظر ماهیت با پروژه‌های شهری که در زمان و مکان مشخصی اجرا می‌شوند، متفاوتند. این طرح‌ها معمولاً شامل اقداماتی گسترده در سطح شهر هستند که اجرای آن اصطلاحاً با تداوم زمانی و مکانی همراه است. بنابراین دامنه

نتایج آنها نیز گسترده، متعدد و پراکنده است. این مسئله، ارزیابی میزان موفقیت طرح‌ها در دستیابی به نتایج تعیین شده را با دشواری‌های اساسی روبه‌رو می‌کند. همین ماهیت غیر متمرکز بودن اقدامات در طرح‌های شهری، آنها را با مسائلی مواجه می‌سازد که از نظر ماهیت با مسائل پیش روی پروژه‌های شهری متفاوت است. یکی از این مسائل که اغلب در ارزیابی‌های معمول این طرح‌ها از آن غفلت می‌شود، بحث عدالت توزیعی است. با نگاهی اجمالی به طرح‌هایی که در سطح شهرها به مرحله اجرا درمی‌آید، متوجه خواهیم شد که اکثریت قریب به اتفاق این طرح‌ها ماهیت خدماتی یا حمایتی دارند که در جریان اجرای آن، خدمت یا حمایت خاصی بین بخشی از شهروندان یا تمامی آنها توزیع می‌شود. بنابراین طرح‌های شهری هم قابلیت حرکت به سمت کاهش نابرابری دارند و هم می‌توانند در شرایطی منجر به افزایش شکاف و نابرابری در بین بخش‌های مختلف جامعه گردند. این نابرابری می‌تواند در اشکال مختلف از جمله نابرابری میان شمال و جنوب یا به تعبیری بین مناطق مختلف شهرداری، نابرابری جنسیتی، نابرابری آموزشی، نابرابری در فرصت‌ها و... خود را نشان دهد.

مصادق بارز این مسئله را می‌توان در نتایج ارزیابی عملکرد طرح سامان‌دهی مراکز فروش پرندگان زینتی که در سال ۱۳۹۰ در تهران اجرا شد، مشاهده نمود. این طرح با هدف جمع‌آوری تمام پرندفروشی‌ها از سطح شهر تهران و سامان‌دهی آنها در یک مرکز فروش پرنده در خارج از محدوده شهر به مرحله اجرا درآمد. اما نه تنها اهداف اصلی طرح، اعم از کاهش خطر شیوع آنفولانزای مرغی، جلوگیری از قاچاق حیوانات، کاهش آسیب‌های اجتماعی در محدوده خیابان مولوی و... محقق نشد، بلکه به دلیل برخوردهای تبعیض‌آمیز با پرندفروش‌ها، موجبات رونق کسب و کار بخشی از آنها را به قیمت از بین رفتن کسب و کار بخشی دیگر فراهم آورده و نارضایتی گسترده‌ای را در بین اهالی این صنف ایجاد نمود (۱) (ر.ک: جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۰).

بحث بعدی، مسئله توجیه‌پذیری طرح‌های شهری از منظر اقتصادی است. یک طرح ممکن است اثربخش بوده، آثار مثبت آن نیز کاملاً ملموس باشد، اما این تنها یکی از معیارهای موفقیت محسوب می‌شود؛ زیرا این معیار تنها به یک سمت ماجرا (ستانده‌ها) معطوف است و سمت دیگر (داده‌ها) را از قلم می‌اندازد. آنچه در اینجا اهمیت دارد، بحث سود و هزینه است. به عبارت دیگر، صرفاً اثربخش بودن یک طرح برای موفقیت آن کافی نیست و پرسش مهم دیگری که مطرح می‌شود این است که تأثیر یادشده (سود) با چه بهایی (هزینه) به دست آمده است؟ و آیا این سود کسب‌شده با هزینه‌هایی که برای تحقق آن صرف شده

است، تناسب دارد یا خیر؟ معمولاً پاسخ به چنین پرسشی درباره طرح‌های شهری، به دلایلی که در بالا اشاره شد، بسیار دشوارتر از پروژه‌های شهری است. چون در اغلب موارد، هزینه‌های صرف شده برای این طرح‌ها مشخص و یا دست کم قابل محاسبه است، اما محاسبه سودی که از آنها حاصل می‌شود، بسیار سخت و دشوار به نظر می‌رسد. همین امر منجر به آن می‌شود که در ارزیابی عملکرد بسیاری از این طرح‌ها، بحث توجیه‌پذیری اقتصادی اقدامات مورد غفلت قرار گیرد.

آنچه را تا اینجا ذکر کردیم، اینگونه می‌توان خلاصه نمود که طرح‌های شهری به دلیل ماهیت متفاوتی که در مقایسه با پروژه‌های شهری دارند، کمتر و به سختی در معرض ارزیابی عملکرد واقعی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین دلایل این مسئله را باید در دو مقوله «دشواری ارزیابی طرح‌های شهری» و «فقدان مدل‌های ارزیابی عملکرد تعریف شده» در این حوزه جست‌وجو نمود. این در حالی است که بسیاری از این طرح‌ها به شدت نیازمند بررسی، مطالعه و ارزیابی دقیق‌اند. مطالعه‌ای که نحوه اجرا و عملکرد این طرح‌ها را در سطوح مختلف سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، اجرا و مشارکت بررسی کند، نقاط ضعف و قوت آن را آشکار سازد و در نهایت راه کارهایی در جهت بهبود عملکرد آن ارائه نماید.

بر همین اساس در مطالعه حاضر قصد داریم تا با الهام از رویکردهای نظری موجود و نیز بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه، الگوی نظری - روشی برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری ارائه دهیم.

به واسطه تجربه قریب به ده سال فعالیت پژوهشی در این حوزه، بر این عقیده‌ایم که طرح‌های شهری فارغ از تفاوت‌های موضوعی و فنی که بین آنها وجود دارد، ساختار نسبتاً مشابهی دارند. بنابراین طراحی مدلی که ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های یادشده بتواند خطوط کلی پژوهش در این حوزه را ترسیم نموده، پژوهشگران این عرصه را در ارزیابی و بهبود عملکرد این طرح‌ها یاری نماید، امری دور از دسترس نخواهد بود. مقاله حاضر تلاشی است در جهت نیل به این هدف.

بررسی و نقد مطالعات پیشین

در این بخش قصد داریم تا برای آشنایی بیشتر با ادبیات موضوع، مروری بر مطالعات مرتبط با آن داشته باشیم. نتیجه جست‌وجوهای ما حاکی از آن است که مطالعات انجام شده در این حوزه را می‌توان به طور کلی در سه گروه متفاوت دسته‌بندی نمود: گروه اول، مطالعات مربوط به ارزیابی عملکرد سازمانی است. در این حوزه، مدل‌های مختلفی برای ارزیابی عملکرد سازمان‌ها ارائه شده است که از آن جمله

می‌توان به مدل مدیریت کیفیت ایزو (ISO) (Sumaedi & Yarmen, 2015)، مدل هرم عملکرد (کریمی، ۱۳۸۵)، مدل کارت امتیازی متوازن (BSC) (آذر و فضلی، ۱۳۸۱)، مدل مدوری و استیبل (کریمی، ۱۳۸۵)، روش تحلیل ذی‌نفعان (Freeman, 1984)، مدل مدیریت بر مبنای هد (MBO) (خویباری، ۱۳۸۳)، مدل مالکوم بالدريج (خدیوی و دیگران، ۱۳۹۲)، مدل تعالی سازمان (EFQM) (حسن‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱) و... اشاره کرد.

دسته دوم از مطالعات به پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ارزیابی عملکرد پروژه‌های شهری مربوط است که در این حوزه نیز هرچند به اندازه حوزه قبلی، مدل‌های ارزیابی عملکرد تعریف شده ارائه نشده است، برحسب نوع و ماهیت پروژه‌ها، کم و بیش شاخص‌ها و رویه‌های مشخصی برای ارزیابی عملکرد آنها تدوین شده است.

و بالاخره دسته سوم از مطالعات، که در ادبیات موضوع حائز اهمیت ویژه هستند، مطالعاتی را شامل می‌شود که به ارزیابی عملکرد طرح‌های شهری پرداخته‌اند. با توجه به ارتباط مستقیم مطالعه حاضر با این دسته از مطالعات، در ادامه چند نمونه از آنها را بررسی می‌کنیم.

از بین تحقیقاتی که درباره ارزیابی طرح‌های شهری می‌تواند در این مطالعه مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد، می‌توان به مطالعه غیاث‌وند (۱۳۹۴) با عنوان «آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران؛ آثار و پیامدها (مطالعه تجربی اثربخشی طرح شهردار مدرسه)» اشاره کرد. این مطالعه، یکی از پژوهش‌های قابل توجهی است که با هدف ارزیابی عملکرد طرح شهردار مدرسه به اجرا درآمده است. روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع ارزشیابی است و جامعه آماری آن را کلیه دانش‌آموزان شهردار مدرسه، والدینشان و مدیران مدارس در مناطق ۲۲ گانه شهرداری در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ تشکیل می‌دهد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار «پرسشنامه» استفاده شده و مفاهیم و متغیرها با بهره‌گیری از روش اعتبار صوری و اعتبار نمونه‌گیری (منطقی) معتبر شده است. غیاث‌وند در نهایت درباره پیامدها و آثار طرح شهردار مدرسه بر دانش‌آموزان، چنین قضاوت می‌کند که بیشترین تأثیر طرح شهردار مدرسه در افزایش احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نیز افزایش علاقه و تعلق نسبت به محیط مدرسه است و در مقابل، عملکرد طرح در مواردی از قبیل افزایش مشارکت جمعی در بین دانش‌آموزان، افزایش آموزش و آگاهی‌بخشی به سایر دانش‌آموزان مدرسه و نیز بهبود وضعیت تحصیلی شهرداران مدرسه نامطلوب است.

یکی دیگر از طرح‌های شهری که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران مختلف بوده است، طرح مسکن مهر است. خلیلی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راه کارهایی برای بهبود آن» به ارزیابی عملکرد این طرح پرداخته‌اند. آنها در این مقاله تلاش کرده‌اند تا با مطالعه و ارزیابی طرح مسکن مهر در ایران، نقاط ضعف آن را دریافته و راه کارهایی برای رفع آنها و تدوین شرایط مسکن مطلوب ارائه دهند. برای دستیابی به این مهم، ابتدا با مطالعه ویژگی‌های مسکن ایران و جهان، ۳۶ شاخص برای آن استخراج کرده‌اند و سپس این شاخص‌ها را به کمک روش تحلیل عاملی به نه عامل تقییل داده و درجه تأثیرگذاری هر عامل را بر سیاست‌های مسکن مهر مشخص کرده‌اند. در گام بعدی به کمک تحلیل رگرسیونی، اثر عوامل مربوط اندازه‌گیری شده و درجه اهمیت هر کدام محاسبه شده است. سپس اولویت اصلاح سیاست‌ها با توجه به این رتبه‌بندی تعیین شده است. نتایج به دست آمده گویای این است که عامل «طراحی و ساخت مسکن و محیط پیرامونی» در اولویت نخست، عامل «مکان و موقعیت» در اولویت دوم، «تسهیلات و خدمات» در اولویت سوم، «اندازه واحدهای مسکونی» اولویت چهارم، «پوشش گروه‌های نیازمند» اولویت پنجم، «توجیه اقتصادی» اولویت ششم، «تراکم» اولویت هفتم، «تأسیسات و تجهیزات زیربنایی» اولویت هشتم و «فضای شهری» در اولویت نهم اصلاحات قرار دارند. در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده، راه کارهایی از قبیل بهبود وضعیت ساخت واحدهای مسکونی و نوع مصالح مورد استفاده، نظارت بر عملکرد پیمانکاران، تعیین کارپری‌های آموزشی، بهداشتی، اداری و تجاری در پروژه‌های مسکن مهر و... برای ارتقای پروژه‌های مسکن مهر تدوین شده است.

در مطالعه دیگری که به ارزیابی یکی دیگر از طرح‌های شهری پرداخته است، ربیع‌پور و میارنعمی (۱۳۹۴) سعی کرده‌اند تا طرح شهر دوستدار کودک را با استفاده از مدل SWOT تحلیل و ارزیابی کنند. مورد مطالعه آنها، منطقه ۵ تهران بوده و روش تحقیقشان از نوع توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تطبیقی گزارش شده است. نتایج بررسی‌های این محققان نشان داده است که کودک تهرانی به دلیل معماری خاص شهری و در کنار آن تربیت‌های خاص، کمترین میزان تعامل و برخورد را با اطرافیان دارد و متأثر از بی‌نظمی معماری شهری و فشارهای روانی حاصل از آن، دچار مشکلات عدیده‌ای است. پروژه شهر دوست‌دار کودک می‌تواند در بهبود این وضعیت، نقش بسزایی ایفا کند. بخش دیگری از نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که برای خلق شهرهای دوستدار

کودک، چهار برنامه اصلی شامل ایمنی، فضای سبز، دسترسی و مشارکت باید در اولویت برنامه‌ریزان قرار بگیرد، اما در عمل، محدودیت‌هایی درباره برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک وجود دارد که مهم‌ترین آنها، تنوع زیاد در اولویت‌ها و نیازهای کودکان در شهرهای بزرگ و فقدان برنامه‌ریزی صحیح برای شناسایی، دسته‌بندی و تحقق این اولویت‌هاست.

در مطالعه دیگری با عنوان «ارزیابی عملکرد طرح تحول نظام سلامت در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان آذربایجان غربی»، نبی‌لو و همکاران (۱۳۹۵) تلاش کرده‌اند تا از طریق مقایسه عملکرد بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، در دو دوره پیش و پس از استقرار طرح تحول، عملکرد طرح یادشده را ارزیابی کنند. این مطالعه از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ انجام گرفته است و طی آن سعی شده است که کارایی فنی، مقیاس و مدیریتی طرح از طریق نرم‌افزار Win Deap 2,1 محاسبه شود. نتایج مطالعه حاکی از آن است که طرح تحول سلامت در میزان کارایی فنی، مدیریتی و مقیاس تأثیر گذاشته و منجر به بهبود عملکرد بیمارستان‌ها شده است. پیش از استقرار طرح، ۲۱/۷۴ درصد از بیمارستان‌ها به صورت غیر کارا فعالیت نموده‌اند؛ در حالی که پس از اجرای طرح، این میزان به ۸/۷ درصد کاهش یافته است. ضمناً پس از اجرای طرح تحول سلامت، عملکرد برخی بیمارستان‌ها کاهش یافته است. به طور کلی پس از اجرای طرح تحول سلامت و کاهش هزینه‌های درمانی، بیمارستان‌های کشور با افزایش مراجعه بیماران و ضریب اشغال تخت مواجه هستند. تأمین نشدن امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز متناسب با افزایش بار مراجعات برای ارائه مراقبت‌ها از شایع‌ترین علل کاهش کارایی در بیمارستان‌های ناکارا بوده است.

اما یکی از طرح‌هایی که با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی و به‌ویژه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی به اجرا گذاشته شد، طرح هادی روستایی است. پورطاهری و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی عملکرد طرح‌های هادی روستایی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای نبوت و خوران شهرستان ایوانغرب)» به ارزیابی عملکرد این طرح پرداخته‌اند. هرچند این طرح در زمره طرح‌های شهری محسوب نمی‌شود، با توجه به شباهت مکانیسم اجرایی آن با بسیاری از طرح‌های شهری، بررسی آن در این مطالعه خالی از لطف نخواهد بود. هدف پژوهش یادشده، ارزیابی عملکرد طرح‌های هادی روستایی در دو روستای نبوت و خوران از توابع شهرستان ایوانغرب استان ایلام است. جامعه نمونه شامل ۲۹۰

نفر از اهالی و ساکنان روستاهای مورد مطالعه بوده که برای تعیین حجم نمونه آن از جدول نمونه‌گیری کرجسی و مرگان استفاده شده است. برای ارزیابی عملکرد اجرای طرح‌های هادی در توسعه کالبدی روستاهای مورد بررسی از دو روش آماری مقایسه میانگین‌ها و آزمون ناپارامتریک ویلکاکسون مبتنی بر نگرش‌سنجی از جامعه نمونه در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح استفاده شده است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که اجرای طرح هادی روستایی در دو روستا در رسیدن به اهداف کالبدی مانند بهبود کیفیت معابر و جدول‌ها، کانال‌های کشاورزی، بهبود وضعیت مسکن و ساخت‌وسازها موفق بوده، ولی با توجه به نتایج آزمون ویلکاکسون، طرح هادی روستایی نتوانسته است تغییر مثبتی در بهبود وضعیت خدمات روستایی نسبت به دوره قبل ایجاد کند.

یکی دیگر از طرح‌های شهری که در تهران و برخی از استان‌های دیگر به مرحله اجرا درآمده و مطالعاتی نیز درباره ارزیابی عملکرد آن انجام گرفته است، طرح مدارس هوشمند است. در همین راستا، عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی استقرار مدارس هوشمند در دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز» به بررسی آمادگی دبیرستان‌های دخترانه اهواز برای استقرار مدارس هوشمند پرداختند. برای این منظور سعی کرده‌اند تا در قالب یک مطالعه امکان‌سنجی، دیدگاه‌های معلمان و مدیران مدارس را نسبت به وضعیت این مدارس در چارچوب مؤلفه‌های نگرش، دانش، مهارت معلمان و مدیران و منابع مالی، زیرساخت و تجهیزات، فرهنگ و عملکرد اداری مدرسه بررسی کنند. روش انجام این پژوهش از نوع ترکیبی (کمی و کیفی) بوده و جامعه آماری تحقیق را معلمان و مدیران دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز تشکیل داده است که از این بین، صد نفر از معلمان و هشت نفر از مدیران ناحیه ۱ اهواز به عنوان نمونه انتخاب شده، با فن پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج پرسشنامه، مصاحبه و بازبینی (چک‌لیست) ارزیابی در این پژوهش نشان داده است که به طور کلی آمادگی دبیرستان‌های دخترانه اهواز برای استقرار مدارس هوشمند، از دیدگاه معلمان و مدیران در سطح پایین قرار دارد و در چنین شرایطی، استقرار مدارس هوشمند در این منطقه و به طور کلی موفقیت این طرح تا حد زیادی دور از انتظار است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بررسی مطالعات انجام گرفته در حوزه ارزیابی عملکرد طرح‌های شهری حاکی از فقدان مدل‌های نظری و روشی تعریف شده در این حوزه است. به عبارت بهتر، این بررسی نشان می‌دهد که تلاش چندانی در این حوزه برای طراحی مدل‌های عملی ارزیابی عملکرد، به‌مانند مدل‌هایی که برای ارزیابی

عملکرد سازمانی ساخته شده‌اند، صورت نگرفته است. حتی رویه‌ها و دستورالعمل‌های کلی نیز که بتواند خطوط کلی انجام پژوهش در این حوزه را نشان دهد، کمتر مطرح و ارائه شده است. وضعیت این حوزه مطالعاتی به گونه‌ای است که هر کدام از پژوهشگران به شیوه‌ای متفاوت به ارزیابی عملکرد طرح‌های مورد بررسی‌شان می‌پردازند و همین امر دو مسئله اساسی را در این ارزیابی‌ها ایجاد می‌کند. مسئله اول، از بین رفتن امکان مقایسه بین نتایج چنین پژوهش‌هایی است. بدیهی است که اولین شرط انجام مقایسه میان نتایج دو ارزیابی، بهره‌گیری از مدل‌ها و شاخص‌های واحد در این ارزیابی‌هاست؛ امکانی که در بسیاری از ارزیابی‌های انجام گرفته درباره طرح‌های شهری فراهم نشده است. اما نقطه ضعف بعدی به کیفیت پایین این ارزیابی‌ها مربوط است. همان‌طور که در قسمت‌های بالا نیز قابل مشاهده است، در بسیاری از مطالعات انجام گرفته درباره ارزیابی طرح‌های شهری، کار ارزیابی به انجام نظرسنجی‌های سطحی محدود شده است که این امر می‌تواند از اعتبار این پژوهش‌ها بکاهد.

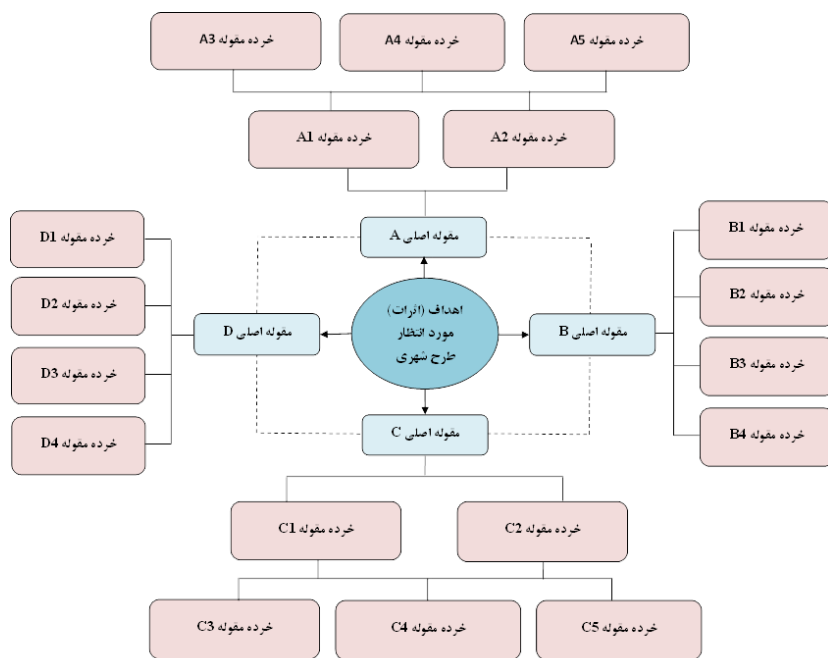
تدوین مدل نظری ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری

در یک بیان ساده، اولین و ملموس‌ترین معیار موفقیت طرح‌های شهری را باید در میزان کاهش جست‌وجو نمود که در اثر اجرای آنها در مشکلات و کاستی‌های شهروندان ایجاد شده یا به عبارتی میزان بهبودی‌ای که این طرح‌ها در حوزه‌های مختلف عملکردی‌شان ایجاد می‌کنند. اما در اینجا تنها شناسایی معیار موفقیت اقدام کافی نیست، بلکه لازم است معیار شناسایی شده در عمل قابل سنجش و اندازه‌گیری باشد؛ زیرا در غیر این صورت نتیجه‌گیری و قضاوت درباره معیار یادشده همیشه با ابهام و چون و چرا همراه خواهد بود. اتفاقی که به دفعات درباره ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های مختلف رخ داده و نتیجه‌گیری درباره عملکرد آنها را با ابهامات و تردیدهای اساسی مواجه ساخته است.

ساده‌ترین راه بررسی میزان موفقیت اقدامات انجام گرفته در قالب یک طرح شهری، ارزیابی وضعیت در دو نوبت، یعنی قبل و بعد از اجرای آن طرح و سپس مقایسه نتایج است تا از این رهگذر اندازه دقیق آثار طرح محاسبه شده و به تبع آن قضاوت درباره عملکرد طرح محقق شود. اما بدیهی است که این امر در عین سادگی، با توجه به گستردگی ابعاد و آثار طرح‌های شهری و نیز فقدان اطلاعات مورد نیاز درباره شرایط مبنایی قبل از اجرای این طرح‌ها بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین لازم است که این اندازه‌گیری به صورت غیر مستقیم انجام شود؛ یعنی از طریق بررسی آثار یا به تعبیری سنجش اثربخشی طرح‌ها.

از این رو مدل پیشنهادی مطالعه حاضر در حوزه ارزیابی میزان اثربخشی طرح‌های شهری بر این فرضیه ساده و بدیهی استوار است که اگر طرح مورد نظر در بهبود وضعیت شهروندان مؤثر بوده است، می‌باید آثار این بهبود در زندگی افرادی که در معرض آن بوده‌اند و به تبع آن، در ارزیابی‌های‌شان از بهبود وضعیت مشهود باشد. بنابراین بهترین راه ارزیابی در اینجا، شناسایی حوزه‌های تأثیر طرح و قرار دادن آن در معرض آرای گروه‌های مختلف ذی‌نفع خواهد بود. به عبارت ساده‌تر، رویکرد ما در سنجش میزان اثربخشی طرح‌های شهری بر «روش مبتنی بر رضایت گروه‌های ذی‌نفع»، به عنوان یکی از رویکردهای نوین ارزیابی اثربخشی متکی خواهد بود.

برای این منظور لازم است تا ابتدا اهداف اعلام‌شده طرح یا به تعبیری مدل مورد انتظار ترسیم شده و این مدل در ادامه با مدل مشاهده‌شده یا به عبارتی میزان تحقق اهداف اعلام‌شده طرح در عمل، که محقق با انجام مطالعه به آن خواهد رسید، در ارتباط قرار گیرد. انتظار می‌رود از این طریق محقق به برآیندی از میزان اثربخشی طرح دست یابد. شکل ۱، نمونه‌ای فرضی از مدل مورد انتظار طرح‌های شهری را نمایش می‌دهد.



شکل ۱- مدل مورد انتظار طرح شهری (جهت ارزیابی اثربخشی اقدامات) (۲)

اما لازم به ذکر است که تحقق این معیار (اثربخشی) به تنهایی نمی‌تواند ملاک عملکرد موفق طرح تلقی شود؛ زیرا این معیار تنها به یک سمت ماجرا (ستانده‌ها) معطوف است و سمت دیگر (داده‌ها) را از قلم می‌آندازد. آنچه در اینجا اهمیت دارد، بحث سود و هزینه است. به عبارت دیگر، صرفاً اثربخش بودن یک اقدام مداخله‌ای برای موفقیت آن کافی نیست و پرسش مهم دیگری که مطرح می‌شود این است که تأثیر یادشده (سود) با چه بهایی (هزینه) به دست آمده است؟ و آیا این سود کسب‌شده با هزینه‌هایی که برای تحقق آن صرف شده است، تناسب دارد یا خیر؟ بنابراین معیار دوم ما در ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های شهری بر «توجیه‌پذیری» آن اشاره دارد و مبتنی بر این پرسش ساده است که طرح مورد نظر تا چه حد به لحاظ اقتصادی قابل توجیه است؟

اما با توجه به ماهیت طرح‌های شهری، توجیه‌پذیری این طرح‌ها از دو منظر مدنظر خواهد بود: توجیه‌پذیری ایجاد و توجیه‌پذیری توسعه‌ای. توجیه ایجاد طرح به بررسی چرایی و انگیزه‌های اصلی آغاز و ایجاد طرح مربوط است و به ارزیابی این مسئله می‌پردازد که آیا ایده راه‌آندازی چنین طرحی با توجه به دورنمایی که از آن وجود داشت، اصولاً قابل توجیه است؟ یا به عبارتی، جنس و میزان سود و هزینه‌ای که طراحان اقدام ترسیم کرده‌اند تا چه حد با هم همخوانی دارد؟ اما توجیه توسعه‌ای به مراحل بعدی طرح، یعنی زمانی که اقدام به مرحله اجرا درآمده و بخشی از آثار آن آشکار شده، مربوط است و بیشتر با هدف کشف نقاط قوت و ضعف اقدام صورت می‌گیرد. توجیه‌پذیری یا عدم توجیه‌پذیری توسعه‌ای طرح می‌تواند چگونگی ادامه اجرای طرح را تحت‌الشعاع قرار دهد، در حالی که عدم توجیه‌پذیری ایجاد طرح ممکن است به طور کلی حکم به عدم اجرای آن دهد (فریدون‌نژاد، ۱۳۹۳: ۶).

آنچه تا به اینجا بدان اشاره کردیم، به طور خلاصه این است که اقدامات انجام‌گرفته در قالب یک طرح شهری را در صورتی می‌توان با موفقیت همراه دانست که نخست آثار ملموسی بر جای گذارد و دوم اینکه به لحاظ اقتصادی قابل توجیه باشد. اما لازم به ذکر است که ما بسیاری از اقدامات مداخله‌ای را در سطح شهرها تجربه کرده‌ایم که علی‌رغم تأثیرات ملموسی که در زمان خود داشته و نیز توجیهاتی که از منظر اقتصادی بر آن ذکر شده است، در نهایت با عنوان طرح‌های ناموفق از آنها یاد شده است؛ زیرا تأثیرات برآمده از این اقدامات، ماندگاری چندانی نداشته و به صورت موجی زودگذر و آنی تنها موجبات تبلیغ رسانه‌ای و تدوین گزارش‌های باب میل مدیران را برای سازمان‌های مربوط فراهم

ساخته است. بنابراین پرسش مهم دیگری که درباره طرح‌های شهری مطرح می‌شود این است که به فرض اینکه این طرح‌ها تأثیرات ملموسی دارند، این تأثیرات تا چه حد «پایدار» خواهد بود؟

در ارزیابی موضوع پایداری به مباحث مهمی می‌توان پرداخت. برای نمونه، یکی از پرسش‌هایی که در زمینه پایداری آثار طرح‌ها مطرح است، این است که آیا اساساً اجرای طرح مورد نظر مبتنی بر یک رویکرد بلندمدت معطوف به رفع نیازهای بنیادی و زیرساختی است، یا متکی به یک رویکرد سازمانی معطوف به نتایج آتی و زودگذر که بیشتر به عنوان ابزاری برای فراهم ساختن مواجهه‌های رسانه‌ای، تدوین گزارش‌های عملکرد سالیانه و نیل به سایر اهداف سازمانی به مرحله اجرا درآمده است؟ طبیعی است که در حالت دوم نمی‌توان انتظار چندانی داشت که طرح، آثار پایدار و بلندمدت در حیطه عملکرد خود بر جای گذارد. بحث دیگری که در همین زمینه می‌توان به آن پرداخت، میزان اهتمام مجریان طرح به بحث توانمندسازی گروه‌های هدف در فرایند اجراست. به عبارت بهتر، در بحث پایداری آثار طرح، این پرسش مطرح می‌شود که آیا رویکرد غالب در اقدامات انجام گرفته در قالب طرح، معطوف به افزایش و تقویت پتانسیل‌ها و توانمندی‌های شهروندان در معرض طرح و به تبع آن تحقق اهداف متعالی اجتماعی، فرهنگی، محیطی و... است، یا تنها به رفع و تعدیل موقتی و مقطعی برخی احتياجات و نواقص موجود در شهر اکتفا می‌کند؟ بدیهی است که میزان غلبه هر کدام از رویکردهای فوق در طرح مورد بررسی در پایداری آثار و نتایج آن تأثیر انکارناپذیری خواهد داشت.

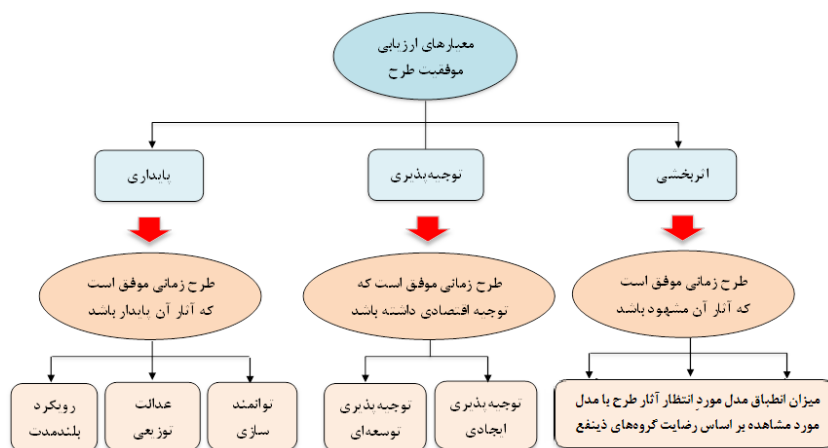
موضوع بعدی به مقوله عدالت توزیعی مربوط است. نگاهی گذرا به اهداف و ایده‌های اولیه بسیاری از طرح‌های شهری حاکی از آن است که اکثریت قریب به اتفاق این طرح‌ها، ماهیت خدماتی یا حمایتی دارند که در جریان اجرای آن، خدمت یا حمایت خاصی بین بخشی از شهروندان یا تمامی آنها توزیع می‌شود. بنابراین بحث عدالت توزیعی، جزء مقوله‌هایی است که در اهداف تعریف شده اغلب طرح‌های شهری به وضوح مورد اشاره قرار گرفته و قابل ردیابی است. اما این مهم در صورتی قابل حصول خواهد بود که تقسیم‌بندی بودجه‌ای طرح‌ها در بین مناطق، نواحی و محلات مختلف شهر مبتنی بر عدالت باشد و تقدم روابط بر ظوابط منجر به افزایش شکاف شمال و جنوب و تمرکز اقدامات حمایتی در محدوده‌های خاص نگردد. در مجموع می‌توان اذعان نمود که طرح‌های شهری هم قابلیت حرکت به سمت کاهش نابرابری دارند و هم می‌توانند در شرایطی

منجر به افزایش شکاف و نابرابری در بین بخش‌های مختلف جامعه گردند. این نابرابری می‌تواند در اشکال مختلف از جمله نابرابری میان شمال و جنوب یا به تعبیری بین مناطق مختلف شهرداری، نابرابری جنسیتی، نابرابری آموزشی، نابرابری در فرصت‌ها و... خود را نشان دهد.

بنابراین آنچه را در بحث پایداری نتایج طرح‌های شهری عنوان شد، می‌توان در یک جمله، اینگونه خلاصه نمود که: پایداری نتایج و آثار این طرح‌ها تا حد زیادی منوط به اتخاذ یک رویکرد بلندمدت مبتنی بر توانمندسازی و عدالت محوری از سوی مجریان آن است.

در ارزیابی عملکرد طرح‌های شهری، اگر مدل بالا در معرض شواهد، داده‌ها و اطلاعات لازم قرار گرفته، به آزمون گذاشته شود، محقق را به نتایجی درباره نحوه عملکرد طرح مورد بررسی در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده‌اش خواهد رساند، که این نتایج او را قادر خواهد ساخت که درباره میزان موفقیت/عدم موفقیت آن طرح به قضاوت بنشیند.

اما بدیهی است که رسالت این جنس از پژوهش‌ها تنها به این موضوع ختم نمی‌شود و نتایج به دست آمده در واقع مقدمه و نقطه شروعی برای گام بعدی مطالعه، یعنی ارائه کاربست است. اما محتوای کاربست پیشنهادی چنین پژوهشی می‌باید کاملاً در پیوند با نتایج بخش قبلی تدوین گردد. به عبارت بهتر، آگاهی از میزان موفقیت/عدم موفقیت طرح مشخصاً بر راه کارهای پیشنهادی پژوهش تأثیر دارد و به نوعی می‌توان اذعان نمود که رویکرد اصلی محقق در تدوین نظام کاربستی را تعیین خواهد نمود. بنابراین لازم است که گروه تحقیق، یک



شکل ۲- مدل پیشنهادی برای ارزیابی عملکرد طرح‌های شهری

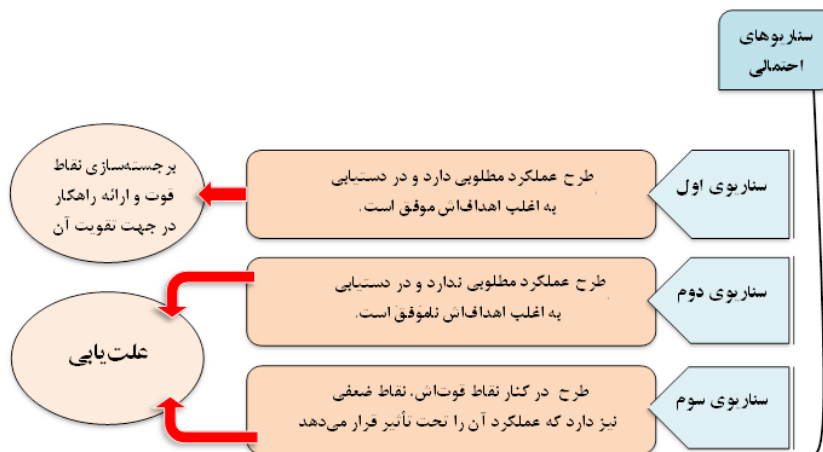
پیش‌بینی از حالت‌های ممکن یا به عبارتی سناریوهای احتمالی پیش‌رو درباره نتایج ارزیابی عملکرد طرح داشته باشد و بر اساس این پیش‌بینی‌ها، مدل‌های مواجهه با حالت‌های احتمالی ممکن را تهیه نماید.

در همین راستا، یک تحلیل ساده عقلی به ما می‌گوید که نتیجه ارزیابی عملکرد طرح در یک بیان خیلی کلی نباید خارج از سه حالت باشد: یا طرح، عملکرد مطلوبی دارد و در دستیابی به اغلب اهدافش موفق است؛ یا عملکرد مطلوبی ندارد و در دستیابی به اغلب اهدافش ناموفق است؛ و یا در کنار نقاط قوتش، نقاط ضعفی نیز دارد که عملکرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در صورت وقوع هر کدام از سناریوهای احتمالی یادشده، گروه پژوهش مطابق با مدل بالا عمل خواهد کرد. در صورتی که بررسی‌ها حاکی از موفقیت کامل طرح در دستیابی به اهداف تعیین‌شده باشد، منطقی حکم می‌کند که رویکرد پژوهش در بحث پیشنهاد و راهکار مبتنی بر تداوم وضعیت فعلی و تقویت نقاط قوت آن باشد.

اما اگر نتیجه ارزیابی غیر از حالت اول باشد، یعنی در صورت تحقق سناریوهای دوم و سوم، عدم موفقیت طرح (یا دست‌کم عدم موفقیت کامل آن) به عنوان یک مسئله قلمداد می‌شود و از آنجا که ارائه راهکار یا کاربست برای هر مسئله‌ای خود مستلزم شناخت ریشه‌ها و علل آن مسئله است، بررسی علل عدم موفقیت طرح در دستیابی به همه یا بخشی از اهداف مورد انتظار در واقع گام بعدی محقق در انجام پژوهش خواهد بود.

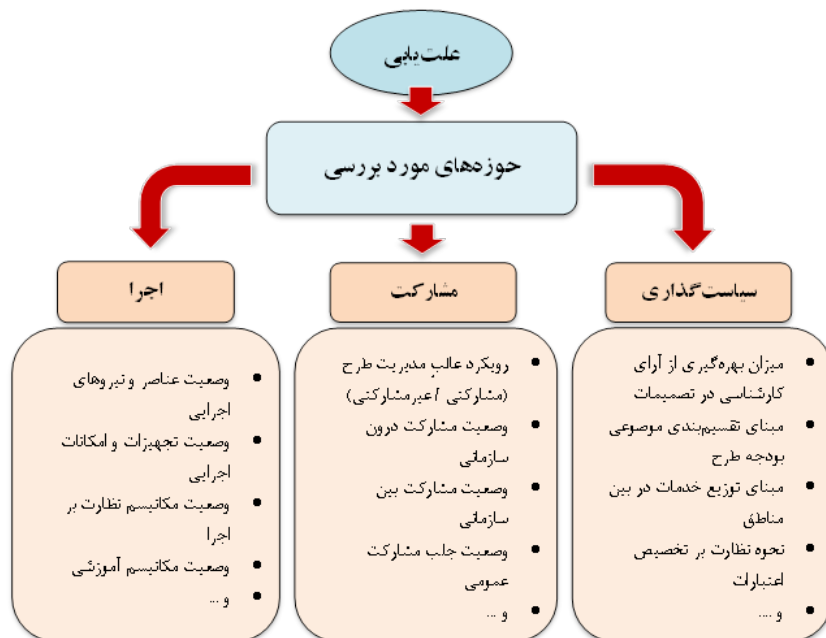
در بحث علت‌یابی، پژوهشگر به دنبال شناسایی نقاطی خواهد بود که در واقع ریشه‌های عدم موفقیت اقدامات در آن قابل ردیابی است. در همین راستا، تجربه



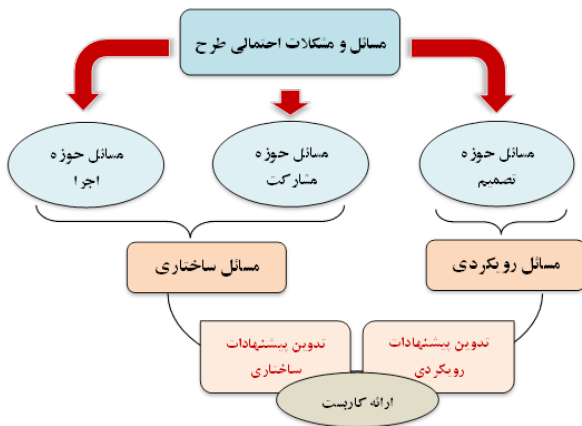
شکل ۳- سناریوهای احتمالی پیش‌روی ارزیابی عملکرد طرح

نویسنده در مطالعه و ارزیابی بیش از ده مورد از طرح‌های شهری حاکی از آن است که مکانیسم‌ها یا عناصر دست‌اندرکار هر اقدام توسعه‌ای را می‌توان به سه بخش اصلی شامل سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، اجرا و مشارکت تقسیم نمود. به عبارت بهتر، اگر یک اقدام مداخله‌ای، از جمله طرح‌های شهری را به اجزای اصلی سازنده آن تقسیم کنیم، به این واقعیت خواهیم رسید که این طرح‌ها به طور کلی از برخی تصمیم‌ها، یک ساختار اجرایی و یک مکانیسم مشارکتی تشکیل شده‌اند که در صورت موفقیت یا عدم موفقیت طرح، ریشه‌ها و علل را باید در این سه نقطه جست‌وجو کنیم. بنابراین مدل پیشنهادی ما برای بررسی علل موفقیت/عدم موفقیت طرح‌های شهری به صورت شکل شماره ۴ خواهد بود.

مدل یادشده بیانگر این مسئله است که ممکن است مکانیسم اجرایی یک طرح کاملاً صحیح و قاعده‌مند باشد، اما طرح همچنان عملکرد و اثربخشی مورد انتظار را نداشته باشد و دلیل آن، اتخاذ تصمیم‌های اشتباه از سوی طراحان و سیاست‌گذاران اصلی اقدام باشد. این وضعیت شبیه به آن شرایط جنگی است که در آن، هرچند سربازان شجاع‌اند، موبه‌مو از دستورات فرمانده پیروی می‌کنند و وظایف محوله‌شان را به نحو احسن انجام می‌دهند، اما در عملیات شکست می‌خورند. در اینجا دلیل شکست آن است که تصمیم‌هایی که در فرماندهی گرفته شده و در قالب دستورات



شکل ۴- مدل پیشنهادی برای علت‌یابی موفقیت/عدم موفقیت طرح



شکل ۵- مدل پیشنهادی برای تدوین و ارائه کاربست

به سربازان اعلام می‌شود، تصمیم‌های نسنجیده‌ای هستند و یا حتی تصمیم به جنگ و دستور حمله اساساً اشتباه است.

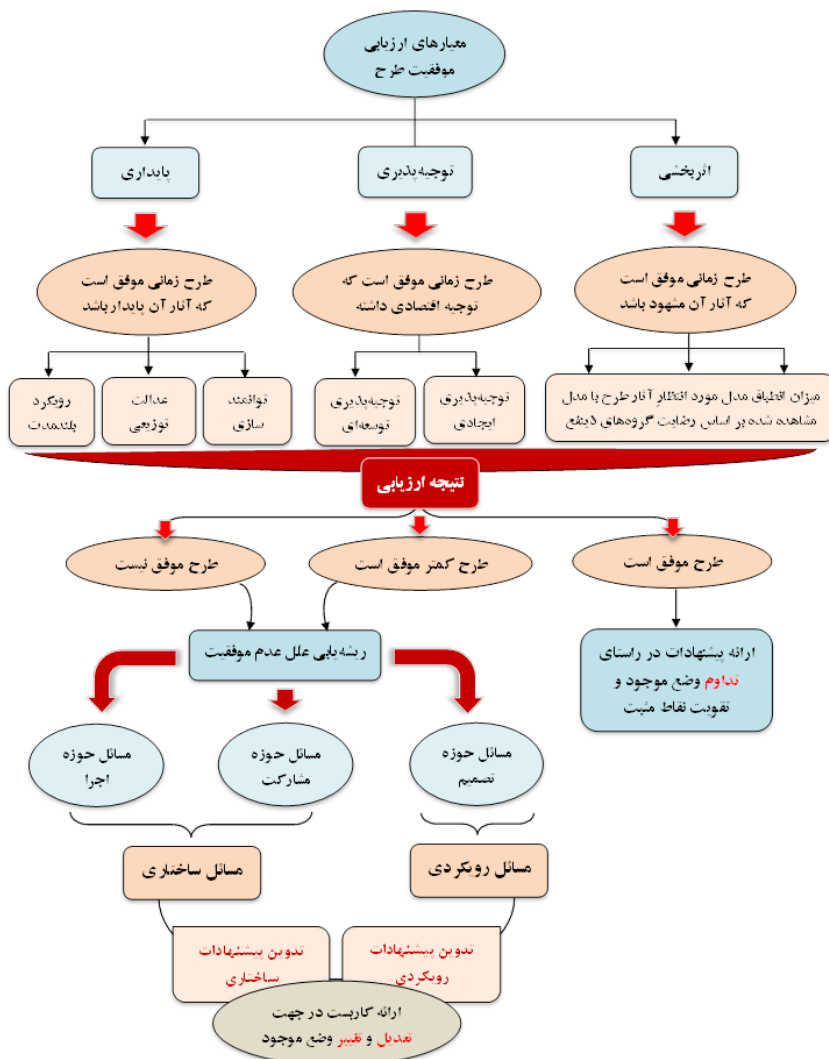
اما حالت‌های دیگری هم قابل تصور است که در آن علی‌رغم اتخاذ تصمیم‌های سنجیده، کارشناسانه و صحیح، طرح به دلیل عملکرد نادرست عناصر اجرایی و اجرا

نشدن این تصمیم‌ها در عمل و یا به دلیل عدم مشارکت عناصر تأثیرگذار در فرایند اجرای طرح، دچار ناکامی می‌شود.

در نهایت حالت محتمل تری نیز قابل تصور است که در آن هر کدام از عناصر سه‌گانه، سهم مشخصی در موفقیت یا عدم موفقیت طرح دارند. فارغ از اینکه کدام یک از حالت‌های یادشده، احتمال وقوع بیشتری خواهد داشت، برنامه محقق در این مرحله از مطالعه به این صورت خواهد بود که بر اساس فونونی که در بخش بعدی مقاله (تدوین مدل روشی) به آن اشاره شده است، سهم هر کدام از بخش‌های سه‌گانه را در موفقیت/عدم موفقیت طرح محاسبه نموده، کاربست پیشنهادی را با اتکا به نتایج این محاسبه تدوین نماید.

مدل یادشده به روشنی گویای این مطلب است که مطالعه حاضر از آنجا که ریشه موفقیت/عدم موفقیت طرح‌های شهری و به تبع آن میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده این طرح‌ها را در دو حوزه رویکردی و ساختاری ترسیم می‌کند، بنابراین مدل پیشنهادی این مطالعه برای تدوین کاربست نیز از همین مکانیسم پیروی می‌کند. به عبارت بهتر، گروه تحقیق در طراحی نظام کاربست دقیقاً بر نقاط ضعف، یا به عبارتی عوامل ریشه‌ای مؤثر بر عملکرد نامطلوب طرح تمرکز دارد و در کاربست پیشنهادی درصدد ارائه پیشنهادهایی در جهت کم‌رنگ ساختن این عوامل و به حداقل رساندن آن خواهد بود.

حال اگر مدل‌های ارائه‌شده در این بخش را در یک شکل کلی کنار هم قرار دهیم، مدل پیشنهادی مطالعه حاضر برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری را به طور خلاصه شکل شماره ۶ خواهد بود.



شکل ۶- مدل نظری پیشنهادی برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری

تدوین مدل روشی ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری

همان‌طور که اشاره شد، در بخش قبلی سعی کردیم تا مدلی نظری برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری ارائه دهیم. اما تا زمانی که روش‌ها و فنون اجرای این مدل در میدان پژوهش تعیین و تدقیق نشود، بدیهی است که نتایج این مطالعه، سودمندی لازم را برای پژوهشگران این عرصه در بر نخواهد داشت. بر همین اساس در این قسمت سعی کرده‌ایم تا فرایند روشی انجام پژوهش در زمینه

ارزیابی طرح‌های شهری را ترسیم نموده، در نهایت با کنار هم قرار دادن اجزای این فرایند، مدل روشی پیشنهادی مطالعه را ارائه نماییم.

فرایند انجام پژوهش

مدل پیشنهادی این مطالعه در بعد روشی، فرایندی شش مرحله‌ای را برای اجرای مدل نظری یادشده در میدان پژوهش طراحی و ارائه می‌کند:

مرحله اول: مطالعه مقدماتی و تکمیل و تدقیق مدل تأثیرات مورد انتظار طرح: ارزیابی عملکرد طرح شهری با یک مطالعه مقدماتی آغاز می‌شود که در جریان این مطالعه، محقق تلاش می‌کند تا با بررسی اسناد موجود مرتبط با طرح مورد مطالعه‌اش شامل هرگونه گزارش عملکرد، گزارش‌های مالی، گزارش‌های سالیانه، گزارش‌های مربوط به مناطق، مطالعات پیشین و... و نیز انجام مصاحبه‌هایی با طراحان، مدیران و مجریان طرح، به اطلاعات جامع و دقیق از اهداف و حوزه‌های تأثیر طرح دست یابد و با استفاده از این اطلاعات، مدل تأثیرات مورد انتظار طرح را که طرح اولیه آن در بخش قبل ارائه شد، تکمیل کند.

مرحله دوم: ارزیابی عملکرد طرح از طریق مطالعه پیمایشی و مصاحبه با ذی‌نفعان: در این مرحله، با استناد به مدل پیشنهادی ارزیابی اثربخشی (مدل مبتنی بر رضایت گروه‌های ذی‌نفع)، لازم است که مدل مورد انتظار تأثیرات در قالب یک مطالعه پیمایشی (پرسشنامه) در معرض آرای گروه‌های ذی‌نفع (به طور مشخص افرادی که در معرض آثار و پیامدهای طرح قرار دارند) قرار گیرد و میزان تحقق هر کدام از اهداف پیش‌بینی شده طرح با ابزار کمی و آماری اندازه‌گیری شود. همچنین در این مرحله برای مستندسازی یافته‌های پیمایشی و همچنین بررسی میزان توجیه‌پذیری طرح و پایداری اثرات آن، لازم است که مصاحبه‌هایی تکمیلی با برخی از ذی‌نفعان انجام شود و در نهایت از مجموع یافته‌های حاصل از پیمایش و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها به یک جمع‌بندی درباره اثربخشی طرح، توجیه‌پذیری و پایداری نتایج مورد نظر دست یابد. نتایج این سه بخش در کنار هم، ارزیابی کلی محقق از عملکرد طرح را شکل خواهد داد.

مرحله سوم: ارزیابی میزان برابری در توزیع خدمات و حمایت‌ها با استفاده از فن تاپسیس فازی: همان‌طور که در بخش نظری نیز اشاره شد، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که در ارزیابی عملکرد طرح‌های شهری مدنظر قرار می‌گیرد، بحث برابری در توزیع خدماتی است که در قالب این طرح‌ها به شهروندان ارائه می‌شود. برای انجام این بررسی از فن تاپسیس فازی می‌توان بهره گرفت.

برای این منظور بهتر است محقق در مرحله نمونه‌گیری از روش‌های استاندارد نمونه‌گیری خوشه‌ای (۳) بهره‌گیرد. این نوع نمونه‌گیری، این امکان را برای محقق فراهم خواهد آورد که پس از گردآوری داده‌های پیمایشی و استخراج و کدگذاری آنها، در یک سمت، خوشه‌هایی از گروه‌های هدف (گزینه‌ها) را در اختیار داشته باشد و در سمت دیگر، شاخص‌هایی که امتیاز هر خوشه در آن قابل محاسبه است (معیارها)؛ یعنی مواد اولیه لازم برای رتبه‌بندی خوشه‌ها بر اساس معیارها با استفاده از فن تاپسیس. در انتهای این مرحله، خوشه‌های مورد بررسی بر اساس میزان بهره‌مندی از خدمات حمایتی طرح رتبه‌بندی می‌شود و میزان برابری/ نابرابری محاسبه شده، همچنین بهره‌مندترین خوشه‌ها و کم‌بهره‌ترین خوشه‌ها از خدمات طرح شناسایی می‌شود. این نتایج در ارائه کاربست، کمک حال گروه تحقیق خواهد بود.

کاربرد فن Fuzzy TOPSIS: ارزیابی میزان برابری در توزیع خدمات و حمایت‌ها

تاپسیس مخفف عبارت «روش‌های ترجیح بر اساس مشابهت به راه‌حل ایده‌آل» است. در فن تاپسیس با استفاده از n معیار به ارزیابی m گزینه پرداخته می‌شود. بنابراین به هر گزینه بر اساس هر معیار، امتیازی داده می‌شود. این امتیاز می‌تواند یک داده واقعی مانند سن، وزن یا قیمت گزینه مورد نظر باشد یا بر اساس طیف لیکرت و ارزیابی کیفی باشد. منطق اصولی مدل تاپسیس، راه‌حل ایده‌آل (مثبت) و راه‌حل ایده‌آل منفی را تعریف می‌کند. راه‌حل ایده‌آل (مثبت)، راه‌حلی است که معیار سود را افزایش و معیار هزینه را کاهش می‌دهد. گزینه بهینه، گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از راه‌حل ایده‌آل و در عین حال دورترین فاصله را از راه‌حل ایده‌آل منفی دارد. این مدل در نهایت، یک رتبه‌بندی از گزینه‌ها ارائه می‌دهد که در آن، گزینه‌هایی که بیشترین تشابه را با راه‌حل ایده‌آل داشته باشند، رتبه بالاتری کسب می‌کنند (حیسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

در ارزیابی عملکرد طرح‌های شهری، محقق می‌تواند برای بررسی میزان برابری در توزیع خدمات و حمایت‌ها (عدالت توزیعی) از فن یادشده استفاده کند. برای این کار از داده‌های حاصل از پیمایش (به طور مشخص داده‌های مربوط به اثربخشی خدمات حمایتی) می‌توان بهره گرفت. اما برای اینکه این داده‌ها در قالب مدل تاپسیس قابل استفاده شوند، لازم است تغییراتی در آنها ایجاد شود که مهم‌ترین بخش آن، کدگذاری مجدد معیارهای ارزیابی (گویه‌های پرسشنامه) و انتخاب کدهای جدید مطابق با جدول شماره ۱ است.

جدول ۱- اعداد فازی مثلثی معادل طیف هفت درجه‌ای جهت ارزیابی گزینه‌ها

معادل فازی	متغیر زبانی
(0, 0, 1)	خیلی ضعیف (Very poor)
(0, 1, 3)	ضعیف (Poor)
(1, 3, 5)	ضعیف تا متوسط (Medium poor)
(3, 5, 7)	متوسط (Fair)
(5, 7, 9)	تقریباً خوب (Medium good)
(7, 9, 10)	خوب (Good)
(9, 10, 10)	خیلی خوب (Very good)

مأخذ: (همان: ۱۲۵)

در این تحلیل، خوشه‌های مورد بررسی به عنوان گزینه‌های مورد ارزیابی و شاخص‌های مربوط به میزان بهره‌مندی از خدمات حمایتی به عنوان معیارهای ارزیابی عمل خواهند نمود. همان‌طور که اشاره شد، در نتیجه این بررسی، رتبه‌بندی خوشه‌ها بر اساس میزان بهره‌مندی از خدمات، فاصله بهره‌مندترین خوشه‌ها و کم‌بهره‌ترین خوشه‌ها و به طور کلی شاخص عدالت توزیعی ارزیابی می‌شوند.

مرحله چهارم: ارزیابی نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت طرح با بهره‌گیری از فن سوات^۱: در این مرحله محقق با استفاده از تمام اطلاعات به دست آمده از بررسی اسناد، مطالعه پیمایشی و مصاحبه‌های انجام گرفته با ذی‌نفعان، به توصیف دقیقی از کلیه ویژگی‌های طرح مورد مطالعه‌اش دست یافته است و این اطلاعات را در قالب مدل سوات سازمان‌دهی می‌کند. بر اساس مدل یادشده، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدهای طرح در ارتباط با تک‌تک گروه‌های ذی‌نفع دسته‌بندی شده، در قالب معمول مدل سوات ارائه می‌شود.

مرحله پنجم: بررسی علل و ریشه‌های موفقیت/عدم موفقیت طرح: تا این مرحله از مطالعه، گروه تحقیق به نتایجی درباره عملکرد طرح دست یافته است که این نتایج به نوعی میزان موفقیت یا عدم موفقیت طرح در دستیابی به اهداف تعیین شده‌اش را نشان می‌دهد. بنابراین در ادامه برای ریشه‌یابی موفقیت/عدم موفقیت طرح می‌توان از یک روش سه‌وجهی شامل یافته‌های پیمایشی - تحلیل محتوای مصاحبه‌ها -، تحلیل سلسله‌مراتبی^۲ و اولویت‌بندی علت‌ها استفاده کرد:

تحلیل محتوای مصاحبه‌ها: یکی از مهم‌ترین محورهایی که لازم است در مصاحبه‌های مربوط به ذی‌نفعان مورد پرسش و بحث قرار گیرد، میزان موفقیت طرح و به تبع آن، عوامل دخیل در موفقیت یا عدم موفقیت آن است. بنابراین تحلیل محتوای این بخش از مصاحبه‌ها، مقوله‌هایی را درباره علل و ریشه‌های موفقیت/عدم موفقیت طرح در اختیار گروه تحقیق قرار خواهد داد، که لازم است این مقوله‌ها پس از استخراج و کدگذاری تحلیل شوند و در نهایت علل مسئله در قالب سه مقوله اصلی، شامل عوامل مدیریتی (تصمیم‌سازی)، عوامل مشارکتی و عوامل اجرایی، دسته‌بندی و ارائه شود.

تحلیل سلسله‌مراتبی و اولویت‌بندی علت‌ها: فهرست عواملی که در مرحله قبل به عنوان علل موفقیت یا عدم موفقیت طرح شناسایی شده‌اند، در این مرحله در قالب پرسشنامه AHP در اختیار گروهی از کارشناسان قرار گرفته، بر اساس رأی آنها وزن دهی به شاخص‌ها انجام می‌شود. با اتمام این مرحله از پژوهش، گروه تحقیق می‌تواند به برآوردی از سهم هر یک از مقوله‌های سه‌گانه (عوامل مدیریتی، اجرایی و مشارکتی) و نیز شاخص‌های تشکیل‌دهنده این مقوله‌ها در موفقیت یا عدم موفقیت طرح دست یافته، این نتایج را به صورت کمی و درصدی ارائه دهد.

تحلیل سلسله‌مراتبی AHP: بررسی علل موفقیت/عدم موفقیت طرح‌های شهری
 فن AHP، یکی از کارآمدترین مدل‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی چندمتغیره است. یک مسئله، زمانی می‌تواند یک تصمیم‌گیری چندمتغیره باشد که نخست دارای چند شاخص بوده و دوم اینکه هدف، اولویت‌بندی گزینه‌ها یا انتخاب گزینه‌های برتر از میان چند گزینه باشد. در شناسایی علل موفقیت/عدم موفقیت طرح‌های شهری محقق می‌تواند پس از تعیین عوامل یا شاخص‌های برگرفته از مصاحبه با ذی‌نفعان، به اولویت‌بندی مقوله‌های تأثیرگذار بر موفقیت/عدم موفقیت طرح بر اساس تنظیم پرسشنامه AHP، امتیازدهی به مقوله‌های آن به وسیله تعدادی از کارشناسان و در نهایت اولویت‌بندی آنها در نرم‌آفزار Expert Choice پردازد.

جدول ۲- راهنمای مقایسه زوجی متغیرها با استفاده از روش AHP

ارزش	وضعیت مقایسه I نسبت به J	توضیح
۱	ترجیح یکسان Equally Preferred	شاخص I نسبت به J اهمیت برابر دارد.
۳	کمی مرجح Moderately Preferred	گزینه یا شاخص I نسبت به J کمی مهم تر است.
۵	خیلی مرجح Strongly Preferred	گزینه یا شاخص I نسبت به J مهم تر است.
۷	خیلی زیاد مرجح Very strongly Preferred	گزینه I، ارجحیت خیلی بیشتری از J دارد.
۹	کاملاً مرجح Extremely Preferred	گزینه I از J مطلقاً مهم تر و قابل مقایسه با J نیست.
۲-۴-۸	بینابین	ارزش های بینابین را نشان می دهد.

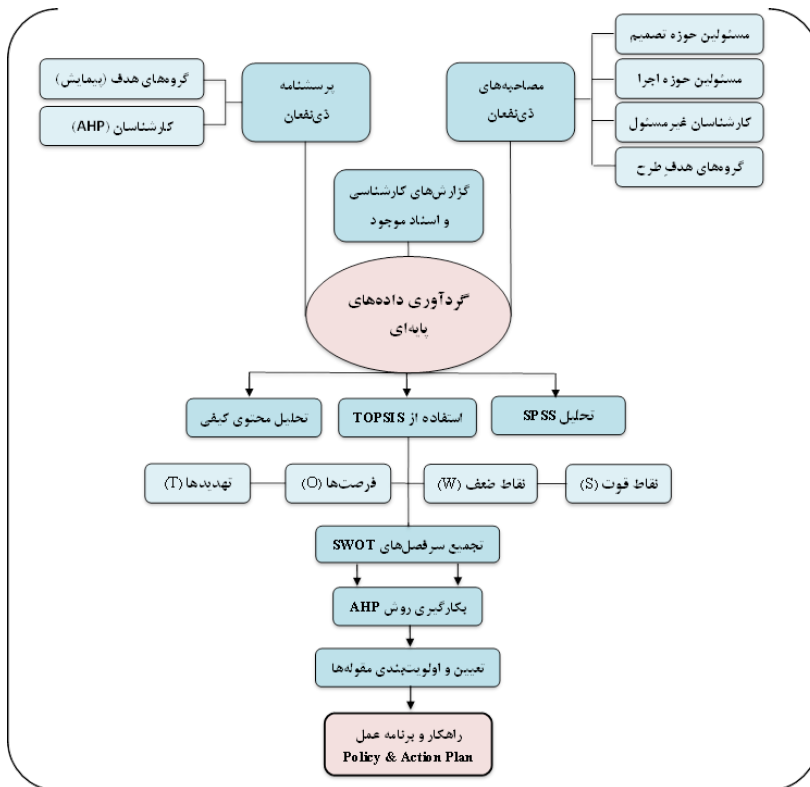
یافته های پیمایشی: در پرسشنامه ای که در جریان مطالعه پیمایشی یادشده اجرا می شود، علاوه بر پرسش های مربوط به اثربخشی طرح، لازم است پرسش هایی نیز درباره ارزیابی عملکرد کلی طرح و میزان موفقیت آن از پاسخگویان پرسیده شود و متناسب با پاسخ ها، پرسش هایی درباره علل موفقیت یا عدم موفقیت طرح مطرح شود. نتایج این بررسی در کنار نتایج دو بخش قبلی قرار می گیرد و جمع بندی نهایی درباره علل و ریشه های موفقیت / عدم موفقیت طرح شناسایی می شود.

مرحله ششم: ارائه کاربست با استناد به نتایج علت یابی: با روندی که ترسیم شد، تا این بخش از مطالعه، گروه پژوهش باید به نتایجی درباره ارزیابی عملکرد طرح، میزان موفقیت طرح در دستیابی به اهداف مورد انتظار، نقاط ضعف و قوت طرح، علل و ریشه های موفقیت و عدم موفقیت و سهم هر کدام از عوامل مدیریتی، اجرایی و مشارکتی در این موفقیت / عدم موفقیت دست یابد. در صورت تحقق این اهداف، در ادامه لازم است که محقق بر اساس سهمی که هر کدام از عوامل رویکردی (مدیریت و تصمیم) و ساختاری (مشارکت و اجرا) در موفقیت / عدم موفقیت طرح ایفا می کند، به تدوین پیشنهادهای راه کارهای رویکردی و ساختاری پژوهش پردازد. برای این کار محقق می تواند از تحلیل سناریو بهره گیرد و تلاش کند تا کاربست پیشنهادی را با در نظر گرفتن سناریوهای احتمالی ممکن تهیه و تنظیم کند.

تا اینجا سعی شد تا مراحل انجام پژوهش در زمینه ارزیابی و بهبود عملکرد طرح های شهری معرفی شود و ابزار و فنون لازم برای اجرای این مراحل شناسایی شود. حال اگر مراحل روشی یادشده در این بخش را در یک شکل کلی کنار هم قرار دهیم، مدل روشی نهایی مطالعه حاضر برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح های شهری را به صورت زیر می توان ترسیم کرد:



شکل ۷- فرایند ارزیابی کاربرست در جهت بهبود آن



شکل ۸- مدل روشی پیشنهادی برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نقطه شروع مقاله حاضر، تمایزی است که می‌توان بین دو دسته از اقدامات مداخله‌ای در شهر، یعنی پروژه‌های شهری و طرح‌های شهری برقرار نمود. این تمایز از این جهت حائز اهمیت است که ارزیابی عملکرد این دو دسته از اقدامات مداخله‌ای، وضعیت متفاوتی دارد. بخشی از این تفاوت، همان‌طور که اشاره شد، به فقدان مدل‌های ارزیابی عملکرد مطلوب در زمینه طرح‌های شهری مربوط است و بخش دیگر به دشواری ارزیابی این طرح‌ها بازمی‌گردد. فرایند اجرا و نیز پیامدهای طرح‌های شهری از نظر ماهیت با پروژه‌های شهری که در زمان و مکان مشخصی اجرا می‌شوند، متفاوتند. این طرح‌ها معمولاً شامل اقداماتی گسترده در سطح شهر هستند که اجرای آن اصطلاحاً با تداوم زمانی و مکانی همراه است. بنابراین دامنه نتایج آنها نیز گسترده، متعدد و پراکنده است. این مسئله، ارزیابی میزان موفقیت طرح‌ها در دستیابی به نتایج تعیین شده را با دشواری‌های اساسی روبه‌رو می‌کند.

بر همین اساس در بحث ارزیابی عملکرد اقدامات مداخله‌ای همواره شاهد این هستیم که پروژه‌های شهری از ابزار و مدل‌های ارزیابی عینی و دقیق‌تری در مقایسه با طرح‌های شهری برخوردارند. به عبارت بهتر، هرچند در اغلب موارد سازمان‌های مجری طرح‌های شهری از برخی مکانیسم‌های ارزیابی عملکرد بهره می‌برند و گزارش‌های ارزیابی عملکرد این طرح‌ها معمولاً در آرشیو اسناد این سازمان‌ها قابل دسترسی‌اند، نگاهی اجمالی به این گزارش‌ها حاکی از آن است که بخش اعظم آنها در واقع گزارش‌های باب میل مدیران و کاملاً معطوف به اهداف سازمانی است. همچنان که حتی اقداماتی که عدم موفقیت آنها در دستیابی به اهداف تعیین شده برای عموم مردم محرز شده است، نیز دارای گزارش‌های عملکرد موفق در سازمان‌های مربوط هستند.

بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان نمود که طرح‌های شهری به دلیل ماهیت متفاوتی که در مقایسه با پروژه‌های شهری دارند، کمتر و به سختی در معرض ارزیابی عملکرد واقعی قرار می‌گیرند. مهم‌ترین دلایل این مسئله را باید در دو مقوله «دشواری ارزیابی طرح‌های شهری» و «فقدان مدل‌های ارزیابی عملکرد» در این حوزه جست‌وجو کرد. این در حالی است که بسیاری از این طرح‌ها به شدت نیازمند بررسی، مطالعه و ارزیابی دقیق‌اند؛ مطالعه‌ای که نحوه اجرا و عملکرد این طرح‌ها را در سطوح مختلف سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، اجرا و مشارکت بررسی کند، نقاط ضعف و قوت آن را آشکار سازد و در نهایت

راه کارهایی در جهت بهبود عملکرد آن ارائه نماید. بر همین اساس در مطالعه حاضر سعی کردیم تا با بهره گیری از رویکردهای نظری موجود و نیز بهره گیری از نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه، الگویی نظری - روشی برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری ارائه دهیم.

این مدل در بعد نظری، عملکرد طرح‌های شهری را با سنجش سه شاخص اصلی، شامل اثربخشی، توجیه پذیری و پایداری نتایج قابل ارزیابی می‌داند که هر کدام از این شاخص‌ها از روند سنجش و ارزیابی متفاوتی پیروی می‌کنند. رویکرد اصلی ما در سنجش اثربخشی طرح‌های شهری مبتنی بر رضایت گروه‌های ذی‌نفع است و مکانیسم پیشنهادی مطالعه حاضر برای اجرای این رویکرد، تدوین مدل مورد انتظار از تأثیرات طرح و سنجش میزان انطباق این مدل با مدل مشاهده شده تأثیرات است.

در بحث ارزیابی توجیه اقتصادی طرح‌های شهری، دو نوع توجیه‌پذیری شامل توجیه‌پذیری ایجاد و توجیه‌پذیری توسعه‌ای مدنظر بوده است. ترکیب این دو شاخص در کنار هم می‌تواند بر آیندی از میزان توجیه‌پذیری یک طرح شهری از منظر اقتصادی را در اختیار محقق قرار دهد. درباره ارزیابی پایداری نتایج طرح‌های شهری نیز مطالعه حاضر، سه شاخص مهم شامل عدالت توزیعی، توانمندسازی گروه‌های هدف و میزان اتکا به رویکردهای بلندمدت را به عنوان شاخص‌های ارزیابی پایداری طرح‌های شهری معرفی می‌کند و معتقد است که پایداری نتایج و آثار این طرح‌ها تا حد زیادی منوط به اتخاذ رویکردی بلندمدت مبتنی بر توانمندسازی و عدالت محوری از سوی مجریان آن است.

این مطالعه همچنین درباره ریشه‌یابی علل موفقیت/عدم موفقیت طرح‌های شهری با استناد به این واقعیت که طرح‌ها به طور کلی از برخی تصمیم‌ها، یک ساختار اجرایی و یک مکانیسم مشارکتی تشکیل شده‌اند، مدلی ارائه می‌دهد که ریشه‌ها و علل موفقیت یا عدم موفقیت طرح را در سه حوزه یادشده، یعنی سیاست‌گذاری، اجرا و مشارکت جست‌وجو می‌کند.

از آنجا که مدل یادشده، ریشه موفقیت/عدم موفقیت طرح‌های شهری و به تبع آن میزان تحقق اهداف پیش‌بینی شده این طرح‌ها را در دو حوزه رویکردی (سیاست‌گذاری) و ساختاری (اجرا و مشارکت) ترسیم می‌کند، بنابراین مدل پیشنهادی این مطالعه برای تدوین کاربست نیز از همین مکانیسم پیروی می‌کند. مطابق با این مدل، گروه تحقیق در طراحی نظام کاربست دقیقاً بر نقاط ضعف، یا به عبارتی عوامل ریشه‌ای مؤثر بر عملکرد نامطلوب طرح تمرکز دارد و در

کاربست پیشنهادی در صدد ارائه پیشنهادهایی در جهت کمرنگ ساختن این عوامل و به حداقل رساندن آن خواهد بود.

اما بدیهی است که مدل نظری ارائه شده تا زمانی که مجهز به روش‌ها و فنون اجرای آن در میدان پژوهش نباشد، سودمندی لازم را برای پژوهشگران این عرصه در بر نخواهد داشت. بر همین اساس در بخش دوم این مطالعه سعی کردیم تا به فرایند روشی اجرای این مدل پردازیم. این فرایند در شش مرحله شامل مطالعه مقدماتی و تکمیل و تدقیق مدل تأثیرات مورد انتظار طرح، ارزیابی عملکرد طرح از طریق مطالعه پیمایشی و مصاحبه با ذی‌نفعان، ارزیابی میزان برابری در توزیع خدمات و حمایت‌ها با استفاده از فن تاپسیس فازی، ارزیابی نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت طرح با بهره‌گیری از فن سوات، بررسی علل و ریشه‌های موفقیت/عدم موفقیت طرح و ارائه کاربست با استناد به نتایج علت‌یابی طراحی شده و با کنار هم قرار گرفتن این شش مورد، مدل روشی پیشنهادی مطالعه برای ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری ارائه شد.

مدل نظری و روشی ارائه شده در این مطالعه را نویسندگان همین مقاله در ارزیابی و بهبود عملکرد چهار مورد از طرح‌های شهری اجرا شده در شهر تهران، شامل طرح کنترل و مبارزه با جانوران مضر شهری (۱۳۹۵)، طرح حمایت از مدارس (۱۳۹۶)، طرح پیاده‌راه‌های نوروزی (۱۳۹۸) و طرح استقبال از مهر (۱۳۹۸) استفاده کردند که نتایج موفقیت‌آمیزی به همراه داشته است. امید است این مدل پیشنهادی دست کم با ارائه خطوط کلی پژوهش در زمینه ارزیابی و بهبود عملکرد طرح‌های شهری، کمکی هرچند اندک برای پژوهشگران این حوزه فراهم نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. این طرح که با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی محدوده خیابان مولوی، تمرکز فعالیت‌ها در حوزه پرندگان زینتی، جلوگیری از قاچاق این حیوانات، کاهش خطر شیوع آنفولانزای مرغی و... به مرحله اجرا در آمد، در دوره اجرا برخورد تبعیض آمیزی با گروه‌های مختلف ذی‌نفع داشته و منجر به کسب بخشی از کسبه از مأمین چندین و چندساله خود و حتی بیکار شدن عده‌ای از آنها شد که اتفاقاً بخش سالم و کم‌مسئله در این حوزه به شمار می‌رفتند. در حالی که گروه‌های دیگر ذی‌نفع، از جمله برخی از واحدهای پرندفروشی که در گوشه و کنار شهر حضور داشتند و از همه مهم‌تر، پرندفروش‌های دست‌فروشی که بیشتر آسیب‌های محدوده مولوی و نیز بحث قاچاق حیوانات را رهبری می‌کردند، کما فی‌السابق در همان مکان قبلی حضور داشتند و پذیرای حجم انبوه مشتریانی بودند که در غیاب کسبه اصلی این صنف برای خرید پرند (یا هر جاندار دیگری!) به این گروه مراجعه می‌کردند (جهانی دولت‌آباد، ۱۳۹۰).

۲. محقق باید مقوله‌ها و خرده‌مقوله‌های مدل یادشده را بر اساس اهدافی که برای طرح مورد بررسی‌اش مطرح شده یا به عبارتی تأثیرات و تغییراتی که انتظار می‌رود طرح یادشده در حوزه‌های مختلف زندگی گروه‌های ذی‌نفع بر جای گذارد، شناسایی و جایگزین نماید. میزان انطباق مدل مشاهده‌شده (میزان تحقق تغییرات و تأثیرات در عمل) با مدل مورد انتظار، در واقع مبنای عمل محقق برای ارزیابی میزان اثربخشی طرح خواهد بود.

۳. درباره این روش‌ها، برای نمونه می‌توان به مدل خوشه‌بندی مورد تأیید دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران برای نمونه‌گیری در تهران اشاره کرد.

منابع

- آذر، عادل و صفر فضلی (۱۳۸۱). طراحی سیستم ارزیابی عملکرد کارکنان با استفاده از مدل کارت امتیازی متوازن BSC. **اولین کنفرانس ملی مدیریت عملکرد**. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- پورطاهری، مهدی و دیگران (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد طرح‌های هادی روستایی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای نیوت و خوران شهرستان ایوانغرب). **فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط (پژوهشنامه جغرافیایی)**، دوره دوم، شماره ۵، صص ۲۵-۳۶.
- جهانی دولت آباد، اسماعیل (۱۳۹۰). **ارزیابی پیامدهای اجتماعی طرح ساماندهی مرکز عرضه و فروش پرندگان زینتی**. کارفرما: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- جهانی دولت آباد، اسماعیل و رحمان جهانی دولت آباد (۱۳۹۵). **الزامات رویکردی و ساختاری در امر کنترل حیوانات شهری**. تهران: شهر.
- حبیبی، آرش و دیگران (۱۳۹۳). **تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی**. تهران: کتیبه گیل.
- حسن‌زاده، الهه و دیگران (۱۳۹۱). ارزیابی سطح تعالی سازمانی با استفاده از مدل EFQM (مطالعه موردی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران). **پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات**، دوره بیست و هشتم، شماره ۲، صص ۴۷۹-۴۹۶.
- خدیوی، محمود و دیگران (۱۳۹۲). امکان‌سنجی اجرای مدیریت عملکرد بر اساس مدل بالدریج در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۰. **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۲۷-۵۳.
- خرمی راد، نادر (۱۳۹۳). **تفاوت‌های پروژه و طرح**. قابل دسترس در اینترنت به نشانی: <http://www.khorramirad.com/index.php?id=980>
- خلیلی، احمد و دیگران (۱۳۹۳). ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن. **فصلنامه مطالعات شهری**، شماره ۱۳، صص ۸۳-۹۲.
- خویبازی، بابک (۱۳۸۳). مدیریت بر مبنای هدف راهی به سوی نتیجه‌گرایی. **پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت کیفیت**. تهران: شرکت فرایند تحقیق.
- ربیع‌پور، سپیده و مهرعلی میارنعمی (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی شهر دوستدار کودک با استفاده از مدل SWOT (نمونه موردی: منطقه ۵ تهران). **کنفرانس بین‌المللی مهندسی معماری و زیرساخت شهری**، تبریز، ایران.
- عبدالوهابی، مرضیه و دیگران (۱۳۹۱). امکان‌سنجی استقرار مدارس هوشمند در دبیرستان‌های دخترانه شهر اهواز. **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۸۱-۱۱۲.
- غیاث‌وند، احمد (۱۳۹۴). آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران؛ آثار و پیامدها (مطالعه تجربی اثربخشی طرح شهردار مدرسه). **فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، شماره ۲۳، صص ۲۰۷-۲۳۹.
- فریدون‌نژاد، رضا (۱۳۹۳). **آشنایی با طرح‌های توجیهی کسب‌وکار** (جلد اول). تهران: دانش و زندگی.

منابع

۱۵. کریمی، تورج (۱۳۸۵). مدل‌های نوین ارزیابی عملکرد سازمانی. **ماهنامه تدبیر**، دوره ۷، شماره ۱۷۱، صص ۱۲۲ - ۱۴۸.
۱۶. نبی‌لو، بهرام و دیگران (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد طرح تحول نظام سلامت در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی استان آذربایجان غربی. **مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه**، دوره چهاردهم، شماره ۱۱، صص ۸۹۶-۹۰۵.
17. Freeman, R. E (1984). Strategic Management, A Stakeholder Approach. Boston, Pitman.
18. Sumaedi, S. Yarmen, M (2015). The Effectiveness of ISO 9001 Implementation in Food Manufacturing Companies, A Proposed Measurement Instrument, Procedia Food Science, Volume 3, 2015, Pages 436-444.

تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری*

عادل عبدالمی

دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه؛ عضو هیات علمی موسسه‌ی مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
adel.abdollahi@psri.ac.ir

چکیده

هدف این مطالعه، تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی احداث پارکینگ طبقاتی در میدان شهید باقری تهران، محله‌ی یافت آباد جنوبی است. روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه، روش کیفی است. داده‌های این پژوهش از طریق فنون مشاهده و مصاحبه گردآوری شده و تمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است. فرایند گردآوری داده تا زمان رسیدن به تکرار داده و اشباع نظری ادامه یافت. بدین منظور با ۴۷ نفر از کارشناسان، مسئولان، مطلعان کلیدی و ساکنان محلی، مصاحبه و بحث گروهی به عمل آمد. نتایج نشان داد که ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله‌ی یافت آباد به گونه‌ای است که اگر در واگذاری پارکینگ‌های احداثی، به شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها توجه نشود، نه تنها تحقق هدف‌های این پروژه را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه می‌تواند پیامدهای منفی زیادی را نیز به دنبال داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود واگذاری پارکینگ‌های احداثی بر اساس قیمت رایج در محله‌ی یافت آباد جنوبی باشد و مکانیسم‌های واگذاری عادلانه پارکینگ‌ها طراحی شود. ضمن تقویت هماهنگی‌های درون‌سازمانی و بین‌سازمانی بر مردم‌محوری و مشارکتی شدن پروژه تأکید شود. با احداث سرای محله در این پروژه، ضمن توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی محله، بستر نهادینه شدن فرهنگ تأمین پارکینگ فراهم شود. از نمای بصری، پارکینگ به عنوان بولتن میراث فرهنگی محله استفاده شود. با اختصاص بخشی از فضای اطراف پارکینگ به فضای سبز و فضای بازی کودکان، از شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع جلوگیری شود. با ایجاد پاتوق محلی، به عنوان مرکز ارتباطات محلی و اجتماعی، زمینه تقویت مراودات اجتماعی و هویت‌های محلی تقویت شود.

واژگان کلیدی: پیامدهای اجتماعی، پیامدهای اقتصادی، اقدامات توسعه‌ای و یافت آباد جنوبی.

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری است که با حمایت مالی سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. از دیدگاه ارزشمند جناب آقای دکتر حمید قیصری، ناظر محترم این طرح، تشکر و قدردانی می‌شود.

تقویت و بهبود اثربخشی اقدامات توسعه‌ای در گرو ارتقای درک و شناخت ما نسبت به شرایط اجتماعی و اقتصادی افرادی است که در قلمرو آن اقدام به زندگی می‌کنند. علاوه بر این ضروری است که از نحوه درک و تفسیر ساکنان محلی از یک اقدام توسعه‌ای شناخت کافی به دست آید تا بتوان به ارزیابی ابعاد مختلف آن پرداخت؛ به طوری که اگر در اثر یک اقدام توسعه‌ای، نیازهای اساسی و اولویت‌دار جامعه هدف مورد غفلت قرار گیرد، نمی‌تواند از مشروعیت و پذیرش اجتماعی لازم برخوردار شود. همچنین اگر از منظر اجتماع محلی، اقدام توسعه‌ای تهدیدی برای اقتصاد محلی باشد، کنشگران اقتصاد محلی با به کارگیری راهبردها و استراتژی‌های خاص خود تلاش می‌کنند تا اثرات نامطلوب آن را کنترل کنند. وقوع هر یک از حالت‌های یادشده منجر به آن خواهد شد که هدف‌های اصلی اقدامات توسعه‌ای، یعنی اجتماع محوری و بهره‌مندی جامعه هدف از تغییرات پیش‌رو محقق نشود.

محلّه یافت‌آباد جنوبی، یکی از معدود محلات شهر تهران با بیشترین بافت فرسوده است که به دلیل تأمین نشدن پارکینگ بسیاری از پلاک‌های فرسوده، امکان نوسازی آنها میسر نشده است. بر این اساس شهرداری منطقه ۱۸ تهران درصدد است تا با احداث یک پارکینگ طبقاتی در میدان شهید باقری، شرایطی را به وجود آورد تا مالکان بتوانند از ظرفیت ایجادشده برای اخذ مجوز صدور پروانه و نوسازی پلاک‌های فرسوده استفاده کنند. بنابراین هدف از اجرای این طرح، رفع معضل کمبود سطوح پارکینگ در محدوده بافت‌های فرسوده و ریزدانه است. از این‌رو مطالعه حاضر درصدد پاسخ به پرسش‌هایی از این دست است که ساکنان محلّه یافت‌آباد، چه درک و دریافتی از پیامدهای این اقدام توسعه‌ای دارند؟ پس از احداث پارکینگ طبقاتی، کدام یک از مشکلات آنها مرتفع می‌شود و کدام یک از مشکلات به قوت خود باقی می‌ماند؟ و یا چه مشکلات و پیامدهای منفی‌ای ممکن است برای آنها به دنبال داشته باشد؟

شرایط حاکم بر محلّه یافت‌آباد جنوبی به گونه‌ای است که افزایش ساخت‌وسازهای غیر مجاز و به دنبال آن حجم بالای تراکم پارک خودرو در خیابان‌ها و کوچه‌های محلّه یافت‌آباد جنوبی، ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی ساکنان این محله را تحت تأثیر قرار داده است. برای مثال، امنیت جانی و روانی کودکانی که عمده اوقات فراغت خود را در این کوچه‌ها سپری می‌کنند، به طور مضاعفی کم شده است. بدیهی است که محدود شدن فضای بازی کودکان می‌تواند



تصویر ۱: محدود شدن فضای بازی کودکان در کوچه‌های فرعی محله یافت آباد جنوبی در معرض تهدید قرار گرفته است.

برخی آسیب‌ها و اختلالات اجتماعی و فرهنگی را در فرایند جامعه‌پذیری کودکان به دنبال داشته باشد. در همین رابطه تصویر شماره ۱ نشان می‌دهد که چگونه امنیت جانی و روانی کودکانی که حتی در کوچه‌های فرعی در حال بازی کردن هستند، در معرض تهدید قرار گرفته است.

از بین رفتن نظم و انضباط بصری، یکی دیگر از پیامدهای افزایش ساخت‌وسازهای غیر مجاز و کمبود جای پارک در محله یافت آباد جنوبی است. تداوم این وضعیت علاوه بر اینکه می‌تواند پیامدهای اجتماعی نامطلوبی را مانند وقوع نزاع و درگیری‌های خیابانی به خاطر کمبود جای پارک - برای ساکنان محلی به دنبال داشته باشد، از نظر فرهنگی نیز شرایط یادشده می‌تواند منجر به نهادینه شدن تخطی از قوانین و اشاعه قانون‌گریزی و بی‌نظمی در میان ساکنان این محله شود.

با توجه به آنچه آمد، می‌توان گفت که احداث پارکینگ اختصاصی در محله یافت آباد که دارای ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود است، می‌تواند پیامدهای منفی خاص خود را به دنبال داشته باشد و تلاش برای کنترل و کاهش این پیامدها و به دنبال آن تحقق مسئولیت اجتماعی مجریان این طرح، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. وقتی از پیش‌بینی پیامدها و تمهیدات لازم برای تحقق مسئولیت اجتماعی یک اقدام توسعه‌ای صحبت می‌شود، ضروری است که به نیازهای کنشگران محلی توجه شود و این پرسش مطرح می‌شود که چگونه یک اقدام توسعه‌ای می‌تواند به رفع مشکلات افرادی که به طور مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر این اقدام قرار می‌گیرند، کمک کند و دیگر آنکه چگونه می‌توان از بروز مشکلات احتمالی و پیامدهای منفی این اقدام جلوگیری کرد.

اینجاست که ضرورت و اهمیت انجام ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری، به مثابه یک اقدام توسعه‌ای آشکار می‌شود. بنابراین در این مطالعه با تأکید بر رویکرد اجتماع‌محور و اجتناب از رویکردهای سازه‌محور، به تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری در محله یافت آباد جنوبی پرداخته می‌شود.

رویکرد نظری پژوهش

در تحلیل اقدامات توسعه‌ای، توجه به فرهنگ ذی‌نفعان محلی و شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه‌های توسعه پایدار و پارادایم پساتوسعه است (Matthews, 2004: 373). نظریه‌پردازان پارادایم پساتوسعه معتقدند که نباید مصلحان توسعه ایده‌های خود را «درست» نشان دهند و از این طریق ایده‌های کنشگران محلی را کنار بگذارند. در چنین رهیافتی کارگزاران تغییر، کارفرمایان و کارگران نیستند که این افراد بومی هستند که می‌توانند زمینه‌های موفقیت اقدامات توسعه‌ای را فراهم سازند (ر.ک: Rahnama & Bawtree, 1997؛ Ziai, 2007؛ Escobar, 2007). از این رو مسیر تغییر و تحولات باید از پایین به بالا باشد و مردم عادی، مهم‌ترین منابع تغییرات توسعه‌محور باشند و تحقق اهداف اقدامات توسعه‌ای در گرو پذیرش و مشارکت ذی‌نفعان محلی است (ر.ک: Chambers, 1998؛ Sacco & Segre, 2009؛ Sidaway, 2002).

از جمله ویژگی‌های غالب بر رویکرد نظری این مطالعه، تحلیل پیامدهای احداث پارکینگ طبقاتی در میدان شهید باقری از منظر کنشگران محلی^۱ است. به این معنا که مطالعه حاضر قصد دارد تا دیدگاه‌های افراد مختلف در محله یافت‌آباد را درباره پیامدهای احداث پارکینگ طبقاتی شناسایی کند؛ زیرا افراد مختلف با دیدگاه خاص خود نسبت به یک پدیده خاص - در اینجا احداث پارکینگ طبقاتی - واقعیت‌های متفاوتی را برمی‌سازند. بدین ترتیب واقعیتی که در این مطالعه به دنبال شناسایی آن هستیم، واقعیتی واحد و از پیش تعیین شده نیست، بلکه می‌تواند مجموعه‌ای از واقعیت‌های مختلف باشد که کنشگران متعددی بر ساخته‌اند. در این مطالعه تلاش می‌شود تا آن دسته از کنشگران محله یافت‌آباد که نقشی حیاتی و پررنگ‌تر در برجسته کردن یک واقعیت خاص دارند، شناسایی شوند.

بر این اساس می‌توان این فرض را مطرح کرد که ساکنان محله یافت‌آباد جنوبی بر مبنای برداشت و تفسیری که از احداث پارکینگ طبقاتی دارند، با آن برخورد می‌کنند. همچنین چند و چون این برداشت‌ها و تفسیرها ماحصل معنایی است که در میان کلیه ساکنان محله یافت‌آباد جنوبی به ماهیت و هدف‌های این پارکینگ طبقاتی نسبت داده می‌شود. بنابراین شناسایی برداشت‌های مختلف از این اقدام توسعه‌ای می‌تواند در تقویت پیامدهای مثبت و به دنبال آن، کاهش پیامدهای منفی آن راه‌گشا باشد. بنابراین در این مطالعه برای ارزیابی و تحلیل تأثیرات

اجتماعی و اقتصادیِ احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری از نظریه پردازان پارادایم پساتوسعه الهام گرفته شده است؛ تحلیلی که بر پایه روایت‌های ساکنان محله یافت آباد از زندگی روزمره‌شان و نحوهٔ اثرپذیری ابعاد مختلف زندگی‌شان از این اقدام توسعه‌ای استوار است.

روش‌شناسی

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه، روش کیفی است. پژوهش کیفی عموماً به هر نوع پژوهشی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرآیندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی^۱ به دست نیامده باشد (اشتراوس و کوربین، به نقل از محمدپور، ۱۳۸۹: ۹۳). داده‌های پژوهش کیفی از طریق فنون مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است. این نوع پژوهش، پژوهشی است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست‌نخورده به دست می‌آورد (همان: ۹۳).

به لحاظ معرفت‌شناختی می‌توان اذعان داشت که ارزیابی تأثیر اجتماعی - فرهنگی اقدامات توسعه‌ای، همگرایی و وجه اشتراک معناداری با تحقیقات کیفی دارد. به عبارتی دیگر این چنین مطالعاتی را می‌توان زیرمجموعهٔ تحقیقات کیفی به حساب آورد؛ زیرا در ارزیابی تأثیر اجتماعی - فرهنگی اقدامات توسعه‌ای، هدف درک حیات اجتماعی و معنایی تغییرات صورت گرفته از نگاه کنشگران اجتماعی است و اینکه از نظر ذی‌نفعان احتمالی، اقدام صورت گرفته، چه تأثیری بر زندگی روزمره آنها داشته است.

در این مطالعه با استفاده از فنون مصاحبه - اعم از مصاحبه‌های فردی و گروهی - و عکس‌برداری، داده‌های مورد نیاز گردآوری شد. مشاهدهٔ میدانی از دیگر فونونی بود که در این مطالعه از آن برای گردآوری داده‌های میدانی استفاده شد. در پژوهش‌های کیفی می‌توان از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فن مشاهده به خوبی استفاده کرد. در واقع تمامی حس‌ها - بینایی، شنوایی، لامسه و بویایی - در فن مشاهده گرد آمده‌اند (فلیک، ۱۳۹۳: ۲۴۰).

برای مثال در این مطالعه نیز از حس بینایی برای شناسایی تصاویر و عکس‌برداری از تراکم و بی‌نظمی‌های برآمده از پارک‌های چندلایه‌ای، از حس شنوایی برای درک کمیّت و کیفیت آلودگی صوتی و از حس بویایی برای پی بردن به بوی ناشی از برخوردار نبودن منازل و ساختمان‌های قدیمی از زیرساخت‌های فاضلاب بهره‌گرفتیم.

بر این اساس بود که در این مطالعه از فن مشاهده بدون مشارکت استفاده شد؛ به این صورت که به عنوان مشاهده گری که صرفاً جریان وقایع را دنبال کردیم، همچنین ضمن اجتناب از مداخله در میدان مورد مطالعه، به مشاهده رفتارها و تعاملات به همان گونه‌ای که پیش از حضور ما نیز در جریان بودند، پرداختیم.

همچنین گردآوری داده با استفاده از فن بحث گروهی در این مطالعه، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که با استفاده از این فن موفق شدیم تا دیدگاه‌های کارشناسان مختلف را بر اساس تخصص و وظیفه شغلی‌ای که داشتند، طی بحث‌های گروهی صورت گرفته گردآوری کنیم. همچنین از این فن برای گردآوری داده در بین مردم محلی نیز استفاده شد. برای مثال در چندین مرحله از مشاوران املاک به عنوان فعالان بخش مسکن، کسبه محل به عنوان فعالان اقتصاد محلی و ساکنان عادی برای شرکت در یک بحث گروهی دعوت به عمل آمد و از آنها خواسته شد که دیدگاه‌های خود را از منظر شغلی که در آن فعالیت دارند، درباره میزان ضرورت و پیامدهای مثبت و منفی احداث پارکینگ طبقاتی اختصاصی در محله یافت‌آباد ارائه دهند. در بحث‌های گروهی شکل گرفته تلاش شد تا ضمن توجه به اصول منعطف بودن و بی‌طرفی، شنونده خوبی باشیم و مانع از آن شویم که دیدگاه‌های یک نفر و یا بخشی از گروه بر دیدگاه‌های کل گروه مسلط شود. فرایند گردآوری داده در این پژوهش تا زمان رسیدن به تکرار داده و اشباع نظری ادامه یافت. بدین منظور با ۴۷ نفر از کارشناسان، مسئولان، مطلعان کلیدی و ساکنان محلی، مصاحبه و بحث گروهی به عمل آمد.

میدان مورد مطالعه در این پژوهش، محله یافت‌آباد جنوبی در منطقه ۱۸ شهر تهران است. محله یافت‌آباد جنوبی، بخشی از یافت‌آباد بوده است که در سال ۱۳۸۷ بر اساس تقسیمات شهری جدید، در منطقه ۱۸ به دو محله یافت‌آباد شمالی و جنوبی تقسیم شده است. این محله در جنوب غرب ناحیه ۳ قرار دارد و از شمال به خیابان‌های حسن زندیه، میرهاشم، مرتضی زندیه و ابراهیم‌آباد، از شرق به بلوار الغدیر جنوبی و از جنوب و غرب به بزرگراه آزادگان محدود می‌شود. علاوه بر یافت‌آباد جنوبی در ناحیه ۳ منطقه ۱۸، دو محله یافت‌آباد شمالی و صاحب‌الزمان قرار دارد. بر اساس داده‌های جمعیتی سال ۱۳۹۵، محله یافت‌آباد جنوبی، پرجمعیت‌ترین محله ناحیه ۳ است و جمعیت آن از دو محله دیگر ناحیه بیشتر است. در این محله، ۳۰۲۲۴ نفر سکونت دارند و تراکم جمعیتی ناخالص محله نیز ۱۳۵ نفر بر هکتار است. در ادامه، مهم‌ترین یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

یافته‌های پژوهش و برآورد پیامدها

تفاوت بین نرخ فعلی پارکینگ در محله یافت آباد و قیمت تمام‌شده پارکینگ در پارکینگ طبقاتی و پیامدهای آن

نکته‌ای که باید در اینجا به آن توجه نمود این است که در حال حاضر پارکینگ‌هایی که در سطح محله یافت آباد معامله می‌شوند، با چه مبالغی خرید و فروش می‌شوند و نرخ موجود در این محله برای پارکینگ به چه صورت است. برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها، مصاحبه‌های مختلفی با فعالان بازار مسکن، اعم از مدیران و مشاوران املاک و همچنین سازنده‌های فعال در این محله انجام شد.

یافته‌های میدانی نشان داد که در سطح محله یافت آباد، هم‌اکنون با پرداخت ۱۵ الی ۲۰ میلیون تومان می‌توان یک عدد پارکینگ خرید. به این معنا که تفاوت دو واحد مسکونی با شرایط و ویژگی‌های مشابه که یکی دارای پارکینگ و دیگری فاقد پارکینگ باشد، ۱۵ الی ۲۰ میلیون تومان است. بر اساس یافته‌های میدانی می‌توان گفت که در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شود که ساکنان بافت فرسوده در این محله، از تأمین و خرید پارکینگ در این مجموعه استقبال نکنند. یکی از مهم‌ترین دلایل استقبال نکردن از این پروژه، تفاوت قابل توجه قیمت تمام‌شده این پارکینگ‌ها با قیمت‌هایی است که در حال حاضر برای خرید و فروش پارکینگ در محله یافت آباد ساری و جاری است. علاوه بر موارد یادشده، قیمت تمام‌شده این پارکینگ‌ها با مبلغ جریمه عدم تأمین پارکینگ از سوی شهرداری، تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. این عامل نیز مزیدی بر علت شده تا ساکنان محله یافت آباد، به‌ویژه اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر، از تأمین پارکینگ در این مجموعه استقبال نکنند.

در همین رابطه طی مصاحبه‌های صورت گرفته با کارشناسان مربوط در شهرداری مشخص شد کسانی که امکان تأمین پارکینگ ندارند، با پرداخت مبلغ ۱۵ میلیون تومان به صورت نقدی و یا مبلغ ۱۷ میلیون تومان به صورت اقساطی، می‌توانند اقدام به کسب پروانه ساخت نمایند. متن زیر مربوط به مصاحبه صورت گرفته با یکی از کارشناسان مربوط در شهرداری است. این مصاحبه مربوط به از بین رفتن تفاوت موجود بین نرخ فعلی پارکینگ و قیمت تمام‌شده آن از سوی کارفرما و احتمال استقبال ساکنان از این طرح است.

محقق: «آگه به هر دلیلی شهرداری دولت رو مجاب کنه منابعی

تأمین کنه و پارکینگ‌ها رو با عرف منطقه بفروشه، به نظر تون

استقبالی صورت می‌گیره؟»

جواب کارشناس: «بله صورت می‌گیره. این تعریف داره. قیمت ۳۰ الی ۴۰ تومن خیلی پرت و پلاس. بیشتر از عرف نمیدن... ساخته بشه، پارکینگ ۵ تومن، ۱۰ تومن، ۱۵ تومن می‌خرن. جواب می‌ده. ولی یه قرون بالاتر از ۱۵ تومن نمی‌خرن. الان شما برید سلطانی، دو طرفش ماشین پارکینگ شده، محلی‌ها جمع شدن، پول دادن به یکی، شبا مواظب ماشیناشون باشن. حالا به نظر شما، میاد ۴۰ تومن بده، بیاد میدون باقری، ماشینشو پارک کنه. من با توجه به چیزی که در مردم می‌بینم، می‌گم نیان».

محقق: «اگر جریمه عدم تأمین پارکینگ در شهرداری بالا بره و این طوری قیمت پارکینگ بره بالا، چی؟»

جواب کارشناس: «دیگه نمی‌سازن. مردم نمی‌سازن با این شرایط و وضعیت. من سال ۹۱ حداقل حدود ۲۵۰ تا پرونده داشتیم برای نوسازی، الان ۴۳ تا هستن. می‌رن سراغ خریدن قولنامه‌ای و در حین ساختش، تخلف می‌کنن. یه طبقه اضافی می‌زنن. یا تو حیاط دستک می‌زنه، اسکلت فلزی رو چسبونده به بتونی. تو محله بگردید می‌بینید. یه زلزله بیاد، همه قبرستونه».

پایین بودن ارزش اقتصادی سند ملکی، فرایند پیچیده و طولانی دریافت سند

با توجه به اینکه بیشتر املاک و زمین‌های محله یافت آباد، املاک وقفی و قولنامه‌ای هستند، مراحل دریافت سند بسیار طولانی است و فرایندی پیچیده دارد و همین عامل انگیزه لازم را از مالکان جهت رعایت اصول و قوانین ساخت و ساز شهری و اقدام برای دریافت سند شخصی گرفته است. علاوه بر این در خرید و فروش‌هایی که امروزه در این محله برای املاک دارای سند و فاقد سند صورت می‌گیرد، ارزش چندانی برای املاک سنددار قائل نیستند. به عبارتی دیگر املاک دارای سند، ارزش اقتصادی خیلی بالایی ندارند و این عامل نیز مزیدی بر علت شده تا ساکنان محله یافت آباد جنوبی به دنبال طی ضوابط و فرایند دریافت سند ملکی نباشند. در همین رابطه، یکی از افراد مورد مصاحبه چنین می‌گوید:

«قضیه دیگه اینه که اینجا یه چاه ویلی داریم به نام املاک قولنامه‌ای و اوقافی. زمین‌های قولنامه‌ای نمی‌رن دنبال سند، چون پروسه سند خیلی طولانی، سخت و زمان‌بره. بعد خیلی هاشون به نتیجه نمیرسه. بعد طرف به نتیجه برسه، بعد از چند سال بیاد ملکشو بفروشه متری ایکس ریال، طرف می‌گه سندداره یا سندش شاهنشاهی».

میگه نه ماده ۱۴۷ هس. میشه متری ایکس به اضافه یک دهم... . سند شاهنشاهی باشه، میشه سه ایکس. اینا متفاوته دیگه. غیر منطقیه، نمی کنن. اینجا تا این وضعیت اوقافی ها و قولنامه ای ها رو دارن، شهرداری هم پایین نمیداد، همینه... تا زمانی که سند مالکیت ندارن و فرایند دریافت سند هم سخت و سنگین هست... و نهایتاً اختلافی ایجاد نمی شه. همه چی محوریتش پوله. عاملی ایجاد نمی شه، طرف خوشش بیاد بگه ملک قولنامه ای می فروشم ۲۵۰۰، سنددار می فروشم ۵ تومن. دو برابر. ماده ۱۴۷ بشه، تازه اگه بعدش ثبت نیاد دستش بذاره روش که بعضیا رو باطل می کنه، نهایتش میشه ۳۲۰۰، متری ۵۰۰ الی ۶۰۰ تومن میاد روش. طرف می گه ولش کن، یه طبقه خلاف می سازم عوض همه اینا».

میزان مسافت بین پارکینگ طبقاتی و واحدهای مسکونی نوسازی شده

نتایج مصاحبه ها، ضرورت توجه به این نکته را آشکار کرد که پارکینگ هایی که در سطح محله خریداری می شود، در واحدهای مسکونی دارای پارکینگ خریداری می شود و دسترسی مالکان آنها به پارکینگشان به مراتب آسان تر و سریع تر است. توجه به مسافت موجود بین پارکینگ طبقاتی احداثی و واحدهایی که در شعاع ۲۵۰ متری و یا ۵۰۰ متری نسبت به تأمین پارکینگ اقدام می نمایند، بسیار ضروری و تعیین کننده است؛ زیرا میزان دوری واحدهای فاقد پارکینگ از پارکینگ خریداری شده می تواند به عاملی بازدارنده برای میزان تمایل ساکنان این محله نسبت به تأمین پارکینگ در این مجموعه شود.

همچنین امکان تردد و دسترسی ۲۴ ساعته مالکان به پارکینگ خریداری شده، یکی از مشکلاتی بود که ساکنان محلی به آن اشاره می کردند. یعنی اگر فردی بخواهد در هر ساعتی از شب، خودرو خود را از پارکینگ خارج کند، با محدودیت مواجه نشود و امکان تردد در طول شبانه روز برای مالکان فراهم باشد. محدودیتی که در سایر پارکینگ های موجود در سطح محله هم به آن اشاره شد. در این باره مدیران پارکینگ های موجود در سطح محله نیز محدودیت هایی را مگر در موارد خاص و اضطراری، برای خروج خودرو پس از ساعت ۱۰ شب در نظر گرفته بودند. بنابراین اگر تدابیر لازم برای حل این مشکل در این پارکینگ طبقاتی اتخاذ نشود، می تواند به عاملی بازدارنده برای عدم استقبال از این پروژه تبدیل شود.

نهادینه شدن عدم تأمین پارکینگ و تبدیل پارکینگ‌های تأمین شده به کاربری تجاری و مسکونی

مشاهدات و یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که عدم تأمین پارکینگ در بین ساکنان محله یافت‌آباد به امری فرهنگی تبدیل شده است. هر چند طی مصاحبه‌های به عمل آمده، ساکنان آن بر ضرورت داشتن پارکینگ تأکید می‌کردند، بیشتر آنها وقتی اقدام به نوسازی منازل خود می‌کنند، پس از طی فرایندهای کسب پروانه ساخت، مجدداً تراکمی را که مقرر شده به کاربری پارکینگ اختصاص باید، به کاربری مسکونی و یا تجاری تبدیل می‌کنند. یکی دیگر از افراد مصاحبه‌شونده دربارهٔ نهادینه شدن بی توجهی به ضوابط شهرداری چنین می‌گوید:

«... بیشتر از هر چیزی، وضعیت نبود فرهنگی اینجاس. شما به ملک قولنامه‌ای بگو ۹۹ طبقه بهت می‌دیم، اون طبقه ۱۰۰ رو می‌سازه. باید اون خلاف رو بسازه. حتماً باید به طبقه خلاف رو بکنن. هر چقدر بگی اینکار رو نکن، می‌کنن. نمی‌خوان گوش بدن... باید فرهنگ‌سازی بشه... خیلی هم کار داره؛ منیم ۵۰ سال کار داره. تازه اگر بستر فرهنگی فراهم باشه، هیچ فکری، قاعده و قانونی که اجرایی باشه و ضمانت اجرایی باشه، نیست. الان ساخت و ساز غیرمجاز جرم نیست، تخلفه؛ یعنی نمی‌تونم برم شکایت کنم بگم این چیزی ساخته که خطرناکه؛ چیزی ساخته که فرداروزی با زلزله نافرمان جدا شه بیفته. برای شهروندان، قاضی می‌گه جرم نیست، تخلف بفرست ماده ۱۰۰. به صراحت می‌گم رأی ماده ۱۰۰ راجع به ملک مسکونی با کشک برابری می‌کنه. نمونه‌اش همین روبروی خودمون. نمی‌شه».

بنابراین تحقق این هدف که با واگذاری پارکینگ به کسانی که کسری پارکینگ دارند، زمینه تشویق آنها به تأمین پارکینگ برای سایر واحدهای مسکونی‌شان فراهم می‌شود، هدفی دست‌نیافتنی و به دور از واقعیت است؛ زیرا آنچه در عمل رخ می‌دهد، تغییر کاربری پارکینگ‌های تأمین شده به کاربری مسکونی و یا تجاری است. تصاویر شماره‌های ۲ و ۳ بیانگر یافته‌های یادشده است.

پارکینگ و ایجاد سد معبر

در تصویر شماره ۳ مشاهده می‌شود که یک خودروی شخصی در مقابل در پارکینگ اقدام به پارک نموده است. پس از پرس و جوی محقق از ساکنان این کوچه مشخص شد که مالک این خودرو، مالک ساختمان مجاور آن نیز



تصویر ۲: تبدیل فضای پارکینگ به کارگاه تولیدی مُبل



تصویر ۳: استفاده نکردن از پارکینگ و پارک کردن خودرو جلوی در پارکینگ

می‌باشد و پارک کردن خودرو در این محل به عادت‌های روزمره برای ایشان تبدیل شده است. در تصویر بالا مشاهده می‌شود که مالک این خودرو با پارک کردن خودروی خود در این مکان تقریباً مسیر ورودی و خروجی کوچه مجاور ساختمان را مسدود کرده است و در صورت بروز حوادث غیر مترقبه می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری را برای ساکنان این کوچه به دنبال داشته باشد. علاوه بر این در تصویر یادشده مشاهده می‌شود که چگونه مالک این ساختمان فقط به تأمین یک پارکینگ در یک ساختمان شش طبقه‌ای بسنده نموده است و با اختصاص کلیه تراکم احداث شده به کاربری مسکونی، از تأمین پارکینگ‌های بیشتر خودداری کرده است.

علاوه بر این احداث بیش از شش طبقه ساختمان مسکونی در یک کوچه با پهنه کم و رعایت نکردن استانداردهای لازم در احداث آن، از مصادیق بی توجهی به استانداردهای لازم در این محله است.

احداث واحدهای دوبلکسی و متراژ بالا به مثابه مکانیسمی برای عدم الزام به رعایت ضوابط و مقررات مربوط به تأمین پارکینگ

نتایج مصاحبه با کارشناسان شهرداری و همچنین مشاوران املاک در محله یافت‌آباد نشان داد که تقریباً کلیه کسانی که اقدام به نوسازی منازل مسکونی می‌کنند، با احداث واحدهای دوبلکسی و یا واحدهای با متراژ بالا، ملزم به تأمین پارکینگ برای کلیه واحدهای احداث شده نمی‌شوند، ولی پس از اتمام مراحل ساخت و ساز،

واحدی را که به صورت دوبلکس احداث کرده‌اند، به دو واحد مسکونی مجزا از یکدیگر تفکیک می‌کنند و با این کار، قوانین مربوط به احداث ساختمان را دور می‌زنند. همچنین احداث واحدهای متراژ بالا - مثلاً ۱۴۹ متری - و تفکیک آنها به واحدهای کوچک‌تر، یکی دیگر از مکانیسم‌های دریافت مجوز ساخت و ساز و تأمین نکردن پارکینگ است. مکالمه زیر مربوط به مصاحبه محقق با یکی از کارشناسان دایره شهرسازی درباره نحوه دوبلکس کردن واحدهای مسکونی و شکل‌گیری کسری پارکینگ است.

محقق: «تبدیل کردن واحدها به صورت دوبلکسی چقدر رایج‌ه؟ می‌شه درصد داد؟»

جواب کارشناس: «۹۹/۹۹ درصد. در طول سیزده سال سابقه کاری که داشتم، یک مورد بوده که دوبلکس رو طرف واسه خودش اجرا کرده. اونم بچه همین جا بوده، دوست داشته همین جا بمونه و گفته پدر و مادرم می‌خوان همین جا زندگی کنن و چندتا داداشیم، میایم خونه شون، زیادیم شب بمونیم؛ فضای خونه کم هست، جا نداریم. فقط همین مورد ساخته.»

محقق: «چند درصد دوبلکس می‌سازن؟»

جواب کارشناس: «همه شون.»

محقق: «چند درصدشون برای کسر پارکینگشون از طرح دوبلکس استفاده می‌کنن؟»

جواب کارشناس: «همه شون. به همه می‌گن طبقه اول و دومت رو کامل بساز، سه و چهارت رو دوبلکس کن. چون بافت فرسوده باشه، دو طبقه اول نیم واحد می‌خواد، دو طبقه بالا هم که به صورت یه واحد هست، یکی می‌خواد... عملاً دارن بهش می‌دن، ولی رسماً یه واحد کسری پارکینگ داره، دوبلکس مخالف می‌کنه می‌شه دو واحد. سایر کارشناسان می‌گن ما مغایر قانون عمل نمی‌کنیم. راست می‌گن، اما در عمل یه چیز دیگه‌س. بخشنامه شون دارن. دست شون باز باشه تا یه واحد کسری پارکینگ رو بفروشن.»

پایین بودن اعتماد نهادی و انتقاد از نحوه عملکرد نهادهای شهری

محقق در بررسی‌های خود، دلایل پایین‌بودن به قوانین و مقررات ساخت و ساز و رعایت نکردن این قوانین را در بین ساکنان محلی جویا شد. نتایجی که به دست آمد، بیانگر آن است که مردم معتقد بودند که پایین‌بودن به قوانین ریشه در



تصویر ۴: نمونه‌ای از جابه‌جا نکردن تیر برق و محدود کردن مسیر کوچه‌ها

رفتار نهادهای دولتی دارد. به عبارتی دیگر وقتی مردم می‌بینند که سازمان‌های مسئول، قوانین را نه تنها به درستی اجرا نمی‌کنند که در اجرای قوانین بین مردم تبعیض قائل می‌شوند، همین امر منجر به بدبین شدن آنها و کاهش اعتماد

نهادی می‌شود و زمینه‌های تخطی از قوانین ساخت‌وساز شهری را فراهم می‌کند. در همین رابطه، یکی از ساکنان محلی به بی‌توجهی شهرداری و اداره برق ناحیه نسبت به جابه‌جا کردن تیربرقهایی اشاره می‌کند که تردد ساکنان و خودروها را در برخی از کوچه‌های محله یافت‌آباد با مشکل مواجه نموده است. از سوی دیگر اقدام سریع اداره برق نسبت به قطع برق برخی دیگر از تیربرقه‌ها منجر به گسترش بدبینی و شکل‌گیری احساس تبعیض در بین مردم شده است. تصویر شماره ۴ گویای توضیحات یادشده است.

گرایش کارفرما به سیاست جبران هزینه‌ها و اتخاذ رویکردهای سودمحور در واگذاری پارکینگ‌ها

همان‌طور که عنوان شد، عواملی از قبیل تفاوت قابل توجه نرخ فعلی پارکینگ در محله یافت‌آباد و قیمت تمام‌شده آن در پارکینگ طبقاتی و همچنین مسافت قابل توجه پارکینگ طبقاتی با واحدهای مسکونی نوسازی شده باعث می‌شود که ساکنان محلی از تأمین پارکینگ در این مجموعه استقبال نکنند. از سوی دیگر کارفرما و سایر نهادهای تأمین‌کننده بودجه این پروژه ناچار می‌شوند تا سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که هزینه‌های پرداختی این پروژه را جبران نمایند. یکی از مکانیسم‌های جبران هزینه‌ها، واگذاری پارکینگ‌ها به افرادی است که شرایط لازم را برای دریافت پارکینگ ندارند. پیامد طبیعی چنین رویکردی در افکار عمومی می‌تواند این باشد که نهادهای شهری از جمله نهاد شهرداری از سیاست‌های سودگرایانه و سودمحور پیروی می‌کنند و برخورداری ساکنان محلی از هدف‌های این پروژه، یعنی تأمین کسری پارکینگ در بافت فرسوده و ریزدانه‌ها، در اصل بهانه‌ای برای احداث این پارکینگ طبقاتی بوده است. پیامد نهایی چنین شرایطی، کاهش اعتماد نهادی و رضایت از عملکرد شهرداری و همچنین بدبین شدن مردم نسبت به سایر پروژه‌های شهری است. در ادامه به

برخی دیگر از پیامدهای احتمال گرایش کارفرما به اتخاذ سیاست‌های جبران هزینه‌ها در طراحی مکانیسم‌های واگذاری پارکینگ‌ها اشاره می‌شود.

استقبال نکردن از تأمین پارکینگ در پارکینگ طبقاتی

شکل‌گیری نزاع‌های خیابانی بر سر جای پارک، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی بود که کلیه افراد مورد مصاحبه به آن اشاره کردند. حال هر چقدر که ساکنان محلی از این پروژه استقبال نکنند، می‌توان گفت که به همان میزان تنش‌های روانی و اجتماعی ناشی از این مسأله ادامه می‌یابد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که در چنین شرایطی، اجرای این پروژه نمی‌تواند به کم شدن نزاع‌های خیابانی بر سر جای پارک کمک کند. یکی از اعضای شورایاری محله یافت‌آباد در پاسخ به این پرسش که چقدر نزاع‌های خیابانی اینجا بر سر جای پارک رخ می‌دهد، چنین می‌گوید:

«اکثر وقت‌ها ما شاهد دعوا هستیم، تو کوچه‌ها می‌بینم، من زیاد با کلانتری تعامل دارم. خیلی از نزاع‌هایی که می‌رم جمع‌وجور پا در میانی می‌کنم. ۸۰ الی ۹۰ درصد درگیری‌ها سر پارک کردن جلو در ملک همدیگه‌اس. چون واقعاً اینجا پارکینگ نداریم. بحث پارک کردن توی محل خیلی معضل هست. همه کوچه‌پس‌کوچه‌های ما شده درگیری به خاطر پارک ماشین. هر هفته حداقل یه دعوا اتفاق می‌افته».

یکی دیگر از افراد مورد مصاحبه درباره میزان سرقت از خودروها چنین می‌گوید:

«بخش و فلش می‌شه زیاد هم هست. مثلاً طرف معتاده از جون خودش سیره، شیشه رو می‌شکنه، مثلاً ضبط رو می‌بره یا لاستیک رو می‌بره».

رقابتی شدن خرید پارکینگ و شکل‌گیری شبکه‌های رانتی

در خلال مصاحبه‌های صورت گرفته، استقبال بیش از اندازه برخی از کسبه محل، این پرسش را در ذهن محقق مطرح کرد که چرا عده‌ای خاص از کسبه محل، مثل مدیریت یکی از رستوران‌های محلی و برخی از مدیران املاک، تا این حد از احداث پارکینگ طبقاتی ابراز رضایت و خرسندی می‌کنند. پس از پرس‌وجوی محل سکونت آنها مشخص شد که در اصل این افراد در محله یافت‌آباد جنوبی زندگی نمی‌کنند و از آنجا که محل کسب و کارشان در این محله قرار دارد، از پیش آمدن فرصتی که امکان خرید پارکینگ را برای خودروی‌شان فراهم

نماید، استقبال می‌کنند. از این رو می‌توان گفت که اگر جامعه هدف این پروژه ناچار به پرداخت مبالغی سنگین برای دریافت پارکینگ شود، تحقق این واقعیت بسیار محتمل است که پس از خرید پارکینگ و اتمام مراحل ساخت و ساز منازل مسکونی‌شان، اقدام به فروش و یا اجاره این پارکینگ‌ها به افرادی دیگر نمایند. بنابراین در صورت رخ دادن چنین فرضیه‌ای، کسبه‌ای که وضعیت مالی خوبی دارند، از مهم‌ترین متقاضیان خرید و یا اجاره این پارکینگ‌ها هستند و با تداوم این روند است که زمینه‌های محقق نشدن هدف‌های اصلی پروژه فراهم می‌شود. بدیهی است که خرید و فروش پارکینگ‌های واگذار شده می‌تواند منجر به رشد و تقویت سوداگران بخش مسکن و به دنبال آن شکل‌گیری شبکه‌های رانتی شود. یکی از اعضای شورایی محله یافت‌آباد جنوبی درباره احتمال شکل‌گیری بازار دلالی در خرید و فروش پارکینگ‌ها چنین می‌گوید:

«شما باید به راهکاری پیدا کنید که طرف تئونه این پارکینگ را جداگانه خرید و فروش کنه. اونوقت یک‌سری افراد سودجو هستن، حتماً پیدا می‌شن دلال بازی بشه. من پیشنهاد اینه که وقتی پارکینگ به من واگذار می‌شه، سند داده می‌شه یا قولنامه‌ای تو اون باید قید بشه خرید و فروش کاملاً ممنوع، که کسی جرأت نکنه بره خرید کنه. می‌شه اینکار رو کرد به یک‌دست قابل واگذاری هست.»

اختصاص بخشی از فضای احداث شده به هایپرمارکت و از بین رفتن اقتصاد محلی

اختصاص بخشی از فضای احداث شده به هایپرمارکت، یکی از ایده‌هایی بود که برخی از کارشناسان مربوط به این پروژه مطرح کردند. بر این اساس محقق، بخشی از بررسی‌های میدانی خود را به ارزیابی اجرای این ایده و پیامدهای آن بر اقتصاد محلی اختصاص داد. نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته با کسبه محل، مثل بقالی‌ها و سوپری‌ها، نشان داد که هنوز هم سنت فروش اجناس به صورت نسبه در بین کسبه محلی رایج است و از آنجا که بسیاری از ساکنان محله یافت‌آباد در وضعیت اقتصادی پایینی قرار دارند، بخشی از مایحتاج روزانه خود را با متوسل شدن به این سنت قرض گرفتن و خرید به صورت نسبه، ولو برای مدت زمانی کوتاه، از مغازه‌داران تهیه می‌کنند. این در حالی است که فروشگاه‌های بزرگ و مدرن با ارائه تخفیف به مشتریان خود، توان رقابت را از فروشگاه‌های خرد می‌گیرند و با این سیاست‌ها، زمینه از بین رفتن مغازه‌های محلی و کوچک‌مقیاس را تقویت می‌کنند. علاوه بر این اختصاص بخشی از فضای پارکینگ احداثی به

هایرمارکت می‌تواند منجر به تقویت این نگرش در بین ساکنان محلی شود که اساساً هدف از احداث این پارکینگ طبقاتی، فراهم شدن فضای کسب و کار برای گروه خاصی از ذی‌نفعان آن بوده است.

افزایش قیمت مسکن ناشی از افزایش قیمت پارکینگ در محله

بررسی‌های میدانی نشان داد که اگر پیشنهاددهنده‌های این پروژه بر واگذاری پارکینگ‌ها با مبالغ ۳۰ الی ۴۰ میلیون تومان تأکید داشته باشند، این امر منجر به آن خواهد شد که قیمت مسکن در محله یافت‌آباد، افزایشی قابل توجه داشته باشد. علاوه بر این مسئولان مربوط باید پیامدهای تورم افسارگسیخته‌ای را که طی چند سال اخیر دامنگیر جامعه ایران، به‌ویژه شهر تهران شده است، در برآورد توان اقتصادی ساکنان محله یافت‌آباد مدنظر داشته باشند. این در حالی است که قدرت خرید و درآمد مردم ایران به‌ویژه ساکنان این محله، همسو با تورم افسارگسیخته و به دنبال آن افزایش قیمت ملک، نه تنها روندی افزایشی نداشته، بلکه روندی کاهشی داشته است.

نکته دیگر آن است که با افزایش قیمت خودرو، ضرورت تأمین پارکینگ توسط ساکنان محله یافت‌آباد و با هدف حفاظت از خودروی شخصی‌شان به مثابه بخشی از سرمایه حیات‌بخش آنها، دو چندان شده است؛ ولی وقتی کاهش قدرت خرید مردم را در کنار این وضعیت در نظر بگیریم، دچار وضعیتی متناقض و پارادوکسیکال خواهیم شد، به گونه‌ای که از یک طرف جلوگیری از خسارات ناشی از سرعت خودرو و با وسایل جانبی آن در گرو تأمین پارکینگ است و از طرفی دیگر با کاهش روزافزون قدرت خرید مردم، امکان تأمین و خرید پارکینگ به‌شدت کاهش یافته است و در اولویت‌های بعدی زندگی مردم قرار گرفته است. در واقع با در نظر گرفتن شرایطی که بر محله یافت‌آباد حاکم است، می‌توان گفت که خرید پارکینگ به منزله خرید یک کالای لوکس تلقی می‌شود و با وارد شدن فشار حداکثری به مردم، عملاً امکان خرید پارکینگ برای آنها به مراتب کمتر شده است. شرایط یادشده حتی در بین افرادی که طبقه اقتصادی و اجتماعی نسبتاً بالایی در محله یافت‌آباد دارند و به لحاظ فرهنگی و الگوهای رفتاری پذیرفته‌اند که تأمین پارکینگ ضروری است، ساری و جاری است. بنابراین خواسته و یا ناخواسته یکی از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر این وضعیت، افزایش فشار اقتصادی به اقشار آسیب‌پذیر به خاطر پرداخت بالای هزینه خرید پارکینگ و به دنبال آن، کاهش کیفیت زندگی آنهاست.

تداوم خسارات مالی و ناامنی اقتصادی

پیشتر عنوان شد که بالا بودن میزان سرقت از خودروهایی که در کوچه‌ها و خیابان‌های محله یافت آباد پارک شده‌اند، یکی از مشکلات ساکنان این محله است و انتظار می‌رود که اجرای این پروژه بتواند به کاهش خساراتی که مردم به خاطر نداشتن پارکینگ متحمل می‌شوند، کمک کند. در همین رابطه، بررسی‌های میدانی نشان داد که چون عده کمی از ساکنان محلی، امکان خرید و تأمین پارکینگ را در این مجموعه دارند، بنابراین کاهش میزان سرقت از خودروها به عنوان یکی از هدف‌های جانبی این پروژه محقق نخواهد شد.

علاوه بر این شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع در پارکینگ‌ها که از استقبال مردمی برخوردار نیست، بسیار محتمل است. ضرورت جلوگیری از وقوع خطرات و آسیب‌های ناشی از شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع وقتی بیشتر نمایان می‌شود که به قرار گرفتن موقعیت مکانی این پروژه با دو مرکز آموزشی دخترانه و پسرانه توجه شود. به‌ویژه فضاهایی که بسته هستند، احتمال وقوع آسیب‌های مختلف را برای دانش‌آموزانی که قدرت دفاع از حریم شخصی خود را ندارند، بیشتر می‌کند. همچنین پیشتر عنوان شد که احتمال فروش این پارکینگ‌ها به افرادی که فقط محل کسب و کارشان در این محله است و در اصل محل سکونت آنها در محلاتی دیگر قرار داد، وجود دارد. یعنی با تاریک شدن هوا و تعطیلی مغازه‌ها، افراد غیر بومی، خودرو خود را که در پارکینگ خریداری شده پارک نموده‌اند، خارج می‌کنند و این یعنی خالی شدن بخش زیادی از پارکینگ‌ها در طول شب و گسترش مکانی و زمانی فضاهای بی‌دفاع. از جمله پیامدهای تداوم چنین شرایطی، کاهش امنیت محله و ایجاد نارضایتی نسبت به نهادهای شهری مثل شهرداری و نیروی انتظامی است.

رواج تخطی از قوانین شهروندی و از بین رفتن نظم و سیمای شهری

بدون شک برخورداری یک جامعه شهری از منظر و سیمایی منظم می‌تواند بر آرامش ذهنی و روانی ساکنان آن، تأثیرات مثبتی داشته باشد. در همین رابطه، نحوه پارک کردن خودروها به عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل نقلیه و عناصر شهرهای مدرن، می‌تواند بر کمیت و کیفیت برخورداری شهروندان از آرامش ذهنی و روانی، اثرات قابل توجهی داشته باشد. نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه یادگیری اجتماعی^۱ (ر.ک: Bandura, 1969؛ Bandura & Walters, 1977) و همچنین نظریه همنشینی افتراقی^۲ (ر.ک: Sutherland, 1949) نشان می‌دهد که رفتار رانندگی و نحوه پارک خودرو،

1- Social Learning Theory

2- Differential Opportunity Theory

امری فرهنگی و اجتماعی است. بر اساس این تئوری‌ها، رعایت نکردن اصول رانندگی به مثابه یک رفتار انحرافی، مانند سایر اشکال رفتار اجتماعی از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود. بنابراین یک فرد، هم می‌آموزد که چگونه با موفقیت اصول حاکم بر رانندگی و پارک کردن را رعایت نکند و هم چگونه استدلال کند تا رفتار خود را توجیه کند و برای آن عذری بیاورد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۵۰).



تصویر شماره ۵، رایج بودن تخطی از قوانین شهروندی و به دنبال آن، شکل‌گیری بی‌نظمی بصری و از بین رفتن سیمای شهری در محله یافت‌آباد را نشان می‌دهد.

تصویر ۵: نمایی از پارک نامنظم خودرو در کوچه‌ها و معابر

نتیجه‌گیری

نتایج مشاهدات و بررسی‌های میدانی نشان داد که ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان محله یافت‌آباد به گونه‌ای است که اگر در واگذاری پارکینگ‌های احداثی، شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها مورد توجه قرار نگیرد، نه تنها تحقق هدف‌های این پروژه را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه می‌تواند تأثیرات منفی زیادی را نیز به دنبال داشته باشد. بر این اساس پیامدهایی که ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارد، از مهم‌ترین پیامدهایی است که با احداث این پارکینگ طبقاتی بر زندگی ساکنان محله یافت‌آباد جنوبی اثر می‌گذارد. از این‌رو درباره‌ی میزان اهمیت پیامدهای شناسایی شده تلاش شد تا بر تأثیراتی که از نظر زمانی نیاز به فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی بیشتری دارد، مثل نهادینه شدن فرهنگ عدم تأمین پارکینگ تأکید شود. از نظر اقتصادی نیز تلاش شد بر تأثیراتی که بیش از حد معمول هزینه‌های اقتصادی به ساکنان محله یافت‌آباد تحمیل می‌کند، در اولویت ارزیابی‌ها قرار گیرد.

بنابراین در اینجا تلاش می‌شود پیشنهادهایی ارائه شود تا ماهیت این اقدام توسعه‌ای از حالت سازه‌محور به اقدامی اجتماع‌محور، با هدف ارتقای کیفیت و سبک زندگی ساکنان محله یافت‌آباد تبدیل شود. همچنین با توجه به اینکه هر اقدام توسعه‌ای، یک مسئولیت اجتماعی سازمانی به دنبال دارد، انتظار می‌رود که درباره‌ی احداث پارکینگ طبقاتی میدان شهید باقری، شهرداری منطقه ۱۸ مسئولیت اجتماعی این اقدام را برعهده گیرد و تدابیر لازم را در راستای کنترل و کاهش پیامدهای منفی این اقدام اتخاذ نماید. در ادامه به ارائه پیشنهادها و کاربست‌هایی

لازم که می‌تواند در کنترل و کاهش پیامدهای منفی این پروژه و تحقق مسئولیت اجتماعی آن راهگشا باشند، پرداخته می‌شود.

بیشتر عنوان شد که به خاطر تفاوت قابل توجهی که بین قیمت پیش‌بینی شده و یا قیمت تمام‌شده این پارکینگ‌ها با نرخ فعلی پارکینگ در محله یافت‌آباد وجود دارد، کسانی که درصدد نوسازی منازل مسکونی خود هستند، برای جبران کسری پارکینگ به تأمین پارکینگ در این مجموعه اقدام نمی‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود با تأمین منابع بودجه‌ای مورد نیاز، تدابیری اتخاذ شود که هزینه پرداختی برای جبران کسری پارکینگ با نرخ فعلی پارکینگ در محله یافت‌آباد همخوانی داشته باشد، تا انگیزه لازم در بین متقاضیان پارکینگ ایجاد شود و از سوی دیگر با بالا بردن قیمت پارکینگ، زمینه‌های افزایش قیمت مسکن در سطح محله و تحمیل کردن هزینه‌های مضاعف اقتصادی به ساکنان این محله، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر فراهم نشود. علاوه بر این ضروری است که مکانیسم‌های واگذاری عادلانه پارکینگ‌ها به نیازمندان واقعی طراحی شود و از دانش و اطلاعات معتمدان و مطلعان محلی درباره شناسایی اقشار آسیب‌پذیر استفاده شود.

نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته، ضرورت توجه به این نکته را آشکار کرد که پارکینگ‌هایی که در سطح محله خریداری می‌شود، در واحدهای مسکونی دارای پارکینگ خریداری می‌شوند و دسترسی مالکان آنها به پارکینگشان به مراتب آسان‌تر و سریع‌تر است. توجه به مسافت موجود بین پارکینگ طبقاتی احداثی و واحدهایی که در شعاع ۲۵۰ متری و یا ۵۰۰ متری نسبت به تأمین پارکینگ اقدام می‌نمایند، بسیار ضروری و تعیین‌کننده است؛ زیرا میزان دوری واحدهای فاقد پارکینگ از پارکینگ خریداری شده می‌تواند به عاملی بازدارنده برای میزان تمایل ساکنان این محله نسبت به تأمین پارکینگ در این مجموعه شود. همچنین امکان تردد و دسترسی ۲۴ ساعته مالکان به پارکینگ خریداری شده، یکی از مشکلاتی بود که ساکنان محلی به آن اشاره می‌کردند. یعنی اگر فردی بخواهد در هر ساعتی از شب، خودرو خود را از پارکینگ خارج کند، با محدودیت مواجه نشود و امکان تردد در طول شبانه‌روز برای مالکان فراهم باشد؛ محدودیتی که در سایر پارکینگ‌های موجود در سطح محله هم به آن اشاره شد. در این باره مدیران پارکینگ‌های موجود در سطح محله نیز محدودیت‌هایی را، مگر در موارد خاص و اضطراری، برای خروج خودرو بعد از ساعت ۱۰ شب در نظر گرفته بودند. بنابراین اگر تدابیر لازم برای حل این مشکل در این پارکینگ طبقاتی اتخاذ نشود، می‌تواند به عاملی بازدارنده برای استقبال نکردن از این پروژه تبدیل شود.

یافته‌های میدانی نشان داد که بیشتر شاغلان در محله یافت‌آباد، مشغول به

کارهای یدی هستند که از نظر جسمانی در طول روز خستگی بیشتری را متحمل خواهند شد. بدیهی است که افرادی که با شدت خستگی زیادی از محل کار خود خارج می‌شوند، تمایل دارند که در نزدیک‌ترین جای پارک با منزل مسکونی‌شان اقدام به پارک خودروی خود نمایند و از گذاشتن خودروی خود در مکانی دیگر با فاصله مکانی و زمانی قابل توجه استقبال نکنند. از پیامدهای انباشتی تمایل ساکنان محله به پارک نمودن خودروهایشان در نزدیک‌ترین فاصله مکانی با منزل مسکونی‌شان، بی‌توجهی و رعایت نکردن حق و حقوق دیگران است. وضعیتی که از قبل نیز بر این محله حاکم بوده و با عدم امکان و استقبال ساکنان نسبت به تأمین پارکینگ در پارکینگ طبقاتی احداثی ادامه پیدا می‌کند.

یافته‌های میدانی نشان داد که گسترش مشارکت مردمی و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در محله یافت‌آباد جنوبی می‌تواند به موفقیت اقدامات اجتماع‌محور منجر شود. این در حالی است که محله یافت‌آباد جنوبی فاقد سرای محله است و بر اساس دستورالعمل سامان‌دهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات شهر تهران، جلب، سامان‌دهی و ترویج مشارکت‌های مردمی، توسعه و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در مقیاس محله‌ای بر عهده «مدیریت محله» به عنوان نهادی مردمی است. بنابراین احداث سرای محله و اختصاص فضای مناسب و کافی به آن در طبقه همکف پارکینگ، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ به طوری که می‌توان گفت که احداث سرای محله در این مجموعه می‌تواند بر میزان تحقق هدف‌های این پروژه در آینده اثرات قابل توجهی داشته باشد. اجرای برنامه‌های آموزشی می‌تواند در تغییر نگرش و رفتار افراد نسبت به یک موضوع خاص اثرگذار باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که با طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی به اهمیت و ضرورت تأمین پارکینگ و همچنین پیامدهای منفی عدم تأمین پارکینگ در بین ساکنان محله یافت‌آباد پرداخته شود.

یافته‌ها نشان داد که شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع در این پارکینگ، به‌ویژه در طبقات فوقانی، بسیار محتمل است. بنابراین برای جلوگیری از وقوع خطرات و آسیب‌های ناشی از شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع، ضروری است که تدابیر لازم برای برقراری امنیت و نظارت بر فضاهای داخلی پارکینگ اتخاذ شود. همچنین گفته شد که مجاورت مکانی این پروژه با دو مرکز آموزشی دخترانه و پسرانه، اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند. بنابراین لازم است دوربین‌هایی که امکان کنترل و نظارت کامل فضای طبقات فوقانی پارکینگ را فراهم نماید، نصب شود. همچنین برای جلوگیری از ورود افراد متفرقه لازم است که به مالکان پارکینگ‌ها و خودروها، کارت هوشمند اختصاص داده شود. علاوه بر این موارد، ضروری است که در چنین مجموعه‌ای،

نگهبان ۲۴ ساعته استخدام شود تا به طور مستمر در طبقات پارکینگ گشت زند. در مصاحبه‌های صورت گرفته، بسیاری از مسئولان شهرداری و همچنین معتمدان محلی از میدان شهید باقری به عنوان مرکز و چشم محله یافت‌آباد جنوبی یاد می‌کردند. بنابراین اختصاص بخشی از فضای اطراف پارکینگ به فضای سبز و فضای بازی کودکان می‌تواند در کاهش فضاهای بی‌دفاع در اطراف این پروژه، تأثیرات قابل توجهی داشته باشد و ارتقای کیفی محله و بهبود سیمای بصری و منظر شهری را به دنبال داشته باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که با ایجاد پاتوق محلی به عنوان مرکز ارتباطات محلی و اجتماعی، زمینه تقویت مرادوات اجتماعی و حفظ هویت‌های محلی فراهم شود؛ زیرا در خلال تداوم مرادوات اجتماعی است که سرزندگی محله و حس تعلق به محله تقویت می‌شود و با فراهم شدن چنین شرایطی است که میزان امنیت و نظارت اجتماعی محله ارتقا می‌یابد و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی نیز کاهش می‌یابد. در همین رابطه، طراحی و به نمایش گذاشتن نقاشی موزاییک افراد نامدار و افتخارآفرین محله یافت‌آباد جنوبی در نمای بصری این پارکینگ طبقاتی، می‌تواند در فرایند و ماهیت جامعه‌پذیر شدن کودکان، نوجوانان و جوانان محله یافت‌آباد جنوبی، نقش آفرینی داشته باشد. اقدام یادشده می‌تواند این پارکینگ را به بولتن میراث فرهنگی محله تبدیل کند.

منابع

۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
۲. فلیک، اووه (۱۳۹۳). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی. چاپ هفتم.
۳. محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *ضد روش، منطق و طرح در روش شناسی کیفی*. تهران: جامعه شناسان.
4. Bandura, A. (1969). Social learning theory of identificatory processes. *Handbook of socialization theory and research*, 213, 262.
5. Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory (Vol. 1)* Englewood Cliffs, NJ, Prenticehall.
6. Chambers, R. (1998). Beyond “Whose reality counts?” New methods we now need?. *Studies in Cultures, Organizations and Societies*, 4(2), 279301.
7. Escobar, A. (2007). Postdevelopment’as concept and social practice. In *Exploring postdevelopment* (pp. 2842) Routledge.
8. Matthews, S. (2004). Postdevelopment theory and the question of alternatives, a view from Africa. *Third world quarterly*, 25(2), 373384.
9. Rahnama, M., & Bawtree, V. (1997). *The postdevelopment reader*. Zed Books.
10. Sacco, P. L., & Segre, G. (2009). Creativity, cultural investment and local development, a new theoretical framework for endogenous growth. In *Growth and innovation of competitive regions* (pp. 281294) Springer, Berlin, Heidelberg.
11. Sidaway, J. D. (2002). Postdevelopment. *The companion to development studies*, 1620.
12. Sutherland, E. H. (1949). *Princípios de criminologia*. Livraria Martins Editôra, SA.
13. Ziai, A. (2007). *Exploring postdevelopment, Theory and practice, problems and perspectives*. Routledge.

ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث مراکز ورزشی (مطالعه موردی: احداث مجموعه ورزشی نارمک)

معصومه محقق منتظری
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
ma.mohaghegh15@gmail.com

چکیده

کمبود فضاهای ورزشی و توزیع نشدن بهینه و صحیح اینگونه اماکن با توجه به میزان جمعیت مناطق شهری و ناکافی بودن منابع مالی دولتی برای توسعه آن، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ است. طرح احداث مجموعه ورزشی نارمک از جمله طرح‌هایی است که با هدف توسعه فضاهای ورزشی و فراغتی و در راستای طرح جامع شهر تهران و طرح تفصیلی منطقه ۸ به مرحله اجرا در آمده است. تبدیل یک مکان آلوده در سطح منطقه به یک فضای خدماتی از دیگر اهداف این پروژه بوده است. پژوهش حاضر در پی شناسایی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و برآورد پیامدهای مثبت و منفی در محدوده تحت نفوذ اجرای طرح است. در این پژوهش از رویکرد ترکیبی و برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و میدانی و ابزار مختلفی نظیر مشاهده، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختمند، بحث‌های گروهی متمرکز و پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات آن استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که احداث مجموعه در کنار پیامدهای مثبتی نظیر افزایش سرانه فضای ورزشی، از بین رفتن آلودگی‌های زیست‌محیطی، بهبود منظر شهری، کاهش هزینه خانوار، کاهش احساس ناامنی، بهبود الگوی فراغت و... دارای پیامدهای منفی نظیر کاهش مراجعه‌کننده به مراکز ورزشی فعال سطح محدوده، کمبود پارکینگ و افزایش ترافیک در سطح محدوده خواهد بود.

واژگان کلیدی: ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی، مجموعه ورزشی نارمک و منطقه ۸ شهرداری تهران.

ورزش یکی از حقوق شهروندی محسوب می‌شود که به عنوان خدمتی اجتماعی - بهداشتی، در استانداردهای زندگی جوامع معاصر برای انسان‌ها مطرح می‌شود، به گونه‌ای که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۳، ورزش را یک حق اجتماعی قلمداد کرده که متعلق به ملت‌ها و بر دوش دولت‌هاست و برآورده کردن آن حق، نوعی مردم‌سالاری اجتماعی را تداعی و بیان می‌کند (حمیدی، ۱۳۹۲: ۴۱). بُعد فراغت و نقش ورزش در پرکردن اوقات فراغت و بالا بردن کیفیت زندگی شهروندان نیز از دغدغه‌های مهم جامعه امروز محسوب می‌شود. هرچه جوامع به سوی صنعتی شدن و در نتیجه توسعه فرهنگی حرکت می‌کنند، نیاز به تفریحات سالم و گذرانیدن مفید اوقات فراغت بیشتر می‌شود. «در ایران به ورزش به عنوان سالم‌ترین نوع شیوه گذران اوقات فراغت جوانان توجه می‌شود» (قدیمی، ۱۳۹۰: ۱۳۳).

یکی از جنبه‌های مهم در ارتقای سطح کمی و کیفی عملکردهای ورزشی در جوامع شهری، وجود امکانات و زیرساخت‌های ورزشی توسعه یافته است. کمبود فضاهای ورزشی و توزیع نشدن بهینه و صحیح اینگونه اماکن با توجه به میزان جمعیت مناطق شهری و ناکافی بودن منابع مالی دولتی برای توسعه آن، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ است. در حالی که سرانه استاندارد بین‌المللی حداقل بین ۱/۵-۲ متر است، بر اساس آخرین آمار ذکر شده از سوی سازمان ورزش و جوانان، هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به این استاندارد جهانی وجود دارد (ر.ک: پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۵). در این راستا نهادها و سازمان‌های مختلف به سهم خود، ساخت مراکز و مجتمع‌های ورزشی را به عنوان زیرساخت ضروری برای توسعه ورزش در سطح جامعه در دستور کار خود قرار داده‌اند.

اجرای پروژه‌های شهری در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای از هر نوعی و از سوی هر کارگزاری که به اجرا گذاشته شود، بر زندگی اجتماعات هدف، آثار متفاوت اجتماعی و فرهنگی خواهد داشت. اینکه این آثار تا چه اندازه هم‌راستای منافع جمعی ارزیابی شود، موجب دسته‌بندی آثار احتمالی به مثبت و منفی شده است. در این زمینه با در نظر داشتن نقش ورزش به عنوان ابزاری چندبعدی با تأثیرات گسترده، اهمیت و کارکردهای مراکز ورزشی در حوزه‌های مختلف سیستم شهری باید در اجرای پروژه‌های ساخت و احداث مراکز ورزشی، هزینه‌ها و فواید اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، همزمان مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی تأثیر اجتماعی، یکی از حوزه‌های فرعی علوم اجتماعی

است که با ایجاد مبنایی علمی، امکان ارزیابی نظام‌مند تأثیرات یک پدیده را بر کیفیت زندگی روزانه افراد و اجتماعاتی فراهم می‌کند که محیط آنها تحت تأثیر پروژه‌ای مورد نظر و یا تغییر سیاست و خط‌مشی قرار دارد (بارج، ۱۳۹۱: ۱۷). مطالعه ارزیابی تأثیرات اجتماعی مراکز ورزشی، یکی از راه‌های بررسی و تضمین انطباق محیط و مزیت‌سنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجرای این پروژه‌ها در سطح شهرهاست که با اجرای آن، افزایش بازدهی اجتماعی این اماکن و مدیریت بهینه منابع با بیشترین منافع و کمترین هزینه‌ها را در پی خواهد داشت.

احداث و تجهیز مجموعه ورزشی نارمک، گامی از سوی سازمان شهرداری منطقه ۸ تهران در جهت افزایش سرانه ورزشی منطقه و پاسخی به نیازهای شهروندان منطقه در حوزه‌های مختلف ورزشی، تفریحی، سلامتی و فراغت بوده است. این پروژه در محله فدک واقع در ناحیه ۲ (خیابان جانبازان غربی، خیابان مدنی، نرسیده به مترو فدک) در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ و زیربنایی معادل ۵۶۴۹ متر مربع در پنج طبقه طراحی شده است که از جمله امکانات آن می‌توان به استخر مجهز و سالن‌های جانبی‌اش اشاره کرد. سالن کشتی و ورزش‌های رزمی، بدن‌سازی و ایروبیک نیز از سالن‌های طراحی شده آن است. سالن سرپوشیده بسکتبال، والیبال و فوتسال نیز که به شکل سوله طراحی شده، به عنوان سوله بحران، در صورت نیاز مورد استفاده قرار خواهد گرفت (۱).

اگر انتظار داشته باشیم که پروژه یادشده بتواند به نحوی شایسته کارکردهای مثبت خود را با کمترین ملاحظات منفی به انجام برساند، مطالعه دقیق و همه‌جانبه اثرات اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه هدف ضروری است. این در حالی است که به دلیل امکانات و استانداردهای بالای طراحی شده، مجموعه ورزشی نارمک پذیرای شهروندان زیادی از سطح منطقه خواهد بود. همچنین به دلیل تراکم جمعیتی بالای محدوده احداث پروژه (محله فدک) و نقش مرکزی آن در منطقه و نیاز اهالی برای دسترسی به مراکز و خدمات ورزشی با هزینه‌های مناسب، مهم‌ترین مسئله پژوهش رسیدن به پاسخ درست این پرسش خواهد بود که پیامدهای مثبت و منفی احداث مجموعه ورزشی بر نظام اجتماعی و فرهنگی محدوده چیست؟ برای رسیدن به این مهم، در نظر داشتن اهداف زیر مورد توجه خواهد بود:

تعیین افراد و گروه‌های تحت تأثیر طرح؛ تعیین حوزه‌های تحت نفوذ طرح؛ شناخت ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی اجتماع محدوده طرح، شناخت نگرش‌های شهروندان محدوده نسبت به طرح و پذیرش آن پیش از اجرا و بهره‌برداری؛ آگاه‌سازی ذی‌نفعان از اقدامات توسعه‌ای و پیامدهای مثبت و منفی آن و سهم کردن

ایشان در تصمیم‌گیری‌ها؛ شناسایی ظرفیت‌های نهادی موجود و قابل‌گسترش برای پذیرش و استقبال از پروژه توسط ذی‌نفعان و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی ذی‌مدخل و راه‌کارهای مشارکت آنها در پیشبرد پروژه.

ادبیات پژوهش

در این قسمت به ادبیات پژوهش در دو بخش ادبیات تجربی و ادبیات نظری اشاره شده است.

ادبیات تجربی

مجموعه ورزشی شامل محدوده‌ای گسترده متشکل از مکان‌ها یا مجتمع‌های ورزشی که امکانات و تجهیزات مجزا برای انجام فعالیت چند رشته ورزشی به صورت همزمان را داشته باشد تعریف شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳: ۵۷۱). اماکن ورزشی به عنوان اساسی‌ترین بخش سخت‌افزاری ورزش و جزئی از تأسیسات سازمان‌های انسانی به شمار می‌آیند (سلطان حسینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۵). از جمله کارکردهای مجموعه‌های ورزشی می‌توان به حضور همزمان و متراکم جمعیت پرشمار انسانی، گذران اوقات فراغت و تفریح اهالی شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها، ارتباطات چهره به چهره و روابط اجتماعی اشاره داشت.

در انجام رقابت‌های ورزشی بین گروه‌های جمعیتی در اینگونه فضاها، فعالیت‌های انسانی، محور اصلی و دلیل وجودی طراحی و پدیداری مکان است و سایر عوامل از این متغیر اصلی پیروی می‌کنند. اماکن ورزشی به عنوان اساسی‌ترین بخش سخت‌افزاری ورزش و جزئی از تأسیسات و یکی از مهم‌ترین کاربردهای عمومی شهری، بر محیط پیرامون خود اثرگذارند.

پاسکوال و همکاران^۱ (۲۰۰۹) اثرات اجتماعی اقتصادی ناشی از مجاورت با اماکن ورزشی را با استفاده از نرخ بیکاری و متوسط سطح درآمد منطقه بررسی کردند و چنین نتیجه گرفتند که برخلاف نتایج مشاهده‌شده در مطالعات قبلی، یافته‌های پژوهش آنها تأثیر معنی‌داری را بین وضعیت اجتماعی - اقتصادی و سطح زندگی افراد نشان نمی‌دهد.

سایفرد و زیمبالیست^۲ (۲۰۰۶) ادعا کردند که مجتمع‌های ورزشی و تیم‌های ورزشی به‌خودی‌خود اشتغال یا درآمد سرانه را در یک منطقه شهری تغییر نمی‌دهد. به‌طور کلی دو دلیل برای این موضوع بیان کرده‌اند: نخست اینکه

1- pascual et al

2- Siegfried & zimbalist

بیشتر هزینه‌هایی که مردم در یک استادیوم، مجتمع ورزشی یا میدان ورزش انجام می‌دهند، از طرف ساکنان همان منطقه شهری است؛ در نتیجه هزینه‌ها از یک قسمت اقتصاد محلی به قسمت دیگر هدایت می‌شود. دوم اینکه بیشتر درآمدی که به وسیله یک تیم ورزشی به دست می‌آید، به خارج از اقتصاد محلی می‌رود. سانتو^۱ (۲۰۰۵) نیز پژوهشی با عنوان «اثرات اقتصادی استادیوم‌ها و اماکن ورزشی نوزده ناحیه» را در شهرهایی که طی سال‌های ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۱ دارای استادیوم ورزشی برای تیم‌های لیگ برتر فوتبال یا بیسبال بودند، انجام داد. نتیجه پژوهش آنها، همبستگی مثبتی را بین سهم درآمد محلی و وجود این تیم‌های ورزشی در هشت ناحیه شهری از نوزده ناحیه نشان داد.

درباره مطالعات داخلی‌ای که در حوزه ارزیابی تأثیر انجام شده، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: نتیجه پژوهش «ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی احداث مجموعه فرهنگی ورزشی فاطمه‌الزهرا (یاس) در منطقه ۵ شهرداری تهران» (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که از جمله مهم‌ترین پیامدهای پروژه، افزایش امنیت محله پس از ساخت فضای ورزشی، اصلاح منظر شهری از طریق حذف زمین بایر و زیباسازی محله در فضای وسیع و بی‌دفاع و ناامن سابق، ایجاد تغییراتی در الگوهای فراغتی شهروندان به ویژه جوانان و زنان، گسترش پرداختن به ورزش همگانی در سطح محله، رونق کسب‌وکار محدود طرح و افزایش حس تعلق محله‌ای بوده است. همچنین از جمله پیامدهای منفی آن به افزایش شلوغی محله و سلب آسایش اهالی اشاره شده است.

نتیجه پژوهش ذاکر مشفق با نام «ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث، تجهیز و راه‌اندازی مجموعه فرهنگی و ورزشی سرسبز در منطقه ۲ شهرداری تهران» (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که مهم‌ترین پیامدهای مثبت احداث مجموعه شامل افزایش سرانه‌های ورزشی منطقه، غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان، افزایش سلامت جسمی و روحی، افزایش حضور زنان در اجتماع، کاهش گرایش جوانان به آسیب‌ها و انحراف‌ها، افزایش احساس امنیت در محله با افزایش تردد، کاهش نابرابری اقتصادی، ایجاد مشاغل جدید، ایجاد پاتوق محله‌ای و تأثیرات منفی شامل کاهش امنیت اجتماعی به دلیل افزایش سرقت اتومبیل، تهدید سلامت، کاهش قیمت زمین و املاک مجاور آن است.

نتیجه پژوهش «ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی احداث سوله ورزشی شهید بهشتی در منطقه ۸ شهرداری تهران» (۱۳۹۳) - که اختصاص به معلولان و جانبازان

داشته (با فاصله کمی از محل احداث پروژه حاضر) - نشان داد که مهم ترین پیامدهای مثبت شناسایی شده آن به ترتیب افزایش سلامت روحی و روانی معلولان و جانبازان، ترویج فرهنگ ورزش در میان معلولان و جانبازان، احتمال افزایش قیمت املاک مجاور، تحقق برنامه‌های فرادستی و اشتغال‌زایی برای معلولان و جانبازان بوده است.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان دریافت که احداث مجموعه‌های ورزشی با مقوله‌هایی نظیر کیفیت اوقات فراغت، ترویج فرهنگ ورزش، تأثیر بر اقتصاد محلی، تعلق اجتماعی، سلامت جسمی و روحی، امنیت، تردد و کیفیت محیط‌زیست در ارتباط بوده‌اند که سعی شده است اکثر این تأثیرات در مدل مفهومی پژوهش در نظر گرفته شود. از سوی دیگر از جمله ابزار مورد استفاده محققان در این طرح‌ها، پرسشنامه و مصاحبه بوده است که در این زمینه برای دستیابی به یافته‌های جامع‌تر که بتواند همه ابعاد پروژه را تحت پوشش قرار دهد، در این پژوهش از طریق مشارکت ذی‌نفعان پروژه به برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز و متعدد در مراحل مختلف پژوهش اقدام شده است.

ادبیات نظری

توسعه پایدار به عنوان یکی از پارادایم‌های اصلی توسعه از دهه ۱۹۸۰ مطرح بوده است و به دلیل جامعیت و همه‌جانبه‌گر بودن آن تاکنون پارادایم جایگزینی برای آن پیدا نشده است (فرجی راد و کاظمیان، ۱۳۹۱: ۱۶۹). توسعه پایدار معمولاً تلاشی در جهت ایجاد توسعه هم‌زمان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تلقی می‌شود. این رویکرد با انتقاد به اینکه شکل‌های سنتی توسعه محلی و منطقه‌ای بیش از حد اقتصادمحور بوده‌اند، مسائل زیست محیطی و اجتماعی را نیز همپای توسعه اقتصادی سرلوحه کار قرار داده است. در رویکرد توسعه پایدار، توسعه محلی و منطقه‌ای باید همزمان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی صورت گیرد و توسعه پایدار، ایده‌های گسترده‌تری را در سطح محلی و منطقه‌ای مطرح نموده است. رویکردهای جدیدتر در توسعه پایدار منطقه‌ای و محلی صرفاً در جست‌وجوی سازگار کردن و متعادل کردن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نبوده، بلکه به دنبال ادغام نتایج توسعه در این سه بعد هستند (همان: ۴۹).

از اهداف توسعه پایدار شهری می‌توان به برآورده کردن نیازهای فعلی جامعه انسانی مانند بهداشت و درمان و مسائل جمعیتی، مواد غذایی، آموزش، ایجاد شرایط مناسب کار، ایجاد اشتغال، الگوی مصرف، حمل و نقل، گذران اوقات

فراغت و عدالت اجتماعی، توزیع مساوی امکانات رفاهی در بین نسل کنونی و نسل آینده اشاره کرد. یکی از اصلی ترین مباحث توسعه پایدار، بحث چگونگی گذران اوقات فراغت به طور صحیح و در بستر و فضای مناسب و با در نظر گرفتن توزیع موقعیت های رفاهی در نسل کنونی و رعایت عدالت و حفظ امکانات برای نسل آینده است (کریمی و شوهانی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

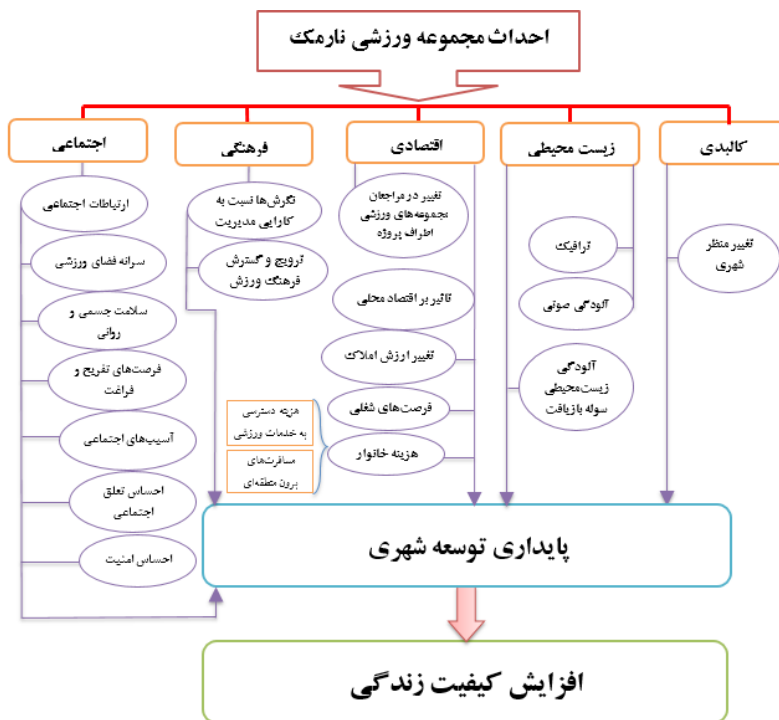
توسعه پایدار، یکی از بهترین رویکردها برای بررسی های تأثیرات اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود؛ زیرا به صورت همزمان می تواند هر سه بعد تأثیرات اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی پروژه های عمران شهری را بررسی کند. هدف ارزیابی تأثیرات، ایجاد محیطی است که از نظر بوم شناختی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، پایدارتر و عادلانه تر باشد. بنابراین ارزیابی تأثیرات باعث توسعه و توانمند شدن اجتماع خواهد شد. دغدغه اصلی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اتخاذ موضع فعال در برابر توسعه و نتایج توسعه است، نه صرفاً شناسایی و بهبود نتایج منفی یا ناخواسته. کمک کردن به اجتماعات و دیگر سهام داران، در امر شناسایی اهداف توسعه و اطمینان یافتن از به حداکثر رسیدن نتایج مثبت، می تواند مهم تر از کاستن خسارت های ناشی از تأثیرات منفی باشد (سرور و امینی، ۱۳۹۲: ۲۱).

هدف ارزیابی تأثیرات اجتماعی، قبول این امر است که تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و بوم شناختی به گونه ای ذاتی و جدایی ناپذیر به همدیگر مرتبط است و تغییر در هر حوزه ای، منجر به تغییر در سایر حوزه ها می شود. بنابراین ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید این برداشت از سازو کارهای تأثیرات را بسط دهد که هنگام ایجاد این مکانیسم ها، تغییر در یک حوزه، باعث تأثیرات در دیگر حوزه ها می شود (همان: ۲۱).

با توجه به اهمیت و کارکردهایی که مکان های ورزشی در حوزه های مختلف سیستم شهری دارند، مطالعه درباره آنها به ویژه از زاویه کارکردی، یکی از موضوعاتی است که می تواند بینش های جدیدی را برای کارگزاران امر به همراه داشته باشد. در این زمینه، رهیافت کارکردگرایی ساختاری با مفروض گرفتن پروژه مورد نظر به عنوان یک عامل تغییر در اجتماع محلی، مکانیسم های اثرگذاری پروژه بر ساختار اجتماع محلی را تبیین می نماید. بر اساس این رهیافت، احداث مجموعه ورزشی نارمک با ارتقای زیرساخت های منطقه و با دگرگونی شیوه های گذران اوقات فراغت و ایجاد زمینه های مناسب برای روابط اجتماعی و ایجاد رضایت شهروندی، میزان مشارکت اجتماعی آنها در فضاهای عمومی را افزایش داده، به تقویت همبستگی اجتماعی و به تبع آن بهبود سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی آنها منجر می شود.

بر همین اساس در این مطالعه، چارچوب مفهومی مبتنی بر رویکرد کارکردگرایانه با تکیه بر آرای «رابرت مرتن» مبنای سنجش قرار گرفته است. مرتن در رویکرد کارکردگرایی، بر کارکردهای اجتماعی تأکید دارد و معتقد است که هر پدیده اجتماعی می‌تواند برای پدیده اجتماعی دیگر، هم کارکرد مثبت و هم کارکرد منفی داشته باشد. از نظر او، «ساختارها یا نهادها می‌توانند به حفظ بخش‌های دیگر نظام اجتماعی کمک کنند. همچنین می‌توانند برای آنها، پیامدهای منفی نیز داشته باشند» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۴۵). مرتن به تنوع کارکردها پرداخته است، زیرا از نظر او افراد، خرده‌گروه‌ها و سیستم اجتماعی فرهنگی، وضعیت‌های متفاوتی در کلیت جامعه دارند. از این‌رو مفاهیمی چون کارکردگرایی، کارکردهای آشکار، کارکردهای پنهان، پدیده بدون کارکرد، کارکرد مثبت و کارکرد منفی در تحلیل کارکردی باید مورد توجه قرار گیرد.

بنا بر این دیدگاه، احداث مجموعه ورزشی نارمک به عنوان یک پدیده اجتماعی، هم می‌تواند کارکردهای مثبت و منفی، هم کارکردهای آشکار و پنهان و در آینده کارکردهای پیش‌بینی نشده برای سیستم شهری و نظام اجتماعی فرهنگی داشته باشد. هر یک از شاخص‌های آثار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی مدل مفهومی می‌تواند این دو نوع کارکرد را داشته باشد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

پیامدهای شناسایی شده در مدل مفهومی شکل ۱ در قالب پنج مقوله اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی، از هر کدام از رویکردهای نظری مطرح شده در بالا استخراج شده است.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. در ابتدای مطالعه بررسی‌های اسنادی (درباره مشخصات محدوده مورد مطالعه از قبیل موقعیت جغرافیایی، تاریخچه و برخی اطلاعات جمعیتی)، مشاهده و مصاحبه‌های نیمه‌ساختمند با مسئولان و ساکنان اطراف پروژه صورت پذیرفت. پس از به دست آوردن شناختی از پروژه و مصاحبه با کارشناسان GIS و شهرسازی حوزه نفوذ پروژه (در سه حوزه مداخله، بلافصل و فراگیر) و ذی‌نفعان (در سه سطح فردی، گروهی و سازمانی)، اولین جلسه بحث گروهی متمرکز با نمایندگان گروه‌های اجتماعی ساکن در محله، افراد با سابقه سکونت بالا (بیست سال به بالا) در اطراف پروژه، کسبه قدیمی اطراف پروژه و مطلعان محلی برگزار شد. سپس با استخراج داده‌ها و اطلاعات بحث گروهی متمرکز، مصاحبه‌های عمیقی با مدیران و معاونان شهرداری منطقه ۸ صورت پذیرفت. در این مرحله با در نظر داشتن شرایط پروژه و محیط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی محله، پرسشنامه مربوط برای انجام پیمایش، طراحی و اجرا شد. خروجی پرسشنامه مبنای بحث گروهی متمرکز دوم قرار گرفت. در ادامه برای برآورد پیامدها از تحلیل همه داده‌های جمع‌آوری شده به علاوه تجربیات تیم پژوهش در کنار استفاده از روش تطبیقی و سناریونویسی کمک گرفته شد. در پرتو یافته‌های به دست آمده، تأثیرات مهم پروژه بررسی شد. لازم به ذکر است که در بخش اسنادی، کلیه اسناد موجود و در دسترس بررسی شده‌اند. در روش میدانی، جامعه نمونه به سه بخش تقسیم شد:

الف) ساکنان محله فدک: که با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران با سطح دقت ± 0.06 ، $n = 265$ نفر با ترکیبی از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (تقسیم جمعیت مورد نظر بر اساس جنسیت) و نمونه‌گیری سیستماتیک (برای انتخاب منازل) برای تکمیل پرسشنامه‌ها انتخاب شده است.

ب) مدیران و نهادهای ذی‌نفع به صورت هدفمند و در دسترس که بیست نفر بوده‌اند.

ج) کسبه اطراف پروژه و مطلعان محلی به صورت هدفمند و در دسترس که در مجموع پانزده نفر بوده‌اند.

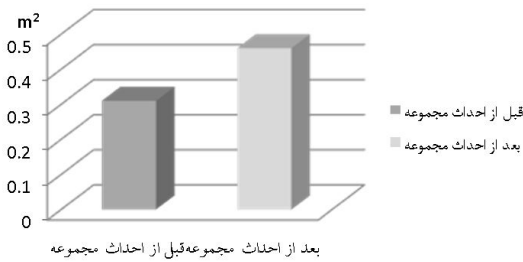
یافته‌های پژوهش و برآورد پیامدها

با احداث مجموعه ورزشی نارمک، ساکنان محله فدک از مهم‌ترین ذی‌نفعان این پروژه محسوب می‌شوند. محله فدک از محلات سیزده گانه منطقه ۸ شهرداری تهران بوده که گسترده‌ترین تأثیرات احداث مجموعه ورزشی در این محدوده مربوط به این محله است. این محله با مساحت ۱۴۶/۴ کیلومتر مربع و جمعیتی معادل ۳۷۳۸۲ نفر است که در تقسیم‌بندی ناحیه‌ای در ناحیه ۲ منطقه قرار گرفته است. محله فدک از لحاظ وجود امکانات اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با دیگر محلات منطقه، موقعیت خوبی دارد (۲). مساحت فضای ورزشی این محله ۱۱۱۹۴ مترمربع و سرانه فضای ورزشی موجود در محله ۰/۳۱ مترمربع به ازای هر نفر است (ر.ک: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری شهرداری منطقه ۸ تهران، ۱۳۹۳). همچنین از محلات با قدمت بالای ورزشی در سطح منطقه محسوب می‌شود و فعالیت مجموعه‌ها و مکان‌های متعدد ورزشی، زمین‌های چمن مصنوعی و قرار داشتن دو مجموعه ورزشی مطرح سطح منطقه (مجموعه شاهین و فدک) آن را در فهرست محله‌هایی با امکانات نسبتاً خوب ورزشی قرار داده است.

اما آنچه مدیریت شهری را (با وجود سرانه ورزشی مناسب این محله نسبت به محله‌های همجوار و فقر سرانه ورزشی سایر محله‌ها) مجبور به احداث این پروژه در محله فدک کرد، ناحیه‌ای تعریف شدن پروژه و کمبود شدید زمین در سطح منطقه و موقعیت بسیار مناسب زمین پروژه به لحاظ دسترسی از محلات همجوار و سایر نقاط ناحیه بوده است.

با بررسی اسناد موجود، با احداث مجموعه نارمک، سرانه فضای ورزشی این محله با ۰/۱۵ رشد به ۰/۴۶ مترمربع به ازای هر نفر افزایش خواهد یافت و مساحت فضای ورزشی آن به ۱۶۸۴۳ مترمربع خواهد رسید. اما این رقم هنوز با استاندارد شناخته شده (۱/۵-۲متر) فاصله زیادی خواهد داشت.

از جمله تأثیرات مهم اقتصادی احداث مجموعه ورزشی، کمک به کاهش هزینه خانوار است. به دلیل تعیین تعرفه‌های این مجموعه تحت نظر شهرداری منطقه، ساکنان محله و محله‌های همجوار، دسترسی راحت‌تر و کم هزینه‌تری به یک مجموعه ورزشی مجهز و با استانداردهای بالا خواهند داشت. با بررسی مهم‌ترین دلایل عدم گرایش به ورزش در بین دو گروه زنان و مردان ساکن محدوده طرح می‌توان به هزینه‌های بالای خدمات ورزشی اشاره داشت. در این زمینه زنان (۲۷/۷۸ درصد) و مردان (۲۶/۵۷ درصد) به بالا بودن تعرفه‌ها اشاره داشته‌اند. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و بررسی‌های میدانی نیز تنها (۳) مجموعه کامل



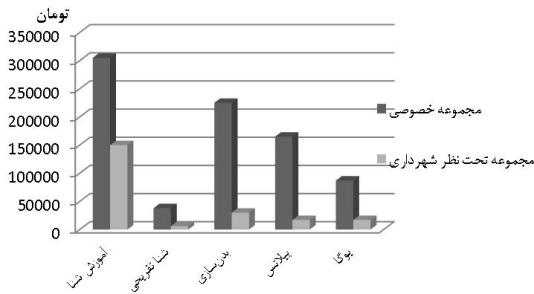
شکل ۲- مقایسه سرانه فضای ورزشی پیش و پس از احداث مجموعه

ورزشی در این محله که مجهز به استخر شنا بوده و تحت نظر شهرداری مدیریت می‌شود، مجموعه ورزشی فدک بوده که با حجم بالای مراجعه کننده از سطح منطقه و خارج منطقه (منطقه ۴ شهرداری) مواجه است که از

جمله دلایل مهم آن را می‌توان وجود ورزش‌های آبی و شهریه‌های دریافتی بسیار مناسب آن دانست. ساخت این مجموعه ضمن کاهش نیازها و تدارک امکانات زیربنایی، باعث کاهش هزینه‌های خانوار به واسطه کاهش هزینه‌های خدمات ورزشی و بی‌نیازی از هزینه‌های رفت و آمد به مجموعه‌های ورزشی سایر محلات در اجتماع تحت تأثیر خواهد شد.

از جمله تأثیرات مهم اقتصادی احداث مجموعه ورزشی، کمک به کاهش هزینه خانوار است. به دلیل تعیین تعرفه‌های این مجموعه تحت نظر شهرداری منطقه، ساکنان محله و محله‌های همجوار، دسترسی راحت‌تر و کم هزینه‌تری به یک مجموعه ورزشی مجهز و با استانداردهای بالا خواهند داشت. با بررسی مهم‌ترین دلایل عدم گرایش به ورزش در بین دو گروه زنان و مردان ساکن محدوده طرح می‌توان به هزینه‌های بالای خدمات ورزشی اشاره داشت. در این زمینه زنان (۲۷/۷۸ درصد) و مردان (۲۶/۵۷ درصد) به بالا بودن تعرفه‌ها اشاره داشته‌اند. بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و بررسی‌های میدانی نیز تنها (۳) مجموعه کامل ورزشی در این محله که مجهز به استخر شنا بوده و تحت نظر شهرداری مدیریت می‌شود، مجموعه ورزشی فدک بوده که با حجم بالای مراجعه کننده از سطح منطقه و خارج منطقه (منطقه ۴ شهرداری) مواجه است که از جمله دلایل مهم آن را می‌توان وجود ورزش‌های آبی و شهریه‌های دریافتی بسیار مناسب آن دانست. ساخت این مجموعه ضمن کاهش نیازها و تدارک امکانات زیربنایی، باعث کاهش هزینه‌های خانوار به واسطه کاهش هزینه‌های خدمات ورزشی و بی‌نیازی از هزینه‌های رفت و آمد به مجموعه‌های ورزشی سایر محلات در اجتماع تحت تأثیر خواهد شد.

بر اساس مطالعات انجام شده و مقایسه فهرست قیمت‌های خدمات ورزشی در مجموعه‌های خصوصی و تحت نظر شهرداری در رشته‌های یکسان، دو تا ده برابر در کاهش هزینه‌های ورزشی استفاده کنندگان از این مجموعه، نسبت به



شکل ۳- مقایسه قیمت خدمات در مجموعه‌های ورزشی خصوصی و تحت نظر شهرداری

مجموعه‌های خصوصی صرفه‌جویی خواهد شد. همچنین حدود ۰/۳۵ از افراد ساکن در محله برای دسترسی به مجموعه‌های با استانداردهای بالاتر و قیمت مناسب‌تر به مجموعه‌های فرامحلی مراجعه می‌کنند. با بهره‌برداری از این مجموعه و ارائه خدمات با کیفیت و هزینه مناسب‌تر که از اهداف از پیش تعیین شده مجموعه

است، می‌توان برآورد نمود که این رقم به صفر برسد.

بالا رفتن سطح بهداشت محدود از دیگر پیامدهای اجرای این طرح محسوب می‌شود. طبق اسناد موجود، زمین پروژه قبل از احداث مجموعه ورزشی، سال‌ها به عنوان سوله باز یافت در اختیار اداره خدمات شهری منطقه جهت عملیات تفکیک و باز یافت زباله قرار داشت که این امر عامل مهمی برای ایجاد آلودگی زیست محیطی در محدوده بوده است. بوی نامطبوع زباله‌ها به‌ویژه در فصل گرما، ازدیاد حشرات موذی، تردد خودروهای حمل زباله و شیرآبه‌های ناشی این خودروها، موجب آزار و اذیت ساکنان و رهگذران اطراف سوله شده بود.

پاسخ‌های ارائه شده از سوی ساکنان نشان می‌دهد که با حذف محیط آلوده سوله باز یافت، آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از فعالیت این مرکز در اطراف محدوده از بین رفته و تمامی ساکنان اطراف، از تغییر کاربری آن به یک مرکز خدماتی اظهار رضایت و خشنودی نموده‌اند. همچنین با تغییر کاربری زمین سوله



شکل ۴- مقایسه وضعیت زمین پروژه، پیش و پس از احداث مجموعه

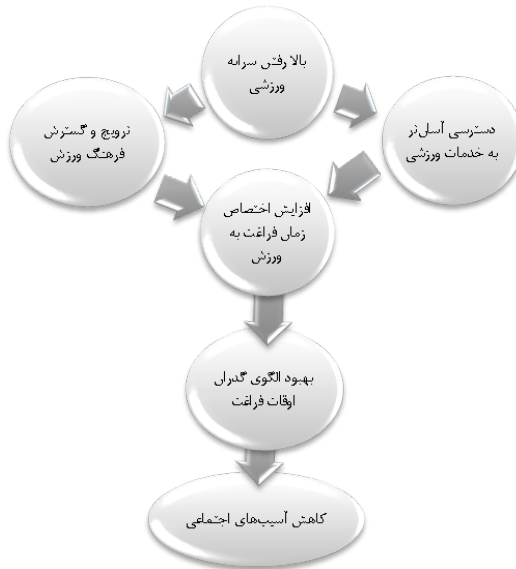
باز یافت و از بین رفتن مناظر نازیباى محدوده به واسطه فعالیت این مرکز و تبدیل شدن به یک مرکز ورزشی مدرن موجب ایجاد محیط مطلوب تر بصری و بهبود منظر شهری نیز در این محدوده خواهد شد.

برقراری امنیت و توجه به بالا بردن احساس امنیت ذهنی شهروندان از مسائل مهمی است که باید در فرآیند تصمیم‌سازی برنامه‌ریزان شهری به آن توجه شود. در این زمینه مدیریت شهری از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری با تغییر کاربری سوله باز یافت و احداث مجموعه ورزشی توانسته در این مسئله مداخله کرده، بر پیشگیری از جرم و احساس ناامنی به وجود آمده در این محدوده تأثیر گذار باشد.

بر اساس نتایج بحث‌های گروهی و مصاحبه‌های انجام شده با ساکنان اطراف پروژه، وجود سوله باز یافت در این مکان باعث ایجاد احساس ناامنی در رهگذران اطراف این مرکز شده بود. این احساس ناامنی بیشتر در بین زنان و دختران ساکن محله و در ساعاتی که رفت و آمد در این خیابان کم بوده (به‌ویژه ساعات پایانی روز)، افزایش داشته است. نتایج به دست آمده گویای آن است که بیشتر از نیمی از ساکنان محدوده با پایان یافتن فعالیت این مرکز، احساس امنیت بیشتری هنگام تردد در این محدوده داشته‌اند.

احداث مجموعه ورزشی نارمک با افزایش سرانه ورزشی و ایجاد انگیزه و ترویج فرهنگ ورزش در میان شهروندان موجب اختصاص زمان بیشتر در اوقات فراغت آنها به ورزش خواهد شد. این امر هم در بهبود سلامت جسمی و روانی و افزایش نشاط و شادابی آنان مؤثر خواهد بود و هم در کاهش آسیب‌های اجتماعی که به واسطه عدم بهینه‌سازی اوقات فراغت جوانان و نوجوانان در کمین آنان نشسته است.

در این زمینه بیش از نیمی از افراد شرکت کننده در بحث‌های گروهی و ساکنانی که با آنان مصاحبه انجام شده است، معتقد بودند که بسیاری از شهروندان به‌ویژه جوانان محله به دلیل نبود مکان‌های ورزشی با قیمت مناسب، اوقات فراغت خوبی را نمی‌گذرانند. با توجه به نتایج به دست آمده از پیمایش، ۸۰ درصد از ساکنان، این مجموعه را مکان مناسبی برای گذران اوقات فراغت دانسته‌اند و با در نظر داشتن این مسئله که ۱۸ درصد از آنان نیز در اوقات فراغت خود به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند، می‌توان برآورد نمود که احداث این مجموعه حدود ۱۵ درصد در پر نمودن اوقات فراغت ساکنان این محدوده تأثیر گذار باشد.



شکل ۵- عوامل تأثیرگذار بر کاهش آسیب‌های اجتماعی

با توجه به اینکه مجموعه در حال احداث نارمک در نقطه‌ی پرتردد شهری قرار ندارد، بهره‌برداری از مجموعه موجب ورود شهروندان بیشتری به این محدوده خواهد شد. اطلاعات به دست آمده از مصاحبه با کارشناسان نشان داد که این مجموعه پس از بهره‌برداری، روزانه حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر مراجعه کننده خواهد داشت. با افزایش آمدو شد مراجعان به این مجموعه، خیابان مدنی که در حال

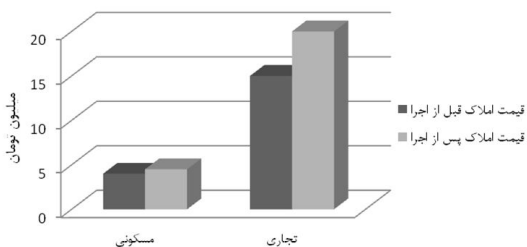
حاضر در حالت سکون قرار گرفته است، جان تازه‌ای خواهد گرفت (۴) و می‌توان امیدوار بود که کسب و کار این محدوده رونق دوباره‌ای بگیرد. این رونق به دو شکل مستقیم و غیر مستقیم بر اصناف در حال فعالیت این خیابان تأثیرگذار خواهد بود.

البته با توجه به نتایج مصاحبه‌های انجام شده با مشاوران املاک این محدوده می‌توان پیش‌بینی نمود که بیشترین تأثیر، پس از بهره‌برداری مجتمع تجاری اداری همجوار با این مجموعه اتفاق خواهد افتاد (۵). وقتی این دو مرکز با هم در این خیابان به فعالیت پردازند و با در نظر گرفتن وجود ایستگاه مترو فدک که در چند قدمی این دو مرکز قرار دارد، می‌توان به رونق کسب و کار محدوده و شناخته شدن خیابان مدنی به یک راسته تجاری بیشتر امیدوار بود. در زمینه قدرت تأثیر این دو مرکز (مجموعه ورزشی نارمک و مجتمع تجاری) پس از احداث در رونق گرفتن کسب و کار این خیابان با توجه به نتایج مصاحبه با کارشناسان و اطلاعات به دست آمده، می‌توان برای مجتمع تأثیری معادل ۸۰ درصد و برای مجموعه ورزشی نارمک در کنار فعالیت آن، تأثیری معادل ۲۰ درصد را در رونق کسب و کار محدوده قائل شد.

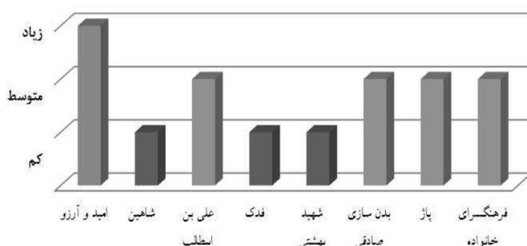
با تغییر کاربری زمین مجموعه و تبدیل یک محیط آلوده به یک مکان خدماتی استاندارد با طراحی مناسب و زیبا، ضمن افزایش احساس تعلق ساکنان، افت نسبی

قیمت‌های املاک اطراف پروژه را (که به دلیل وجود سوله بازیافت در این محدوده رخ داده بود) تاحدودی جبران خواهد نمود و در جذب افراد به سوی آپارتمان‌ها و مجتمع‌های اطراف، افزایش قیمت زمین، مغازه و اجاره‌بها، تأثیر مثبتی برای ساکنان و صاحبان املاک این محدوده قلمداد خواهد شد. با توجه به اطلاعات به دست آمده از مشاوران املاک محدوده، این تغییر کاربری و افتتاح مجموعه ورزشی که باعث از بین رفتن سوله بازیافت نیز شده است، می‌تواند باعث رونق خیابان مدنی و محدوده مجاور مجموعه ورزشی شده، قیمت املاک را تا حدود ۱۰ درصد افزایش دهد.

مجموعه ورزشی نارمک در محله‌ای در حال احداث است که مجموعه‌های ورزشی بزرگ و کوچک زیادی در اطراف آن مشغول به فعالیت هستند. با وجود این انتظار می‌رود که استقبال از این مجموعه چشمگیر باشد. همچنان که از یافته‌های پژوهش برمی‌آید، ۷۵/۵ درصد از افراد، استقبال از این مجموعه را زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و بیشتر از نیمی از ساکنان معتقد بوده‌اند که با ساخت این مجموعه از مراجعه به سایر مجموعه‌ها بی‌نیاز خواهند شد. از سوی دیگر با آغاز به کار این مجموعه و دارا بودن امکانات کاملی نظیر (استخر، سونا، جکوزی، سالن بدن‌سازی، فوتسال، بسکتبال، والیبال و سالن کشتی و ورزش‌های رزمی) می‌توان پیش‌بینی نمود که تاحدی مجموعه‌های فعال در سطح محله را تحت تأثیر قرار داده، با کاهش مراجعه‌کننده روبه‌رو کند.



شکل ۶- تخمین قیمت املاک پس از احداث مجموعه



شکل ۷- شدت تأثیر مجموعه ورزشی نارمک بر باشگاه‌های سطح محله

بر اساس اطلاعات به دست آمده، میزان تأثیر این پیامد بر دو مجموعه شاهین و فدک در محله بسیار ناچیز خواهد بود، زیرا مراجعان مجموعه شاهین از اقشار مرفه و بیشتر فرامحله‌ای و فرامنطقه‌ای هستند. بر مجموعه فدک هم به دلیل حجم بالای مراجعه‌کنندگان، تأثیر بسیار کمی خواهد داشت و بیشتر بر مکان‌های ورزشی کوچک و خصوصی سطح محله که با فاصله کمتری با

مجموعه نارمک واقع شده‌اند، تأثیرگذار خواهد بود. در این زمینه بیشترین تأثیر در کاهش مراجعه‌کننده در ارتباط باشگاه ورزشی امید و آرزو بوده که در نزدیکی محل احداث پروژه مشغول به فعالیت است. البته با توجه به نتایج به دست آمده در این زمینه برآورد می‌شود که شدت این تأثیر، بیشتر در شش ماهه نخست بعد از بهره‌برداری از مجموعه اتفاق بیفتد و در صورتی که این مجموعه موفقیت بیشتری در رقابت با مجموعه‌های در حال فعالیت اطراف خود کسب نکند، مراجعان آن کاهش یافته، شدت این تأثیر نیز کاهش خواهد یافت.

از دیگر پیامدهای احداث مجموعه نارمک، افزایش ترافیک محدوده در حین اجرای عملیات ساخت و ساز و بیشتر پس از بهره‌برداری پیش‌بینی شده است. از آنجایی که خیابان مدنی بسیار کم تردد است، تاکنون (تا پایان فاز اول) با توجه به اطلاعات به دست آمده هیچ‌گونه ترافیکی در این خیابان به واسطه اجرای عملیات ساخت و ساز ایجاد نشده است. این مسئله بیشتر پس از بهره‌برداری مجموعه به دلایل زیر، به یک مشکل در سطح محدوده تبدیل خواهد شد:

۱- ظرفیت پایین پارکینگ این مجموعه

۲- مشکل پارک خودروهای استفاده‌کنندگان از مترو فدک در خیابان مدنی

۳- نبود پارکینگ عمومی در سطح محدوده و محله فدک

۴- آغاز به کار مجتمع تجاری اداری بزرگ همجوار با این مجموعه

لازم به ذکر است که هم‌اکنون سرتاسر خیابان مدنی به علت پارک خودروهای شخصی استفاده‌کنندگان از مترو، جای پارک ندارد و با احداث مجموعه، افزایش تردد و پارک غیر مجاز خودروها، عامل مهمی در ایجاد ترافیک خواهد بود. طی نظرخواهی از ساکنان محلی، ۷۵/۵ درصد آنان معتقد بوده‌اند که ساخت این مجموعه موجب ایجاد ترافیک و شلوغی در اطراف مجموعه خواهد شد. در این زمینه نتایج مصاحبه با کارشناسان نیز حاکی از آن بود که مجموعه نارمک پس از بهره‌برداری حدود پنجاه شصت نفر پرسنل خواهد داشت که اگر کمترین میزان مراجعه‌کننده در روز به این مجموعه را (۱۵۰۰ نفر) در کنار آن در نظر بگیریم، به وضوح روشن می‌شود که حجم پارکینگ اختصاصی (۳۴ واحد) این مجموعه پاسخگوی مراجعه‌کنندگان نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

فراهم نمودن زمینه‌های گسترش و توسعه فرهنگ ورزش و افزایش سرانه فضای ورزشی از اهداف و سیاست‌هایی است که همواره دولت‌ها و متولیان امور شهری

به دنبال ارتقای آن هستند. ساخت فضاهای ورزشی به طور عام و مجموعه ورزشی نارمک به طور خاص، یکی از کانال‌ها و ابزار تحقق این اهداف است. با توجه به گسترش رویکرد توسعه پایدار، اهمیت و کارکردهای فضاهای ورزشی، مطالعه درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، یکی از حوزه‌هایی است که بینش‌های جدیدی را برای کارگزاران به همراه داشته است.

بر این اساس با رویکرد ترکیبی و استفاده از روش‌های کمی و کیفی به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث مجموعه ورزشی نارمک پرداخته شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که احداث مجموعه ورزشی نارمک روی پنج حوزه تأثیرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی تأثیر داشته که هر حوزه شامل چندین شاخص تأثیر بوده است. تمامی مطالعات پیشین اعم از ارزیابی تأثیرات اجتماعی و مطالعات پژوهشی نیز به نتایج مشابهی در این رابطه اشاره کرده‌اند.

مهم‌ترین پیامدهای مثبت احداث مجموعه در مکان مورد نظر به ترتیب اولویت، افزایش سرانه فضای ورزشی، از بین رفتن آلودگی زیست‌محیطی سوله بازیافت، کاهش هزینه خانوار، بهبود الگوی گذران اوقات فراغت، افزایش سلامت جسمی، افزایش زیبایی منظر، ارتقای ارزیابی مثبت از کارایی مدیریت شهری، ترویج فرهنگ ورزش و افزایش ارتباطات اجتماعی، پیشگیری از اشاعه آسیب‌های اجتماعی و کاهش احساس ناامنی بوده است. کاهش مراجعه‌کننده به مراکز ورزشی فعال سطح محدوده، کمبود پارکینگ و افزایش ترافیک در سطح محدوده از مهم‌ترین پیامدهای منفی شناسایی شده در بین سایر پیامدها بوده است.

ساخت این مجموعه و افزایش سرانه فضای ورزشی و صرفه‌جویی در هزینه‌های پرداختی، فرصت‌های جدیدی را برای گذران اوقات فراغت در اختیار ساکنان محله فدک و محلات همجوار آن (زرکش، هفت حوض و نارمک) قرار می‌دهد. همچنین به دلیل تغییر کاربری و از بین رفتن آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش سطح امنیت و بهبود منظر شهر، ساکنان این محدوده جزء برندگان اصلی این پروژه در سطح فردی قرار می‌گیرند. اما با آغاز به کار مجموعه ورزشی نارمک و ایجاد یک فضای ورزشی با استانداردهای بالا و تعرفه‌های مناسب، مجموعه‌های خصوصی ورزشی فعال در سطح محدوده از مهم‌ترین بازندگان در سطح سازمانی محسوب می‌شوند.

با توجه به اینکه ارزیابی تأثیرات اجتماعی به دنبال کاهش تضادهایی است که می‌تواند اهداف از پیش تعیین شده یک پروژه را به مخاطره اندازد، ارائه راه‌کارهایی جهت جبران و به حداقل رساندن پیامدهای منفی و افزایش پیامدهای

مثبت پروژه، یکی از مهم‌ترین اهداف ارزیابی تأثیرات اجتماعی به شمار می‌رود. در ادامه به ارائه پیشنهادها و کاربست‌های افزایش پیامدهای مثبت پروژه جهت بهره‌مندی بیشتر ذی‌نفعان پرداخته می‌شود.

راه کارهای جبران کمبود پارکینگ و کاهش ترافیک: با توجه به اینکه پارکینگ اختصاصی مجموعه، ظرفیت پایینی دارد، از جمله مشکلاتی که با ساخت این مجموعه در محدوده در حال احداث پروژه تشدید خواهد شد، کمبود جای پارک خودرو، افزایش پارک حاشیه‌ای خودروها و ایجاد ترافیک و کاهش کیفیت تردد خودروها در اطراف مجموعه ورزشی خواهد بود. بر اساس ضوابط و مقررات طرح تفصیلی یکپارچه شهر تهران، اماکن ورزشی با سطح عملکرد ناحیه‌ای به ازای هر صد مترمربع زیربنای مفید ملزم به تأمین حداقل دو واحد پارکینگ علاوه بر پارکینگ مورد نیاز هستند. با در نظر گرفتن زیربنای مفید مجموعه که ۳۱۷۵ مترمربع است، بر اساس این قانون باید ۸۰ واحد پارکینگ برای این مجموعه طراحی شود که تنها ۳۴ واحد آن تأمین شده است. افزایش ظرفیت پارکینگ اختصاصی مجموعه و طراحی مناسب آن، یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه محسوب می‌شود، به‌ویژه اینکه پروژه هنوز در مراحل ابتدایی ساخت خود به سر می‌برد.

با وجود ایستگاه مترو فدک که در چند قدمی این مجموعه است و مشکل پارک خودروهای مراجعان به مترو در کوچه‌های اطراف و نبود پارکینگ عمومی در سطح محله، شناسایی و در نظر گرفتن مکانی در نزدیکی مجموعه به عنوان پارکینگ عمومی از سوی شهرداری منطقه از راه کارهایی است که می‌تواند در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد. نصب علائم راهنمایی و رانندگی برای جلوگیری از پارک خودروها در مقابل درب منازل و جلوگیری از ایجاد مزاحمت برای همسایگان و در نظر گرفتن پارکبان در اطراف مجموعه برای جلوگیری از پارک خودروها در مکان‌های نامناسب می‌تواند در کیفیت تردد نیز تأثیرگذار باشد. تجربه ثابت نموده است که بسیاری از مراجعان برای اینکه هزینه پارکینگ را تقبل نکنند، خودروهای خود را در مکان‌های نامناسب پارک نموده و از این جهت به افزایش ترافیک دامن زده‌اند. برای کاهش ترافیک محدوده، کاهش تعرفه دریافتی ورودی پارکینگ مجموعه می‌تواند تا اندازه‌ای کمک‌کننده باشد.

راه کارهای جبران کاهش مراجعه‌کننده به مجموعه‌های ورزشی بخش خصوصی: با بهره‌برداری و آغاز به کار مجموعه نارمک، مجموعه‌های ورزشی خصوصی که در اطراف آن مشغول به فعالیت هستند، با کاهش جدی مراجعه‌کننده مواجه خواهند شد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که مجموعه ورزشی نارمک

بیشتر در رشته‌های ورزشی متفاوت با فعالیت‌های مجموعه‌های خصوصی اطراف پروژه برنامه‌ریزی و فعالیت نمایند. در این زمینه تمرکز مجموعه باید بیشتر بر رشته‌هایی غیر از بدن‌سازی، ایروبیک، یوگا و پیلاتس باشد. همچنین اطلاع‌رسانی از فعالیت مکان‌های ورزشی در سطح محدوده و رشته‌های ورزشی دایر در آن به ساکنان محدوده می‌تواند در راستای حمایت از آنان کمک‌کننده باشد. با در نظر گرفتن مسئله حمایت از فعالیت بخش خصوصی، بهره‌بردار مجموعه را می‌توان ملزم نمود تا با تشکیل مراکز همسو با مجموعه، باشگاه‌های کوچک اطراف را در رشته‌های در حال فعالیتشان مورد حمایت قرار دهند، به گونه‌ای که در صورت پر شدن سانس‌های رشته‌های ورزشی مجموعه نارمک، مراجعان را به این مراکز ارجاع دهد.

راه کارهای افزایش ترویج و گسترش فرهنگ ورزش: بانوان نقش بسیار مهم و پررنگی در سلامت جامعه دارند و این مسئله، لزوم توجه بیش از پیش به راهکارهای ترویج و گسترش فرهنگ ورزش و بسترسازی برای مشارکت آنان در ورزش شهروندی را چند برابر می‌کند. در این زمینه اختصاص مکانی در مجموعه برای نگهداری و مراقبت ساعتی از کودکان و خردسالان، می‌تواند جهت استفاده از خدمات مجموعه برای مادران و ترویج ورزش برای این قشر از زنان کمک‌کننده باشد. بر اساس نتایج پیمایش، بیشتر مادرانی که فرزندان خردسال دارند، اصلی‌ترین دلیل عدم گرایش به ورزش در مجموعه‌های ورزشی را مشکل نگهداری از کودکان در زمان فعالیتشان عنوان نموده‌اند که با طراحی این مکان و ایجاد امکانات در مجموعه می‌توان به اشاعه و گسترش فرهنگ ورزش در این قشر کمک نمود.

برنامه‌ریزی و ایجاد سانس‌های مناسب برای بهره‌مندی بانوان کارمند (با توجه به کارمندان نشین بودن منطقه ۸) نیز می‌تواند در گسترش فرهنگ ورزش در این قشر ثمربخش باشد. در راستای سیاست شهرداری منطقه جهت گنجاندن فرهنگ ورزش در سبد خانوار شهروندان، می‌توان برای بهره‌مندی خانواده‌هایی که اعضای خانواده با هم در هر یک از رشته‌های ورزشی مجموعه به فعالیت می‌پردازند، تسهیلاتی نظیر تخفیف‌های ویژه یا یک دوره ورزشی رایگان در نظر گرفته شود.

راه کارهای بهبود الگوی گذران اوقات فراغت: امروزه سهم قابل توجهی از زندگی افراد در بیشتر جوامع به اوقات فراغت اختصاص دارد. از این رو برنامه‌ریزی دقیق و مبتنی بر وضع موجود برای فعالیت و بهینه‌سازی اوقات فراغت انسان‌ها، ضرورتی انکارناشدنی است. با ساخت مجموعه ورزشی نارمک، فرصت‌های

جدیدی برای گذران اوقات فراغت در اختیار شهروندان محدود قرار خواهد گرفت و تغییرات مثبتی را در ساختار فرصت‌های فراغت و تفریح افراد به وجود خواهد آورد. در این زمینه با تقویت مکانیسم‌هایی نظیر افزایش حجم فعالیت‌های متنوع مجموعه در کنار به کارگیری امکانات مطلوب، مریبان با تجربه و انجام مطالعات نیازسنجی به صورت مستمر و سالانه از گروه‌ها و اقشار اجتماعی مختلف به منظور شناخت مسائل و نیازهای آنان در عرصه گذران اوقات فراغت و پوشش آن توسط مجموعه می‌توان فعالیت‌های ورزشی مجموعه را با علایق شهروندان همسو نمود. انجام نشست‌های تخصصی دوره‌ای با حضور مسئولان مجموعه با استفاده از روش‌های مشارکتی درباره شناخت مسائل و نیازهای مراجعان در عرصه گذران اوقات فراغت نیز از راهکارهایی است که می‌تواند در بهره‌وری بیشتر مجموعه و غنی‌سازی اوقات فراغت ساکنان تأثیرگذار باشد. همچنین با اطلاع‌رسانی مناسب و کافی از طریق تبلیغات شهری از برنامه‌های مجموعه، آگاهی بیشتری در اختیار شهروندان جهت مدیریت اوقات فراغت قرار خواهد گرفت.

راه کارهای افزایش ارتباطات اجتماعی: هرچند کارکرد اصلی این پروژه، ورزشی است، به دلیل داشتن سالن‌های چندمنظوره، با به کارگیری مدیریتی توانمند می‌توان از محیط این مجموعه برای بالا بردن تعاملات اجتماعی ساکنان و مراجعان استفاده کرد. افزایش برنامه‌های اجرایشده در سطح مجموعه مانند برگزاری تورها و برنامه‌های مسافرتی توسط اعضای تیم‌ها و مراجعه‌کنندگان، تشویق به تشکیل تیم‌های ورزشی با حضور ورزشکاران برجسته و مریبان مطرح و حمایت از آنها برای شرکت در مسابقات مختلف، برگزاری مسابقات محلی در سطوح مختلف سنی برای ایجاد حلقه‌های همبستگی، ارائه برنامه‌های ویژه ورزشی و فرهنگی به مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی و توجه به حضور خانواده‌ها در برنامه‌ریزی این فعالیت‌ها می‌تواند به افزایش تعاملات و روابط ساکنان محدود و مراجعه‌کنندگان به مجموعه منجر شود.

راه کارهای کاهش هزینه خانوار: با توجه به اینکه این مجموعه به یک مکان مهم ورزشی در سطح ناحیه و گاه در سطح منطقه تبدیل خواهد شد، مدیریت چنین مجموعه‌ای، تأثیر زیادی در افزایش یا کاهش بهره‌وری مجموعه خواهد داشت. با این اوصاف، سپردن مدیریت مجموعه به پیمانکاران از این جهت که کارها را باید به بخش خصوصی سپرد، اقدامی مثبت است. اما باید توجه داشت که پیمانکار یادشده، صلاحیت لازم را داشته باشد و ارائه خدمات در این مجموعه را در حد قابل قبولی ارائه کند. در عین حال در روند مدیریت نیز باید از نگاه صرفاً

سودانگاران به مجموعه پرهیز کرد تا اقشار آسیب‌پذیر، نفع‌برندگان اصلی پروژه باشند. نگاه سودمحورانه صرف، معمولاً نهادهای دارای جایگاه رسمی، افراد و گروه‌های غیر بومی و اغلب برخوردار را بهره‌مندان اصلی پروژه خواهد شمرد. در حالی که مضرات حاصل از پروژه دامنگیر ساکنان محلی است و در نهایت احساس نارضایتی و محرومیت نسبی را در میان آنها تقویت خواهد کرد. در این زمینه با کاهش تعرفه‌های در نظر گرفته شده برای ارائه خدمات در این مجموعه بر اساس پتانسیل و ظرفیت اقتصادی / مادی ساکنان محدوده می‌توان به یکی از مشکلات عنوان شده آنان (هزینه‌های بالای دسترسی به خدمات ورزشی) از سوی مدیریت شهری پاسخ مثبت داد. ایجاد تسهیلات مناسب جهت کمک به اقشار بی‌بضاعت و کم‌توان محدوده و نظارت مستمر بر اداره مجموعه در صورت سپردن مدیریت آن به پیمانکار جهت پرهیز از مواضع مدیریتی سودانگاران در اداره مجموعه می‌تواند مؤثر باشد.

در نهایت در این قسمت به پیشنهادهایی با هدف مراقبت‌های پس از احداث مجموعه ورزشی نارمک پرداخته شده است:

* تشکیل هیئتی متشکل از نماینده شورایاری محله، نماینده‌ای از سوی شهردار منطقه که این هیئت، مسئول انجام بازدیدهای دوره‌ای (هر دو ماه یکبار) از پروژه و پیگیری اموری خواهد بود که در کاربست ارجاع داده شده است. این رصد با طراحی و تکمیل فرم‌های مخصوصی که در آن جدول کاربست‌ها و مراحل زمانی آن ذکر شده است، انجام و صورت جلسه خواهد شد.

* در صورت واگذاری مدیریت مجموعه به بخش خصوصی باید بهره‌بردار را ملزم به ارائه گزارش عملکرد مجموعه نمود. این کار با هدف بررسی چگونگی عملکرد پیمانکار و پرهیز از نگاه سودانگاران انجام خواهد شد. در این صورت مدیریت مجموعه موظف است گزارش عملکرد مجموعه را به صورت ماهیانه وارد کند و به منطقه تحویل دهد. این گزارش‌ها باید در فرم‌های تعیین شده طراحی شود و برای تکمیل در اختیار بهره‌بردار مجموعه قرار گیرد.

* انجام مطالعات نیازسنجی به صورت مستمر و هر شش ماه یکبار از گروه‌های هدف مراجعه‌کننده مجموعه ورزشی نارمک به منظور شناخت مسائل، نیازها، کمبودها و سنجش میزان رضایت مراجعان از عملکرد و نحوه ارائه خدمات و نگرش آنان به مدیریت مجموعه، از مهم‌ترین راه‌های شناخت چگونگی عملکرد مجموعه در صورت واگذاری آن به پیمانکار و بالا بردن میزان کارایی مجموعه خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ شروع به کار پروژه، ۲۹ مهر ۱۳۹۳ بود. این پروژه در سال ۱۳۹۷ به بهره‌برداری رسیده است. لازم به ذکر است که ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی این پروژه در حین اجرا (۱۳۹۳-۱۳۹۴) بوده است.
۲. از جمله مراکز فرهنگی و اجتماعی شناسایی شده در محله می‌توان به اماکن فرهنگی شامل کتابخانه، خانه فرهنگ، سرای محله، فرهنگسرا، خانه قرآن، شهر کتاب و سالن سینما، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، اماکن مذهبی شامل مسجد و حسینیه، اماکن ورزشی شامل ده مجموعه و فضای ورزشی خصوصی و دولتی، اماکن آموزشی شامل مدارس و آموزشگاه‌ها اشاره کرد.
۳. سایر مجموعه‌های فعال در این محدوده تحت نظر بخش خصوصی مشغول به فعالیت هستند.
۴. خیابان مدنی که قبلاً یک خیابان شریانی دست اول بوده، با تغییرات ترافیکی مواجه شده و احداث اتوبان امام علی، مدتی است که آن را از حالت رونق گذشته خود خارج شده است.
۵. این مجتمع در حال ساخت در جنب پروژه مجتمع ورزشی نارمک، در زمینی به وسعت ۶۳۲۰ مترمربع در چهارده طبقه (مشمول بر چهار طبقه پارکینگ، سه طبقه واحدهای تجاری، یک طبقه فودکورت و شش طبقه اداری) واقع شده است. این مجتمع با رویکرد ایجاد محیطی ایده‌آل برای کسب و کار، فضایی مناسب برای دفاتر اداری، محلی جهت خرید کالا و گذراندن اوقات فراغت در حال احداث است. واحدهای تجاری با زیربنای مفید ۴۵۵۰ مترمربع در چهار طبقه شامل ۲۳۴ واحد تجاری، ۲۴ واحد فودکورت و یک سوپرمارکت بزرگ است.

منابع

۱. پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۵). **سرانه ورزشی در تهران**، قابل دسترس در اینترنت به نشانی: www.news.msy.gor.ir.
۲. پژوهشکده مطالعات توسعه جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران (۱۳۹۰). **ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث مجموعه فرهنگی و ورزشی فاطمه الزهرا (یاس)**. کارفرما: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۵.
۳. حمیدی، مهرزاد (۱۳۹۲). **مدیریت شهری و ورزش همگانی**. تهران: تیسرا.
۴. ذاکر مشفق، اعظم (۱۳۹۲). **ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث، تجهیز و راه‌اندازی مجموعه فرهنگی ورزشی سرسبز**. کارفرما: معاونت اجتماعی و فرهنگی منطقه ۲ تهران.
۵. بارج، رابل، جی و دیگران (۱۳۹۱). **مفاهیم، فرایند و روش‌های ارزیابی تأثیر اجتماعی**. ترجمه محمدعلی ذکریایی و علی حاجلی. تهران: جامعه و فرهنگ.
۶. ریتزر، جورج (۱۳۷۴). **نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
۷. سایت شهرداری منطقه ۸ شهرداری تهران (۱۳۹۴). **زندگی در منطقه**، دی ماه. قابل دسترس در اینترنت به نشانی: www.Region.ir.
۸. سرور، رحیم و مهدی امینی (۱۳۹۲). **تحلیل و ارزیابی تأثیر اجتماعی - فرهنگی ترافیک و حمل‌ونقل شهری**. تهران: تیسرا.
۹. سلطان حسینی، محمد و دیگران (۱۳۹۲). **اولویت‌بندی اثرات اجتماعی و اقتصادی اماکن ورزشی بر محیط شهری (مطالعه موردی: شهر یزد)**. **مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای**، دوره چهارم، شماره ۱۶، صص ۶۵-۸۸.
۱۰. فرجی‌راد، خدر و غلامرضا کاظمیان (۱۳۹۱). **توسعه محلی و منطقه‌ای از منظر رویکرد نهادی**. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۱. قدیمی، بهرام (۱۳۹۰). **ورزش در شهر تهران**. تهران: جامعه و فرهنگ.
۱۲. کریمی، علی اشرف و محمد شوهانی (۱۳۹۳). **مکان‌یابی فضاهای سبز با رویکرد توسعه پایدار در پر کردن اوقات فراغت**. **فرهنگ ایلام**، دوره پانزدهم، شماره ۴۴، صص ۹۵-۱۱۱.
۱۳. مرکز آمار ایران (۱۳۹۳). **تعاریف و مفاهیم استاندارد آماری** (برای استفاده در طرح‌ها و گزارش‌های آماری). تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.
۱۴. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری شهرداری منطقه ۸ تهران (۱۳۹۳). **گزارش اقدامات اجرایی سند چشم‌انداز پنج‌ساله محلات شهرداری منطقه ۸** [عملکرد بر مبنای پژوهش]، دی ماه.
۱۵. مؤسسه فرهنگی هنری میراث فردا (۱۳۹۳). **ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی احداث سوله ورزشی شهید بهشتی**. کارفرما: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۸.

ترجمه‌ها

* چارچوبی برای ترکیب ارزیابی تأثیر اجتماعی و ارزیابی ریسک

حسین محمودی، ارتوین رن، فرانک ونکلی،

فولکه هوفمان و عزت‌الله کرمی

مترجم: فرید ناهید

* تحول دستورالعمل‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی در بستر سیاستی موجود

ریچارد پارسونز، جوآن اورینگام و دینا کمپ

مترجم: شهربانو ناصر

چارچوبی برای ترکیب ارزیابی تأثیر اجتماعی و ارزیابی ریسک

حسین محمودی^۱، ارتوین رن^۲، فرانک ونکلی^۳، فولکه هوفمان^۴، عزت‌الله کرمی^۵
۱. گروه علوم اجتماعی در کشاورزی، دانشگاه هونهایم، آلمان؛
۲. پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، ایران
۳. گروه جامعه‌شناسی محیطی و فناوری، دانشگاه اشتوتگارت، آلمان
۴. گروه جغرافیای فرهنگی، دانشکده علوم مکانی، دانشگاه خرونینگن، هلند
۵. دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، ایران

مترجم: فرید ناهید

کارشناس ارشد مدیریت: farid.nahid.research@gmail.com

چکیده

تمرکز روزافزون بر رویکردهای ادغامی، یکی از روندهای جاری در ارزیابی تأثیر است. ارزیابی تأثیر دارای پتانسیل ترکیب با انواع مختلف دیگر ارزیابی مانند ارزیابی ریسک است، تا ارزیابی تأثیر و مدیریت ریسک‌های اجتماعی اثربخش‌تر گردند. ما [در این مقاله] ویژگی‌های مشترک ارزیابی تأثیر اجتماعی (اتا) و ارزیابی ریسک اجتماعی (ارا) را شناسایی و درباره شایستگی یک رویکرد ترکیبی بحث می‌کنیم. مدل تلفیقی ترکیب‌کننده اتا و ارا برای ایجاد یک رویکرد جدید به نام ارزیابی ریسک و تأثیرات اجتماعی (ارتا) معرفی شده است. ارتا، ظرفیت اتا را جهت ارزشیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه‌های پرریسک مانند انرژی هسته‌ای و همچنین خطرات و بلایای طبیعی مانند خشک‌سالی و سیل گسترش می‌دهد. برای ارتا، سه مرحله ترسیم می‌کنیم: شناسایی تأثیر، ارزیابی تأثیر و مدیریت تأثیر.

واژگان کلیدی: تأثیرات پیش‌بینی‌نشده، مدیریت ریسک، اثرات تجمعی، ارزیابی دغدغه، تشدید اجتماعی ریسک و ابهام اجتماعی - سیاسی.

توسعه پایدار به چیزی بیش از تغییرات فنی و تحلیل‌های اقتصادی نیاز دارد (Giddings & et al, 2002) و نباید پایداری اجتماعی [در آن] نادیده گرفته شود. بی‌تردید در پروژه‌های توسعه‌ای، اهمیت ارزیابی تأثیرات اجتماعی، اگر از اهمیت ارزیابی ابعاد زیست‌فیزیکی و اقتصادی این پروژه‌ها بیشتر نباشد، کمتر نیست (Ahmadvand & et al, 2009). در بین انواع مختلف ارزیابی، ارزیابی تأثیر اجتماعی (آتا) به عنوان روشی مفید و پرطرفدار شناخته شده است. ونکلی (۱۹۹۹)، سه دلیل اصلی اجرای آتا را اینگونه مشخص کرده است: ۱- آتا، بخشی از فرآیند دموکراتیک است که می‌تواند به تضمین برابری و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها کمک کند. ۲- آتا نوعی ارزیابی است که به وسیله آن می‌توان تأثیر احتمالی توسعه را ارزیابی کرد تا اطمینان حاصل شود که فواید آتی یک پروژه پیشنهادی از هزینه‌های آن بیشتر است. ۳- آتا می‌تواند با استفاده از یک فرآیند مشارکتی، با دستیابی به دانش محلی و لحاظ کردن آن، منجر به تصمیم‌گیری بهتر شود. دلایل دیگری نیز برای استفاده از آتا وجود دارد. آتا کمک می‌کند تا در توسعه پایدار، جنبه‌های اجتماعی از وزن برابر برخوردار شوند و از نظر اجتماعی توسعه استوارتری را فراهم کند (Barrow, 2000).

مرور ادبیات، حاکی از وجود باوری قوی است مبنی بر اینکه آتا برای اثربخش‌تر شدن باید با سایر روش‌های ارزیابی ادغام شود. مثلاً مدت‌ها این بحث مطرح شده است که جریان اصلی آتا از سایر زمینه‌های ارزیابی تأثیر جدا افتاده است، به‌ویژه درباره مشکلات درازمدت اما از نظر محلی محدود مانند پسماند سمی و تأثیرات کوتاه‌مدت اما از نظر توزیع گسترده (Fischer, 1999؛ Freudenburg, 1986). ونکلی (۲۰۰۴) اظهار داشته که تمرکز روزافزون بر رویکردهای ادغامی، یکی از روندهای جاری در ارزیابی تأثیر است. آتا و سایر اشکال ارزیابی تأثیر، بدون تبادل مناسب اطلاعات بین یکدیگر، اثربخشی کمتری خواهند داشت و [در نتیجه] دستیابی به توسعه پایدار دشوارتر خواهد شد. در حقیقت ارزیابی تأثیر اجتماعی با ارزیابی تأثیر محیط‌زیستی (Sloutweg & et al, 2001)، ارزیابی ریسک و خطر (Dreyer & et al, 2010)، ارزیابی فناوری (Russell & et al, 2010)، برنامه‌ریزی پروژه و نظارت و ارزیابی سیاست، ارزیابی مبنای سه‌گانه (Vanclay, 2004) و همچنین تعدادی از زمینه‌های دیگر برنامه‌ریزی و مدیریت (Barrow, 2000) موازی‌کاری می‌کند، همپوشانی دارد یا به وسیله آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال باید معایب احتمالی ادغام نیز در نظر گرفته شود. رتیل و

کفیاتکوفسکی (۲۰۰۳)، برخی از چالش‌های اصلی ادغام ارزیابی تأثیرات بهداشتی و ارزیابی تأثیرات اجتماعی را بررسی کردند. آنها دریافتند که چالش رشته‌ای بسیار جدی است. «هر رشته و کارورزان آن رشته نسبت به ایدئولوژی‌ها و روش‌شناسی‌های خاص خود همواره متعهدتر و وابسته‌تر می‌شوند. در نتیجه افکار در هر رشته به وسیله انتزاعات و مفروضات آن رشته به طور مؤثری دچار سوگیری می‌شود. کارورزان، تمایل زیادی به حفظ جهان‌بینی‌های خود نشان می‌دهند» (Rattle & Kwiatkowski, 2003: 101). تقلیل‌گرایی علمی، جهان‌بینی‌های رشته‌ای و موانع نهادی مشابه می‌توانند عوامل اجتماعی را به حاشیه برانند و از این رو اما می‌تواند از طریق سوگیری به سمت سایر زمینه‌ها عقب‌نگه داشته شود. مقالات مختلف، یک چارچوب مفهومی برای ادغام اتا و ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی (Fischer, 1999; Slootweg & et al, 2001) ارائه داده‌اند و چندین تلاش برای ادغام اتا و ارزیابی تأثیرات بهداشتی (Kauppinen, 2011; Rattle & Kwiatkowski, 2003) صورت گرفته است. در حالی که ادغام اتا با ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، ارزیابی تأثیرات بهداشتی و انواع دیگر ارزیابی تأثیر برای حصول اطمینان از ارزیابی بهتر تأثیرات و ایجاد یک رویکرد کل‌نگر ضروری است، بهبود خود اتا به وسیله ترکیب آن با یک ارزیابی مشابه و هم‌افزا مانند ارزیابی ریسک اجتماعی (آرا) برای رفع مشکلات پیش‌روی اتا نیز [امری] مطلوب است. با وجود پیشرفت قابل توجه اتا از دهه ۱۹۷۰، هنوز هم روش‌شناسی، فنون و رویکرد آن نیاز به بهبود دارد (Barrow, 2000; Kemp, 2011) و برخی مشکلات مفهومی و رویه‌ای آن باقی مانده است (Burdge & Vanclay, 1995; Vanclay, 2004). مشکلات مرتبط با مبانی نظری و چالش‌های روش‌شناختی، از مسائل مهمی هستند که اتا با آن مواجه است (Barrow, 2000; Burdge & Vanclay, 1996; Lockie, 2001; Vanclay, 2012).

هر چند ترکیب اتا و آرا، تمام مشکلات نظری و روش‌شناختی را برطرف نمی‌کند، می‌تواند فرآیند اتا را بهبود بخشد. با در نظر گرفتن این حقیقت که اتا، شکلی از ارزیابی ریسک است (Esteves & Vanclay, 2009; Esteves & et al, 2012; Vanclay, 1999)، ترکیب این رویکردها می‌تواند چارچوب بهبودیافته‌ای را برای درک و مدیریت تأثیرات توسعه فراهم کند. در کمال تعجب، کار جدی اندکی درباره ترکیب اتا با سایر انواع ارزیابی به‌ویژه آرا صورت گرفته است. این مقاله قصد دارد تا از طریق ایجاد یک مدل تلفیقی که ترکیبی از ارزیابی ریسک اجتماعی و ارزیابی تأثیر اجتماعی جهت شکل دادن به «ارزیابی ریسک و

تأثیر اجتماعی» (ارتا) است، ارزیابی و مدیریت پروژه‌ها را بهبود بخشد. این مقاله به پنج قسمت تقسیم شده است. بخش اول، مرور مختصری درباره مفهوم اتا ارائه می‌دهد. بخش دوم به مفاهیم ریسک و ارا می‌پردازد. بخش سوم، ویژگی‌های مشترک دو شکل ارزیابی را مشخص می‌کند. بخش چهارم، نیاز به ترکیب اتا و ارا را بررسی می‌کند و در نهایت چارچوب ادغامی نوآورانه‌ای (ارتا) در قسمت پنجم ارائه می‌شود.

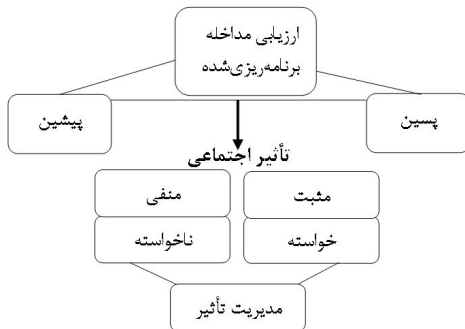
ارزیابی تأثیرات اجتماعی

در حال حاضر اتا به عنوان فرآیند تحلیل، پایش و مدیریت ابعاد اجتماعی و پیامدهای توسعه قلمداد می‌شود (Vanclay, 2003؛ Esteves & et al, 2012). اتا را می‌توان نتیجه تلاش‌های جامعه‌شناسان طی سالیان متمادی در جهت کاربردی‌تر و عملی‌تر کردن علوم اجتماعی دانست (Carley & Walkey, 1981؛ Carter, 1981؛ Torgerson, 1981). کارتر، اتا را «شراب کهنه‌ای در بطری‌های جدید» (Carter, 1981: 5) خوانده است و فرویدبورگ معتقد است که «اصل و نسب اتا باستانی، اما ظهور آن جدید است» (Freudenburg, 1986: 452). منشأ اتا به قانون سیاست ملی محیط‌زیست آمریکا بازمی‌گردد که به عنوان بخش مهمی از برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها، طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها در سال ۱۹۶۹ تصویب شده بود. اتا، فرآیندی است که هم‌اکنون در سراسر جهان هر چند با کم و کیف متفاوت استفاده می‌شود (Esteves & et al, 2012).

بکر، اتا را «فرآیند شناسایی پیامدهای آتی یک اقدام جاری یا پیشنهادی که مربوط به افراد، سازمان‌ها و کلان‌سیستم‌های اجتماعی است» (Becker, 2001: 312) تعریف می‌کند. این تعریف حاکی از آن است که اتا به طور کلی دارای ماهیت پیشین و معطوف به آینده است (Goldman & Baum, 2000). با این حال اتا را به عنوان یک ارزیابی پسین نیز می‌توان استفاده کرد (Ahmadvand & et al, 2009؛ Western & Lynch, 2000).

ونکلی (۲۰۰۶)، منتقد رویکرد محدود اتای پروژه‌محور سنتی است. او بحث می‌کند که ارزیابی دنباله‌دار تأثیرات تحولات گذشته مطمئناً باید موجب آگاهی‌بخشی به اجرای اتا شود و بنابراین اگر ضروری نباشد، مطلوب است؛ اما درک خشک پیشین، فاقد چنین ارزیابی پیگیرانه‌ای است. ونکلی، درک سنتی از اتا را - که به نظر او برای درگیر کردن جوامع، دستیابی به بهترین پیامدها برای جامعه از نظر توسعه پایدار، یا حتی طراحی خوب پروژه مساعد نبود - گسترش داد.

ونکلی (۲۰۰۶) نتیجه گرفت که اتا نباید صرفاً پیشین باشد، بلکه باید هدف محور و به جای واکنشگری باید پیش کنشگر باشد. به نظر می‌رسد که این درک بازمینی شده از اتا، رویکرد نوظهور معاصر باشد (Esteves & et al, 2012).
 فینستربوش (۱۹۷۷)، دو هدف اصلی اتا را اینگونه شناسایی کرده بود: کمک به تصمیم‌گیری با تعیین هزینه‌های مختلف و فایده‌های یک اقدام پیشنهادی و بهبود طراحی و اجرای سیاست‌ها به منظور حداقل‌سازی معایب و افزایش مزایا. هدف اصلی، کمک به سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان اجتماعی برای شناسایی اهداف توسعه و اطمینان از این است که ضمن حداقل‌سازی پیامدهای منفی، پیامدهای مثبت به حداکثر برسد (Vanclay, 2003). اتا برای



شکل ۱- طرح‌واره ساده اتا

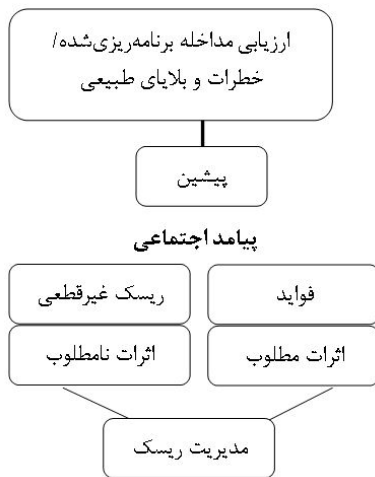
ارزیابی‌های هم‌پیشین و هم‌پسین اقدامات مداخله‌ای برنامه‌ریزی شده به کار می‌رود. همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده، در ارزیابی هم تأثیرات مثبت و منفی و هم تأثیرات خواسته و ناخواسته، به یک اندازه مهم است.

ارزیابی ریسک اجتماعی

هر چند مفهوم ارزیابی ریسک از دهه ۱۹۷۰، بخش شناخته‌شده‌ای از علوم طبیعی بوده است، استفاده از این مفهوم در علوم اجتماعی نسبتاً جدید است (Goldman & Baum, 2000; Krimsky & Golding, 1992). پیشرفت فناوری در دهه ۱۹۸۰، تأثیر شدیدی بر ایجاد و گسترش پژوهش بین‌رشته‌ای ریسک و همچنین سهم علوم اجتماعی در این پیشرفت داشت (Zinn, 2008). تعریف رایج ریسک در علوم اجتماعی عبارت است از عدم قطعیت درباره وقایع و پیامدهای یک فعالیت و شدت آنها با توجه به چیزی که انسان برای آن ارزش قائل است (Aven & Renn, 2009).
 طبق نظر رن و واکر (۲۰۰۸)، درباره سه مؤلفه اصلی ارزیابی ریسک، توافق اساسی وجود دارد:

- شناسایی ریسک‌ها: برقرار کردن روابط علی آنها
- ارزیابی تماس و یا آسیب‌پذیری: مدل‌سازی پراکنش، تماس و اثرگذاری بر اهداف ریسک
- برآورد ریسک: تعیین قدرت یک رابطه علی

درباره ریسک، رشته‌های مختلف علوم طبیعی و اجتماعی، مفاهیم خاص خود را شکل داده‌اند (Renn, 2008). درک این نکته مهم است که رفتار انسان در درجه اول از ادراک [او] نشأت می‌گیرد، نه از واقعیت‌ها یا آنچه توسط تحلیل‌گران و دانشمندان به عنوان واقعیت فهمیده می‌شود. تمام مفاهیم ریسک در علوم اجتماعی در این اصل مشترک هستند که فرآیندهای اجتماعی، بین علل و پیامدهای ریسک‌ها، میانجی‌گری می‌کنند (Renn, 2008).



شکل ۲- طرح‌واره ساده ارا

وظیفه اصلی ارزیابی ریسک، شناسایی و کشف نوع، شدت و احتمال بروز پیامدهای مرتبط با ریسک‌ها است (Renn & Sellke, 2011). وقتی شناسایی ریسک انجام شد، وظیفه مدیریت ریسک [آن] است که با انتخاب اقدامات مناسب، از [بروز] این پیامدها پیشگیری کند یا آنها را کاهش دهد. شکل ۲، ویژگی‌های اصلی ارزیابی ریسک اجتماعی را نشان می‌دهد.

ویژگی‌های مشترک ارا، تأثیرات اجتماعی و ریسک‌های اجتماعی

برج و ونکلی، تأثیرات اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کنند: «تمام پیامدهای اجتماعی و فرهنگی که متوجه جمعیت انسانی و ناشی از هر اقدام عمومی یا خصوصی است که شیوه زندگی، کار، بازی، برقراری ارتباط، سازمان‌یافتگی برای تأمین نیازها و به طور کلی شیوه سازگاری مردم [با محیط] به عنوان اعضای جامعه را تغییر می‌دهند. [شامل] تغییر در هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی که شناخت افراد از خود و جامعه خود را هدایت و توجیه می‌کند» (Burdge & Vanclay, 1995: 32).

اسلوت وگ و همکاران معتقدند که «یک تأثیر باید یا به صورت ذهنی و یا عینی تجربه و احساس شود؛ حال خواه در سطح فرد، خانوار و اجتماع یا جامعه» (Slootweg & et al, 2001). در حوزه ارا، تأثیرات اجتماعی شامل تأثیرات پیش‌بینی‌پذیر یا پیش‌بینی‌ناپذیر و تأثیرات مثبت یا منفی می‌شود (Esteves & et al, 2012; Vanclay, 2003).

ریسک اجتماعی اشاره به پیامدهای غیر قطعی اقدامات (یعنی مداخلات برنامه‌ریزی شده) و وقایع (یعنی خطرات طبیعی) بدون در نظر گرفتن مثبت یا منفی بودن آنها دارد (Zinn, 2008; Rosa, 1998). با این حال دسته‌بندی ریسک به مثبت و منفی یا خوب و بد (Lupton, 1999) مناقشه‌برانگیز است. برداشت کلی افراد از اصطلاح ریسک، منفی است. در زبان انگلیسی، این کلمه بار معنایی منفی دارد. توصیفات ریسک معمولاً از منظر احتمال آسیب یا فقدان به دلیل وجود یک خطر بیان می‌شود (Denney, 2005). با وجود این در برخی از مراجع (Bammer & Smithson, 2008; Denney, 2005; Pechan & et al, 2011; Short, 1984; Zinn, 2008; Zinn & Taylor-Gooby, 2006)، ریسک هم از جنبه مثبت و هم از جنبه منفی برخوردار است. دنی (۲۰۰۵) ذکر می‌کند که هر چند به نظر می‌رسد بیشتر مردم ریسک را از جنبه منفی آن تجربه می‌کنند، ریسک می‌تواند از یک جایگاه مثبت نیز ارائه شود.

رن (۲۰۰۸) استدلال می‌کند که پیامدها در اصل می‌توانند بسته به ارزش‌هایی که برای افراد تداعی می‌کنند، مثبت یا منفی باشند. همچنین پیچن و همکاران معتقدند که ریسک به طور بالقوه دارای پیامدهای مثبت و منفی است: «برای مثال اگر تغییرات اقلیمی را یک ریسک در نظر بگیریم، پیامدهای احتمالی مانند گرم شدن کره زمین را ممکن است افراد مختلف به طور متفاوتی درک کنند. مردم اروپای شمالی ممکن است به دلیل سودی که افزایش بهره‌وری کشاورزی و گردشگری ناشی از افزایش جزئی درجه حرارت حاصل می‌کند، دیدگاه مثبت‌تری داشته باشند. در حالی که مردم آفریقا یا آسیا هم‌اکنون نیز از بهره‌وری کشاورزی پایین‌تر و افزایش بلایای طبیعی مانند خشک‌سالی و سیل رنج می‌برند» (Pechan & et al, 2011: 3).

روی هم رفته در این مسئله اجتماعی وجود ندارد. در حالی که از ریسک به طور کلی در زبان عام و گفتمان علمی سنتی برای بازگو کردن پیامدهای منفی یا نامطلوب استفاده می‌شود، تحولات اخیر در ادبیات ریسک، نگاه کاملاً متفاوتی به عناصر کلیدی دارند و نتیجه‌گیری می‌کنند که در تمام زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ریسک‌ها دارای جنبه‌های مثبت و منفی هستند (Zinn & Taylor-Gooby, 2006). اگر دیدگاه اول را بپذیریم، ریسک‌های اجتماعی فقط روی پیامدهای منفی متمرکز هستند، در حالی که تأثیرات اجتماعی، هم پیامدهای منفی و هم پیامدهای مثبت را شامل می‌شوند. زمانی که دیدگاه دوم را می‌پذیریم، ریسک اجتماعی و تأثیرات اجتماعی از این نظر یکسان می‌شوند. بر اساس گفتمان معاصر ریسک، ما مدعی هستیم که دیدگاه دوم، دیدگاه برتر است.

ریسک اجتماعی به عنوان راهی خاص برای مدیریت عدم قطعیت پیامدها شناخته می‌شود. ریسک‌ها همیشه به ترکیبی از دو مؤلفه اشاره دارند: احتمال پیامدهای بالقوه و قوت آنها (Zinn, 2008). دیدگاه اجتماعی ریسک، وقایعی را شامل می‌شود که از نظر اجتماعی تعریف شده هستند و بر اساس آن، همیشه ریسک‌های اجتماعی، تحت میانجی‌گری تفسیر اجتماعی قرار دارند و با ارزش‌ها و منافع جمعی ارتباط می‌یابند (Renn, 2008).

به نوعی، ریسک‌های اجتماعی از نظر چپستی تقریباً مشابه تأثیرات اجتماعی هستند، اما مفهوم ریسک تنها به پیامدهای اجتماعی غیر قطعی یک فعالیت یا واقعه اشاره دارد، در حالی که تأثیر اجتماعی به پیامدهای قطعی یا مورد انتظار نیز اطلاق می‌شود. هم ریسک اجتماعی و هم تأثیر اجتماعی، هر دو شامل تمامی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مرتبط با فعالیت یا واقعه می‌شوند (Renn, 2008; Vanclay, 2002). ادبیات انا (Vanclay, 2003) عمدتاً بر مداخلات برنامه‌ریزی شده (یعنی اقدامات عمومی یا خصوصی) تمرکز می‌کنند، در حالی که تمرکز ارا نه تنها بر مداخلات، بلکه بر خطرات و بلایای طبیعی نیز متمرکز است.

مقایسه شکل‌های ۱ و ۲ شباهت‌ها و هماهنگی‌های بسیاری را بین انا و ارا آشکار می‌کند. مقایسه تعاریف رن (۱۹۹۲) و ونکلی (۲۰۰۳) در زیر نیز شباهت‌های بین انا و ارا را مشخص می‌کند:

«تمام مفاهیم ریسک، عنصری مشترک دارند: تمایز بین اقدام ممکن و اقدام منتخب. در هر زمان یک فرد، یک سازمان یا یک جامعه به عنوان یک کل واحد، برای انجام هر اقدامی با گزینه‌های مختلفی روبه‌رو است که هر کدام پیامدهای مثبت و منفی خاص خود را در پی دارند» (Renn, 1992: 56; 2008: 1).

«ارزیابی تأثیرات اجتماعی شامل فرآیندهای تحلیل، پایش و مدیریت پیامدهای اجتماعی خواسته و ناخواسته هم مثبت و هم منفی مداخلات برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و هر فرآیند تغییر اجتماعی نشأت گرفته از آن مداخلات می‌شود. هدف اصلی انا، ایجاد یک محیط بیوفیزیکی و انسانی پایدارتر و عادلانه‌تر است» (Vanclay, 2003: 6).

تمرکز اصلی این روش‌های ارزیابی، فراهم کردن دانش و اطلاعات درباره پیامدهای یک مداخله برنامه‌ریزی شده به منظور مدیریت مسائل اجتماعی است. انا، تلفیقی از فرآیند سیاستی و علم است (Freudenburg, 1986) و پیشنهادهایی را

به منظور کمک در طراحی اقدامات حداقل ساز و بهبودبخش فراهم می‌آورد. ارا نیز وظیفه مشابهی دارد.

شباهت مهم دیگر این دو آن است که هر دو روش، به جای برآورد و پیش‌بینی صرف، با مدیریت یک تأثیر و پیامدهای آن، ارتباطی تنگاتنگ دارند. این ویژگی به هر دوی آنها جامعیت می‌بخشد و در واقع در فرآیند هر دو نوع ارزیابی، مدیریت یک مؤلفه مرکزی است. فاز حداقل سازی در ارا و بخش مدیریت ارا، ویژگی مطلوبی است که زمینه اتحاد این دو رویکرد را فراهم می‌کند. همان‌طور که ونکلی (۲۰۰۶) خاطر نشان کرده، ارا هدف محور و پیش‌کنشگر است. بنابراین ارا و ارا، هر دو باید در حل مسئله مورد استفاده قرار گیرند. فرآیندهای مدیریتی که ارا و ارا را به کار می‌گیرند، گاه نقش مهمی در مدیریت تعارض دارند. برای مثال در سال‌های اخیر برخی از محققان (Barrow, 2010; Sairinen, 2010) تلاش کرده‌اند تا نقش ارا را در مدیریت تعارضات محیط‌زیستی برجسته کنند.

هر دو نوع ارزیابی از روش‌های مختلف پژوهش اجتماعی از جمله روش‌های کمی، کیفی و ترکیبی - که به طور معمول در علوم اجتماعی استفاده می‌شود - بهره می‌برند. علاوه بر این، این دو ارزیابی در روش‌شناسی خود از رویکرد ذی‌نفعان چندگانه استفاده می‌کنند. همان‌طور که اسپوک (۲۰۱۰) اشاره کرده است، در هر دو شکل ارزیابی، داده‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرها را گروه زیادی از ذی‌نفعان به طور دقیق بررسی می‌کنند و می‌توانند مناقشات زیادی را ایجاد کنند. ویژگی‌های اصلی ارا و ارا در جدول ۱ مقایسه شده‌اند.

جدول ۱- ویژگی‌های مقایسه‌ای ارا و ارا

ارای	اتا	
پیشین	پیشین و پسین	جهت‌گیری
ریسک‌ها و فواید	مثبت و منفی	تأثیرات
تمرکز شدید بر مداخلات برنامه‌ریزی شده همچنین تمرکز شدید بر بلایای طبیعی و خطرات مصنوع بشر (مانند تغییرات اقلیمی)	تمرکز غالب بر مداخلات برنامه‌ریزی شده (یعنی برنامه‌ها، طرح‌ها، سیاست‌ها و پروژه‌ها) تمرکز محدود بر خطرات و بلایای طبیعی	دامنه
اجتناب از ریسک و کاهش آن؛ تصمیم‌سازی	حداقل سازی و ارتقا؛ بهبود مداخلات	رویکرد مدیریتی
کمتر انتخابی؛ تمرکز بر تمام گروه‌های متأثر محتمل	بیشتر انتخابی؛ تمرکز اصلی بر تمام ذی‌نفعان متأثر بالقوه	گروه‌های هدف

نیاز به ترکیب اتا و ارا در قالب ارتا

ما در اتا، تأثیرات اجتماعی و در ارا، ریسک‌های اجتماعی را طبق روشی که به طور معمول در نظر گرفته می‌شود دسته‌بندی کردیم تا یک نوع‌شناسی ترکیبی از اتا و ارا ایجاد کنیم (جدول ۲ را ملاحظه کنید). این نوع‌شناسی برای تبیین میزان مطلوبیت ترکیب این روش‌ها در یک رویکرد ادغامی که «ارزیابی ریسک و تأثیرات اجتماعی» یا مختصراً «ارتا» نامیده می‌شود، استفاده خواهد شد.

دسته‌بندی تأثیرات در اتا

ونکلی (۲۰۰۲)، تعداد زیادی از تأثیرات بالقوه را با تأکید بر اینکه تأثیرات منفی و مثبت و همچنین تأثیرات خواسته و ناخواسته به یک اندازه مهم هستند، مشخص کرده است. ما می‌توانیم تأثیرات را در چهار گروه دسته‌بندی کنیم:

- ۱- مثبت خواسته، ۲- منفی خواسته، ۳- مثبت ناخواسته، ۴- منفی ناخواسته.

دسته‌بندی ریسک‌ها در ارا

مفهوم ریسک بر احتمال وقایع و اندازه پیامدهای خاص تمرکز دارد (Kasperson & et al, 2005). احتمال و تأثیر ریسک را می‌توان به صورت کیفی در یک ماتریس شرح داد. اندازه ماتریس می‌تواند متفاوت باشد (برای مثال ۲×۲، ۴×۴ و غیره). ما برای اهداف اکتشافی از ماتریس ۲×۲ احتمال - تأثیر استفاده می‌کنیم، هر چند معمولاً از سلول‌های بیشتری استفاده می‌شود. در مثال ما، ارا دارای چهار دسته ریسک است: ۱- احتمال کم، تأثیر زیاد ۲- احتمال کم، تأثیر کم ۳- احتمال زیاد، تأثیر زیاد ۴- احتمال زیاد، تأثیر کم.

جدول ۲، ماتریسی است که ضرورت درک‌شده ما را برای ترکیب اتا و ارا نشان می‌دهد. برای هر سلول از یک مقیاس رتبه‌بندی سه نقطه‌ای شامل ضرورت زیاد (++)، ضرورت متوسط (+) و فاقد ضرورت (۰) استفاده شده است. امتیازدهی بر اساس قضاوت تخصصی ما بود. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، برای موارد با «احتمال کم، تأثیر زیاد» امتیاز «ضرورت زیاد» داده شده است. ریسک‌های با «احتمال کم، تأثیر زیاد»، معمولاً تهدیدآمیزتر از ریسک‌های محتمل با پیامدهای کم یا متوسط هستند (Renn, 2008). ریسک فناورانه مانند حوادث مرتبط با استفاده از انرژی هسته‌ای و خطرات طبیعی مانند سیل، نمونه‌های بارز از وقایعی با احتمال کم و تأثیر زیاد هستند. امتیاز مطلوبیت ترکیب برای این دسته، زیاد است؛ زیرا پیش‌بینی ریسک‌های اجتماعی از طریق ارا و ارزیابی تأثیرات ناخواسته توسط

اتا برای مدیریت ضروری است. یک رویکرد ترکیبی می‌تواند از ظرفیت هر دو ارزیابی در این زمینه استفاده کند.

جدول ۲- مطلوبیت ترکیب اتا و ارا

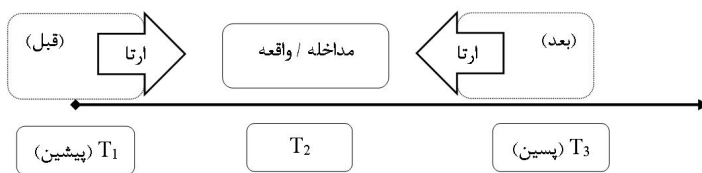
اتا				ارا		
پیشین / پسین						
منفی ناخواسته	مثبت ناخواسته	منفی خواسته	مثبت خواسته	پیشین		
++	++	++	++			احتمال کم تأثیر زیاد
.	.	.	.			احتمال کم تأثیر کم
++	++	+	+			احتمال زیاد تأثیر زیاد
+	+	.	.	احتمال زیاد تأثیر کم		

توجه کنید: (++) ضرورت زیاد؛ (+) ضرورت متوسط؛ (۰) فاقد ضرورت

برای موارد «احتمال کم، تأثیر کم»، امتیاز ۰ است؛ یعنی ترکیب به طور خاص ضروری نیست، اما به طور بالقوه ممکن است هنوز مطلوب باشد. در دو مورد دیگر، یعنی «احتمال زیاد، تأثیر زیاد» و «احتمال زیاد، تأثیر کم»، ضروری است که تأثیرات خواسته را از تأثیرات ناخواسته متمایز کنیم. تأکید بر این نکته مهم است که شناسایی و مدیریت تأثیرات اجتماعی ناخواسته یا پیش‌بینی نشده از تأثیرات خواسته یا پیش‌بینی شده موارد، پیچیده‌تر است. مدیریت تأثیرات پیش‌بینی نشده نیاز به یک رویکرد نظری و روش‌شناختی بهبودیافته، مانند ترکیبی از رویکردها دارد. بنابراین رویکرد ترکیبی، زمانی مفید است که ارزیابی‌ها باید تأثیرات پیش‌بینی‌ناپذیر و ناخواسته را بررسی کنند؛ زیرا یک ارزیابی ادغامی، کاوش عمیق‌تر این پیامدها را امکان‌پذیر می‌سازد. در ارتا، اتا از پشتوانه تحلیل ریسک که انواع مختلف ریسک‌های ناشی از پیامدهای خواسته و ناخواسته را شناسایی می‌کند و استراتژی‌های مناسب مدیریت ریسک را طراحی می‌کند، برخوردار می‌شود (Dani & Beddies, 2011). بر همین اساس امتیاز موارد با «احتمال زیاد، تأثیر زیاد» برای تأثیرات ناخواسته «ضرورت زیاد»، اما برای تأثیرات خواسته «ضرورت کم» است. امتیاز داده شده به موارد «احتمال زیاد، تأثیر کم» مشابه است. برای تأثیرات خواسته، ۰ اختصاص داده می‌شود؛ زیرا ریسک‌های با تأثیر کم و تأثیرات خواسته، نیاز خاصی به رویکرد ترکیبی ندارند. با این حال برای پیامدهای ناخواسته، امتیاز اختصاص داده شده، «ضرورت کم» است.

در موقعیت‌های با «ضرورت زیاد»، پیش از واقعه یا مداخله، یک ارتا پیشین لازم است، همچنان که یک ارتای پسین برای ارزیابی تأثیرات پیش‌بینی شده و به وقوع پیوسته و به‌ویژه به عنوان یک فرآیند پایشی برای اطمینان از مدیریت خوب مورد نیاز است. این ترکیب (ارزیابی‌های) پیشین و پسین، بستری را برای ایجاد یک رویکرد ترکیبی فراهم می‌آورد (شکل ۳ را ملاحظه کنید).

از آنجا که اتا باید از ارائه یک تصویر (یا نیم‌رخ جمعیت‌شناختی) ایستاد خودداری کند و باید به یک فرآیند مستمر مدیریت انطباقی تبدیل شود (Esteves & et al, 2012)، رویکرد بهتر ارزیابی، رویکردی است که ارزیابی پیش از مداخله، ارزیابی تأثیر حین اجرا و پایش مستمر را به یکدیگر پیوند دهد (Barrow, 2000؛ Geisler, 1993). در این رویکرد ترکیبی می‌توان از یک ارزیابی پسین استفاده کرد تا تأثیرات ناخواسته و به وقوع پیوسته، از جمله پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر، تأثیرات ثانویه یا مرتبه بالاتر و اثرات تجمعی را با جزئیات بیشتر کشف کرد. ما معتقدیم که علی‌رغم تمرکز بر ارزیابی پیشین در جریان اصلی ادبیات ارزیابی تأثیر، ارزیابی و پایش پسین باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد.



شکل ۳- طرح‌واره‌ای ساده برای یک تحلیل جامع ارتا

علاوه بر کارکردی که ارزیابی تأثیرات پسین در پایش و مدیریت دارد، این ارزیابی می‌تواند به کشف محدودیت‌های پیش‌بینی پیامدهای اقدامات و وقایع کمک کند. ارزیابی پسین می‌تواند اختلافات میان پیش‌گویی‌ها، پیش‌بینی‌ها و روندهای مشاهده‌شده را بررسی کند و از این طریق به بهبود روش‌های پیش‌بینی کمک کند (Becker, 1997). بنابراین همان‌طور که شکل ۳ نشان می‌دهد، خروجی ارتای پیشین می‌تواند به عنوان ورودی ارتای پسین در نظر گرفته شود.

آشکار ساختن ارزش ترکیب اتا و ارا

در ادبیات مواردی که برای آنها اتا و ارا با هم انجام شده باشد، هیچ شواهدی در دست نیست. با این حال دو مثالی که در زیر ارائه شده است، ارزش بالقوه ارتا را نشان می‌دهد.

۱) اتا و پروتکل ایمنی زیستی (بر اساس کار مطالعاتی استاینسکی، ۲۰۰۰)

عنصر اصلی «پروتکل ایمنی زیستی کار تاهینا» (یکی از توافق‌های بین‌المللی درباره ایمنی زیستی)، روشی به نام «توافق پیش‌آگاهی» (AIA) است. طبق این رویه، کشورهای واردکننده باید پیش از آنکه صادرات اتفاق بیفتد، با واردات‌کنندگان تراریخته (LMOs) (عبارت دیگری برای «ارگانیزم اصلاح‌شده ژنتیکی») صراحتاً موافقت کنند. تصمیم‌های اتخاذشده تحت این توافق، مبتنی بر اطلاعاتی مانند نتایج ارزیابی ریسک آسیب‌های بالقوه ناشی از جانداران تراریخته وارداتی است که به کشور واردکننده ارائه شده و یا کشور مزبور خود این اطلاعات را به دست آورده است.

یکی از موضوعات پربحث و جدل در فرآیند مذاکره برای نهایی کردن این پروتکل، گنجاندن ملاحظات اجتماعی - اقتصادی در ارزیابی یک جاندار تراریخته برای واردات بود. بسیاری از کشورها می‌خواستند پروتکل شامل مفادی شود که در صورت پیش‌بینی تأثیرات منفی‌ای که پیامدهای اقتصادی یا اجتماعی در پی داشته باشد، منع واردات یا اقدامات تجاری مشابهی را امکان‌پذیر سازد. پیشنهادهای برخی از کشورها، نمونه‌های واضحی را از چگونگی گنجاندن اتا در زبان و رویه‌های پروتکل ارائه می‌داد. پیشنهادهای آنها دو سازوکار اصلی برای در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی - اقتصادی در بررسی ریسک‌های مربوط به جانداران تراریخته داشت: ۱) گنجاندن اجباری اتا در حین ارزیابی ریسک و ۲) مدیریت ریسک اجباری هرگونه ریسک اجتماعی - اقتصادی. به این سازوکارها در چندین جای پروتکل به تفصیل پرداخته شده بود: به طور خاص در ماده ارزیابی ریسک (ماده ۱۵) و در ماده مستقل ملاحظات اجتماعی - اقتصادی (ماده ۲۶).

پرسش اصلی مطالعه استاینسکی (۲۰۰۰) این بود که چگونه می‌توان اتا را در یک پروتکل ایمنی زیستی ادغام کرد؟ وی برای یافتن یک راه‌حل، پیشنهادها و مطالبی را که کشورهای مختلف ارائه کردند، بررسی کرد. بیشتر گزینه‌ها برای گنجاندن اتا در پروتکل، مربوط به ادغام شدن آن در ارزیابی ریسک می‌شد. برای مثال در ارائه مالزی ذکر شده بود: «کشور مربوطه می‌بایست تضمین کند که ارزیابی ریسک، شامل ارزیابی‌های مشخصی درباره تأثیرات اجتماعی - اقتصادی انتقال، استفاده یا مصرف جانداران تراریخته می‌شود» (Stabinsky, 2000: 272). در حالی که این مثال، استدلالی برای ترکیب ارزیابی ریسک و اتا محسوب می‌شود، چارچوب مناسبی برای استفاده از اتا و ارزیابی ریسک به روشی واحد وجود ندارد. بنابراین مورد ایمنی زیستی یک نمونه خوب «ضرورت زیاد» برای ارتقا است. با توجه به تقاضای استفاده از اتا و ارزیابی ریسک در رویه اجرای این پروتکل، احتمالاً ارتقا بسیار متمرثر خواهد بود.

۲) اتا و پایش روانی - اجتماعی دستگاه زباله‌سوز در شمال پرتغال (بر اساس کار مطالعاتی لیما و مارکز، ۲۰۰۵)

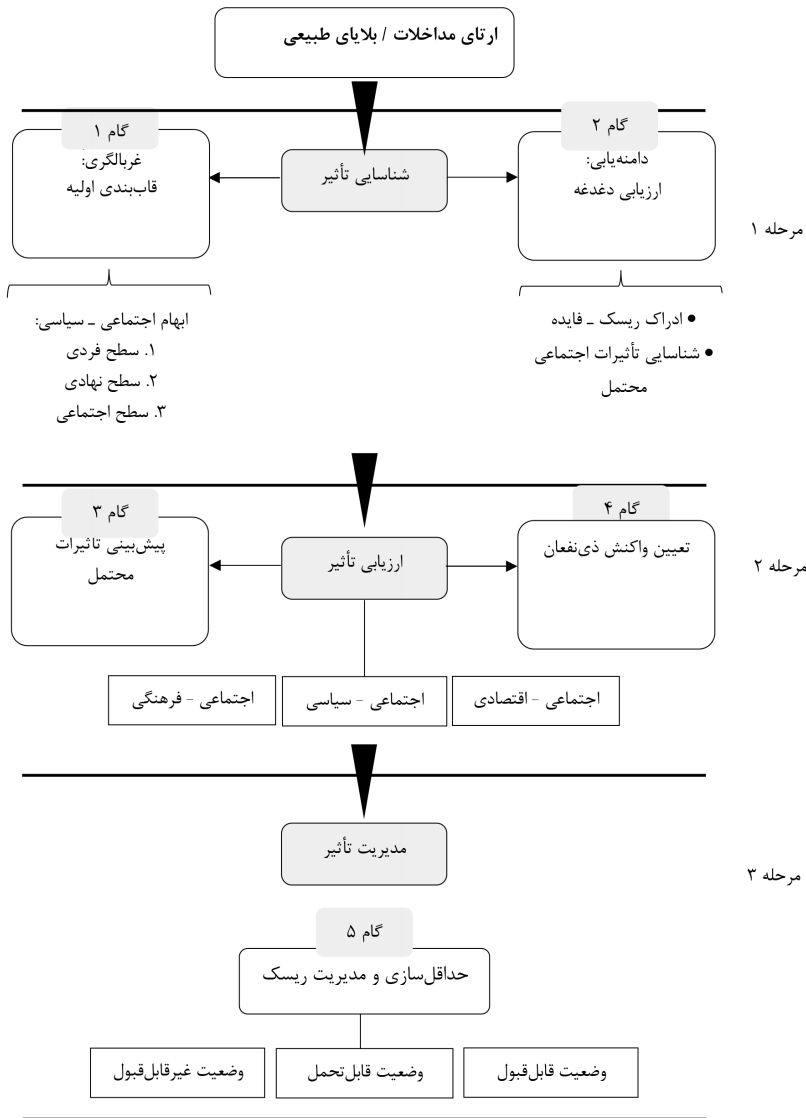
سیستم مدیریت پسماند پورتو (پرتغال) شامل زباله‌سوزی است که در نزدیکی مناطق مسکونی واقع شده است. در زمان راه‌اندازی آن در سال ۱۹۹۸، آن از فناوری‌های جدید و مناقشه‌برانگیز بود. بنابراین درخواست شد تا به عنوان بخشی از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی اتایی با استفاده از یک مدل روانی - اجتماعی اجرا شود. ویژگی اصلی این مدل، نقش میانجی‌گر ادراک افراد از وضعیت‌های عینی به وسیله درک ریسک است.

بحث روانی - اجتماعی در ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی نشان داد که دانش زیادی درباره زباله‌سوز موجود نبود و برخی نگرانی‌ها درباره ریسک‌های مرتبط با این دستگاه در میان کسانی که در نزدیکی آن زندگی می‌کنند، وجود داشت. ساکنانی که به محل زباله‌های خطرناک نزدیک‌تر بودند، سطوح بالاتری از نگرانی را نسبت به ساکنان مناطق دورتر نشان دادند. این وضعیت به مثابه یکی از عوامل استرس‌زای مزمن عمل کرده، تهدیدی دائمی را ایجاد می‌کرد. به همین دلیل، متغیر درک ریسک، متغیر میانجی اصلی در نظر گرفته شد. ریسک‌های ناشی از زباله‌سوزی، ناشناخته تلقی می‌شد و پوشش گسترده رسانه‌ای، درک ریسک را تشدید می‌کرد. درباره پیامدهای این تأسیسات، عدم قطعیت وجود داشت.

این مثال از ایده ما مبنی بر اینکه می‌توان از ارتا برای پرداختن به مسائل مرتبط با ریسک در اتا استفاده کرد، به طور ضمنی حمایت می‌کند. استفاده از ارتا، چارچوب مطالعاتی ارزیابی و مدیریت تأثیرات و ریسک‌های اجتماعی فناوری جدید مرتبط با مدیریت پسماند را بهبود خواهد داد.

ارتا: چارچوبی پیشنهادی برای ترکیب اتا و ارا

جدول ۲ نشان داد که یک مورد برای ترکیب اتا و ارا وجود داشت. شکل ۳ طرح‌واره‌ای را ارائه داد که نشان می‌دهد چگونه ارتا چیزی بیش از اتا یا ارای تنهاست. در شکل ۴، نمایی کلی از ارتا ارائه می‌دهیم. مدل‌های مختلف فرآیند اتا (Barrow, 2000; Burdge, 1994; Esteves & Vanclay, 2009; Finsterbusch & et al, 1983; Goldman, 2000; ICPGSIA, 2003; Sloopweg & et al, 2001; Taylor & et al, 2004)، به طور کلی از نظر محتوا و فرآیند مشابه هستند و تعدادی مراحل مشترک در آنها قابل شناسایی است که می‌تواند در قالب یک فرآیند متشکل از پنج گام سازمان‌یافته در سه مرحله متوالی، یعنی شناسایی تأثیر، ارزیابی تأثیر و مدیریت تأثیر (شکل ۴) ارائه شود. این مراحل، ساختار مدل پیشنهادی ارتای ما را تشکیل می‌دهد.



مرحله ۱) شناسایی تأثیر

گام ۱) قاببندی اولیه (غربالگری ریسک)

در گام قاببندی اولیه، تمرکز بر روشن‌سازی مسئله یا مسائل است. این گام باید به طور کلی آنچه را که اتفاق افتاده است یا قرار است اتفاق بیفتد، شناسایی کند (Western & Lynch, 2000). اصطلاحات دیگر برای این گام اول شامل «شناسایی اولیه مسئله» و «تحلیل مسئله» است (Becker, 1997). استیوز و ونکلی (۲۰۰۹)، اولین

قدم را «درک مسائل و فرصت‌ها» توصیف می‌کنند. به نظر آنها این گام به طور معمول شامل مشورت با ذی‌نفعان درباره ریسک‌های توسعه اجتماعی و همچنین فرصت‌ها می‌شود.

در گام اول برای شناسایی خطرات و تهدیدها، از یک فرآیند غربالگری ریسک استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که معنای «غربالگری» در ارزیابی ریسک و ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، متفاوت است. غربالگری در ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، فرآیندی است برای تعیین اینکه آیا یک پیشنهاد به ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی نیاز دارد یا خیر (Lawrence, 2003). غربالگری در ارزیابی ریسک، فرآیند واری و انتخاب اطلاعات درباره ریسک است که به منظور گردآوری آنچه در حال حاضر درباره منبع تهدید مورد نظر شناخته شده است انجام می‌پذیرد، تا ویژگی‌های اصلی خطر تشخیص داده شود (Ely & et al, 2009; Renn, 2008).

میزان «ابهام اجتماعی - سیاسی»، یکی از چندین ملاحظه مناسب برای قاب‌بندی اولیه است. ابهام اجتماعی - سیاسی، نتیجه دیدگاه‌های واگرایانه یا شدیداً رقابتی درباره توجیه، شدت یا معانی وسیع‌تر مرتبط با مداخله پیشنهادی یا بلای طبیعی است (Dreyer & et al, 2010). این [ملاحظه] بر میزانی متمرکز است که یک تهدید معین می‌تواند تحت تأثیر نگرش‌های فرهنگی، دیدگاه‌های سیاسی یا منافع اجتماعی - اقتصادی شدیداً واگرا قرار داشته باشد. ابهام اجتماعی - سیاسی در سه سطح به کار برده می‌شود (Ely & Stirling, 2009):

سطح فردی: برای مثال آیا در سطح فردی در گروه‌های ذی‌نفوذ، تهدید درک شده آسیب در مقیاس فاجعه‌بار وجود دارد؟

سطح نهادی: برای مثال آیا بین آژانس‌های نظارتی و کشورهای عضو، اختلاف وجود دارد؟ (تعارضات نهادی)

سطح اجتماعی: برای مثال آیا نگرانی‌هایی درباره عدالت اجتماعی یا مسائل توزیعی وجود دارد؟

علاوه بر در نظر گرفتن ابهامات سیاسی - اجتماعی، احتمال تشدید اجتماعی ریسک را نیز باید در نظر گرفت (Kasperson & et al, 2005). به ویژه با توجه به رسانه‌های خبری، باید در نظر گرفت که آیا نشانه‌هایی مبنی بر اینکه تهدید مورد بررسی یا منابع آن دچار تشدید قابل توجهی شده‌اند، وجود دارد یا خیر.

گام ۲) دامنه‌یابی

ارزیابی دغدغه، یک فرآیند نظام‌مند برای گردآوری دانش درباره این موارد است: درک ریسک افراد و گروه‌ها، تأثیرات اجتماعی - اقتصادی، سیاسی

و فرهنگی احتمالی مرتبط با ریسک و سایر اطلاعات مربوط به منبع تهدید (Dreyer & et al, 2010; Ely & Stirling, 2009; Renn, 2008). این معادل چیزی است که در اتا به آن تحلیل ذی‌نفعان گفته می‌شود، اما تمرکز آن بیشتر بر دغدغه‌های مربوط به ریسک است و میزانی است که یک تهدید خاص ممکن است در معرض نگرش‌های فرهنگی، دیدگاه‌های سیاسی و یا منافع اقتصادی به شدت واگرا قرار داشته باشد. نتایج ارزیابی دغدغه به عنوان یک سازوکار محرک برای دامنه‌یابی استفاده می‌شود (Dreyer & et al, 2010).

در گام ۲، قاب‌بندی اولیه گام ۱ مورد بررسی بیشتر، تحلیل جزئی و پالایش قرار می‌گیرد. اگر گام ۱ در هر یک از سطوح ابهامات اجتماعی - سیاسی، ابهامی پیدا کند، باید در گام دامنه‌یابی، یک «ارزیابی دغدغه» انجام شود.

از دانش گردآوری‌شده در گام ۲ می‌توان برای ارزیابی احتمال تأثیرات گسترده‌تر اجتماعی - اقتصادی، اجتماعی - سیاسی و فرهنگی - اجتماعی مرتبط با منبع ریسک استفاده کرد. هدف از ارزیابی دغدغه اجتماعی، تشخیص جامع دغدغه‌ها، انتظارات و نگرانی‌هایی است که ممکن است افراد و گروه‌ها به خطرات ارتباط دهند. در این گام باید درک ریسک، دغدغه‌های اجتماعی و تأثیرات اجتماعی بالقوه شناسایی شود.

دامنه‌یابی، مسائل کلیدی و دغدغه‌های خاصی را که برای یک پروژه خاص باید مورد بررسی قرار گیرد، مشخص می‌کند (Paliwal, 2006; Taylor & et al, 2003). به همراه اطلاعات گردآوری‌شده از گام قاب‌بندی اولیه می‌توان متغیرهای اصلی را جهت تحلیل اجتماعی انتخاب کرد (Taylor & et al, 2004).

مرحله ۲) ارزیابی تأثیر

دو مؤلفه اصلی در مرحله ارزیابی تأثیر مهم هستند: تعیین اهمیت تأثیرات احتمالی، و به دست آوردن واکنش‌ها و بازخورد ذی‌نفعان (ر.ک: Barrow, 2000; Burdge, 1994; Estéves & Vanclay, 2009; ICPGSA, 2003).

گام ۳) پیش‌بینی تأثیرات محتمل

پس از شناسایی انواع مختلف تأثیرات اجتماعی احتمالی از طریق روش‌های دامنه‌یابی، در این گام بررسی دقیق تأثیرات بالقوه صورت می‌گیرد. این گام شامل تعیین مقیاس و همچنین اهمیت و احتمال تأثیرات است (Taylor & et al, 2003). در این گام، ارزیابان سعی می‌کنند تا اندازه تأثیرات را بررسی کنند و تعیین کنند که کدام تأثیرات، مهم‌ترین هستند (Barrow, 2000). روش‌های مختلفی از جمله سناریونویسی

می‌تواند برای این گام مفید باشد (Becker, 1997; Finsterbusch, 1983). در وضعیت ارتای پسین، رویکرد تطبیقی علمی، یکی از چندین رویکرد ممکن است (Ahmadvand & Karami, 2009).

گام ۴) تعیین واکنش ذی‌نفعان

پس از برآورد تأثیرات مستقیم، ارزیاب باید برآورد کند که مردم چگونه ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند و از لحاظ نگرش و همچنین اقدامات احتمالی، چه واکنش‌هایی را می‌توان از آنها انتظار داشت. داده‌های روزافزونی وجود دارد که نشان می‌دهد ترس‌ها اغلب اغراق‌شده هستند و همچنین فواید مورد انتظار اغلب انتظارات را برآورده نمی‌کند (ICPGSIA, 2003; Vanclay, 2012). آلبرشت و تامپسون (۱۹۸۸) تأکید کرده‌اند که بررسی نگرش‌ها باید دارای جایگاه اصلی در اتا باشد. شواهد مورد بررسی آنها، اهمیت نگرش‌ها و ادراک در اثرگذاری بر واکنش ساکنان به یک پروژه پیشنهادی را اثبات می‌کند.

مرحله ۳) مدیریت تأثیر

گام ۵) حداقل‌سازی و مدیریت ریسک

حداقل‌سازی، اقداماتی مانند استراتژی‌های پیشگیری و حداقل‌سازی ریسک را در برمی‌گیرد که برای مقابله با تأثیرات ناخواسته انجام می‌شود (Barrow, 2000; João & et al, 2011). حداقل‌سازی و پایش باید برای همه فعالیت‌ها و پروژه‌ها صورت گیرد. اجتناب از تأثیر باید اولویت اول باشد و کاهش تأثیر یا به حداقل رساندن آن تنها در مواردی که اجتناب امکان‌پذیر نیست، باید انجام شود. تعدیل یا جبران تأثیرات منفی باید تنها در مواردی انجام شود که گزینه دیگری موجود نباشد (ICPGSIA, 2003; João & et al, 2011). به معنای وسیع‌تر، مدیریت ریسک به دنبال سازمان‌دهی استراتژی‌های مناسب برای مقابله با ریسک‌ها است. طبق نظر اُون و رِن (۲۰۱۰)، مدیریت ریسک دارای سه نتیجه بالقوه است: یک وضعیت تحمل‌ناپذیر، یک وضعیت تحمل‌پذیر و یک وضعیت قابل قبول یا پذیرفتنی. در وضعیت‌های تحمل‌ناپذیر، یا منبع ریسک (مانند یک فناوری) باید جایگزین شود یا در صورت خطرات طبیعی، باید آسیب‌پذیری‌ها کاهش یافته و تماس محدود شود. در وضعیت‌های تحمل‌پذیر، ریسک‌ها باید کاهش یافته یا مدیریت شوند. در وضعیت‌های قابل قبول، ریسک‌ها معمولاً کم هستند (شاید حتی ناچیز باشند) که تلاش برای کاهش ریسک ضروری نیست. با وجود این برای اطمینان از تحقق فواید، باید توجه و دقت وجود داشته باشد.

نتیجه‌گیری: در نظر گرفتن شایستگی‌های ادغام

رابطه میان ارزیابی ریسک، مدیریت ریسک و ارزیابی تأثیرات اجتماعی، مسئله اصلی این مقاله است. تمام انواع ارزیابی‌ها با نیاز مشترک برای ادغام و پیچیدگی‌هایی که این ادغام به همراه دارد، مواجه هستند (Burdge & Vanclay, 1995; Vanclay, 2012). از دیرباز نیاز آتا به ادغام با دیگر ابزار ارزیابی برای بهتر شدن احساس می‌شود. آتا به جای اینکه به عنوان خوشاوند بیچاره ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی (Lockie, 2001) یا فرزند یتیم خانواده ارزیابی (Burdge, 2002) باقی بماند، مسلماً نیاز به ترکیب با یک ارزیابی مشابه، اما هم‌افزا دارد. ما نشان داده‌ایم که آتا و آرا می‌توانند برای ارائه یک فرآیند ارزیابی جامع که ما آن را «ارزیابی ریسک و تأثیرات اجتماعی» (آرتا) می‌نامیم، ترکیب شوند.

ما دو نمونه از وضعیت‌هایی را که ارزش بالقوه آرتا را نشان می‌دهند، مطرح کردیم. آنها نشان می‌دهند که ارزیابی تأثیرات اجتماعی و ریسک‌های اجتماعی در کنار هم می‌توانند بینش بیشتری را درباره جنبه‌های اجتماعی توسعه فراهم آورند. با در نظر گرفتن مشکلات نظری و روش‌شناختی اتای سنتی، ما آشکار ساختیم که آرتا، رویکردی تکمیلی است که می‌تواند فرآیند و نتایج آتا را به طور قابل توجهی بهبود بخشد.

یکی از اصلی‌ترین توجیحات برای آرتا، نیاز آشکاری است که در جوامع برای پیش‌بینی بهتر پیامدهای خطرات طبیعی به منظور آمادگی بیشتر وجود دارد (Cottrell & King, 2011). بدین ترتیب آتا می‌توانست نقش محوری و پررنگی در ارزیابی تأثیرات بلایای طبیعی و برنامه‌ریزی برای مدیریت پیامدهای آنها ایفا کند (همان). با این حال آتا [تنها] در زمینه مداخلات برنامه‌ریزی شده گسترش یافته است. آرتا، آتا را قادر می‌سازد که دامنه خود را برای ارزیابی تأثیرات بلایای طبیعی وسعت بخشد. گنجانیدن مفهوم ریسک در آتا نیز می‌تواند به طراحی یک چهارچوب و مدل بهتری کمک کند که پتانسیل بررسی تأثیرات اجتماعی و قایعی مانند بلایای طبیعی را به منظور سازمان‌دهی برنامه‌های بازایی داشته باشد و در فرآیند آماده‌سازی پیش از وقوع فاجعه استفاده شود. آرتا، سازوکار مناسب را برای این هدف ارائه می‌دهد و کاربرد وسیع‌تری از آتا دارد؛ زیرا به وسیله ترکیب با آرا می‌تواند خطرات و بلایای طبیعی مانند خشک‌سالی و سیل را نیز بررسی کند. علاوه بر این برای برخی از برنامه‌ها و مواردی که دارای ریسک بالقوه زیادی هستند، مانند تولید انرژی هسته‌ای و محصولات تراریخته، اجرای یک اتای سنتی به منظور ارزیابی تأثیرات اجتماعی کافی نیست. در چنین مواردی نیاز به تحلیل

عمیق ریسک وجود دارد (Venables, 2012). مدل تلفیقی [ما]، ابزاری برتر برای ارزیابی ریسک در این موارد پیچیده و حساس ارائه می‌دهد.

مزیت کلیدی ارتا، رویکرد کل‌نگر آن است. ارتا، فرآیند مدیریت تأثیرات اجتماعی توسعه است. خروجی آن نه تنها هم تأثیرات مثبت و هم تأثیرات منفی را بررسی می‌کند، بلکه با مدیریت و حداقل‌سازی چنین تأثیراتی نیز سروکار دارد. در حالت ایده‌آل، ارتا یک بخش واجب از فرآیند مدیریت مداخلات برنامه‌ریزی‌شده و خطرات طبیعی خواهد بود. این امر می‌تواند از طریق استفاده از استراتژی‌های مدیریت ریسک به بهبود فرآیند مدیریت کمک کند.

پروژه‌های توسعه‌ای اغلب عدم قطعیت یا ترس ایجاد می‌کنند و گاهی تأثیرات درک‌شده در [مرحله] پیش‌بینی مداخله برنامه‌ریزی‌شده می‌تواند بیشتر از تأثیرات واقعی یک مداخله باشد (Vanclay, 2002, 2012). بر این اساس شناسایی تأثیرات واقعی، نیازمند اتای پسین است. در حالی که در اتای سنتی، «ارزیابی پیشاپیش» در کانون توجه قرار دارد، ارتا می‌تواند هم نقش ارزیابی پسین و هم نقش ارزیابی پیشین را ایفا کند. پس گسترش زمینه اتا برای ادغام ابزار مرتبط با ارزیابی به منظور افزایش اثربخشی در تصمیم‌گیری و ترویج توسعه پایدار، امری مطلوب محسوب می‌شود (Kirkpatrick & Lee, 1999).

در انتها شایان ذکر است که در برخی پروژه‌ها یا برنامه‌های توسعه‌ای، اتا و ارا به طور جداگانه انجام می‌شوند. این موضوع ممکن است باعث هدر رفتن پول و منابع [دیگر] شود، بنابراین ادغام این دو روش، رویکردی اثربخش خواهد بود.

1. Ahmadvand M, Karami E. A (2009) social impact assessment of the floodwater spreading project on the Gareh-Bygone plain in Iran: a causal comparative approach. *EnvironImpact Assess Rev*; 29:126-36.
2. Ahmadvand M, Karami E, Zamani G, Vanclay F. (2009) Evaluating the use of Social Impact Assessment in the context of agricultural development projects in Iran. *EnvironImpact Assess Rev*; 29:399-407.
3. Albrecht SL, Thompson JG. (1988) The place of attitudes and perceptions in social impact assessment. *Soc Nat Resour*;1:69-80.
4. Aven T, Renn O. (2009) On risk defined as an event where the outcome is uncertain. *J Risk Res*;12:1-11.
5. Aven T, Renn O. (2010) Risk management and governance, concepts, guidelines and applications. Heidelberg: Springer.
6. Bammer G, Smithson M. (2008) Uncertainty and risk, multidisciplinary perspectives. London: Earthscan.
7. Barrow CJ. (2000) Social impact assessment: an introduction. London: Edward Arnold.
8. Barrow CJ. (2010) How is environmental conflict addressed by SIA? *Environ Impact Assess Rev*; 30:293-301.
9. Becker HA. (1997) Social impact assessment: method and experience in Europe, North America and the developing world. London: UCL Press.
10. Becker HA. (2001) Social impact assessment. *Eur J Oper Res*;128:311-21.
11. Burdge R. (1994) A conceptual approach to social impact assessment. Wisconsin: Social Ecology Press.
12. Burdge R. (2002) Why is social impact assessment the orphan of the assessment process? *Impact Assess Proj Apprais*;20(1):3-9.
13. Burdge R, Vanclay F. (1995) Social impact assessment. In: Vanclay F, Bronstein D, editors. Environmental and social impact assessment. Chichester: Wiley;. p. 31-65.
14. Burdge R, Vanclay F. (1996) Social impact assessment: a contribution to the state of the art series. *Impact Assess*;14(1):59-86.
15. Carley M, Walkey A. (1981) Exploring some key elements in SIA. In: Tester F, Mykes W, editors. Social impact assessment: theory, method & practice. Calgary: Detselig; p. 13-22.
16. Carter N. SIA (1981) : New wine in old bottles. In: Tester F, Mykes W, editors. Social impact assessment: theory, method & practice. Calgary: Detselig; p. 5-12.
17. Cottrell A, King D. (2012) Social assessment as a complementary tool to hazard risk assessment and disaster planning. *Australas J Disaster Trauma Stud* 2010;1. [Available from: <http://www.massey.ac.nz/~trauma/issues/2010-1/cottrell.htm>. (Retrieved July 24)].
18. Cottrell A, King D. (2011) Disasters and climate change. In: Vanclay F, Esteves AM, editors. New directions in social impact assessment: conceptual and methodological advances. Cheltenham: Edward Elgar; p. 154-70.
19. Dani A, Beddies S. (2011) The World Bank's poverty and social impact analysis. In: Vanclay F, Esteves MA, editors. New directions in social impact assessment: conceptual and methodological advances. Cheltenham: Edward Elgar; p. 306-22.

20. Denney D. (2005) Risk and society. London: Sage.
21. Dreyer M, Renn O, Cope S, Frewer LJ. (2010) Including social impact assessment in food safety governance. *Food Control*;21:1620–8.
22. Ely A, Stirling A. (2009) The process of assessment. In: Dreyer M, Renn O, editors. *Food safety governance: integrating science, precaution and public involvement*. Heidelberg: Springer;. p. 57–69.
23. Ely A, Stirling A, Dreyer M, Renn O, Vos E, Wendler F. (2009) Overview of the general framework. In: Dreyer M, Renn O, editors. *Food safety governance: integrating science, precaution and public involvement*. Heidelberg: Springer;. p. 29–46.
24. Esteves AM, Vanclay F. (2009) Social development needs analysis as a tool for SIA to guide corporate-community investment: applications in the minerals industry. *Environ Impact Assess Rev*;29:137–45.
25. Esteves AM, Franks D, Vanclay F. (2012) Social impact assessment: the state of the art. *Impact Assess Proj Apprais*;30(1):35–44.
26. Finsterbusch K. (1977) The potential role of social impact assessment in instituting public policies. In: Finsterbusch K, Wolf CP, editors. *Methodology of social impact assessment*. Pennsylvania: Dowden, Hutchinson & Ross;. p. 2–12.
27. Finsterbusch K, Llewellyn LG, Wolf CP. (1983) *Social impact assessment methods*. Beverly Hills, CA: Sage.
28. Fischer TB. (1999) Comprehensive analysis of environmental and socioeconomic impacts in SEA for transport related policies, plans and programmes. *Environ Impact Assess Rev*;19(3):275–303.
29. Freudenburg WR. (1986) Social impact assessment. *Annu Rev Sociol*;12:451–78.
30. Geisler CC. (1993) Rethinking SIA: why ex ante research isn't enough. *Soc Nat Resour*;6: 327–38.
31. Giddings B, Hopwood B, O'Brien G. (2002) Environment, economy and society: fitting them together into sustainable development. *Sustain Dev*;10:187–96.
32. Goldman LR, (2000) editor. *Social impact analysis: an applied anthropology manual*. Oxford: Berg.
33. Goldman L, Baum S. (2000) Introduction. In: Goldman L, editor. *Social impact analysis: an applied anthropology manual*. Oxford: Berg;. p. 1–31.
34. ICPGSIA (Interorganizational Committee on Principles, Guidelines for Social Impact Assessment). (2003) Principles and guidelines for social impact assessment in the USA. *Impact Assess Proj Apprais*;21(3):231–50.
35. IRGC. (2005) White paper on risk governance: toward an integrative approach. Geneva: The International Risk Governance Council;.
36. João E, Vanclay F, den Broeder L. (2011) Emphasising enhancement in all forms of impact assessment. *Impact Assess Proj Apprais*;29(3):170–80.
37. Kasperson RE, Renn O, Slovic P, Brown HS, Emel J, Goble R, et al. (2005) The social amplification of risk: a conceptual framework. In: Kasperson JX, Kasperson RE, editors. *The social contours of risk (V1): publics, risk communication and the social amplification of risk*. Earthscan;. p. 99–104.
38. Kauppinen T. (2011) Human impact assessment as a framework for integration. In: Vanclay F, Esteves MA, editors. *New directions in social impact assessment: conceptual and methodological advances*. Cheltenham: Edward Elgar; p. 341–54.

39. Kemp D. (2011) Understanding the organizational context. In: Vanclay F, Esteves MA, editors. *New directions in social impact assessment: conceptual and methodological advances*. Cheltenham: Edward Elgar;. p. 20–37.
40. Kirkpatrick C, Lee N. (1999) Special issue: integrated appraisal and decision-making. *Environ Impact Assess Rev*;19:227–32.
41. Krinsky S, Golding D. (1992) *Social theories of risk*. Westport, CT: Praeger.
42. Lawrence D. (2003) *Environmental impact assessment: practical solutions to recurrent problems*. New York: Wiley.
43. Lima ML, Marques S. (2005) Towards successful social impact assessment follow-up: a case study of psychosocial monitoring of a solid waste incinerator in the North of Portugal. *Impact Assess Proj Apprais*;23(3):227–33.
44. Lockie S. (2001) SIA in review: setting the agenda for impact assessment in the 21st century. *Impact Assess Proj Apprais*;19(4):277–87.
45. Lupton D. (1999) Introduction: risk and sociocultural theory. In: Lupton D, editor. *Risk and sociocultural theory: new directions and perspectives*. Cambridge: Cambridge University press;. p. 1–12.
46. Paliwal R. (2006) EIA practice in India and its evaluation using SWOT analysis. *Environ Impact Assess Rev*;26:492–510.
47. Pechan P, Renn O, Watt A, (2011) Pongratz I. Safe or not safe: deciding what risks to accept in our environment and food. Heidelberg and New York: Springer.
48. Rattle R, Kwiatkowski RE. (2003) Integrating health and social impact Assessment. In: Becker HA, Vanclay F, editors. *The international handbook of social impact assessment*. Cheltenham (UK): Edward Elgar. p. 92–107.
49. Renn O. (1992) Concepts of risk: A classification. In: Krinsky S, Golding D, editors. *Social Theories of Risk*. Westport, CT: Praeger;. p. 53–79.
50. Renn O. (1998) Three decades of risk research, accomplishments and new challenges. *J Risk Res*;1(1):49–71.
51. Renn O. (2008) *Risk governance, coping with uncertainty in a complex world*. London: Earthscan.
52. Renn O, Sellke P. (2011) Risk, society and policy making: risk governance in a complex world. *Int J Perform Eng*;7(4):349–66.
53. Renn O, Walker KD. (2008) *Global risk governance, concept and practice using the IRGC framework*. Netherlands: Springer;.
54. Rosa EA (2010) Metatheoretical foundations for post-normal risk. *J Risk Res* 1998;1:15–44. Russell AW, Vanclay F, Aslin H. Technology assessment in social context: the case for a new framework for assessing and shaping technological developments. *Impact Assess Proj Apprais*;28(2):109–16.
55. Sairinen R, Barrow CJ, Karjalaine TP. (2010) Environmental conflict mediation and social impact assessment: approaches for enhanced environmental governance? *Environ Impact Assess Rev*;30:289–92.
56. Short J. (1984) The social fabric at risk: toward the social transformation of risk analysis. *Am Sociol Rev*;49:711–25.
57. Slootweg R, Vanclay F, van Schooten M. (2001) Function evaluation as a framework for the integration of social and environmental impact assessment. *Impact Assess Proj Apprais*;19(1):19–28.
58. Spök A. (2010) *Assessing socio-economic impacts of GMOs. Issues to Consider for Policy Development*. Vienna: Final Report. Forschungsberichte der Sektion, IV..

منابع

59. Stabinsky D. (2000) Bringing social analysis into a multilateral environmental agreement: social impact assessment and the Biosafety protocol. *J Environ Dev*;9(3):260–83.
60. Taylor N, McClinton W, Buckenham B. (2003) Social impacts of out of centre shopping centres on town centres: a New Zealand case study. *Impact Assess Proj Apprais*;21(2):147–53.
61. Taylor CN, Bryan CH, Goodrich C. (2004) Social assessment: theory, process and techniques. Christchurch, New Zealand: Taylor Baines & Associates.
62. Taylor-Gooby P, Zinn JO. (2006) The current significance of risk. In: Taylor-Gooby P, Zinn JO, editors. *Risk in social science*. New York: Oxford University Press; p. 1–19.
63. Torgerson D. (1981) SIA as a social phenomenon: the problem of contextuality. In: Tester F, Mykes W, editors. *Social impact assessment: theory, method & practice*. Calgary: Detselig; p. 68–92.
64. Vanclay F. (1999) Social impact assessment. In: Petts J, editor. *Handbook of environmental impact assessment*. Oxford: Blackwell Science; p. 301–26.
65. Vanclay F. (2002) Conceptualising social impacts. *Environ Impact Assess Rev*;22(3): 183–211.
66. Vanclay F. (2003) International principles for social impact assessment. *Impact Assess Proj Apprais*;21(1):5–11.
67. Vanclay F. (2004) The triple bottom line and impact assessment: how do TBL, EIA, SIA, SEA and EMS relate to each other? *J Environ Assess Policy Manag*;6(3):265–88.
68. Vanclay F. (2006) Principles for social impact assessment: a critical comparison between the international and US documents. *Environ Impact Assess Rev*; 26:3–14.
69. Vanclay F. (2012) The potential application of social impact assessment in integrated coastal zone management. *Ocean Coast Manag*;68:149–56.
70. Venables D, Pidgeon NF, Parkhill KA, Henwood KL, Simmons P. (2012) Living with nuclear power: sense of place, proximity, and risk perceptions in local host communities. *J Environ Psychol*;32(4):371–83.
71. Western J, Lynch M. (2000) Overview of the social impact assessment process. In: Goldman L, editor. *Social impact analysis: an applied anthropology manual*. Oxford: Berg; p. 35–62.
72. Zinn JO. (2008) Introduction: the contribution of sociology to the discourse on risk and uncertainty. In: Zinn OJ, editor. *Social theories of risk and uncertainty: an introduction*. Oxford: Blackwell; p. 1–17.
73. Zinn JO. (2006) editors. *Risk in social science*. New York: Oxford University Press; p. 54–75.
74. Zinn JO, Taylor-Gooby P. The challenge of (managing) new risks. In: Taylor-Gooby P.

تحول دستورالعمل‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی در بستر سیاستی موجود

ریچارد پارسونز^۱، جو آن اورینگام^۲ و دینا کمپ^۳

۱. وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست نیوساوت‌ولز، سیدنی، استرالیا

۲. مرکز مسئولیت اجتماعی امور معدن، دانشگاه کوئینزلند، بریزبن، استرالیا

۳. مرکز مسئولیت اجتماعی امور معدن، مؤسسه مواد معدنی پایدار، دانشگاه کوئینزلند، بریزبن، استرالیا

مترجم: شهریانو ناصر

کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی؛ homaa22@yahoo.com

چکیده

تاکنون دستگاه‌های قضایی معدودی، اصول مورد توافق بین‌المللی «ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا)» را در قالب ملاحظات قانونی در آورده‌اند. دولت‌ها و نهادهای نظارتی تمایل دارند برای متولیان توسعه، چارچوب‌های کاملی فراهم آورند یا بدون مشخص کردن جزئیات اجرایی به نحوی آنها را ملزم به «در نظر گرفتن» تأثیرات اجتماعی کنند. در استرالیا، عدم شفافیت در این حوزه، اطمینان همه طرفین [اقدام توسعه‌ای] را درباره الزامات از بین می‌برد. نسخه دستورالعمل اتا که دولت نیوساوت‌ولز آن را در سال ۲۰۱۷ برای پروژه‌های کلان توسعه‌ای صنایع معدنی، نفتی و حفاری انتشار داد، بیانگر تلاشی جهت شفاف‌سازی الزامات و ارائه یک راهنما است. در این مقاله، ما روند به ثمر رسیدن این دستورالعمل را از دیدگاه کسانی که مستقیماً درگیر اجرای آن بودند، توصیف می‌کنیم و چالش‌های مربوط به ادغام اصول اجرای بهینه اتا در چارچوب فعلی سیاست‌های دولتی را نیز مشخص می‌نماییم. هر چند این دستورالعمل حاکی از پیشرفت چشمگیری در هدایت فرآیند اتای مبتنی بر سیاست محسوب می‌شود، هنوز برخی از جنبه‌های آن قابلیت بهبود دارد. آزمون واقعی تأثیر این دستورالعمل، در تأثیری که بر نحوه اجرای اتا در نیوساوت‌ولز دارد و در نهایت در پیامدهای اجتماعی پروژه‌های مرتبط با منابع بر جوامع محلی متأثر از آنها نهفته است.

واژگان کلیدی: ارزیابی تأثیر اجتماعی، جلب مشارکت اجتماعی، مشارکت

عمومی، توسعه سیاست.

در دهه‌های اخیر، شاکله ادبیات ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) تکامل یافته است و اکنون اصول و دستورالعمل‌های بین‌المللی‌ای را که سازمان‌های حرفه‌ای از جمله «انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات»^۱ تصویب کرده‌اند، در خود جای داده است (Vanclay, 2003; Vanclay & et al, 2015). با این حال به کار بردن این اصول و دستورالعمل‌ها و عمل به آنها هنوز امری داوطلبانه است. حامیان پروژه به جای آنکه ملزم به رعایت قانون کشور میزبان باشند، می‌توانند برای تسهیل در تصویب پروژه به آن استناد کنند یا ادعای «بهترین اجرا» را در درگیر نمودن ذی‌نفعان و تعاملات جامعه پیدا کنند. از آنجا که اجرای اتا همواره بازتاب‌دهنده اصول بین‌المللی آن نیست، به ندرت تمامی پتانسیل‌های آن تحقق می‌یابد (Bruekner & et al, 2014). این مقاله بر تلاش دولت استرالیا برای بهبود اجرای اتا در حوزه صنایع حفاری به کمک یک دستورالعمل مصوب دولتی متمرکز است.

هیچ‌یک از ملاحظات قانونی در حوزه‌های قضایی در استرالیا، به طور جامع برگردانی از این اصول و دستورالعمل‌ها نیست. برخی از دولت‌های ایالتی و دستگاه‌های نظارتی دارای چارچوب‌های سطح بالایی هستند، یا الزام به در نظر گرفتن تأثیرات اجتماعی در آنها آمده است، اما چگونگی انجام آن مشخص نشده است. این عدم شفافیت، همه طرف‌ها را نسبت به الزامات ایالتی اتا نامطمئن می‌سازد. مشاوران حوزه سیاست‌های عمومی در نیوساوت‌ولز^۲ معتقدند که حامیان پروژه و ناظران به دنبال شفاف‌سازی انتظارات دولت هستند؛ متخصصان اتا در جست‌وجوی پشتیبانی برای انجام ارزیابی‌های قوی و معنادار بوده، افراد متأثر از پروژه نیز در پی یک ارزیابی جامع، معنادار و مستقل از تأثیرات و همچنین تثبیت حق خود برای شرکت در فرایند توسعه پروژه (NSW DPE, 2015b, 2017b) هستند.

در این مقاله، فرآیند به ثمر رسیدن دستورالعمل ارزیابی تأثیرات اجتماعی دولت نیوساوت‌ولز برای توسعه صنایع معدنی، نفتی و حفاری در سطح دولتی (NSW DPE, 2017b) شرح داده شده است. ما به عنوان نویسندگان این مقاله، از منظر کسانی که به طور مستقیم در تدوین این دستورالعمل دخیل بوده‌اند، قلم می‌زنیم. برای مقابله با هرگونه سوگیری در طی فرآیند تحلیل، امکان بازبینی و انتقاد از مفروضاتمان و نیز کشف تفسیرهای جایگزین را در فرآیند تدوین دستورالعمل در نظر گرفته‌ایم (Alvesson & Deetz, 2000). ما بر چالش‌هایی که ادغام اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی اتا در چارچوب ارزیابی پروژه‌های مهم مرتبط با منابع در نیوساوت‌ولز

1- International Association for Impact Assessment (IAIA)

2- New South Wales (NSW)

برمی‌انگیزد، تأکید می‌کنیم. در ادامه این مقاله به تشریح بستر جهانی‌ای که اتا در آن تکامل یافته است و پس از آن، بستر سیاستی ارزیابی تأثیرات پروژه‌های بزرگ در استرالیا و نیوساوت‌ولز می‌پردازیم. سپس توضیح می‌دهیم که چگونه پیش از آنکه فرصت‌های بهبود مضاعف در نظر گرفته شود، موضوعات کلیدی در فرآیند تدوین دستورالعمل و در متن آن مشخص و بررسی شد.

توسعه مفهومی و نهادی اتا

تأثیرات اجتماعی شامل تجربیات فیزیکی و احساسی‌ای می‌شود که مردم، گروه‌ها و جوامع به عنوان پیامدهای پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که شیوه زندگی، کار، ارتباط، استراحت و حتی سازمان‌یافتگی آنها را تغییر می‌دهد، درک می‌کنند (Interorganizational Committee on Principles and Guidelines for Social Impact Assessment, 2003). اتا فرآیندی است که اثرات تغییرات ناشی از پروژه را بر دارایی‌ها، حقوق و نظام‌های سازمان‌دهی اجتماعی مردم از جمله کیفیت زندگی، فرهنگ، بهداشت، تعاملات اجتماعی و معیشت آنها، شناسایی و ارزیابی می‌کند. طبق گفته ونکلی و همکاران (۲۰۱۵)، این فرآیند شامل پیش‌بینی، تجزیه و تحلیل، پایش و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته توسعه است.

مفهوم اتا برای نخستین بار به عنوان بخشی از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی و همزمان با تصویب قوانین و مقررات مربوط به این ارزیابی (مانند قانون سیاست ملی محیط‌زیست) در سال ۱۹۶۹ در ایالات متحده آمریکا مطرح شد. قانون سیاست ملی محیط‌زیست، متولیان توسعه را ملزم می‌کرد که در فرآیندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطح ملی، تأثیرات محیط‌زیستی و اجتماعی بر جوامع را در نظر بگیرند (Burdge, 2003). از آن زمان بود که دانشمندان علوم اجتماعی، بدنه ادبیات اتا و اجرای آن را گسترش دادند (برای مثال Burdge, 2003; Lockie, 2001; Freudenberg, 1986; Wolf, 1974). در سال ۱۹۹۴، کمیته بین‌سازمانی اصول و دستورالعمل‌های اتای آمریکا، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و اصول را برای اتا ایجاد کرد که بعدها سازمان‌های حرفه‌ای معاصر مانند «انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیرات» آنها را به کار گرفتند.

اصول بین‌المللی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شناخته‌شده‌ترین معیارهای مورد توافق بین‌المللی را برای ارزیابی اثربخش تأثیرات اجتماعی تشکیل می‌دهد. درباره ویژگی‌ها، اصول و استانداردهای عملکردی اتا در این چارچوب‌ها و یا سایر چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های مطرح، از جمله ارزیابی تأثیر اجتماعی: راهنمایی برای ارزیابی و

مدیریت تأثیرات اجتماعی پروژه‌ها (Vanclay & et al, 2015) و استانداردهای بین‌المللی مانند ایزو ۳۱۰۰۰: مدیریت ریسک (اصول و دستورالعمل‌ها) و ایزو ۲۶۰۰۰: دستورالعملی برای مسئولیت اجتماعی، اتفاق نظر زیادی وجود دارد. راهنما و منابع زیادی برای مجریان و متخصصان اتا و دیگر ذی‌نفعان وجود دارد که این ویژگی‌ها را بازتاب می‌دهد (Arce-Gomez & et al, 2015). در اصل، اجرای اتا به مثابه فرآیندی تکراری، اجتماع‌محور و مشارکتی شناخته می‌شود که از اشکال متنوعی از داده‌ها و اطلاعات برای تولید ارزیابی‌ها و راه‌کارهایی مبتنی بر ارزش‌ها استفاده می‌کند تا فرصت‌ها، ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های مرتبط با پروژه‌ها و فرآیندهای توسعه‌ای مهم را مشخص کند (Aledo-Tur & Domínguez-Gómez, 2017) (نگاهی به جدول شماره ۲ ببینید).

زمینه سیاست‌گذاری برای اتا در استرالیا و نیوساوت‌ولز

همزمان با تکامل اتا، رویکرد قانون‌گذاران و ناظران استرالیا نیز دچار تحول شده است. یکی از نقاط عطف در این زمینه این بود که دولت کوئینزلند^۱ در سال ۲۰۰۸، سیاست‌های جوامع با منابع پایدار را معرفی کرد. این سیاست مستلزم یک «برنامه مدیریت تأثیرات اجتماعی (بمتا)» به عنوان بخشی از فرآیند اتا بود. برنامه‌های مدیریت تأثیرات اجتماعی مستلزم این بود که حامیان پروژه، تأثیرات اجتماعی احتمالی آن را شناسایی کرده، اقداماتی برای کاهش تأثیرات منفی ارائه دهند (Franks & Vanclay, 2013). دولت کوئینزلند بعدها یک مجموعه طرح شامل «یک رویکرد جدید برای مدیریت تأثیرات پروژه‌های بزرگ در جوامع دارای منابع» (State of Queensland DSDIP, 2013) را به همراه نخستین دستورالعمل اتا در استرالیا منتشر کرد. دولت قلمروی شمالی در همان سال دستورالعملی را برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی و اقتصادی تدوین کرد که مستلزم برنامه‌های مدیریت پیامدها به عنوان بخشی از گزارش‌های محیط‌زیستی عمومی یا اظهاریه‌های تأثیرات محیط‌زیستی تحت قانون ارزیابی محیط‌زیستی (NT EPA, 2013) بود. دولت قلمروی شمالی استرالیا پیشتر فرآیندهای ارزیابی تأثیراتی را آغاز کرده بود که بیش از یک پروژه را در برمی‌گرفت. در سال ۲۰۰۵ دولت نیوساوت‌ولز، یک ارزیابی استراتژیک برای تحلیل پتانسیل استخراج زغال‌سنگ دره آپر هانتز^۲ انجام داد. این ارزیابی، منابع زغال‌سنگ و پتانسیل توسعه معدن را در کنار موضوعات دیگر، از جمله آب‌های سطحی و زیرزمینی، مسائل اجتماعی و رفاهی،

1- Queensland

2- Upper Hunter Valley

میراث طبیعی و فرهنگی، زمین و کشاورزی در نظر گرفته بود. این ارزیابی در ادامه با مروری استراتژیک بر تأثیرات حفاری زیرزمینی (به ویژه فرونشست) در کولفیلد جنوبی^۱ در اواخر سال ۲۰۰۶ پیگیری شد (Franks & et al, 2010).

دولت کوئینزلند در سال ۲۰۰۸ همزمان با ابلاغ سیاست جوامع با منابع پایدار، ارزیابی‌های تأثیرات منطقه‌ای استراتژیک را نیز در گالیه و سورات باسینز^۲ آغاز کرد. در سال ۲۰۱۰، استرالیای غربی و دولت‌های مشترک‌المنافع (فدرال) یک ارزیابی منطقه‌ای استراتژیک برای براوز باسینز^۳ انجام داد که به ارتباط میان پروژه‌های موجود و پروژه‌های پیشنهادی در منطقه می‌پرداخت. در سال ۲۰۱۵ دولت نیوساوت‌ولز، مقرراتی را برای ارزیابی مقدماتی مسائل منطقه‌ای^۴ (NSW DPE, 2015a) در چارچوب استراتژیک اکتشاف نفت و زغال‌سنگ خود ارائه کرد. ارزیابی‌های مقدماتی مسائل منطقه‌ای برای شناسایی موضوعات اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی مرتبط با اکتشاف زغال‌سنگ یا گاز در مقیاس منطقه‌ای طراحی شده بود. این ارزیابی‌های استراتژیک می‌تواند انا را در فرآیندهای توسعه‌ای و چارچوب‌های نظارتی گسترده‌تر قرار دهد (Partidário & Clark, 2000) و درک این امر که تأثیرات اجتماعی با سایر انواع تأثیرات پیوندی ناگسستنی دارد، حاکی از نیاز به رویکردی یکپارچه است. با وجود این در نیوساوت‌ولز، دستورالعملی برای انا در سطح پروژه وجود نداشت.

اتا در نیوساوت‌ولز

در غیاب دستورالعمل، «کفایت» انا در زمینه توسعه‌های عظیم منابع همیشه زیر سؤال می‌رفت. به عنوان مثال، پروژه گسترش وارک ورت^۵، طرح پیشنهادی زغال‌سنگ متگسکو^۶، پروژه گسترش ویلپین جونگ^۷ و پروژه‌های زغال‌سنگ بایلانگ و درایتون جنوبی^۸، همگی با مخالفت جامعه محلی روبه‌رو شد. بخشی از این مخالفت‌ها به این دلیل بود که در فرآیند ارزیابی تأثیرات، توجه خاصی به تأثیرات اجتماعی نشده بود (Preston, 2014; Luke, 2017; Askland, 2018). در نیوساوت‌ولز، ارزیابی تأثیرات فیزیکی مانند سرو صدا، گرد و غبار و لرزه رایج بود؛ در حالی که تأثیرات تجربه‌ای و ناملموس‌تر عمدتاً نادیده انگاشته می‌شد.

- 1- Southern Coalfield
- 2- Galilee and Surat Basins
- 3- Browse Basin
- 4- Preliminary Regional Issues Assessment (PRIA)
- 5- Warkworth
- 6- Metgasco
- 7- Wilpinjong
- 8- Bylong and Drayton South

در نیوساوت ولز، وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست^۱ مرجعی است که مسئولیت ارزیابی اجرای پروژه‌های بزرگ را برعهده دارد. این وزارتخانه در سال ۲۰۱۶ پس از مشورت با صنایع، جوامع محلی و گروه‌های محیط‌زیستی، به منظور بازبینی «سیاست برنامه‌ریزی محیط‌زیستی ایالتی» مصوبه سال ۲۰۱۵، تدوین دستورالعمل جدید اتا را آغاز کرد. گزارش بررسی (NSW DPE, 2015b) نشان داد در حالی که سیستم برنامه‌ریزی نیوساوت ولز رسماً الزام به «ارزیابی متوازن» تأثیرات اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی را بیان می‌دارد، این نگرانی همچنان باقی مانده است که عوامل اقتصادی نسبت به سایر ملاحظات در اولویت بالاتری قرار گیرد. ماده ۲۰۳ قانون برنامه‌ریزی و ارزیابی محیط‌زیستی نیوساوت ولز مصوبه سال ۱۹۷۹ (که از ۱۵ آوریل سال ۲۰۱۸ در جریان است) تصریح می‌کند که تأثیراتی که متوجه مردم است، امری بسیار مهم در فرآیند ارزیابی برای «توسعه‌های مهم ایالتی»^۲ محسوب می‌شود. در جدول ۱، ملاحظات قانونی و نظارتی مربوط به تأثیرات اجتماعی که از اوایل سال ۲۰۱۶، همزمان با آغاز پروژه تدوین دستورالعمل اتا اجرایی شده، آمده است. در این جدول نشان داده شده است که قانون قصد دارد ملاحظات اجتماعی و اقتصادی را در اصطلاح «محیط‌زیست» بگنجانند. همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، چارچوب قانونی و نظارتی، حامیان پروژه را ملزم می‌ساخت تا ابعاد اجتماعی تحولات مهم پروژه را در نظر بگیرند. با این حال هیچ دستورالعملی برای اینکه حامیان پروژه چگونه باید تأثیرات اجتماعی را درک و مدیریت کنند و دولت چگونه باید عامل تأثیرات اجتماعی را در تصمیم‌گیری درباره تصویب پروژه‌ها در نظر بگیرد، وجود نداشت. این امر، حامیان پروژه، دولت، مردم و جوامع متأثر از پروژه را نسبت به اینکه فرآیند اتا مستلزم چه چیزهایی است، نامطمئن می‌نماید. همچنین آشکار شد که دولت نیوساوت ولز، ظرفیت محدودی برای ارزشیابی اتاهایی که حامیان تهیه کرده‌اند دارد. بیشتر کارکنان وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست نیوساوت ولز، تنها در برنامه‌ریزی شهری و با علوم محیط‌زیستی دارای صلاحیت هستند، نه علوم اجتماعی یا رشته‌های شناختی. در نیوساوت ولز، اتا در ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی مورد انتقاد قرار گرفت؛ زیرا اعضای جوامع محلی ادعا می‌کردند که حامیان پروژه و وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست، به ملاحظات اجتماعی وزن کمتری نسبت به مسائل اقتصادی می‌دهند. گزارش‌های اتا که مأموریت تهیه و تأمین مالی آن با حامیان پروژه بود، به جای ارزیابی‌های بی‌طرفانه، اسناد سوگیرانه‌ای محسوب می‌شد که جهت

1- Department of Planning and Environment (DPE)

2- State Significant Developments (SSDs)

جدول ۱- ملاحظات تأثیرات اجتماعی در چارچوب سیاستی نیوساوت ولز

ملاحظه	ارتباط با تأثیرات اجتماعی و ا تا
قانون برنامه‌ریزی و ارزیابی محیط‌زیستی مصوب سال ۱۹۷۹ (قانون EP&A)	چارچوب ارزیابی، انواع توسعه در نیوساوت ولز را ایجاد می‌کند و «محیط» را به عنوان «کلیه ابعادی که انسان‌ها را در برمی‌گیرد و بر آنها چه در قالب فرد و چه در قالب گروه‌بندی‌های اجتماعی تأثیر گذار است» تعریف می‌کند. بر اساس این قانون، حامیان اصلی پروژه‌های مرتبط با منابع موظف شدند برای پروژه خود یک ارزیابی انجام دهند و تأثیرات اجتماعی را در برنامه‌های توسعه‌ای خود لحاظ کنند.
قانون EP&A	توسعه‌ای که «... به منظور ارتقای رفاه اجتماعی و اقتصادی جامعه» باشد و ملاحظات و هماهنگی خدمات و تسهیلات جامعه را تشویق می‌کند.
قانون EP&A - s79C(1)(b)	مسئولان مربوط را ملزم به در نظر گرفتن «تأثیرات اجتماعی و اقتصادی محلی» می‌کند.
قانون EP&A - s79C(1)(e)	مسئولان مربوط را ملزم به در نظر گرفتن «منافع عمومی» می‌سازد.
سیاست برنامه‌ریزی محیط‌زیستی دولتی (صنایع معدنی، نفتی و حفاری) مصوب سال ۲۰۰۷ (معدن کاری) - بند ۱۲	مسئولان را ملزم به موارد زیر می‌نماید: - در نظر گرفتن کاربری‌های موجود در اطراف پروژه (چه توسعه تأثیر چشمگیری بر کاربری‌های مورد نظر داشته باشد یا خیر) و هر گونه ناسازگاری بین این کاربری‌ها و توسعه - ارزشیابی و مقایسه مزایای عمومی نسبی توسعه و کاربری‌های اراضی - ارزشیابی هر کدام از معیارهای پیشنهادی حامیان برای جلوگیری یا به حداقل رساندن هر گونه ناسازگاری.
مقررات EP&A مصوب سال ۲۰۰۰ - طرح ۲، بخش ۳، بند ۷	اظهاریه تأثیرات زیست محیطی (EIS) باید تأثیرات احتمالی را با توجه به ملاحظات بیوفیزیکی، اقتصادی و اجتماعی تحلیل کند.

توجیه و اطمینان از تأیید و تصویب پروژه طراحی شده بود. اعضای جامعه محلی نیز از اینکه می‌دیدند فرصت مشارکت آنها در ارزیابی‌ها ناکافی است و کمتر مورد رجوع قرار می‌گیرند، دچار ناامیدی شده بودند. در همین حال، حامیان پروژه نیز ویژگی طاق‌فرسا و زمان‌بر بودن فرآیند ارزیابی و ماهیت مبهم الزامات دولتی را به باد انتقاد گرفتند (NSW DPE, 2017c).

در نبود دستورالعمل ویژه، حامیان پروژه تمایل داشتند به جای صرف زمان و منابع جهت اولویت‌بندی مسائل «مادی»، مکتوبات حجیم و مفصلی تولید کنند که در آن تمامی اثرات احتمالی در نظر گرفته می‌شد. این اسناد و مدارک طولانی، هم برای اجتماع محلی و هم برای دولت، موجبات دلسردی را فراهم می‌آورد. شش نقد کلیدی بر عملکرد ا تا تحت نظام سیاستی از پیش موجود در نیوساوت ولز در جدول شماره ۲ خلاصه شده و با نسخه مورد اجماع بین‌المللی که در ادبیات ارزیابی تأثیرات آمده، مقایسه شده است.

جدول ۲- مقایسه ویژگی‌های فعلی و ترجیحی اِتا

کاستی‌های درک‌شده اجرای اِتا در نیوساوت‌ولز	ویژگی‌های متناظر اِتا، بر اساس اجرای بهینه
هدف شدن تصویب پروژه‌ها	ارزیابی‌های بدون سوگیری و بی‌طرفانه
رویکرد غیرمنعطف، تجویزی و فاقد حساسیت به زمینه و تغییراتی که در طول زمان رخ می‌دهد.	رویکرد پویا، انعطاف‌پذیر و متناسب با زمینه
با تأثیرات اجتماعی به صورت جداگانه و به عنوان تابعی از تأثیرات محیط‌زیستی و اقتصادی برخورد می‌شود.	ارزیابی یکپارچه‌ای که به ماهیت درهم‌تنیده بسیاری از اثرات اشاره دارد.
تمرکز نامتوازن بر تأثیرات منفی و مثبت	در نظر گرفتن تأثیرات مثبت و منفی و روش‌های کاهش/ تقویت آنها به صورت متوازن
تأکید بر روش‌های عینی، فنی و کمی	استفاده توأمان از روش‌های کیفی و کمی، به همراه مشارکت اجتماع در شناسایی تأثیرات و راه‌های کاهش/ تقویت، پایش و مدیریت آنها
یک رویکرد جهان‌شمول که فرض می‌کند همه مردم در همه اوقات به طور مساوی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.	رویکردی که به ناهمگنی اذعان دارد و با ناهمگنی منافع و تأثیرات درون و بین اجتماعات درگیر می‌شود.

منبع: خلاصه مطالب موجود در: Esteves & et al, 2012؛ Michell & McManus, 2013

با دریافت بازخورد از ذی‌نفعان درباره نیاز به جلب مشارکت اولیه جوامع محلی در تصمیم‌های توسعه‌ای و متعهد شدن به کاهش «مقررات دست‌وپاگیر» با عنوان بیانیه نظارت بهتر در سال ۲۰۰۸، دولت مردان نیوساوت‌ولز دریافتند که فرآیندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را می‌بایست بر مردم و منافع عمومی متمرکز سازند. دبیر وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست، سال ۲۰۱۶ را «سال جامعه» نامید. در آن سال، وزارت صنعت نیوساوت‌ولز، سندی با عنوان دستورالعمل اجرایی اکتشاف: مشورت با جامعه به چاپ رساند. وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست نیوساوت‌ولز نیز در سال ۲۰۱۶، دستورالعمل‌های کمیته مشورتی جامعه محلی و در سال ۲۰۱۷، پیش‌نویس دستورالعمل مشارکت جامعه و ذی‌نفعان را منتشر کرد. دستورالعمل اِتا برای توسعه صنایع معدنی، نفتی و حفاری در سطح دولتی در این زمان ابداع شد. برای پیشبرد دستورالعمل ارزیابی تأثیرات اجتماعی، وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست، یک متخصص اِتا (یکی از نویسندگان این مقاله) را فراخواند تا این تحول از هماهنگی داخلی برخوردار شود. این وزارت تعیین کرد که در نیوساوت‌ولز، بخش منابع به شدت نیازمند دستورالعمل اِتایی است که پروژه‌ها را در این بخش، کانون اصلی دستورالعمل اِتا قرار دهد. وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست، مشاوره با ذی‌نفعان بخش منابع، بازبینی دستورالعمل فعلی و فراهم ساختن پیشنهادهای برگرفته از بهترین اِتاها را به مرکز مسئولیت اجتماعی معدن‌کاری دانشگاه کوئینزلند (کارفرمای دو نویسنده دیگر این مقاله) سپرد.

اولویت‌بندی در بخش منابع، منعکس‌کننده وقایعی است که در نیوساوت‌ولز رخ داده است. تأثیرات اجتماعی پروژه‌های بزرگ در مطالب ارائه شده در پیش‌نویس سیاست یکپارچه معدن‌کاری در سال ۲۰۱۵ مطرح شد. افزون بر این، چندین پروژه بزرگ مرتبط با منابع که در بالا به آنها اشاره شد، به این دلیل که در آنها تأثیرات اجتماعی نادیده انگاشته شده بود، با مخالفت روبه‌رو شد. پروژه گسترش وارک‌ورث، با مخالفت مردمی و همچنین چالش حقوقی مواجه شد که بخشی از آن به دلیل تأثیرات اجتماعی بالقوه بر جامعه محلی بولگاکا بود. طرح پیشنهادی گاز زغال‌سنگ متگسکو نیز مخالفت‌های گسترده‌ای را به خود جلب کرد و نه تنها جامعه و گروه‌های محیط‌زیستی، بلکه کشاورزان و شوراهای محلی نیز با آن به مخالفت پرداختند. در یک نگاه کلی، صنایع حفاری مجموعه متنوعی از تأثیرات را ایجاد می‌کنند که می‌توانند جوامع را دوقطبی کنند (Bice, 2015; Harvey & Bice, 2014; Kemp & Vanclay, 2013; Owen & Kemp, 2017; Petrova & Marinova, 2015). این امر بیانگر احساسی عمومی است که «صنایع حفاری معمولاً نه چندان محبوب و به طور کلی غیر قابل اعتماد هستند» (Harvey & Bice, 2014: 331). در تلاش برای تشخیص این بی‌اعتمادی، تیم پروژه تدوین دستورالعمل وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست و مشاوران آنها به دنبال این بودند که اصول اجرای بهینه اتا را هم در فرآیند تهیه دستورالعمل و هم در متن آن بگنجانند. بخش‌هایی که در ادامه ارائه شده، بینشی را نسبت به این فرآیند و محتوا فراهم می‌آورد.

فرآیند تدوین دستورالعمل اتا

از ابتدا، تیم پروژه وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست در صدد تهیه دستورالعمل به روشی بود که منعکس‌کننده اصول انعطاف‌پذیری، برابری، شفافیت و بی‌طرفی اتا باشد. با مفهوم‌سازی بهبود دستورالعمل به عنوان یک فرآیند اجتماعی، تیم دریافت که پروژه باید تعاملات اجتماعی را درباره مسائل مورد مناقشه در بین گروه‌های مختلف سهمیم در اتا در نظر بگیرد.

همان‌طور که اوفرچیلی^۲ (۲۰۰۹) متذکر می‌شود، حتی خود هدف اتا نیز مورد مناقشه است و به لحاظ جایگاه و موقعیت به رابطه شخص با پروژه بستگی دارد. در این قلمرو مناقشه‌برانگیز، اختلافاتی بین گفتمان‌ها به عنوان نظام‌های ناهمگن زبانی و عملی وجود دارد که برای ایجاد نظم نوین گفتمانی با یکدیگر رقابت می‌کنند (Fairclough, 1992: 115-120). طی این مبارزات، موضوع قدرت

1- Bulga
2- O'Faircheallaigh

دوباره مورد مذاکره قرار گرفته، معنایی باز آفرینی می‌شود که به طور بالقوه امکان ظهور «حوزه‌های نوینی از اقدام» را فراهم می‌آورد (Wodak, 2001: 61). مفاهیمی مانند «مجوز اجتماعی» و «اتا»، نمونه‌هایی از این حوزه‌های منازعه‌برانگیز هستند (Owen & Kemp, 2013; Parsons & Moffat, 2014a, 2014b).

بنابراین تیم پروژه با آگاهی از اینکه اتا شامل گفت‌وگوهای رقابتی است، روند تدوین دستورالعمل اتا را طی کرد. این امر مستلزم پذیرش ماهیت متنازع اتا بود که موجب تثبیت نقش تیم به عنوان یکی از دیدگاه‌های چندگانه هدایتگر برای طی یک فرآیند معتبر و ارائه یک ستاده معتبر می‌شد. مصالحه دیدگاه‌های متضاد و رقیب چندان آسان نیست، اما با اصول اتا سازگاری دارد. برایان پرستون^۱ (۲۰۱۴)، قاضی ارشد دادگاه اراضی و محیط زیست نیوساوت ولز، درباره کفایت قانون برای شناسایی و برآورده کردن انتظارات جامعه از پروژه‌های معدن کاری، چهار چالش اساسی را شرح می‌دهد:

نخست خاطر نشان می‌کند که شناسایی «جامعه محلی» ممکن است صرفاً به تعیین مرزهای جغرافیایی محدود نشود، زیرا دیگرانی که در خارج مرزها حضور دارند نیز ممکن است منافع مشروعی داشته باشند. دوم اینکه جوامع محلی و افراد درون آن، دارای ارزش‌ها، منافع و برداشت‌ها و ادراک ناهمگن بوده، برخی از آنان نیز نسبت به تأثیرات منفی اجتماعی، آسیب‌پذیرتر هستند. سوم اینکه مردم در بیان انتظارشان محتاط هستند، تا زمانی که انتظارات آنها به کلی نادیده انگاشته شود. چهارم آنکه همان‌طور که عضویت جوامع دچار تغییر می‌شود، انتظارات مردم نیز در پاسخ به عوامل بیرونی مانند رسانه‌ها و دیگر تغییرات اجتماعی، در طول زمان دچار دگرگونی می‌شود.

ما چالش‌های پرستون را به منظور ساختارمند کردن بحثمان درباره گروه متصدی پروژه و فعال ساختن فرآیند مشاوره‌ای که اصول مورد توافق بین‌المللی اتا را منعکس می‌کند، وام گرفته‌ایم.

تعریف «جامعه محلی»

وقتی برای انتخاب یک سیاست جدید قصد مشورت داریم، نخستین چالش پیش روی ما، داشتن تعریفی از «جامعه محلی» است. ارائه یک تعریف محدود این خطر را به همراه دارد که رویکرد ناقصی اتخاذ کنیم که برخی از گروه‌های اجتماعی را نادیده گرفته و به حاشیه می‌راند. گسترده‌تر کردن تعریف جامعه نیز این خطر را به دنبال دارد که فرآیند مشورت، غیر قابل مدیریت شود. اصول اتا، حق

شنیده شدن صدای ذی‌نفعان و آنانی را که از پروژه تأثیر می‌پذیرند، به رسمیت می‌شناسد (Vanclay & et al, 2015).

توسعهٔ سیاستی در استرالیا را می‌توان فن‌سالارانه و یک‌جانبه، همراه با مشاوره‌ها و رایزنی‌های اندک و سرسری دانست که فاقد داده مهمی از سوی جامعه هستند (Gregory & et al, 2008). با اذعان به این موضوع، تیم پروژه در پی این بود که از نظرهای ذی‌نفعان و متأثران آگاه شود، بر مناطق و بخش‌هایی که پروژه‌های مربوط به منابع و معادن به صورت فشرده در آنها اجرا می‌شود متمرکز شود و فرصت ورود و مشارکت را برای گروه‌های مختلف اجتماعی تسهیل کند. از آنجا که مکان‌های فعلی و آتی پروژه‌های مربوط به منابع در نیوساوت ولز شناخته شده است، دو دور مشاوره با جوامع محلی، به فاصله هشت ماه در این مناطق برگزار شد. دور اول جلسات مشورتی شامل هشت کارگاه آموزشی بود که در آنها نمایندگان گروه‌های مختلف ذی‌نفع به بحث و گفت‌وگو درباره انتظارات و خواسته‌های خود درباره دستورالعمل پیشنهادی دعوت شدند. به دلیل اینکه پیش‌نویس این دستورالعمل تا دور دوم در معرض دید عموم قرار داشت، جلسات باز در چهار منطقه از همین مناطق برگزار شد. حضور در این جلسات بدون محدودیت بود و نیازی به ثبت‌نام قبلی نداشت.

علاوه بر جلسات منطقه‌ای، تیم پروژه در زمان‌های مختلف اقدام به برگزاری کارگاه‌های تخصصی کرده و جلساتی با نمایندگان بخش صنعت، نمایندگان نهادهای بومی، گروه‌های مختلف اجتماعی و محیط‌زیستی، محققان، مشاوران اتا و سایر آرژانس‌های دولتی تشکیل داده است. علاوه بر این در طول این نمایشگاه عمومی سه ماهه، هر گروه یا فردی حق داشت نظر و ایده خود را به صورت کتبی ارائه کند. در نهایت در این فرآیند از ذی‌نفعان و متأثران مختلف درخواست شد تا نظر و پیشنهاد خود را ارائه دهند. هدف از این کار، تطبیق و همسازی منافع جغرافیایی و دیگر منافع مشروع بود.

ناهمگنی

هدف اتا در حالت ایده‌آل، در نظر گرفتن تنوع دیدگاه‌های مربوط به یک پروژه یا یک طرح و اطمینان از مشارکت افراد آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده است. با این حال وقتی مشورت جزئی از فرآیند تدوین سیاست است، «افراد دارای قدرت کلامی بیشتر و افراد دارای منافع محوله» از تدارکات بیشتری برخوردار می‌شوند (Gregory & et al, 2008: 3)، که صد البته این احتمال همواره وجود دارد که

نظریات آنها بازتاب‌دهنده ارزش‌ها یا منافع گروه وسیع‌تری از جامعه نباشد. برای آنکه لحاظ کردن صداها و دیدگاه‌های ناهمگن در فرآیند میسر شود، از نمایندگان گروه‌های مختلف برای شرکت در دور اول جلسات مشورتی دعوت به عمل آمد. این جلسات، فرصتی برای بحث‌های تعاملی بین گروه‌های کوچک فراهم می‌آورد تا هر یک از شرکت‌کنندگان ضمن مطرح کردن انتظارات و نظریات خود درباره دستورالعمل‌ها، تجربه‌ها، ارزش‌ها و منافع خود یا گروه خود را نیز به اشتراک بگذارند. تیم پروژه، مردم را به برجسته نمودن نواقص در اجرای اتم و ارائه پیشنهادها جهت بهبود فرآیند اتم ترغیب کرد. در طول مشورت عمومی، هر فرد یا گروهی می‌توانست نظر خود را درباره پیش‌نویس دستورالعمل ارائه دهد. با این حال نقطه ضعف جلسات عمومی این است که صداها رسا و کلام قوی بر جلسه مسلط هستند و قضاوت کلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Brackertz & Meredyth, 2009) و این بزرگ‌ترین تجربه در طول این دو جلسه چهارمرحله‌ای بود.

تیم پروژه، تمام مطالب حاصل از مرحله مشاوره از جمله یادداشت‌های نوشته‌شده در جلسات یا کارگاه‌ها و مکتوبات ارسالی را مطالعه نمود و از بین کل موارد ثبت‌شده، نکات کلیدی برای تجزیه و تحلیل بیشتر را استخراج کرد. نکات استخراج‌شده جهت بررسی و بحث در برابر بخش مربوط در دستورالعمل فعلی قرار داده شد و اعضای تیم پروژه در آن موارد خاص به بحث پرداختند. در نهایت تیم تصمیم گرفت که: الف) نظر مطرح‌شده را بپذیرد و آن را در نسخه تجدیدنظر درج کند. ب) بخشی از آن را بپذیرد و پیش‌نویس را متناسب با آن تنظیم کند و یا ج) دیدگاه یا پیشنهاد مطرح‌شده را رد کند.

هنگامی که این دستورالعمل و راهنما چاپ شد، تیم پروژه گزارشی (NSW DPE, 2017c) را منتشر کرد که ۶۵۰ نکته اصلی مطرح‌شده در نشست‌ها و پاسخ اداره مسئول را خلاصه‌سازی می‌کرد. این گزارش توضیح می‌دهد که چه نکات و دیدگاه‌هایی پذیرفته نشده‌اند یا در دستورالعمل جدید گنجانده نشده‌اند. این تیم سعی کرده تا به تمام نظریات شایسته احترام بگذارد و آنها را بدون توجه به اینکه چه کسی مطرح کرده، مورد توجه و رسیدگی قرار دهد.

بیان منافع

سومین چالش «قاضی پرستون» این است که افراد به ندرت متعهد می‌شوند که انتظارات خود را از نحوه عملکرد امور یا مشاغل خاص به صورت کتبی و رسمی بیان کنند؛ البته این امر تا زمانی صادق است که این انتظارات در معرض خطر

جدی قرار نگیرد. این امر ضرورت ایجاد فرآیندهای ساختارمند و مشورتی را برای ترغیب افراد جامعه به بیان ارزش‌های عمیق و ریشه‌دار خود، بیشتر نمایان می‌سازد و از سویی نیازمند تعمق در این نکته است که چگونه یک طرح ممکن است این ارزش‌ها را تقویت و یا تهدید کند. گرگوری^۱ و همکاران (۲۰۰۸) خاطر نشان می‌کنند که هر چند تصور می‌شود در استرالیا، فرآیندهای مشورتی در رویکرد سیاست‌گذاری نهادینه شده است، مشورت و بحث واقعی به ندرت اتفاق می‌افتد و به همین دلیل بسیاری از جوامع محلی نسبت به دولت‌ها بدبین و بی‌اعتماد هستند.

کارگاه‌ها و جلسات مختلف پروژه تدوین دستورالعمل اتای نیوساوت ولز، هر چند صراحتاً به عنوان فرآیندهای مشورتی طراحی نشده بودند، ولی تلاش کردند تا شرکت‌کنندگان را ترغیب کنند که درباره ارزش‌های خود گفت‌وگو کنند و به عنوان یک منتقد ارزیابی کنند که چگونه ممکن است این ارزش‌ها در دستورالعمل بازتاب یابند. مسئولیت تسهیل‌گری دور اول کارگاه‌های آموزشی با کمیسر اراضی و آب نیوساوت ولز بود؛ فردی که از اعتبار و تجربه زیادی برای تعامل با جوامع روستایی درباره موضوعات مناقشه‌برانگیز مرتبط با منابع برخوردار است.

تسهیل‌گر چهار جلسه باز در دور دوم نیز یک مقام مسئول بود که توسط «انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی» به رسمیت شناخته می‌شد و جلب مشارکت جامعه محلی را رهبری می‌کرد.

در این جلسات، تسهیل‌گر از شرکت‌کنندگان دعوت کرد تا هر بخش از پیش‌نویس دستورالعمل را در نظر بگیرند و با استفاده از فنون مختلف جلب مشارکت، آنها را ترغیب کرد تا درباره موضوعاتی که برایشان مهم بود، فکر کنند. شرکت‌کنندگان می‌توانستند درباره تجربه‌های خود در زمینه معدن‌کاری و سایر پروژه‌های کلان تأمل کنند و بیان کنند که چگونه این دستورالعمل می‌تواند ارزیابی و مدیریت تأثیرات اجتماعی را بهبود بخشد.

راه کار قرار دادن پیش‌نویس دستورالعمل در معرض دید عموم، رویکرد منفعلانه‌تری برای درخواست بازخورد بود؛ زیرا به افرادی متکی بود که از طرح آگاهی داشتند و به صورت مکتوب به آن واکنش نشان می‌دادند. به عنوان بخشی از مجموعه راه کارهای جلب مشارکت، این روش که بازخوردهای بیشتری را برمی‌انگیخت، سازنده بود. تیم پروژه، ۶۳ نظر رسمی را دریافت کرد که بسیاری از آنها گزارش‌هایی طولانی بودند که نشان می‌داد مؤلفان مربوطه کاری عمیق و اساسی انجام داده بودند. به عنوان مثال، یک شرکت مشاور تخصصی به صورت

داوطلبانه یک داوری هم‌تا از دستورالعمل فراهم کرده بود. از ۶۳ نظر رسمی ارسالی، ۶۱ مورد از این طرح حمایت کرده بودند.

تغییرات در طی زمان

چالش نهایی «قاضی پرستون» به این موضوع اشاره دارد که انتظارات جامعه با گذشت زمان تغییر می‌کند. این امر به‌ویژه در جوامع تحت تأثیر معدن‌کاری بیشتر قابل طرح است، زیرا این احتمال وجود دارد که طی چندین نسل، جامعه محلی تحولات اجتماعی عمیقی را تجربه کند.

هر چند فاصله هشت ماهه بین دو دوره جلسه مشورتی در نظر گرفته شده بود تا افراد جامعه فرصتی داشته باشند اطلاعات مورد بحث در دور نخست را هضم کنند و نظرهای خود را بررسی و اصلاح کنند، مستندسازی تغییر نظرها و دیدگاه‌ها در فرآیند مشاوره در نظر گرفته نشده بود.

با این حال نکته برجسته در مباحث مختلف، بازه زمانی طولانی در اکثر پروژه‌های معدنی بزرگ‌مقیاس بود. این موضوع، مصداقی بود که نشان می‌داد متن دستورالعمل چگونه در پی تعیین تأثیرات بلندمدت پروژه است.

ویژگی‌های اصلی دستورالعمل جدید

دستورالعمل نهایی، یک سند جامع و در عین حال مختصر ارائه می‌دهد که اتا را به هر مرحله از فرآیند ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی نیوساوت‌ولز مرتبط می‌کند. این دستورالعمل موارد زیر را در خود دارد:

- * اهداف اتا در هر مرحله از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی
 - * گام‌های اجرایی اتا در هر مرحله از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی
 - * خروجی اتا برای هر مرحله از ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی
 - * نقش حامیان، مسئولان وزارتی، جامعه و سایر ذی‌نفعان
 - * ارجاع به ابزار مفید و کاربردی
 - * موارد تکمیلی در بیست صفحه ضمیمه شامل فهرستی از پرسش‌های بازبینی
- در این بخش به توصیف این می‌پردازیم که متن دستورالعمل چگونه در پی رفع شکاف میان اتای اجرایی در نیوساوت‌ولز و اجرای بهینه اتا (همان‌گونه که در ادبیات موضوع و نیز در جلسات مشورتی با بدنه جامعه آشکار شد) است. در عین حال توضیح می‌دهیم که چگونه و چرا دستورالعمل جدید، این چهار موضوع اصلی را در برمی‌گیرد: زمینه، پیوند متقابل، نوع تأثیر و تنوع داده.

اتایی که پروژه را در بستر خاص خود بررسی می کند

تیم پروژه درصدد تدوین دستورالعملی بود که از یکسو به قدر کافی جهان شمول باشد که ثبات رویه را به ارمغان بیاورد و از سوی دیگر به آن اندازه انعطاف پذیر باشد که اتاها قادر باشند تا اصول آن را متناسب با زمینه‌های خاص خود تنظیم کنند. این دستورالعمل، اتا را به عنوان فرآیندی تکرار شونده که نیاز به بهبود مستمر دارد و سیستم‌های مدیریت انطباقی آن مسیرهای پیچیده تأثیر و تعامل در زمینه‌های خاص را پوشش می‌دهد، معرفی می‌کند. این امر بر اهمیت اتای مستمر و نیز بر ارزیابی، پایش، گزارش و مدیریت تأثیرات اجتماعی در طی زمان، در طول چرخه عمر معدن و حتی پس از پایان بهره‌برداری تأکید می‌کند.

این دستورالعمل به جای تجویز چگونگی اجرای اتا، حامیان پروژه را به استفاده از روش‌های متناسب با بسترهای پروژه و پس از آن توضیح و دفاع از آن روش‌ها تشویق می‌کند. درک زمینه‌های پروژه، نیازمند درک فرآیندهای اجتماعی، محیط‌زیستی و تاریخی است. این دستورالعمل انتظار دارد که حامیان بتوانند مسیر تغییر در طول زمان را مستندسازی کنند و معیارهای پویایی ارائه دهند که به وسیله آن بتوان تأثیرات احتمالی را ارزیابی کرد و هرگونه تغییر را رصد کرد (NSW DPE, 2017b: 39). این دستورالعمل خاطر نشان می‌کند که دامنه مطالعه باید به صورت موردی تعیین شود؛ زیرا اثرات یک پروژه ممکن است فراتر از مکان آن گسترش یابد.

در این راهنما تصریح شده است که اتا باید با ماهیت و مقیاس پروژه و تأثیرات احتمالی آن تناسب داشته باشد. این امر حامیان را به انجام اتاهایی تشویق می‌کند که نسبت به کاربردپذیری پاسخگو هستند. کاربردپذیری به گستره، مدت و شدت تأثیر و سطوح حساسیت ذی‌نفعان و سطح دغدغه/منافع آنان بازمی‌گردد. این دستورالعمل همچنین از حامیان می‌خواهد که به تغییر شرایط توجه کنند و این موضوع را درک کنند و رسماً بپذیرند که پیش‌بینی‌ها ممکن است همیشه دقیق نباشند.

اتایی که پیوندهای متقابل را تشخیص می‌دهد

قانون EP&A مصوب سال ۱۹۷۹، مسئولان مربوط را ملزم می‌کند تا به تأثیرات احتمالی اجرای پروژه‌ها هم بر محیط طبیعی و هم بر محیط مصنوع توجه داشته باشند و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی را در نظر بگیرند. در این قانون تصریح نشده است که پیوند متقابل میان این ابعاد باید ارزیابی شود.

تأثیرات اجتماعی با تأثیرات محیط‌زیستی و اقتصادی از طرق مختلفی در تعامل هستند. برای مثال، تأثیرات بهداشتی ممکن است با کیفیت هوا و یا آب مرتبط باشد؛ تأثیراتی که محیط مصنوع را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، می‌تواند بر

کیفیت زندگی نیز تأثیر بگذارد؛ اشتغال دارای ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. در نیوساوت ولز، اتاها زیرمجموعه‌ای از اظهاریه‌های تأثیرات محیط‌زیستی را تشکیل می‌دهند. این رویکرد از این رو مورد انتقاد قرار گرفته است که تأثیرات اجتماعی در آن به عنوان ملاحظات فرعی ملاحظات محیط‌زیستی در نظر گرفته شده است و اینگونه اتا از سایر ارزیابی‌ها جدا می‌شود (Esteves & et al, 2012). دستورالعمل جدید (NSW DPE, 2017b) مستلزم این است که این پیوندها از طریق ترکیب، ادغام و ارجاع متقابل بین ارزیابی‌های اجتماعی، محیط‌زیستی، اقتصادی و سایر ارزیابی‌های تخصصی، به صورت صریح و روشن بیان شوند.

در حالی که این دستورالعمل بر پیوندهای رشته‌ای و تخصصی تأکید دارد، پیوندهای دیگر نیز می‌توانند تقویت شوند. به عنوان مثال دستورالعمل حامیان پروژه را تشویق می‌کند تا ارزیابی کنند که اگر پروژه‌های متعددی در یک مکان خاص متمرکز شود، تأثیرات آنها چگونه می‌توانند تجمع شود؛ اما متأسفانه این دستورالعمل راهنمایی عملی ناقصی درباره چگونگی دستیابی حامی به این هدف ارائه می‌دهد. توجه به تأثیرات یک پروژه یا اقدام واحد به جای توجه به تنش‌های گوناگونی که بر اجتماع محلی وارد آمده، کافی نیست تا بتوان کل اثرات یکایک تنش‌ها در سطوح مختلف را مدنظر قرار داد و از طریق هماهنگی به خلق فرصت پرداخت (Franks & et al, 2010). با وجود این در چارچوب فعلی سیاست‌ها، متعهد ساختن حامیان برای ارزیابی تأثیرات ترکیب‌شده فعالیت‌های مختلف در طول زمان، عملی و امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر در نیوساوت ولز این رویکرد واحد، مستقل و فردی برای ارزیابی پروژه‌ها دست‌نخورده باقی مانده است.

ارزیابی تأثیرات مثبت و منفی

اجرای بهینه اتا هم تأثیرات نامطلوب و هم فواید یک پروژه را که می‌توانند در یک مکان خاص ظهور یابند، در نظر می‌گیرد. ونکلی و همکاران مدافع این نظر هستند که باید «توسعه اجتماعی پایدار»، هدف اجرای پروژه باشد و مدعی هستند که خوانش تأثیرات مثبت یک پروژه در برابر تأثیرات منفی آن، یک چارچوب ارزیابی دوگانه غیر ضروری را پدید می‌آورد (Vanclay & et al, 2015: 17). با این حال در نیوساوت ولز، ارزیابی جامع تأثیرات اجتماعی مثبت و منفی رایج نبوده، ارزیابی‌ها تنها از طریق یک چارچوب کل‌نگر که نسل‌های آینده و تأثیرات در طول چرخه عمر معدن را در نظر می‌گیرد (Michell & McManus, 2013) انجام می‌شدند. اکثر متولیان توسعه منابع معدنی، بحث و بررسی خود درباره

تأثیرات مثبت اجتماعی را به ورودی‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی، سطح اشتغال پیش‌بینی شده و فرصت‌های تجاری محلی محدود می‌کردند و تأثیرات اجتماعی (مثلاً بهبود سلامت و رفاه ناشی از اشتغال مناسب) را تحلیل نمی‌کردند.

برای ترویج یک رویکرد جامع‌تر، این دستورالعمل تصریح می‌کند که حامیان باید تأثیرات اجتماعی مثبت و منفی را شناسایی و ارزیابی کنند تا اطمینان حاصل شود که ریسک‌ها به درستی مدیریت خواهند شد و فرصت‌ها تحقق و بهبود خواهند یافت (NSW DPE, 2017b: 19-20, 41-45). این دستورالعمل، عواملی را که باید در فرآیند تحلیل مورد توجه قرار گیرند، به تفصیل شرح می‌دهد. همچنین یادآور می‌شود که اقدامات کاهش‌ی باید با تأثیرات نامطلوب شناسایی شده به طور مستقیم در ارتباط باشند. به عبارت دیگر، حامیان موظف هستند به جای اینکه تصور کنند تأثیرات مثبت به طور خودکار تأثیرات منفی را جبران می‌کنند، نشان دهند که چگونه اقدامات کاهش‌ی پیشنهادی (که ممکن است شامل مزایای اجتماعی باشد) از بروز تأثیرات منفی اجتماعی جلوگیری کرده، یا آنها را تعدیل می‌کنند.

اتایی که از تنوع داده بهره می‌گیرد

دستورالعمل نیوساوت‌ولز، تأثیرات اجتماعی را به طور گسترده تعریف می‌کند و تأکید می‌کند که آنها می‌توانند فیزیکی و یا [ذهنی] مبتنی بر تجربه یا ادراک باشند؛ همچنین می‌توانند کمی و یا کیفی باشند. اجرای اتا در حالت بهینه باید از تمامی داده‌های تولیدشده در طول مشارکت ذی‌نفعان و همچنین داده‌های علمی و تخصصی استفاده کند. بنابراین دستورالعمل اتا اهداف دوگانه‌ای دارد: بهبود روند مشارکت عمومی در اتا و بهبود داده‌ها و اطلاعات در دسترس برای تصمیم‌گیران. این پاسخی آگاهانه به این نظر است که جلب مشارکت جامعه محلی در اتا، چیزی «فراتر از تلاشی عاجزانه برای مشروعیت بخشیدن به پروژه» است (Esteves & et al, 2012: 37).

یکی از بخش‌های این دستورالعمل به نقش مشارکت جامعه (یا مشارکت عمومی) در اتا اختصاص داده شده است. این بخش توضیح می‌دهد که چگونه حامیان می‌توانند گروه‌های آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای را تشویق به مشارکت کنند، تنوع را در مرحله گردآوری داده به حداکثر رسانده، در مراحل مختلف فرآیند اتا، مردمان بومی را با روش‌های فرهنگی مناسب درگیر کنند. این بخش به طور گسترده، اهداف جلب مشارکت را شناسایی می‌کند، روش‌هایی را برای شناسایی افرادی که باید مشارکت داشته باشند پیشنهاد می‌دهد و مثال‌هایی از فنون مربوط به تعامل هم‌راستا با انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی (۲۰۰۶) ارائه می‌نماید.

این دستورالعمل، جلب مشارکت جامعه محلی را ابزاری مهم برای تحقیق اولیه در جهت شکل دهی به اتا قلمداد می کند و توضیح می دهد که این تعامل باید نظرهای متأثران و افراد دارای منفعت را به روشی معنی دار در نظر بگیرد. این امر می تواند شامل استخراج داده های ثانویه، مانند ارزیابی های قبلی، طرح های برنامه ریزی محلی و سایر مطالعات فنی، به عنوان پایه ای برای مشارکت شود. حامیان تشویق می شوند تا از بینش های حاصل از مشارکت جامعه محلی برای «تقویت برنامه ریزی و طراحی پروژه، اقدامات کاهشی و چارچوب های پایشی و مدیریتی» استفاده کنند (NSW DPE, 2017b: 12). این دستورالعمل ضمن حمایت از استفاده داده های متنوع، دوازده اصل را نیز ارائه می دهد که برگرفته از نظرهای ونکلی (Vanclay, 2003; Vanclay & et al, 2015) هستند. این اصول، جلب مشارکت مستمر ذی نفعان را ارتقا می بخشد و بی طرفی، شمول، کاربردپذیری و شفافیت را به ارمغان می آورد.

هر چند دستورالعمل، مشارکت جامعه محلی و پژوهش اجتماعی را درهم نمی آمیزد، نمونه های موردی ارائه شده برای پژوهش علوم اجتماعی به اندازه نمونه های موردی جلب مشارکت جامعه محلی قوی نیست. این امر ممکن است ناخواسته باعث شود حامیان پروژه، مشارکت جامعه محلی را به عنوان جایگزینی برای پژوهش های اجتماعی دقیق ببینند، در حالی که هر دوی آنها داده های اساسی و مهمی برای اتا محسوب می شوند. پژوهش علوم اجتماعی می تواند برای جلب مشارکت جامعه، آگاهی بخش باشد و به عنوان بخشی از فرآیندهای جلب مشارکت (در کنار پژوهش های علمی سایر رشته ها) استفاده شود. به همین ترتیب مشارکت نیز می تواند به جای تکیه صرف بر ادراک ذی نفعان، از پژوهش های علمی درباره مسائل اجتماعی بهره مند شود. پژوهش علوم اجتماعی چیزی فراتر از مشارکت ارائه می دهد و با کمک به شناسایی پژوهش مورد نیاز و استفاده از این پژوهش به عنوان اساس و پایه ای برای مشارکت، از مزایای داده های اجتماعی حاصل از پژوهش به عنوان داده های ورودی بهره مند شود.

این دستورالعمل همچنین معیارهایی را برای انتخاب مشاوران و همکاران اتا از نظر صلاحیت، تجربه و وابستگی سازمانی در نظر گرفته است. علاوه بر این مؤلفان اصلی اتا موظف هستند تصریح کنند که گزارش آنها فاقد هرگونه اطلاعات غلط یا گمراه کننده است. بر اساس روال فعلی، این ملاحظات، الزامی برای حامیان به وجود نمی آورد تا از مشاوران مستقل استفاده کنند و این امر موجب آسیب پذیری ارزیابی ها در برابر درک سوگیرانه می گردد. با این حال وزارت برنامه ریزی و

محیط‌زیست اکنون در حال پژوهش درباره شیوه‌های بهبود الزامات عملی حرفه‌ای از طریق مرور گسترده ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی است (NSW DPE, 2018).

نتیجه‌گیری

این مقاله درصدد بود که چالش‌های مربوط به تهیه یک دستورالعمل را که منعکس‌کننده مفاهیم و اصول اجرای بهینه ارزیابی تأثیرات اجتماعی درون یک سیستم برنامه‌ریزی از پیش موجود باشد، تشریح کند. همچنین تلاش شد تا ویژگی‌های اصلی دستورالعمل جدید به‌ویژه تضاد آنها با روش قبلی اجرای اتا در نیوساوت‌ولز، توصیف شود. تیم پروژه از اصول اجرای بهینه اتا که حاوی روش‌های مشارکتی بوده، به‌طور فعال به دنبال نظرهای متنوع درباره دستورالعمل و کاربرد آن در پروژه‌های مهم دولتی است، بهره‌برده است. یک فرآیند مشارکتی همچنین به تیم پروژه در شناسایی جنبه‌های کلیدی اجرای اتا که می‌بایست در دستورالعمل گنجانده شوند، کمک می‌کند تا بتواند در برابر نیازهای ذی‌نفعان پاسخگو باشد. تولید این سند عمومی که چگونگی پاسخگویی وزارت برنامه‌ریزی و محیط‌زیست به مسائل را بیان می‌کند، پیوند بین فرآیند و محتوا را تقویت کرده است.

در حالی که دستورالعمل، حاکی از پیشرفتی معنادار برای هدایت اتای مبتنی بر سیاست است، برخی از جنبه‌های آن هنوز قابلیت بهبود دارد. برای مثال، بیان دستورالعمل درباره ارزیابی تأثیرات تجمعی و تأثیرات بهداشتی، بسیار ناچیز و پراکنده است و یا مسئله حقوق بشر (Kemp & Vanclay, 2013) به دلیل دشواری هم‌راستا نمودن این موضوع با قوانین فعلی در نیوساوت‌ولز لحاظ نشده است. به مرور زمان و به‌ویژه با انجام بررسی‌های گسترده‌تر، ملاحظات مبنی بر بازیابی این دستورالعمل به وجود آمده است. این امر فرصت‌هایی را برای ادغام ایده‌های نوظهور و پرداختن به چهارمین چالش پرستون (۲۰۱۴) یعنی چالش تغییر زمینه اجتماعی فراهم می‌کند.

آزمون تأثیر این دستورالعمل، در تأثیرگذاری آن بر نحوه اجرای اتا در نیوساوت‌ولز و در نهایت در پیامدهای اجتماعی پروژه‌های مرتبط با منابع بر جوامع محلی متأثر از آنها نهفته است. دولت نیوساوت‌ولز همچنین متعهد شده است که دستورالعمل را به کلیه پروژه‌های مهم فراتر از بخش منابع تعمیم دهد و از آموخته‌های این پروژه استفاده کند. در این میان، ما از پژوهشگران کاربردی و متخصصان اتا می‌خواهیم تا به دستورالعمل جدید بر اساس زمینه‌های خاص پروژه‌های مربوط به خود عمل کنند.

1. Aledo-Tur A, Domínguez-Gómez JA. (2017) Social impact assessment (SIA) from a multidimensional paradigmatic perspective: challenges and opportunities. *J Environ Manage.* 195:56–61.
2. Alvesson M, Deetz S. (2000) *Doing critical management research.* London: Sage.
3. Arce-Gomez J, Donovan D, Bedggood RE. (2015) Social impact assessments: developing a consolidated conceptual framework. *Environ Impact Assess Rev.* 50:85–94.
4. Askland HH (2018) A dying village: mining and the experiential condition of displacement. *Extract Indust Soc.* 5:230–236. Article in press.
5. Bice S. (2015) Bridging corporate social responsibility and social impact assessment. *Impact Assessment Project Appraisal.* 33(2):160–166.
6. Brackertz N, Meredyth D. (2009) Community consultation in Victorian local government: a case of mixing metaphors. *Aust J Public Adm.* 68(2):152–166.
7. Bruekner M, Durey A, Pforr C, Mayes R. (2014) The civic virtue of developmentalism: on the mining industry's political licence to develop Western Australia. *Impact Assessment Project Appraisal.* 32(4):315–326.
8. Burdge RJ. (2003) The practice of social impact assessment – background. *Impact Assessment Project Appraisal.* 21(2): 84–88.
9. Esteves AM, Franks D, Vanclay F. (2012) Social impact assessment: the state of the art. *Impact Assessment Project Appraisal.* 30(1):34–42.
10. Fairclough N. (1992) *Discourse and social change.* Cambridge (UK): Polity Press.
11. Franks D, Brereton D, Moran C. (2010) Managing the cumulative impacts of coal mining in Australia. *Impact Assessment Project Appraisal.* 28(4):299–312.
12. Franks DM, Vanclay F. (2013) Social impact management plans: innovation in corporate and public policy. *Environ Impact Assess Rev.* 43:40–48.
13. Freudenberg W. (1986) Social impact assessment. *Annu Rev Sociol.* 12:451–478.
14. Gregory J, Hartz-Karp J, Watson R. (2008) Using deliberative techniques to engage the community in policy development. *Aust NZ Health Policy.* 5(16):1–9.
15. Harvey B, Bice S. (2014) Social impact assessment, social development programmes and social licence to operate: tensions and contradictions in intent and practice in the extractive sector. *Impact Assessment Project Appraisal.* 32(4):327–335.
16. [IAP2] International Association for Public Participation. (2006) *Public participation toolbox.* Louisville (CO). http://www.iap2.org/associations/4748/files/06Dec_Toolbox.pdf.
17. Interorganizational Committee on Guidelines and Principles for Social Impact Assessment. (1994) *Guidelines and principles for social impact assessment.* *Impact Assess.* 12 (2):107–152.
18. Interorganizational Committee on Principles and Guidelines for Social Impact Assessment. (2003) *Principles and guidelines for social impact assessment in the US.* *Impact Assessment Project Appraisal.* 21(3):231–250.
19. [ISO] International Standards Organisation. (2009) *ISO 31000: risk management — principles and guidelines.* Geneva: International Standards Organisation.
20. [ISO] International Standards Organisation. (2010) *ISO 26000: guidance on social responsibility.* Geneva: International Standards Organisation.

21. Kemp D, Vanclay F. (2013) Human rights and impact assessment: clarifying the connections in practice. *Impact Assessment Project Appraisal*. 31(2):86–96.
22. Lockie S. (2001) SIA in review: setting the agenda for impact assessment in the 21st century. *Impact Assessment Project Appraisal*. 19:277–287.
23. Luke H. (2017) Social resistance to coal seam gas development in the Northern Rivers region of Eastern Australia: proposing a diamond model of social license to operate. *Land Use Policy*. 69:266–280.
24. Michell G, McManus P. (2013) Engaging communities for success: social impact assessment and social licence to operate at Northparkes Mines. *NSW Aust Geographer*. 44(4):435–459.
25. New South Wales Department of Industry. 2016. Exploration code of practice: community consultation. https://www.resourcesandenergy.nsw.gov.au/_data/assets/pdf_file/0009/565956/Exploration-Code-of-Practice-Community-Consultation-v1.1.pdf.
26. New South Wales Government. (1979) Environmental Planning and Assessment Act 1979 No. 203 <https://www.legislation.nsw.gov.au/#/view/act/1979/203/full>.
27. New South Wales Government. (2011) State Environmental Planning Policy (State and Regional Development). <https://www.legislation.nsw.gov.au/#/view/EPI/2011/511/full>.
28. New South Wales Government. (2012) A new planning system for NSW. Green Paper. NSW Department of Planning and Infrastructure. http://sydney.edu.au/lec/subjects/local_govt/Winter%202012/A_New_Planning_System_for_NSW_low_res_web.pdf.
29. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2015a) Preliminary regional issues assessment for potential coal and petroleum exploration release areas. http://www.planning.nsw.gov.au/Policy-and-Legislation/Mining-and-Resources/~/_media/5245788C67194876BAAD8CDFC-CE854FE.ashx.
30. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2015b) Review of the state environmental planning policy (Mining, petroleum production and extractive industries) 2007. http://www.planning.nsw.gov.au/Policy-and-Legislation/State-EnvironmentalPlanning-Policies-Review/~/_media/69DC4556F45241DFAE7BAFB4C71EEC48.ashx.
31. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2016) Community consultative committee guidelines. http://www.planning.nsw.gov.au/~/_media/Files/DPE/Guidelines/community-consultativecommittee-guidelines-state-significant-projects-201610.ashx.
32. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2017a) Community and stakeholder engagement. http://www.planning.nsw.gov.au/~/_media/Files/DPE/Guidelines/guideline-6-draft-community-andstakeholder-engagement-2017-06.ashx.
33. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2017b) Social impact assessment guideline for State-significant mining, petroleum production, and extractive industry development. <http://www.planning.nsw.gov.au/socialimpactassessment>.
34. IMPACT ASSESSMENT AND PROJECT APPRAISAL 9

35. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2017c) Summary report of public exhibition: social impact assessment guideline for State-significant mining, petroleum production, and extractive industry development projects. <http://www.planning.nsw.gov.au/~media/Files/DPE/Reports/summary-report-of-public-exhibition2017-09.ashx>.
36. [NSW DPE] New South Wales Department of Planning and Environment. (2018) Environmental impact assessment improvement project. Available from: <http://www.planning.nsw.gov.au/Policy-and-Legislation/Under-review-and-new-Policy-and-Legislation/Environmental-Impact-Assessment-Improvement-Project>.
37. [NT EPA] Northern Territory Environment Protection Authority. (2013) Guidelines for the preparation of an economic and social impact assessment. https://ntepa.nt.gov.au/_data/assets/pdf_file/0006/287430/guideline_assessment_economic_social_impact.pdf
38. O'Faircheallaigh C. (2009) Effectiveness in social impact assessment: aboriginal peoples and resource development in Australia. *Impact Assessment Project Appraisal*. 27(2):95–110.
39. Owen J, Kemp D. (2017) Extractive relations: countervailing forces and the global mining industry. London: Greenleaf Publishing.
40. Owen J, Kemp D. (2013) Social licence and mining: a critical perspective. *Resour Policy*. 38(1):29–35.
41. Parsons R, Moffat K. (2014a) Constructing the meaning of social licence. *Soc Epistemol*. 28(3–4):340–363.
42. Parsons R, Moffat K. (2014b) Integrating impact and relational dimensions of social licence and social impact assessment. *Impact Assessment Project Appraisal*. 32(4): 273–282.
43. Partidário MR, Clark R, editors. (2000) Perspectives on strategic environmental assessment. Boca Raton (FL): Lewis Publishers.
44. Petrova S, Marinova D. (2015) Using 'soft' and 'hard' social impact indicators to understand societal change caused by mining: a Western Australia case study. *Impact Assessment Project Appraisal*. 33(1):16–27.
45. Preston BJ (2014) The adequacy of the law in satisfying society's expectations for major projects. International Bar Association Annual Conference, Tokyo, Japan. <http://www.lec.justice.nsw.gov.au/Documents/Speeches%20and%20Papers/PrestonCJ/PrestonCJThe%20adequacy%20of%20the%20law221014.pdf>.
46. State of Queensland DSDIP [Department State Development, Infrastructure and Planning]. (2013) Social impact assessment guideline. <http://www.statedevelopment.qld.gov.au/resources/guideline/social-impact-assessment-guideline.pdf>.
47. State of Queensland DSDMIP [Department of State Development, Manufacturing, Infrastructure and Planning]. (2018) Social impact assessment guideline. <https://www.state.development.qld.gov.au/resources/cg/social-impact-assessment-guideline.pdf>.
48. Suopajärvi L. (2013) Social impact assessment in mining projects in Northern Finland: comparing practice to theory. *Environ Impact Assess Rev*. 42:25–30.
49. Vanclay F. (2003) International principles for social impact assessment. *Impact Assessment Project Appraisal*. 21(1): 5–11.

منابع

50. Vanclay F, Esteves AM, Aucamp I, Franks DM. (2015) Social impact assessment: guidance for assessing and managing the social impacts of projects. International Association for Impact Assessment. https://www.iaia.org/uploads/pdf/SIA_Guidance_Document_IAIA.pdf.
51. Wodak R. (2001) The discourse-historical approach. In: Wodak R, Meyer M, editors. Methods of critical discourse analysis. London (UK): Sage; p. 63–94.
52. Wolf CP. (1974) Social impact assessment: the state of the art. In: Wolf CP, editor. Social impact assessment. Milwaukee (WI): Environmental Design Research Association; p. 1–44.

گفت‌وگو

«پویا علاءالدینی»

دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی
دانشگاه تهران



سیستم‌ها در ایران یادگیری ندارند

گفت‌وگو: شیده لالمی

گفت‌وگو با «پویا علاءالدینی»

دانشیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه تهران

سیستم‌ها در ایران یادگیری ندارند

گفت‌وگو: شیده لالمی

پویا علاءالدینی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. تحصیلات خود را در رشته‌های علوم ریاضی در مقطع کارشناسی، مهندسی عمران و اقتصاد در مقطع کارشناسی ارشد و برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری در مقطع دکتری در دانشگاه‌های آمریکا به اتمام رسانده است. همچنین موفق به گذراندن دورهٔ پسادکتری در رشتهٔ توسعهٔ شهری در دانشگاه ملل متحد در توکیو شده است. از زمینه‌های پژوهشی مورد علاقه‌اش می‌توان به توسعهٔ صنعتی، به‌سازی محله‌های فرودست شهری و ایجاد اشتغال و توانمندسازی اشاره کرد. علاءالدینی همچنین سابقه نسبتاً زیاد همکاری با سازمان ملل و بانک جهانی در انجام پروژه‌های توسعه، از جمله ارزیابی‌های اجتماعی در ایران، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان و برخی دیگر از کشورها دارد.

در نخستین شماره مجله «ارزیابی تأثیرات اجتماعی»، با او درباره چگونگی اجرای طرح‌های ارزیابی تأثیرات در ایران در دهه اخیر و مسیری که تاکنون در این حوزه طی شده، گفت‌وگو کرده‌ایم. او معتقد است که باید این مسیر را با نگاه انتقادی بررسی کرد و نقاط قوت و کاستی‌ها را واقع‌بینانه مورد توجه قرار داد و طرح‌های ارزیابی تأثیرات را با رویکردهای خلاقانه و بهره‌گیری از نیروهای متخصص و کیفی در جایگاه درستش به کار گرفت.

- ارزیابی تأثیرات اجتماعی به صورت فراگیر بیش از یک دهه است که وارد ایران شده است. اگر موافق باشید، بحث را با بررسی همین مفهوم آغاز کنیم؛ اینکه ارزیابی تأثیرات از کجا آغاز شده، در دنیا چه جایگاهی دارد و در ایران پس از این یک دهه و اندی در چه جایی ایستاده است؟ من نمی‌خواهم در این باره تاریخچه بگویم، اما توضیح بحث به طور ساده این است که از یک زمانی به بعد، انواع پروژه‌های توسعه‌ای که در کشورهای مختلف انجام می‌شد، چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه کشورهای در حال توسعه، به تدریج با مشکلاتی مواجه شد، به ویژه مشکلات محیط‌زیستی و نیز مشکلات اجتماعی. به همین دلیل و با توجه به این نتایج، این ایده مطرح شد که چرا قبل از اینکه پروژه‌ای را انجام دهیم، به پیشواز این مشکلات و شناسایی آنها نرویم؟ شاید نتایج این بررسی‌ها نشان دهد که لازم نیست بعضی پروژه‌ها انجام شود و در پروژه‌هایی دیگر هم مشکلات را کاهش دهیم. بنابراین یکی از تبارشناسی‌های ارزیابی تأثیرات اجتماعی که به این صورت و با این رویکرد و هدف انجام می‌شود، در خاستگاه اولیه، به انجام ارزیابی‌های تأثیر محیط‌زیستی بازمی‌گردد؛ چون شماری از اقدامات توسعه‌ای در گذر زمان به تأثیرات محیط‌زیستی وحشتناک و نگران‌کننده‌ای منجر شد. بعدها همین ارزیابی‌ها به این نتیجه رسید که وضعیت محیط‌زیست با حوزه‌های از زندگی مردم مرتبط است؛ اینکه مردم چه می‌کنند، چگونه عمل می‌کنند و به این ترتیب ارزیابی تأثیرات اجتماعی در کنار توجه به تأثیرات محیط‌زیستی پروژه‌ها مورد عنایت قرار گرفت.

تبارشناسی‌های دیگری هم در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد و در هر جا این فعالیت‌ها سابقه خودش را دارد. اما نکته اصلی و در واقع مشترک ارزیابی تأثیر اجتماعی، این بوده که پیش از آنکه پروژه‌ای را برای اجرا نهایی کنند، آن پروژه مورد بررسی قرار گیرد و آثار سوء احتمالی را بشناسند و تعدیل کنند و آثار مثبتش را به حداکثر برسانند. ماجرا به بیان ساده و خلاصه این بوده است. وقتی شما اینگونه بررسی را انجام می‌دهید، در واقع ارزیابی تأثیرات، بخشی از چرخه اجرای پروژه می‌شود. شما فرآیندی را برای بررسی پیش رو دارید که از اینجا آغاز می‌شود: «اساساً یک پروژه چرا به وجود آمده است؟» «چه نیازی وجود دارد که به اجرای چنین پروژه‌ای منتهی شده است؟» بنابراین اغلب یک فرایند سیاسی هم وجود دارد. منظوم سیاست است، به معنای روابط سیاسی، نه سیاست به معنای سیاست‌گذاری.

بنابراین اصل ماجرا برمی‌گردد به نیازها. نمایندگان محلی، شوراهای مردم، جامعه مدنی و کارشناسان، همه اینها در شکل‌گیری این نیازها و صورت‌بندی

پروژه‌ها نقش دارند. یکی از نتایج کاری که قبل از پروژه انجام می‌شود، این است که یا ممکن است بگویید پروژه انجام نشود، یا اینکه اگر انجام می‌شود، با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از راهکارها باشد. اما کار به همین جا تمام نمی‌شود. شما باید در طول پروژه مراقب باشید کارهایی که گفته و پیشنهاد شده، به چه نتیجه‌ای می‌رسد؟ آیا انجام می‌شود یا نه؟ چون آن راهکارها و پیش‌بینی‌ها، قطعی نیست و حالت برآوردی داشته است. بررسی آثار احتمالی هم همین‌طور است و باز هم نمی‌دانید که در طول پروژه، چه اتفاقاتی می‌افتد. ممکن است اتفاقات غیر مترقبه‌ای، مسیر پروژه را تغییر دهد. پروژه‌ها اغلب در طول زمان تغییر می‌کنند. مثلاً اعتبارات به موقع نمی‌رسد، یا گستره‌شان تغییر می‌کند.

از این‌رو در ارزیابی تأثیرات اجتماعی، این موضوع مطرح می‌شود که فعالیت ارزیابی باید قبل، حین و بعد پروژه انجام شود. اما به نظرم در ایران مشخصاً درباره این ماجرا، بدفهمی ایجاد شده است و به دلیل این بدفهمی، گستره مطلوب فعالیت‌های ارزیابی اجتماعی اغلب بد تعریف شده است. البته مسئله خود قدری پیچیده است. اگر یک تیم در ابتدا مطالعه ارزیابی را انجام داده و گفته پروژه باید با ملاحظات اجرا شود، آیا در تمام مراحل اجرا هم حاضر و فعال است؟ اگر نیست، چه کسی در زمان اجرا باید پروژه را کنترل کند؟ سؤال دیگر این است که اساساً بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید کجا دیده شود. آیا باید تبدیل شود به بخشی از فرایندهای بوروکراتیک و طی آن اسمش را بگذاریم پیوست اجتماعی و عده‌ای بیابند صرفاً گزارشی آماده پیوست مدارک کنند؟ چه کسانی باید این فعالیت ارزیابی را انجام دهند؟ رابطه‌شان با اجزای مختلف فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری چطور باید باشد؟ در ایران درباره اینها کمتر فکر شده است. آیا گروهی که مطالعات را انجام می‌دهند، به اندازه کافی استقلال دارند؟ اگر اعلام کنند پروژه انجام نشود، آیا این امکان‌پذیر است؟ در واقع در بسیاری از موارد امکان‌پذیر نیست.

- چرا امکان‌پذیر نیست؟

دلایل مختلفی دارد؛ از جمله اینکه در اصل فرایندهای صورت‌بندی پروژه‌ها در ایران عموماً فرایندهای غیر دموکراتیک و غیر مشارکتی است. خود این اشکال دارد؛ کسی از بالا گفته است، فلان کار را بکنید و سفارش‌دهندگان مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی در چنین شرایطی، مجریانی هستند که در بهترین حالت فقط یک پیوست می‌خواهند که روی پروژه بگذارند تا کارشان راه بیفتد. من نمی‌گویم نتیجه در چنین شرایطی هم کاملاً بی‌فایده است؛ شاید هم مثبت باشد و بگویند

شما پیشنهادهایتان را بدهید تا کار ما بهتر شود. اما به طور کلی سیستم‌هایی که با چنین فرایندهایی کار می‌کنند، علاقه‌ای ندارند که تیمی وارد شود - ولو به عنوان پژوهشگر - و بخواهد به اصطلاح چوب لای چرخش بگذارد.

- درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی، این نگاه هم وجود داشته که اتفاقاً ممکن است این روش بتواند در کشوری که به رغم همه تلاش‌ها، هنوز بخش عمده فرایندها در آن غیر دموکراتیک و غیر مشارکتی است، تأثیر بگذارد. ارزیابی تأثیرات، روشی است مشارکتی؛ از گردآوری اطلاعات و روش اجرای کار گرفته تا اساساً حوزه بررسی‌اش که پیامدهای اقدامات توسعه‌ای بر زندگی مردم و بخش‌های مرتبط با آن را شامل می‌شود. در کشور ما در دهه‌های گذشته و در فرآیند اجرای طرح‌های توسعه‌ای، مردم جزء گروه‌هایی بودند که بیشترین آسیب‌ها را دیده‌اند. شاید دقیقاً به همین دلیل است که بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی با نتایج مورد انتظارش، وقتی وارد ایران می‌شود و معرفی می‌گردد، مورد توجه قرار می‌گیرد. خیلی‌ها فکر می‌کنند که این یک راهکار نجات‌بخش است. اما پژوهش‌ها انجام می‌شود، بحث پیوست اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد و بعد افول می‌کند و نقد و نظرها آغاز می‌شود. این چقدر ناشی از فرآیندهای تصمیم‌گیری متکی به روش‌های غیر دموکراتیک است و چقدر تأثیر عوامل دیگر و آن عوامل از نظر شما چیست؟

طبیعتاً یک رشته عوامل ساختاری در کنار عوامل سازمانی و محلی وجود دارد. بحث سازمان‌ها خیلی مهم است. در سازمان‌های مختلف در ایران، رویه‌های متفاوتی وجود دارد. نمی‌توان گفت کل ساختار به یک صورت عمل می‌کند و عوامل مختلفی تأثیرگذار هستند. مورد به مورد این عوامل را می‌توان بررسی کرد. آثار سوء بحث خویشاوندپروری، فسادهای سازمانی و پسرخاله‌دوستی مطرح است و ظاهراً این مسایل در ایران نسبت به دیگر کشورها گسترده‌تر هم هست. سازمان‌های ایران در خیلی از موارد، اهداف مشخص توسعه‌ای ندارند و هدف اصلی‌شان این است که افرادی که پشتوانه سیاسی و ایدئولوژیک خاصی دارند، در آنها سر سفره جمع می‌شوند و چون فرآیندها دموکراتیک نیست، طبیعتاً کسی هم پاسخگو نیست. کسی می‌تواند سال‌ها رئیس اداره‌ای باشد و کوچک‌ترین کار مفیدی هم انجام ندهد؛ میلیاردها تومان هم هزینه صرف شده باشد. این سازمان‌ها وجود دارند و کسی هم نمی‌تواند پرسد چرا. همه اینها تأثیرگذار است.

این شرایط در عین حال با سطح توسعه و امکانات ایران چندان سازگار نیست؛

یعنی این شرایط بیشتر مختص کشورهای است که از سطح توسعه‌ای به مراتب پایین‌تر از ایران برخوردارند. اما شاید هم قابل انتظار هستند، چون ایران کشوری است که پول نفت زیادی دارد. این پول را توزیع می‌کنند و هر کسی هم سهم خودش را انتظار دارد. البته عوامل متعددی دیگری هم وجود دارد که اثرگذار است. برخی از آنها را می‌توان کنترل کرد و وضع را بهبود داد. من فکر می‌کنم شاید الآن زمان خوبی است، چون دوره آن توهمی که ما داشتیم که پول نفت داریم و می‌توانیم آن را هر طور که می‌خواهیم، خرج کنیم به سر آمده و ممکن است که بخش عمومی ناگزیر باشد که با مردم گفت‌وگو کند. در این شرایط، دولت و حاکمیت باید پاسخگو شوند و ناگزیرند فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا را شفاف کنند. به همین دلیل می‌گویم شاید الآن فرصت خوبی برای توجه بیشتر به مسئله ارزیابی تأثیرات اجتماعی باشد.

- در همین مقطع به نظر می‌رسد که پیامدهای اجتماعی ناشی از توسعه نامطلوب هم در مناطق مختلف ایران آشکار شده است. برای مثال نارضایتی‌های اجتماعی ساکنان مناطق صنعتی در اصفهان یا شرایط اخیر که در اهواز و دیگر شهرهای خوزستان شاهد هستیم؛ مناطقی که از نظر صنعتی توسعه یافته‌اند، اما پیرامون آنها فقر، بیکاری و انواع مسائل اجتماعی رشد کرده و به بروز مسئله‌های اجتماعی مختلفی منجر شده است. برای مواجهه با این شرایط و بررسی اینکه این سیاست‌های توسعه‌ای به چه نتایجی منجر شده‌اند و چطور می‌توان بخشی از پیامدهای نامطلوب را تعدیل کرد، ارزیابی تأثیرات اجتماعی در چه صورتی و با چه تغییراتی در رویکرد می‌تواند کارساز باشد؟

من فکر می‌کنم ارزیابی تأثیرات اجتماعی را باید در جایگاه خودش به کار گرفت. به نظرم برای پروژه‌های نسبتاً محدودتر بخش عمومی مناسب است، اما اینکه مثلاً شما بیایید سیاست‌های کلان مملکتی را با این روش‌ها بررسی کنید، درست نیست. علاوه بر این ارزیابی تأثیر اجتماعی از نظر عنوان، ابهام ایجاد کرده است. تأثیر کی، کجا و چی؟ این ابهام اجازه داده که از ارزیابی تأثیرات، تفسیری بزرگ‌تر از توانایی‌ها و ظرفیت‌هایش ارائه شود.

مسئله دیگری که گمراه‌کننده بوده، بررسی تأثیرات قبل و حین پروژه است. منظور از اینکه تأثیرات باید حین، قبل و بعد بررسی شود این است که مسئولانی باید از زمان طرح‌ریزی تا اجرا در کنار پروژه باشند؛ یعنی بخشی از فرآیند نظارتی باشند، اما اتفاق دیگری افتاده است. ما در پیوند با چرخه اجرای پروژه‌ها، چندین نوع ارزیابی و ارزش‌یابی داریم که اینها به دلیل گزاف شدن بحث ارزیابی

تأثیرات اجتماعی کاملاً مغفول واقع شده‌اند. مثلاً نیازسنجی، یکی از آنهاست و به این پرسش پاسخ می‌دهد که اساساً این پروژه از کجا یعنی بر اساس چه نیازی باید به وجود بیاید. اگر نیازسنجی به درستی انجام شده باشد، یعنی مردم این پروژه را خواسته‌اند. اما نیازسنجی در ایران اصلاً انجام نمی‌شود و پروژه‌ها اغلب یا از جیب یک نفر درآمده یا برخی دلسوزان حس کرده‌اند که فلان پروژه باید انجام شود. پیشنهاد اولیه آنها مبنای درستی ندارد.

بخش دیگر، مسئلهٔ پایش و ارزیابی است. وقتی پروژه‌ای از نظر اجرا چند سال زمان می‌برد، باید به طور منظم پایش و ارزیابی شود. نمی‌توان و نباید پروژه را رها کرد. اینجا دقیقاً همان جایی است که نتایج و پیشنهادهای ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید قرار بگیرد. در واقع نتایج و پیشنهادهای ارزیابی تأثیرات اجتماعی باید در بخش پایش و ارزیابی مورد استفاده قرار بگیرد. علاوه بر اینها یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در ایران به کلی مغفول است، ارزش‌یابی اثربخشی پروژه‌هاست. غیر از این در ارتباط با همه پروژه‌ها، بحث ارزیابی کارآیی اقتصادی وجود دارد که به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اجرای این پروژه اصلاً صرف می‌کند؟ منظورم از ارزیابی اقتصادی این است که این پروژه از نظر اعتباری که داشته، آیا بیشتر از آن به جامعه منافع رسانده است یا نه؟ در ایران بررسی پروژه‌ها از این منظر هنگام امکان‌سنجی طبق مفروضات و حدسیاتی ممکن است انجام شود، اما هیچ‌وقت حین و در پایان پروژه انجام نمی‌شود. اما بیشتر پروژه‌ها در کشور از نظر زمان‌بندی اجرا با پیش‌بینی‌های اولیه فاصله دارند. پروژه آغاز می‌شود و قرار است سه ساله به پایان برسد، اما در زمان مورد انتظار پیش نمی‌رود. پانزده سال بعد به نتیجه می‌رسد. بنابراین تمام محاسبات اقتصادی تغییر می‌کند. پانزده سال بعد نیازها در جامعه تغییر کرده و در واقع پروژه در آن زمان دیگر منفعی ندارد. پس ما برای اینکه بتوانیم در این مسیر درست حرکت کنیم و به نتیجه برسیم، به مجموعه‌ای از ارزیابی‌ها و ارزش‌یابی‌ها نیاز داریم که بسته به نوع پروژه، برخی از اینها دارای اهمیت بیشتری نسبت به بقیه می‌شوند.

- یعنی در برخی پروژه‌ها می‌توان از ارزیابی تأثیرات اجتماعی صرف‌نظر کرد و ارزیابی‌های دیگری انجام داد؟

در واقع نوع ارزیابی را با توجه به موضوع باید به درستی انتخاب کرد. یک مثال می‌زنم؛ شما می‌خواهید پروژه‌ای را با موضوع آموزش شهروندی اجرا کنید. آیا اجرای این پروژه نیازمند ارزیابی تأثیرات اجتماعی است؟ به نظر من هزینه کردن در اینجا برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، بی‌معنی است. این طرح ممکن

است به چه نتایج منفی منجر شود؟ آموزش حقوق شهروندی، پروژه‌ای است که نتیجه منفی ندارد. اما آیا باید نیازسنجی انجام شود درباره اینکه که چه نوع آموزش‌های شهروندی می‌بایست ارائه شود؟ اینجا پاسخ مثبت است و حتماً باید انجام شود. سؤال دیگر اینکه آیا باید برای چنین پروژه‌ای، ارزیابی اثربخشی انجام داد؟ بله، برای اینکه شما باید بدانید که آموزش‌هایی که ارائه شده، آیا در عمل هم به درد می‌خورد یا نه؟ یکی دیگر از موضوعات این است که وقتی شما برای پروژه‌ها، انواع ارزیابی‌ها را انجام می‌دهید، به ویژه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و ارزش‌یابی اثربخشی، نتایج آن به ارزیابی تأثیرات اجتماعی یک پروژه در جای دیگر کمک می‌کند. شما در ایران چطور می‌توانید ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجام بدهید و درباره آینده حدس‌هایی بزنید، اگر ندانید که گذشته چیست؟ شما وقتی برای هیچ کدام از پروژه‌های مملکت، ارزش‌یابی اثربخشی انجام نمی‌دهید، نمی‌توانید درباره پروژه‌های آتی هم اظهارنظری دقیق کنید. بنابراین ارزیابی پروژه‌ها در چرخه اجرای پروژه‌ها - بسته به نوع طرحی که اجرا می‌شود - باید انتخاب شده و اجرا شود. یکی از نقایص مهم این است که در جایی که پروژه‌ها از نظر اثربخشی باید مورد بررسی قرار گیرند، از ارزیابی تأثیرات اجتماعی استفاده شده، در حالی که ابزار مورد استفاده ارزیابی تأثیرات اجتماعی برای سنجش دقیق اثربخشی، علیل و ناکارآمد است.

- یعنی به نظر شما بهتر است که ارزیابی تأثیرات اجتماعی به عنوان یکی از روش‌های ارزیابی در چرخه اجرای پروژه در جای خودش قرار گیرد و بخشی از زنجیره بزرگ‌تر ارزیابی‌ها باشد؟

بله. مهم این است که برای ما یادگیری‌ها رخ دهد که در نهایت به مرور زمان اجرای پروژه‌ها و نتایجی که به دست می‌آید، بهتر شود. این نکته مهمی است که ما نباید به طور مداوم از اول شروع کنیم. چرا باید پنجاه گزارش ارزیابی تأثیرات اجتماعی درباره پیاده‌راه‌سازی داشته باشیم، اما در نهایت پروژه پیاده‌راه‌سازی خیابان ۱۷ شهریور هم اجرا شود؟ پس تأثیر نتایج مطالعات پیشین در اینجا به چه کاری آمده است؟

به هر حال یکی از خروجی‌های مهم و مورد انتظار در بحث ارزیابی تأثیرات اجتماعی این است که بررسی‌ها در نهایت به چک‌لیستی برسد که دست‌اندرکاران بخش عمومی بتوانند آن را اجرا کنند و نتیجه‌اش را هم ببینند. برای مثال اگر قرار است اینجا پروژه پیاده‌راه اجرا شود، شما چند وقت قبل باید به مردم بگویید که آنها چه باید بکنند و چه نقشی دارند و چه اتفاقی برایشان می‌افتد. تعدادی از پروژه‌هایی که در قالب ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجام شده،

اصلاً به این چک لیست‌ها نرسیده‌اند و بعد به جای آن، دوباره و چندباره ارزیابی تأثیرات روی همان سنخ پروژه‌ها انجام شده است. اینجا نکته بسیار مهمی وجود دارد؛ کسانی که در ایران کار کرده‌اند، متوجه هستند که سیستم یاد نمی‌گیرد. حرفی را که همین امروز درباره ارزیابی تأثیرات اجتماعی به شما می‌زنم، ده سال قبل هم زده‌ام؛ اما سیستم در کشور ما، کوچک‌ترین یادگیری نداشته، چرا؟ چون فرآیند یادگیری را طی نمی‌کند و برای این سیستم، زمان همیشه روز اول است.

- گفتید که ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایران با بار سنگین تری از آنچه در توانش بود، مواجه شد یا از آن، انتظاراتی بالاتر از حد ظرفیتش به وجود آمد و بنابراین چون نتوانسته به این انتظارات پاسخ بدهد، از نظر کارآمدی و دستیابی به نتایج مورد انتظار، مورد انتقاد قرار گرفته است. این مسئله مهمی است که باید به آن توجه کرد. در سال‌های گذشته، برخی افراد می‌گفتند که ما می‌توانیم برای مثال پیامدهای اجتماعی ناشی از تصمیم‌های کلان دولتی را هم بسنجیم. مثلاً درباره همین ماجرای بنزین، عده‌ای نقد کردند و نوشته‌اند که اگر ارزیابی تأثیرات انجام می‌شد، پیامدهای منفی را به این شدت شاهد نبودیم. شما ارزیابی تأثیرات اجتماعی را در بخشی از همان زنجیره ارزیابی‌ها که توضیح دادید قرار دادید، در حالی که این رویکرد در مقابل این تحلیل شما وجود دارد که ارزیابی تأثیرات به عنوان یک بررسی که از روش‌های مختلف استفاده می‌کند، به نوعی میان‌رشته‌ای است و باید با گروهی متشکل از متخصصان مختلف کار کند و توانایی این را باید داشته باشد که پیامدهای اجتماعی، محیط‌زیستی و اقتصادی و... را بسنجد. این رویکرد را چطور تحلیل می‌کنید؟

منظور من مشخصاً این است که ارزیابی تأثیرات اجتماعی نباید جایگزین ارزیابی اثربخشی، ارزیابی اقتصادی و مانند آنها شود. برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، رویه خاصی پیش‌بینی شده است. با رویه‌ای که تاکنون در ایران تجربه شده و الان موجود است، نمی‌توان به بسیاری از پرسش‌های مورد انتظار جواب داد. بله، ممکن است این مهارت‌ها در یک نفر جمع باشد که از ابعاد مختلف یک موضوع را ببیند و مسلط باشد. حتی این فرد ممکن است بتواند پیامدهای اجتماعی افزایش قیمت بنزین را هم بسنجد. اما حتماً اینگونه ارزیابی نیازمند بررسی‌های گسترده‌تر است و مستلزم استفاده از روش‌های مختلف. اما ارزیابی تأثیرات اجتماعی با صورت‌بندی فعلی‌اش نمی‌تواند در این موضوع مشخص، جواب‌های درستی به همه سؤالات ما بدهد.

- آیا اینجا نقد شما به شیوه اجرای ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایران است، آنگونه که در سال‌های گذشته در ایران انجام شده و اگر صورت‌بندی کار و روش اجرا به استانداردهای جهانی نزدیک‌تر شود، اثربخش خواهد بود؟

نه، من این را هم نمی‌گویم. ارزیابی تأثیرات به طور کلی روند مشخصی دارد. یک روال مشخص و تعریف شده که باید پروژه طی آن بررسی شود. سیاست‌های کلان را باید با روش‌های دیگری بررسی کرد. نه اینکه روش‌ها در این دو بررسی با هم به طور کامل متفاوت باشد؛ اشتراکاتی وجود دارد. اما وقتی قرار است سیاست‌های مربوط به افزایش قیمت بنزین سنجیده شود و موضوعاتی از این دست که تحت تأثیر مسائل پیچیده سیاسی و اقتصادی کلان هستند، از نظر سازوکارهای اجرایی به پژوهش‌های بزرگ مقیاس‌تری نیاز است که به نظرم از حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی فراتر می‌رود.

- آنچه در سال‌های گذشته در حوزه ارزیابی تأثیرات اجتماعی در ایران انجام شده را چطور می‌بینید؟ به ما چه آورده‌ای داده، چه کاستی‌هایی داشته و اکنون در کجا ایستاده است؟

شاید کسانی که خیلی بیشتر درگیر اجرای این پروژه‌ها بودند، بهتر بتوانند به این سوال جواب دهند. من فقط ناظر چند پروژه محدود بوده‌ام. در ابتدا که قرار بود بحث ارزیابی تأثیرات در ایران انجام شود، مشارکتی در کارها داشته‌ام، با نقدهای خودم که بخش عمده آنها هم به جایی نرسید. در دوره‌های دیگر هم چون من منتقد بخشی از رویه‌ها بودم، عملاً از این فرایند حذف شدم. این حذف شدن افراد هم به هر حال معنا دارد، به‌ویژه اینکه ما به دنبال گرفتن شرایط ویژه‌ای برای خودمان نبودیم. انتقادهای برای این بود که به فرآیندهای اجرایی مؤثرتری برسیم و به نوعی انتقال تجربه اتفاق بیفتد.

اما چند نکته را در پاسخ به سؤال شما می‌توانم بگویم. یکی از مشکلاتی که وجود دارد این است که در فرآیند اجرای ارزیابی تأثیرات، پروژه‌ها را تبدیل به فعالیت‌های کوچک کردند و اغلب هر کدام را به یکی از تکنسین‌ها واگذار کردند. در حالی که ارزیابی تأثیرات اجتماعی نیازمند مهارت بالا، خلاقیت و میزان مشخصی از تسلط به علوم اجتماعی است. نیاز به فردی دارد که بتواند مطالعه را صورت‌بندی کند و به طور دقیق پیش ببرد. اما افرادی وارد بازار کار ارزیابی تأثیرات اجتماعی شدند که برای مثال طبق معیارهای اولیه، فوق لیسانس بودند و مثلاً دو سال سابقه کاری داشتند. مسئله این نیست که افرادی با این ویژگی‌ها

نمی‌توانند یا نباید کار کنند. هر کسی می‌تواند وارد بازار کار شود، تجربه کسب کند و در آینده رشد کند. مسئله این است که فرآیند ارزیابی تأثیر پروژه به این شکل، نادرست و ناکافی است. مسئله دیگر، نگاه پیمانکاری به اجرای پروژه‌های ارزیابی تأثیرات است. این رویکرد هم قابل انتقاد است. فرآیند کار در شرکت‌های ایران به گونه‌ای است که کار را می‌گیرند و به افراد دیگر واگذار می‌کنند. درست است که در کارهای ساختمانی ممکن است غیر از این چاره‌ای نباشد؛ اما در حوزه علوم انسانی فرق می‌کند و نقش نیروی انسانی در این پروژه‌ها بسیار مهم است. شما شرکتی را در نظر بگیرید که ابتدای کار، پنجاه درصد کل اعتبار پروژه را در جیبش می‌گذارد. نیروی انسانی هم ندارد. از بیرون یک نفر را جذب می‌کند و کار را به او واگذار می‌کند. نفر دوم هم نصف پنجاه درصد مانده را برمی‌دارد و باقی را می‌دهد به چند نفر دیگر. در نهایت چند جلسه گفت‌وگو با ذی‌نفعان برگزار می‌شود و گزارشی هم از این جلسه‌ها درمی‌آید. بسیاری از پروژه‌های ارزیابی تأثیرات در سال‌های گذشته به این شکل اجرا شده است. این فرآیندها درست کار نمی‌کنند.

ممکن است پرسید که چه فرآیندی درست کار می‌کند. وقتی سیستم‌ها دچار فساد می‌شود و فرد معتمد و به اصطلاح ریش سفید ندارد، ناگزیر می‌شوید ضوابط را زیاد کنید. این ضابطه‌ها، رانت جدید ایجاد می‌کند. شما باید آدم‌ها بتان را در فرآیند پروژه درست انتخاب کرده باشید. ما ضعف نیروی انسانی و ضعف اخلاق حرفه‌ای داریم. ساختارهای جهان‌سومی کنونی فقط یک سری ضوابط دارند و آنها را تیک می‌زنند و این یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های ایجاد رانت است. یک نفر آنجا نشسته و تنها کارش این است که همین تیک را بزند. می‌گوید از تو خوشم می‌آید و تیک می‌زنم و به آن یکی می‌گوید تو پول بده، این بخش کار را برایت تیک نمی‌زنم و از این دست مسائلی که با آنها آشنا هستیم. حل این داستان‌ها هم اصلاً چیز ساده‌ای نیست.

- همه ساختارها و در کشورهای مختلف هم ممکن است دچار فساد شوند.

حتماً همین‌طور است. اما ساختارها در برخی کشورها بهتر عمل می‌کند و کمتر اجازه فساد می‌دهد. موضوع مهم این است که ساختارها باید برای انجام کار خوب به افراد پرستیژ بدهند. اما در کشورهای جهان سوم، کار خوب اصلاً اهمیتی ندارد. این حوزه سیاست‌گذاری بخش عمومی است و حوزه پیچیده‌ای است. باید از خودمان پرسیم که اصلاً چطور می‌شود که نهادهای عمومی به این روز می‌افتند و چطور می‌توان آنها را سالم کرد؟ نهادهای سالم اینقدر ضوابط دست

و پاگیر ندارند و در آنها مردم خودشان تصمیم می‌گیرند و اختیار تصمیم‌گیری بالاتری دارند. اگر حوزه ارزیابی تأثیر اجتماعی هم تبدیل شود به حوزه‌ای که کیلویی با آن برخورد می‌کنند، بی‌فایده خواهد بود. آیا نگاه این است که گزارش صد صفحه‌ای از گزارش ده صفحه‌ای، فارغ از اینکه چه می‌گویند، ارزش بیشتری دارد؟ مسئله بحث نگاه کیفی است و اینکه از چه نیروهایی با چه کیفیتی و با چه انتظاراتی در این حوزه استفاده می‌شود. چه کسانی الآن در این حوزه فعال هستند و با چه رویکردی کار می‌کنند؟ آیا همان افرادی نیستند که پیشتر با همین مقاله‌های کیلویی در ساختارهای آکادمیک بالا آمده‌اند.

به هر حال یکی از مسائل مهم در سال‌های اخیر در این حوزه این است که بخشی از افرادی که وارد این حوزه شدند، منافع خودشان را گسترش دادند و درآمد حاصل از پروژه‌ها را هم بین دوستان و رفقای نزدیکشان پخش کردند و به تدریج هم ذهن‌ها معیوب شد. به این می‌گویند وابستگی به مسیر؛ یعنی صداها و نقدها و نظرها شنیده نمی‌شود، چون ذهن‌ها به مسیر وابسته شده و نمی‌تواند خودش را بیرون از این دایره ببیند. بنابراین فرآیند معیوب ادامه پیدا می‌کند. این را بگویم که من خودم هیچ ادعایی ندارم که بتوانم اینها را حل کنم. اما اینها نکات مهمی است که وقتی ما به آینده ارزیابی تأثیرات اجتماعی فکر می‌کنیم، باید مدنظر داشته باشیم.

- پیش از شروع مصاحبه گفتید که می‌خواهید درباره مجله‌های علمی و همین‌طور پیشنهادهاitan برای مجله ارزیابی تأثیرات اجتماعی صحبت کنید. همین مسائلی که بحث کردیم، درباره مجله‌های ما هم وجود دارد. مخصوصاً مجله‌های علمی و پژوهشی ما. بیشتر این مجله‌ها درگیر رانت هستند. اولاً تعدادشان بسیار زیاد است و مقالات سطح پایین است و با سفارش منتشر می‌شوند. در مجلات علمی هم وضعیت همان شرایط کیلویی حاکم است. برای مثال فردی که سه کیلو مقاله تولید کرده، ممکن است بشود سردبیر یکی از این مجلات، در حالی که در تمام زندگی‌اش یک تحقیق انجام نداده و یک کار درست از او نمانده است. بسیاری از این مجله‌ها این مشکل را دارند و حتی اگر کسی بخواهد مجله خوب هم درست کند، باز هم با مشکل مواجه می‌شود؛ چون وقتی سطح مجلات و مقالات اینقدر پایین آمده است، جامعه علمی هم همراهی و بعضاً درک نمی‌کند که اگر اینجا دارد سخت‌گیری می‌شود، با این هدف است که کیفیت بالا برود. نتیجه این می‌شود که چنین مجله‌ای هم به تجربه‌ای شکست خورده تبدیل می‌شود، چون ساختارهای انگیزشی برای ارتقای کیفیت مقالات و ارتقای

کیفیت داوری از بین رفته‌اند. پیشنهادم برای مجله شما این است که بهتر است اسمش ارزیابی تأثیر اجتماعی نباشد و به این حوزه محدود نباشد. عنوانی فراگیرتر از بحث ارزیابی تأثیرات انتخاب کند و انواع ارزیابی‌ها و پایش‌ها از جمله نیازسنجی، اثرسنجی و... هم در این مجله دیده شود.

- از شما و فرصتی که برای این گفت‌وگو اختصاص دادید، متشکریم.

گزارش نشست

کندوکاوی در ماهیت
خیابان لاله زار و پیامدهای اجتماعی
احیای آن

وحید خاکدان

گزارش نشست

«کندوکاوی در ماهیت خیابان لاله‌زار و پیامدهای اجتماعی احیای آن»

تهیه و تنظیم: وحید خاکدان

اقدامات شهرداری تهران در راستای سامان‌دهی، به‌سازی، نوسازی و احیای یکی از خیابان‌های قدیمی شهر تهران (که می‌توان از آن به عنوان یکی از نمادهای هویتی شهر تهران یاد نمود) که از دیرباز تاکنون مورد توجه متخصصان حوزه‌های مختلف بوده است، بهانه‌ای بود تا نشستی با عنوان «کندوکاوی در ماهیت خیابان لاله‌زار و پیامدهای اجتماعی احیای آن» با همت گروه علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران و مشارکت گروه مطالعات شبه‌شهر و مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی در روز چهارشنبه مورخ ۲۲ آبان سال ۱۳۹۸ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سالن اجتماعات انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار گردد.



هدف‌های بیان‌شده از سوی مدیریت شهری در راستای سامان‌دهی، به‌سازی، نوسازی و احیای این خیابان را می‌توان به قرار زیر بیان نمود:

- * احیای بافت تاریخی و فرهنگی خیابان لاله‌زار
- * بهبود منظر شهری و ایجاد فضای عمومی شهری
- * تغییرات در معماری و نشانه‌های شهری برای نمود بافت تاریخی خیابان لاله‌زار

- * افزایش امنیت شهری و حذف فضاهای بی دفاع شهری
- * گسترش فضای پیاده‌محور و بهبود پیاده‌راه‌ها
- * غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان تهرانی
- * ایجاد حیات جمعی شهروندان با بازتولید فضای تاریخی و فرهنگی خیابان لاله‌زار
- * ترویج روحیه گردشگری
- * جذب سرمایه‌گذاران به این خیابان
- * ...

در این نشست تلاش شد تا نخست با بررسی پیشینه شکل‌گیری و فرآیند تغییرات رخ داده در این خیابان در دوره‌های مختلف تاریخی، شناختی کلی درباره آن برای حاضران ایجاد و در ادامه به بررسی برخی از پیامدهای اجتماعی تغییراتی که مدیریت شهری در این خیابان انجام داده، اشاره شود. به این منظور جناب آقای مهندس مجید منصور رضایی، مؤسس و گروه مطالعاتی شنبه‌شهر و جناب آقای دکتر هادی برغم‌دی، مدیر مرکز علمی و تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی جهاد دانشگاهی با انجام دو سخنرانی به دو وجه اشاره شده در این باره پرداختند.

ابتدا آقای مهندس منصور رضایی، سخن خود را درباره تهران و سیر تاریخی پایتخت بودن تهران از دوره قاجار تا به امروز آغاز کردند. ایشان تقاطع خیابان لاله‌زار با خیابان انقلاب را دروازه زمان تهران خواندند و افزودند:

«با گذار از اینجا، گذر از سنت به تجدد را مشاهده می‌کنیم. از تهران شناخت خوبی وجود ندارد. در زمان قاجار، تهران یک روستای ساده مثل بقیه روستاها بوده و در زمان آقا محمدخان قاجار، تهران به پایتخت تبدیل می‌شود. اما سؤال اینجاست که چرا در آن بین آن همه روستای پر از ثروت، هنر و مدنیت، تهران که در آن زمان یک روستای ساده بوده است، به پایتختی برگزیده می‌شود؟ از موضوع آقا محمدخان بگذریم و برسیم به این جریان تجدد و خیابان لاله‌زار، باید به سه تن از شاهان اشاره کنم: فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار که تجدد شهری، نتیجه عملکرد ناصرالدین شاه است. در آن زمان این تجددی که در تهران در حال رخ دادن است، ارتباطی با تجدد عمومی که در حال رخ دادن است، دارد. اینکه به صورت کلی چرا به آن تجدد گفته می‌شود، ناصرالدین شاه بعد از ملاقات با امیر کبیر و تأسیس مدرسه دارالفنون توسط امیر کبیر که این مدرسه اثر بسزایی در توسعه شهر داشت،

اولین نقشه تهران را تهیه کرد که چهار کیلومتر مربع بود (امروز تهران ۷۵۰ کیلومتر مربع است). در آن زمان ناصرالدین شاه از مدرسه تهران می‌خواهد که طرح توسعه تهران را با الگوی اروپایی و به طور مشخص فرانسوی آماده کند. در این طرح توسعه، خیابان تحت عنوان راه، معبر و... جایگاه بسیار مهمی پیدا می‌کند، چرا که خیابان، شهر را گسترش می‌دهد؛ وسعت تهران را از چهار کیلومتر مربع به نه کیلومتر مربع تغییر داد.»

ایشان در ادامه بیان داشتند که:

«در این دوره با به وجود آمدن مغازه‌ها، در جداره خیابان لاله‌زار، کاربری مسکونی - تجاری پدید می‌آید و به سمت الگوی اروپایی پیش می‌رود. بسیاری از جلوه‌های مدرنیته مثل اولین گل‌فروشی، اولین کافه، اولین تئاتر، اولین سینما، اولین پاساژ و... در این دوره پدیدار می‌شود. در لاله‌زار در زمان شکل‌گیری حکومت پهلوی در سال ۱۳۰۴ و روی کار آمدن رضاشاه، یک جریان اقتدارگرا شکل می‌گیرد. معماری‌های آن دوره بیانگر تجلی این نگاه اقتدارگراست. وجود تعداد زیادی سالن تئاتر، سینما، چاپخانه و کافه نشان‌دهنده پویا و فعال بودن خیابان لاله‌زار است. این خیابان، وجوه مهمی برای تهران دارد که یکی از آنها وجه معماری است. در دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰، ما معماران درجه یکی را در ایران داریم؛ مثل مارکوف که از دل مدارس که جریان مدرنیته را نمایندگی می‌کنند بیرون آمده‌اند. همچون مدرسه هنرهای زیبای پاریس، این معماران برای معماری ساختمان‌های خیابان لاله‌زار بسیار توانمند بودند. این خیابان با پتانسیل بالای خود به آنها امکان خلق آثار هنری در معماری مدرن آن دوره را می‌داد. یکی دیگر از جریاناتی که در این خیابان وجود داشت، جریان کافه‌نشینی و یا روشن‌فکری است. در پیش از دهه ۱۳۲۰، کافه‌های تهران در لاله‌زار، فضایی برای شکل‌گیری یک جریان فرهنگی بود و فقط جایی برای ملاقات و غذا خوردن نبوده است. جریان دیگری که این خیابان از آن پشتیبانی می‌کند، جریان سینماست. تعداد زیادی سینما در لاله‌زار وجود داشت که اولین فیلم ایرانی به نام «دختر لر» در این سینماها نمایش داده می‌شود.

در خیابان لاله‌زار، هتلی بی‌نظیر وجود دارد به نام گراند هتل. همچنین خیابان لاله‌زار از جمله معدود خیابان‌هایی است در ایران و جهان که موسیقی در آن اجرا می‌شده است و با عنوان موسیقی لاله‌زار معروف بوده است.

«موضوع دیگری که در این خیابان به چشم می‌خورد، تولید مجلات بود. بسیاری از مطبوعات مثل کیهان، مطبوعه فاروس و دیگر روزنامه‌ها در اینجا بودند. در مجموع می‌خواهم به این برسم که جریان اضمحلال خیابان لاله‌زار چگونه شروع شد و شکل‌گیری آن چگونه شروع شد؟ این سؤال را باید اینگونه پاسخ داد که اگر لاله‌زار خودش ماحصل جریان تجدد بود، خودش هم قربانی این تجدد شهری است. این به آن معناست که با توسعه تهران، سینماهای جدیدی در دهه چهل و پنجاه ساخته می‌شود، در خیابان‌هایی مثل تخت جمشید، ولیعصر، یوسف‌آباد و... همچنین کافه‌های جدیدی ساخته می‌شود؛ هتل‌های جدیدی ساخته می‌شود. این امر باعث می‌گردد خدماتی که در لاله‌زار وجود داشت، به جاهای دیگری مثل تجریش منتقل شود. از انقلاب سال ۵۷ (با توجه به اینکه معمولاً بعد از هر انقلابی، نمادهای حکومت قبلی از بین برده می‌شود) به خیابان لاله‌زار به عنوان کالبد هرگونه فساد، هرگونه فحشا و هرگونه امر ناپسند حمله می‌شود و تمام مشروب‌فروشی‌ها، کاباره‌ها و مراکز فساد بسته می‌شود. اما در کنار اینها سینما، تئاتر، کتاب‌فروشی‌ها هم تعطیل می‌شود و این جریان به همه چیز بسط پیدا می‌کند. بر همین اساس ما با یک جریان جابه‌جایی بعد از انقلاب در این خیابان مواجه هستیم که فروشندگان لوازم الکتریکی در آنجا مستقر می‌شوند که تا امروز هم وجود دارد».

آقای رضایی در پایان سخنان خود به مقایسه خیابانی در ترکیه با لاله‌زار که شباهت‌هایی در برخی از ویژگی‌ها با یکدیگر دارند پرداخته و در این باره بیان داشتند:

«خیابانی در ترکیه وجود دارد به نام استکلال (استقلال) که مانند خیابان لاله‌زار یک دوره افول دارد و تمام ساختمان‌های ارزشمندش به انباری و تولیدی تبدیل شده بود و تمام صاحبانش به جاهای دیگری مهاجرت کرده بودند. تا سال ۱۹۹۲، خیابان استکلال

خرابه‌ای بود مانند لاله‌زار ما. اما در سال ۱۹۹۲، دانشگاه «آی‌تی‌یو» با برخی از «ان‌جی‌او»ها و شهرداری تصمیم می‌گیرند که نمای جلوی همه ساختمان‌ها را تعمیر کنند و از صاحبان مغازه‌های قدیمی که به خارج مهاجرت کردند، درخواست می‌شود که بار دیگر به این خیابان برگردند و کسب و کار خود را احیا کنند و این خیابان به پیاده‌راهی زیبا تبدیل می‌شود. این همکاری میان بخش خصوصی، بخش دولتی و نهادهای مردمی موجب شده است که این خیابان به یکی از مکان‌های گردشگری این کشور تبدیل شده و سالانه میلیون‌ها گردشگر داخلی و خارجی به خود جذب نماید.

در ادامه آقای دکتر هادی برغم‌دی، سخنانشان را با ارائه گزارشی از تصمیم مدیریت شهری درباره خیابان لاله‌زار آغاز نمود و تلاش کرد تا با نگاهی به اقدامات و تصمیم‌های گرفته‌شده درباره این خیابان که برخی از آنها به سال ۱۳۸۰ مربوط می‌شده است، به آنچه موجب شده مدیریت شهری امروز دست به اقداماتی در این خیابان بزند، اشاره نماید. ایشان در این باره بیان داشتند:

«شهرداری منطقه ۱۲ تهران در این خیابان پیش از هر اقدامی تصمیم گرفت تا پیامدهای اقدام خود را بسنجد و مشخص کند که با این اقدام، چه اتفاقی برای کسبه، ساکنان، موتوری‌ها و سایر ذی‌نفعان خواهد افتاد. در این مقطع زمانی، گروه پژوهشی مربوط به اتا (ارزیابی تاثیرات اجتماعی) وارد میدان شد. در نخستین اقدام، برآوردی که ما به دست آوردیم، چیزی حدود ۵۷۰۰ واحد فعال در لاله‌زار و حومه آن در حال فعالیت بودند که باید مورد بررسی قرار می‌گرفتند. بعد از ورود به فضا، مطالعات اسنادی، میدانی، تطبیقی و پیمایش با گروه‌های مختلف انجام شد و در این راستا مصاحبه‌های فردی با مسئولان، نهادهای فعال همچون اتحادیه الکتریکی، شوراباران، متخصصان این حوزه، نهادهای فعال در لاله‌زار، سازمان‌های ذی‌نفع و... صورت پذیرفت.»

از جمله نکات مهم در این پژوهش که ایشان به آن اشاره نمودند، تعداد فراوان پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌های مختلف درباره این خیابان بوده است که از نظر ایشان، این تعدد مطالعات از سویی اهمیت این خیابان را برای متخصصان حوزه‌های مختلف نشان می‌دهد و از سوی دیگر نشان از آن دارد که در دوره‌های مختلف مدیریتی، این خیابان و اصلاح و یا تغییر در وضعیت آن از جمله

دغدغه‌های مدیران شهری بوده و هست. آقای دکتر برغم‌دی در ادامه و در بیان برخی از مطالعات اسنادی خود بیان داشتند:

«بر اساس نتایج به دست آمده از مطالعات اسنادی، برتری پیاده به سواره در لاله‌زار واقعیتی بود که با کلیه اسناد بالادستی همخوانی دارد. بنابراین منع قانونی برای این موضوع وجود ندارد. حتی به طور مشخص در اسناد بالادستی اشاره شده است که این خیابان باید به پیاده‌راه تبدیل شود».



از جمله نکاتی که ایشان در سخنان خود به آن اشاره نمودند، اشاره به برخی نتایج حاصل از سرشماری نفوس و مسکن در این محدوده بوده است. ایشان بیان داشتند که جذب جمعیت ساکن و جلوگیری از مهاجرت از جمله مسائل مهم برای مدیران شهری منطقه ۱۲ شهرداری تهران از سال‌های گذشته بوده است و خالی شدن از سکنه به عنوان یکی از مسائل این منطقه مطرح بوده است. اما با توجه به دو سرشماری اخیر، این منطقه افزایش جمعیت داشته و مهاجرپذیر بوده است. هر چند بررسی علت مهاجرپذیری این منطقه، پژوهشی مستقل را می‌طلبد، باید در کنار اقدامات شهرداری در این منطقه، عامل اقتصادی و سختی سکونت و گرانی آن در سایر مناطق را نیز در

شمار متغیرهای مؤثر بر این رخداد قلمداد نماییم. آنچه در این بین قابل تأمل است، کاهش جمعیت محله لاله‌زار - فردوسی در این وضعیت (یعنی افزایش جمعیت منطقه ۱۲ شهرداری تهران) است. این کاهش جمعیت زمانی که در کنار تغییر نسبت جنسی و افزایش مردان نسبت به زنان و همچنین افزایش بعد خانوار قرار می‌گیرد، نشان از افزایش خانه‌های مجردی و احتمالاً خانه‌های کارگرنشین در این محله دارد که نیازمند توجه بیشتر مدیران شهری است.

دکتر برغم‌دی درباره سایر نتایج این طرح اضافه کردند:

«در نیازسنجی‌ای که ما انجام دادیم، مشخص شد که این به‌سازی و نوسازی معابر جزء دغدغه‌های کسبه در لاله‌زار بوده است. در حوزه هویت شهری، سازمان‌های زیادی پای کار هستند. به عنوان مثال سازمان میراث فرهنگی تلاش دارد تا لاله‌زار را ثبت تاریخی کند و معتقد است که با این اقدام می‌تواند به تغییرات کالبدی در این خیابان پایان داده، بناهای باارزش را حفظ نماید.»

ایشان همچنین از کشف و بررسی برخی آسیب‌های اجتماعی در کوچه و پس‌کوچه‌های لاله‌زار خبر داده، بیان داشتند که بر اساس مشاهدات گروه پژوهش در روزها و ساعت‌های خاصی می‌توان فراوانی برخی از این مسائل و آسیب‌ها را مشاهده نمود که در این باره لکه‌ها و مراکزی شناسایی شده است. به طور مثال کارتون‌خوابی، فروش مواد و روسپیگری در برخی از مکان‌ها وجود داشته که از آن جمله می‌توان به کوچه باربد و کوچه نوشین اشاره نمود. سایر این لکه‌ها نیز روی تصویری مشخص و در اختیار مسئولان شهری قرار گرفته است تا در به‌سازی، نوسازی و احیای این خیابان به این موارد نیز توجه گردد.

از جمله نکاتی که در سخنان ایشان وجود داشت، ضعف اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های انجام‌شده در این خیابان بود. این ضعف اطلاع‌رسانی هم درباره کسبه و عابران از آنچه قرار است رخ دهد بوده است و هم نهادها و سازمان‌های حاضر در خیابان و یا ذی‌نفع. بسیاری از نهادهای مرتبط با موضوع همچون میراث فرهنگی، اورژانس، آتش‌نشانی، اوقاف و... اعلام کرده بودند که از طرح بی‌اطلاع هستند که به بیان آقای برغم‌دی با تشکیل گروه‌هایی در این باره و ارائه پیشنهادهایی برای هماهنگی بیشتر در این منطقه، ستاد سامان‌دهی خیابان لاله‌زار تشکیل شده است که این ستاد در تلاش برای ایجاد هماهنگی و همکاری بین ذی‌نفعان فردی، گروهی و سازمانی در این خیابان بوده است.

در انتهای نشست نیز ایشان با بیان چهار سناریوی پیشنهادی تلاش کردند تا آینده‌پروژه را در چهار وضعیت ترسیم نمایند و در نهایت پیشنهاد خود را در قالب برنامه‌هایی (نظام ارتباطی و نظام اجرا) بیان داشتند و تأکید نمودند که در اجرای طرح خیابان لاله‌زار، مشارکت تمامی گروه‌های حاضر در این خیابان، ضرورتی غیر قابل چشم‌پوشی بوده و بدون مشارکت آنها، این طرح نمی‌تواند به هدف‌های خود دست یابد.

English Abstracts

* Designing a Model for Evaluating and Improving the Performance of Urban Plans

Esmā'il Jahani Dowlatabad, Rahman Jahani Dowlatabad

* Qualitative Analysis of the Socio-Economic Impacts of Construction of Shahid Bagheri Square Multi-storey Parking

Aadel Abdollahi

* Social and cultural Impact Assessment of Sports Complexes: A Case Study of Narmak Sports Complex

Ma'soumeh Mohaqeq Montazeri

* A framework for combining social impact assessment and risk assessment

Hossein Mahmoudi, Ortwin Renn, Frank Vanclay, Volker Hoffmann, Ezatollah Karami

Persian translation by Farid Nahid

* Developing social impact assessment guidelines in a pre-existing policy Context

Richard Parsons, Jo-Anne Everingham and Deanna Kemp

Persian translation by Shahrbanoo Naser

Designing a Model for Evaluating and Improving the Performance of Urban Plans

Esma'il Jahani Dowlatabad

PhD in Economic and Development Sociology, Faculty Member of National Population Studies and Comprehensive Management Institute. sml.jahani@gmail.com

Rahman Jahani Dowlatabad

PhD in Economic and Development Sociology, Faculty Member of National Population Studies and Comprehensive Management Institute

Abstract

Through differentiation between urban plans and projects, this paper emphasizes that urban plans are less exposed to evaluation because of the lack of defined performance evaluation models and the difficulty of evaluating the performance of urban plans compared to urban projects. However, many of these plans are in dire need of rigorous study and evaluation. Accordingly, we have tried to provide a theoretical-methodical model for evaluating and improving the performance of urban plans, based on existing theoretical approaches and also results of research in this area. Our proposed model evaluates the performance of urban plans by measuring three main variables, i.e. effectiveness, justification and sustainability of results, each of which follows a different measurement and evaluation process. This model explores the origins and causes of success or failure of a plan in three areas, namely policy making, implementation, and participation, and the resulted management system is based on two key mechanisms: structure and approach. This model presents a six-step process in the field of research that methodically enables the researchers to estimate the performance of the urban plans; and by identifying the successes / failures causes, it can provide objective and practical suggestions for improving the performance of these plans. Hopefully the proposed model in this paper will provide the researchers with at least an initial guideline for evaluating and improving the performance of urban plans.

Key Words: Urban Plans, Performance Evaluation, Effectiveness, Performance Improvement.

Qualitative Analysis of the Socio-Economic Impacts of Construction of Shahid Bagheri Square Multi-storey Parking*

Aadel Abdollahi

PhD in Economic and Development Sociology, Faculty Member of National Population Studies and Comprehensive Management Institute; adel.abdollahi@psri.ac.ir

Abstract

This study was aimed to analyze the social and economic impacts of the construction of multi-storey parking in Shahid Bagheri Square, South Yaftabad District, Tehran. The methodology of this study was qualitative and the data were collected through observation and interview techniques with a focus on the interpretations of the participants. The data collection process continued until it reached a theoretical saturation. In this process, 47 technical experts, officials, key informants and local residents were interviewed both in person and within a discussions group. The Findings revealed that not only the effectiveness of this construction project but also the manageability of its impacts depend on consideration of socio-economic status of Yaftabad neighborhood residents. Therefore, suggestions derived from present study are as follow: Renting parking lots based on the common price in the South Yaftabad neighborhood with a fair pricing mechanism; Strengthening intra- and inter-organizational coordination by emphasizing on social participation; Incorporating construction of a neighborhood hall -Saraye Mahalle- into this project for addressing the social and cultural needs of the residents; Utilizing the parking building as a local cultural heritage bulletin; Preventing spaces from getting unprotected and indefensible by including green spaces or playgrounds in building plan; reinforcing social interactions and local identity by turning some parts of the parking to a local hangout as a hub of local and social communication.

Key Words: Social Impacts, Economic Impacts, Development measures, South Yaftabad.

* This article is derived from a research project called "Social and Cultural Impact Assessment of Shahid Bagheri Square Multi-storey Parking funded by Tehran City Technical and Engineering Consulting Organization and Tehran Municipality Department of Social and Cultural Studies under Hamid Gheisari's supervision

Social and cultural Impact Assessment of Sports Complexes: A Case Study of Narmak Sports Complex

Ma'soumeh Mohaqeq Montazeri
M.A. in Sociology; ma.mohaghegh15@gmail.com

Abstract

One of the biggest problems facing cities, especially large ones is inadequate share and distribution of sports facilities due to the size of urban population and insufficient government budget. Construction of Narmak Sports Complex is one of the projects that have been implemented with the aim of developing sports and leisure area aligned with the Comprehensive Master-plan for Tehran City and the Detailed Plan of Region 8. It also aimed to transform a polluted site into a service area. The present study seeks to identify the social and cultural impacts of this project and to estimate the positive and negative outcomes within the project-affected area. This research took a mixed approach combining documentary and field methods, and tools such as observation, in-depth and semi-structured interviews, questionnaires, and focused group discussions were used to collect data. The findings of this study show that besides positive impacts such as increasing sports space per capita, eliminating environmental pollution, improving the urban landscape, reducing household costs, reducing perceived public insecurity, enriching leisure activity patterns, etc., this project also has negative impacts such as reducing market share of pre-existing sports complexes, causing traffic problems due to lack of parking space and increasing traffic jams in the area.

Key Words: Social and Cultural Impact Assessment, Narmak Sports Complex, Tehran Municipality Region 8.

A framework for combining social impact assessment and risk assessment

Environmental Impact Assessment Review 43 (2013) 1–8

Hossein Mahmoudi¹, Ortwin Renn², Frank Vanclay³, Volker Hoffmann⁴, Ezatollah Karami⁵

Persian translation by Farid Nahid

M.A. in Management; farid.nahid.research@gmail.com

Abstract

An increasing focus on integrative approaches is one of the current trends in impact assessment. There is potential to combine impact assessment with various other forms of assessment, such as risk assessment, to make impact assessment and the management of social risks more effective. We identify the common features of social impact assessment (SIA) and social risk assessment (SRA), and discuss the merits of a combined approach. A hybrid model combining SIA and SRA to form a new approach called, 'risk and social impact assessment' (RSIA) is introduced. RSIA expands the capacity of SIA to evaluate and manage the social impacts of risky projects such as nuclear energy as well as natural hazards and disasters such as droughts and floods. We outline the three stages of RSIA, namely: impact identification, impact assessment, and impact management.

Key Words: Unanticipated impacts; Risk management; Cumulative effects; Concern assessment; Social amplification of risk; Socio-political ambiguity.

1. Department of Social Sciences in Agriculture, University of Hohenheim, Germany.
2. Environmental Sciences Research Institute, Shahid Beheshti University, G.C., Iran.
3. Department of Technology and Environmental Sociology (and DIALOGIK), University of Stuttgart, Germany.
4. Department of Cultural Geography, Faculty of Spatial Sciences, University of Groningen, Groningen, The Netherlands.
5. College of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

**Developing social impact assessment guidelines in
a pre-existing policy Context**

Impact Assessment and Project Appraisal, Volume 37, 2019 - Issue 2

Richard Parsons¹, Jo-Anne Everingham², Deanna Kemp³

Persian translation by Shahrbanoo Naser
M.A. in Cultural Management; homaa22@yahoo.com

Abstract

Few jurisdictions have translated internationally agreed social impact assessment (SIA) principles into statutory provisions. Governments and regulatory bodies tend to provide developers with high-level frameworks, or require that social impacts be ‘considered’, without specifying how this is to be done. In Australia, this lack of clarity leaves all parties uncertain about requirements for SIA. The New South Wales (NSW) Government’s 2017 release of the SIA guideline for State-significant mining, petroleum and extractive industry development represents an attempt to clarify requirements and provide guidance. In this paper, we describe the process of bringing this guideline to fruition from the perspective of being directly involved in its development, and highlight the challenges involved in integrating leading-practice principles into the state’s pre-existing policy framework. While the guideline represents a significant advance in policy-based SIA guidance, some aspects leave room for improvement. The real test of the guideline’s impact will lie in its influence on SIA practice in NSW, and ultimately in social outcomes for communities affected by resources projects.

Key Words: Social impact assessment; community engagement; public participation; policy Development.

1. NSW Department of Planning and Environment, Sydney, Australia.
2. Centre for Social Responsibility in Mining, The University of Queensland, Brisbane, Australia.
3. Centre for Social Responsibility in Mining, Sustainable Minerals Institute, The University of Queensland, Brisbane, Australia.

